

انجيل متى



بشارتها و اندزهای پیامبر عظیم الشأن عیسی مسیح ﷺ

سید احمدالحسن ﷺ : «وَسَيُشْكُوكم اشعيا وارميا ودانيال وعيسى ويوحنا البربري لأنهم بينوا أمري لأهل الأرض قبل سنين طويلة، وستشكوكم التوراة والإنجيل والقرآن التي ذكرتُ فيها، كل هذا وتخذلونني»؛ (اشعيا و ارميا و دانيال و عيسى و يوحناى بربرى از شما شكايـت خواهند كرد، زيرا كه آنها امر مرا از سالهاى طولانى پيش براى مردم زمين روشن ساختند. و تورات و انجيل و قرآن كه در آن ذكر شده ام شما را شكايـت خواهند كرد؛ با وجود اين همه دلايل باز مرا انكار مى كنيد و مرا يارى نمى دهيد؟!).

ترجمه: هزاره نو

گردآوری و تنظيم: صادق شكارى

رجب ۱۴۴۱ هـ.ق



جهت آشنایی با دعوت سید احمد الحسن علیه السلام به تارنمای زیر مراجعه نمایید:

<https://www.almahdyoon.co>

فهرست

٥	إهداء
٦	معرفة كتاب
٩	إنجيل متى : الأصحاح الأول * ١:١-٢٥
١٠	إنجيل متى : الأصحاح الثاني * ١:٢-٢٣
١٢	إنجيل متى : الأصحاح الثالث * ١:٣-١٧
١٤	إنجيل متى : الأصحاح الرابع * ١:٤-٢٥
١٦	إنجيل متى : الأصحاح الخامس * ١:٥-٤٨
١٩	إنجيل متى : الأصحاح السادس * ١:٦-٣٤
٢٢	إنجيل متى : الأصحاح السابع * ١:٧-٢٩
٢٤	إنجيل متى : الأصحاح الثامن * ١:٨-٣٤
٢٧	إنجيل متى : الأصحاح التاسع * ١:٩-٣٨
٣٠	إنجيل متى : الأصحاح العاشر * ١:١٠-٤٢
٣٣	إنجيل متى : الأصحاح الحادي عشر * ١:١١-٣٠
٣٥	إنجيل متى : الأصحاح الثاني عشر * ١:١٢-٥٠
٣٩	إنجيل متى : الأصحاح الثالث عشر * ١:١٣-٥٨
٤٤	إنجيل متى : الأصحاح الرابع عشر * ١:١٤-٣٦
٤٦	إنجيل متى : الأصحاح الخامس عشر * ١:١٥-٣٩
٤٩	إنجيل متى : الأصحاح السادس عشر * ١:١٦-٢٨
٥٢	إنجيل متى : الأصحاح السابع عشر * ١:١٧-٢٧
٥٤	إنجيل متى : الأصحاح الثامن عشر * ١:١٨-٣٥
٥٧	إنجيل متى : الأصحاح التاسع عشر * ١:١٩-٣٠

٥٩		إنجيل متى : الأصحاحُ العِشْرُونَ * ١:٢٠-٣٤
٦٢		إنجيل متى : الأصحاحُ الحَادِي وَالْعِشْرُونَ * ١:٢١-٤٦
٦٦		إنجيل متى : الأصحاحُ الثَّانِي وَالْعِشْرُونَ * ١:٢٢-٤٦
٦٩		إنجيل متى : الأصحاحُ الثَّالِثُ وَالْعِشْرُونَ * ١:٢٣-٣٩
٧٢		إنجيل متى : الأصحاحُ الرَّابِعُ وَالْعِشْرُونَ * ١:٢٤-٥١
٧٦		إنجيل متى : الأصحاحُ الْخَامِسُ وَالْعِشْرُونَ * ١:٢٥-٤٦
٧٩		إنجيل متى : الأصحاحُ السَّادِسُ وَالْعِشْرُونَ * ١:٢٦-٧٥
٨٦		إنجيل متى : الأصحاحُ السَّابِعُ وَالْعِشْرُونَ * ١:٢٧-٦٦
٩١		إنجيل متى : الأصحاحُ الثَّامِنُ وَالْعِشْرُونَ * ١:٢٨-٢٠
٩٣		پیوست کتاب: حقیقت داستان عیسی ﷺ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْأَئِمَّةِ وَالمُهْدِيِّينَ وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

اهداء

تقديم به عيسى مسيح ﷺ که بظهور مهدی از سال های طولانی پیش بشارت داد
 تقديم به انصار پاکش که با ايتارگری خود دعوت الهی را برای آیندگان زنده نگه داشتند
 تقديم به آن که بر صلیب رفت، عذاب را تحمل کرد و کشته شد بخاطر قضیه امام مهدی ﷺ
 تقديم به اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ و آنان که اسرار الهی را برای ما تبیان نمودند:

قال الباقر ﷺ: «فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنُّ مِنْ أَرْبَعَةِ أَنْبِيَاءَ ... قُلْتُ وَ مَا سُنَّةُ عِيسَى فَقَالَ يُقَالُ فِيهِ مَا قِيلَ فِي عِيسَى». قال رسول الله ﷺ: «لَنْ تَهْلِكَ أُمَّةٌ أَنَا فِي أَوَّلِهَا وَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فِي آخِرِهَا وَ الْمَهْدِيُّ فِي وَسْطِهَا». و قال ﷺ: «لَا يَزِدَادُ الْأَمْرُ إِلَّا شِدَّةً، وَ لَا الدُّنْيَا إِلَّا إِدْبَارًا، وَ لَا النَّاسُ إِلَّا شَحًّا، وَ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا عَلَى شَرِّ النَّاسِ، وَ لَا الْمَهْدِيُّ إِلَّا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ». و قال ﷺ: «إِنَّ الدَّعَاءَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: «اللَّهُمَّ أَعْطِهِ جَلَادَةَ مُوسَى وَ اجْعَلْ فِي نَسْلِهِ شَيْبَةَ عِيسَى». قال الصادق ﷺ: «إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ قَالَ النَّاسُ أَنِّي يَكُونُ هَذَا وَ قَدْ بَلَّيْتُ عِظَامَهُ مُنْذُ دَهْرٍ طَوِيلٍ». و قال ﷺ: «إِذَا دَارَتْ الْفَلَكَ وَ قَالَ النَّاسُ مَاتَ الْقَائِمُ أَوْ هَلَكَ بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ وَ قَالَ الطَّالِبُ أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَ قَدْ بَلَّيْتُ عِظَامَهُ فَعِنْدَ ذَلِكَ فَارْجُوهُ فَإِذَا سَمِعْتُمْ بِهِ فَاتُّوهُ وَ لَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ». و نعماني في الغيبة عن كعب: «وَ مِنْ نَسْلِ عَلِيِّ الْقَائِمِ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يُبَدِّلُ الْأَرْضَ غَيْرَ الْأَرْضِ، وَ بِهِ يَخْتَجُّ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَى نَصَارَى الرُّومِ وَ الصِّينِ. إِنَّ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ مِنْ نَسْلِ عَلِيٍّ، أَشَبَّهُ النَّاسَ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ خَلْقًا وَ خُلُقًا وَ سَمَنًا وَ هَيْئَةً، يُعْطِيهِ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ مَا أُعْطِيَ الْأَنْبِيَاءَ وَ يَزِيدُهُ وَ يُفْضِلُهُ. إِنَّ الْقَائِمَ مِنْ وَلَدِ عَلِيٍّ لَهُ غَيْبَةٌ كَغَيْبَةِ يُوسُفَ وَ رَجْعَةٌ كَرَجْعَةِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ».

معرفی کتاب

«انجیل» به معنای «بشارت» یا «عهد جدید» نام کتابی است که بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شد. اما اصل این کتاب اکنون در بین ما موجود نیست و آنچه هست فقط آموزه‌ها و تاریخچه‌ای از دعوت آن پیامبر عظیم‌الشأن است. قابل توجه اینکه آنچه امروز به نام «انجیل» معروف است، کتاب‌های زیادی است که از آنها به «اناجیل» تعبیر می‌شود، و معروف از میان آنها انجیل‌های چهارگانه «لوقا»، «مرقس»، «متی» و «یوحنا» است. مسیحیان اعتقاد دارند که این چهار انجیل به وسیله این چهار تن از حواریون، یا شاگردان آنها نگاشته شده‌اند، و تاریخچه تألیف آنها به حداقل ۳۸ سال تا حدود یک قرن بعد از عیسی علیه السلام می‌رسد.

با وجود این از جمله دلایلی که معزی، سید احمد الحسن علیه السلام وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام، عیسی، ایلیا و خضر (علیهم‌السلام)، آنرا سبب اتمام حجت جهت ایمان آوردن به خویش بر می‌شمارد بشارت‌ها و اندازهای است که در کتاب انجیل موجود نگاشته شده است، ایشان علیه السلام می‌فرمایند:

«ولن أشكوكم إلى الله بل سيشكوكم جدي رسول الله (ص) لأنه وصى بي وذكر اسمي ونسبي وصفتي وسيشكوكم آبائي الأئمة (ع) لأنهم ذكروني باسمي ونسبي وصفتي ومسكني، وستشكوكم دماء الحسين التي سالت في كربلاء لله ولأجل أبي (ع) ولأجلي. وسيشكوكم اشعيا وارميا ودانيال وعيسى ويوحنا البربري لأنهم بينوا أمري لأهل الأرض قبل سنين طويلة، وستشكوكم التوراة والإنجيل والقرآن التي ذكرت فيها، كل هذا وتخذلونني. أريد حياتكم وأريد نجاتكم فأعينوني على أنفسكم»؛ (و از شما نزد خداوند شکایت نمی‌کنم، بلکه شکایت شما را رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهد کرد، زیرا که او به من وصیت نمود و نام و نسب و صفاتم را ذکر کرد. و شکایت شما را پدرانم ائمه علیهم السلام خواهند کرد، زیرا که آنها اسم و نسب و صفات و مسکنم را، ذکر نمودند. و خون حسین که در کربلا برای خدا و به خاطر پدرم علیه السلام و خودم بر زمین جاری شد از شما شکایت خواهد کرد. و اشعیا و ارمیا و دانیال و عیسی و یوحنا بربری از شما شکایت خواهند کرد، زیرا که آنها امر مرا از سال‌های طولانی پیش برای مردم زمین روشن ساختند. و تورات و انجیل و قرآن که در آن ذکر شده‌ام از شما شکایت خواهند کرد؛ با وجود این همه دلایل باز مرا انکار می‌کنید و مرا یاری نمی‌دهید؟! زندگی و نجات شما را خواستارم پس در ساختن خودتان مرا یاری دهید).^۱

^۱ خطاب إلى طلبة الحوزة العلمية، ۸ ربيع الثاني ۱۴۲۶ هـ. ق؛ شبهه به همین کلام نیز از حضرت عیسی (ع) نقل شده است: (۳۹) شما کُتب مقدّس را می‌کاوید، زیرا می‌پندارید به واسطه آن حیات جاویدان دارید، حال آنکه همین کتابها بر من شهادت می‌دهند. ۴۰ اما نمی‌خواهید نزد من آیید تا حیات یابید. ... ۴۵ مپندارید منم که در حضور پدر شما را متهم خواهم کرد؛ متهم‌کننده شما موسی است، همان که به او امید بسته‌اید. ۴۶ زیرا اگر موسی را تصدیق می‌کردید، مرا نیز تصدیق می‌کردید، چرا که او درباره من نوشته است. ۴۷ اما اگر نوشته‌های او را باور ندارید، چگونه سخنان مرا خواهید پذیرفت؟ انجیل یوحنا اصحاح: ۵

از اینرو بر آن شدم تا اناجیل چهارگانه مسیحیان را گردآوری کنم و آن را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم، تا اینکه وحی الهی باری دیگر زنده گردد، و گوشه‌ای از حقانیت سید احمد الحسن علیه السلام نمایان شود؛ همچنین دعوت عیسی علیه السلام دارای ظرایف و خصوصیت‌های است که به منتظران کمک میکند تا با شرایط دوران ظهور آشنا گردند؛^۲ و لکن پیش از آغاز کتاب بیان چند نکته لازم است:

- ۱- انجیل پیشرو نوشته متی از حواریون و از دوازده رسول برگزیده عیسی علیه السلام، است.^۳
- ۲- این کتاب ترجمه هزاره نو است، که از وبسایت رسمی شاهدان یهوه jw.org گرفته شده است؛ لکن در مواردی اندک گردآورنده اقدام به تصحیح بعضی از واژه‌هایی کرده که بخاطر جهالت‌ها یا پیشداوری‌های معتقدین به این کتاب‌ها بد و یا نابجا ترجمه شده است، این تصحیح نیز با انطباق آن با نسخه عربی بدست آمده است.

^۲ سید احمد الحسن علیه السلام: «دعوت عیسی (ع) به سوی خدای سبحان و متعال خصوصیات و ظروفی دارد که آن را از سخت‌ترین دعوت‌های الهی قرار داده است. عیسی (ع) با قومی مواجه نشد که بت‌های سنگی را پرستند یا کافر به خدا باشند. بلکه با قومی مواجه شد که ادعای توحید و ایمان به خدا و انبیایش داشتند. با علمای غیر عامل یهود مواجه شد آنان که خود را صالح نشان می‌دادند و مردم را به شبهه افکندند که آنها وارثان انبیای فرستاده شده قبلی‌اند و در همان زمان در برابر روم بت پرست که سرزمین مقدس را در اشغال داشتند، سستی می‌کردند عیسی (ع) آمد تا با این گمراهان گمراه کننده مقابله کند در آن هنگام که مردم آنان را عالم دینی نیکوکار حساب می‌کردند که پیرو موسی (ع) و انبیای گذشته‌اند. پس راهی برای رسوا کردن آنها و بیان فساد و گمراهیشان جز زهد عیسی (ع) و رنج بر صلیب شدنش نبود تا سنگ‌دلی آنها و دوری‌شان از رحمت الهی که مدعی آن بودند را روشن کند و بنمایاند».

جواب المنیر، جلد ۲، سوال: ۱۱۳

^۳ متی به معنی بخشش خدا؛ وی یکی از دوازده رسول برگزیده مسیح بوده که نامش در مرقس، لوقا و اعمال نیز آمده است. بنابر برخی از منابع مسیحی، در آن زمان که بنی اسرائیل در زیر سلطه امپراطوری روم بود، آنان مجبور بودند به رومی‌ها باج و خراج بدهند. در نظر بنی اسرائیل، کثیف‌ترین شغل را کسانی داشتند که مأمور بودند، این باج را برای دولت روم وصول کنند؛ آنها را باجگیر می‌نامیدند. متی یکی از باجگیران بود. در ادامه گفته‌اند که عیسی (ع) او را دعوت فرمود تا یکی از دوازده رسول یا حواری او بشود. انجیل متی، که در ترتیب کنونی عهد جدید نخستین انجیل است، از همه اناجیل مفصل‌تر بوده و زندگی حضرت عیسی (ع) را با جزئیات بیش‌تری بیان کرده است.

در مورد نویسندگان آن نظرات مختلفی وجود دارد. در این کتاب در هیچ‌جا از متی به عنوان نویسنده آن انجیل ذکر صریحی به میان نیامده است. ولی نویسندگان اولیه کلیسای متی را نویسنده انجیل اول می‌دانند. در مورد زمان و مکان نگارش این کتاب نیز نظرات مختلف وجود دارد؛ بطوری که مستر هاکس آورده است: «زمان تصنیف آن انجیل معلوم نیست؛ ولی به هر صورت این مسلم است که پیش از اناجیل دیگر انتشار یافته است. برخی برآنند که در سال ۳۸ و بعضی معتقداند هم مابین سال ۵۰ و ۶۰ نوشته شده است». برخی هم این انجیل را دیرتر؛ یعنی پس از اینکه انجیل مرقس مدتی در دسترس مردم بوده است، تاریخ‌گذاری کرده‌اند. این عده، زمان نگارش آنرا در دهه ۷۰ یا حتی دیرتر قرار می‌دهند. در مورد محل نگارش این کتاب برخی می‌گویند برای اهالی فلسطین نوشته شده؛ ولی بیشتر مکان نوشتن آن را انطاکیه و برای اهالی آن دیار می‌دانند».

۳- متون عربی بجهت استفاده برادران عرب زبان و برای بالا بردن کیفیت مطالب آورده می شود این متون اعراب گذاری شده و از سایت های: st-takla.org و mandaeannetwork.com تهیه شده اند.

۴- برای دریافت سایر کتب انبیاء پیشین که در کلام سید احمدالحسن علیه السلام ذکر شد می توانید به آدرس: sadeghshekari.com مراجعه فرمائید.

۵- جهت درک بهتر بشارت ها و اندازهای کتاب مقدس، مطالعه کتاب های سید احمدالحسن علیه السلام بویژه کتاب نامه هدایت، و حواری سیزدهم توصیه می شود. همچنین محققان می توانند با مراجعه به سایت رسمی انصار امام مهدی علیه السلام نسبت به ادله مسیحیان آگاهی پیدا کنند، و از کتاب های که انصار در این زمینه نوشته اند استفاده نمایند: almahdyoon.co

۶- سید احمدالحسن علیه السلام در مورد شبیه عیسی علیه السلام مطلب مهمی نگاشته اند که در کتاب متشابهات؛ جلد ۴ سؤال / ۱۷۹؛ موجود است: (حقیقت داستان عیسی علیه السلام چیست و چگونه بر آنها مشتبه شد؟) نظر به اینکه این مطلب از اهمیت بالای برخوردار است در پیوست این کتاب آورده می شود.

انجیل متى : الأصحاح الأول * ۱:۱-۲۵

۱ كِتَابُ مِيلَادِ يَسُوعَ الْمَسِيحِ ابْنِ دَاوُدَ ابْنِ إِبْرَاهِيمَ: ۲ إِبْرَاهِيمُ وَلَدَ إِسْحَاقَ. وَإِسْحَاقُ وَلَدَ يَعْقُوبَ. وَيَعْقُوبُ وَلَدَ يَهُوذَا وَإِخْوَتَهُ. ۳ وَيَهُوذَا وَلَدَ فَارِصَ وَزَارَحَ مِنْ تَامَارَ. وَفَارِصُ وَلَدَ حَصْرُونَ. وَحَصْرُونَ وَلَدَ أَرَامَ. ۴ وَأَرَامُ وَلَدَ عَمِينَادَابَ. وَعَمِينَادَابُ وَلَدَ نَحْشُونَ. وَنَحْشُونَ وَلَدَ سَلْمُونَ. ۵ وَسَلْمُونَ وَلَدَ بُوعَزَ مِنْ رَاخَابَ. وَبُوعَزُ وَلَدَ عُوبِيدَ مِنْ رَاغُوثَ. وَعُوبِيدُ وَلَدَ يَسَى. ۶ وَيَسَى وَلَدَ دَاوُدَ الْمَلِكِ. وَدَاوُدُ الْمَلِكُ وَلَدَ سُلَيْمَانَ مِنَ الْتِي لَأُورِيَا. ۷ وَسُلَيْمَانُ وَلَدَ رَحْبَعَامَ. وَرَحْبَعَامُ وَلَدَ أَبِيَا. وَأَبِيَا وَلَدَ آسَا. ۸ وَآسَا وَلَدَ يَهُوشَافَاطَ. وَيَهُوشَافَاطُ وَلَدَ يُورَامَ. وَيُورَامُ وَلَدَ عُزْرِيَا. ۹ وَعُزْرِيَا وَلَدَ يُوثَامَ. وَيُوثَامُ وَلَدَ أَحَازَ. وَأَحَازُ وَلَدَ حِزْقِيَا. ۱۰ وَحِزْقِيَا وَلَدَ مَنَسَى. وَمَنَسَى وَلَدَ آمُونَ. وَآمُونُ وَلَدَ يُوشِيَا. ۱۱ وَيُوشِيَا وَلَدَ يَكُنْيَا وَإِخْوَتَهُ عِنْدَ سَبْيِ بَابِلَ. ۱۲ وَبَعْدَ سَبْيِ بَابِلَ يَكُنْيَا وَلَدَ شَالْتِيئِيلَ. وَشَالْتِيئِيلُ وَلَدَ زَرْبَابِلَ. ۱۳ وَزَرْبَابِلُ وَلَدَ أَبِيهُودَ. وَأَبِيهُودُ وَلَدَ أَيْلَاقِيمَ. وَأَيْلَاقِيمُ وَلَدَ عَازُورَ. ۱۴ وَعَازُورُ وَلَدَ صَادُوقَ. وَصَادُوقُ وَلَدَ أَخِيمَ. وَأَخِيمُ وَلَدَ أَلِيُودَ. ۱۵ وَأَلِيُودُ وَلَدَ أَيْلَعَاظَرَ. وَأَيْلَعَاظَرُ وَلَدَ مَتَّانَ. وَمَتَّانُ وَلَدَ يَعْقُوبَ. ۱۶ وَيَعْقُوبُ وَلَدَ يُوسُفَ رَجُلَ مَرْيَمَ الَّتِي وَلَدَ مِنْهَا يَسُوعُ الَّذِي يُدْعَى الْمَسِيحَ. ۱۷ فَجَمِيعُ الْأَجْبَالِ مِنْ إِبْرَاهِيمَ إِلَى دَاوُدَ أَرْبَعَةٌ عَشَرَ جِيلًا، وَمِنْ دَاوُدَ إِلَى سَبْيِ بَابِلَ أَرْبَعَةٌ عَشَرَ جِيلًا.

۱ شجره نامه عیسی مسیح، پسر داوود، پسر ابراهیم: ۲ ابراهیم پدر اسحاق، اسحاق پدر یعقوب، یعقوب پدر یهودا و برادران او بود. ۳ یهودا پدر فارص و زارح بود و مادرشان تamar نام داشت. فارص پدر حصرون، حصرون پدر رام، ۴ رام پدر عمیناداب، عمیناداب پدر نحشون، نحشون پدر سلمون ۵ و سلمون پدر بوغز بود و مادر بوغز راحاب نام داشت. بوغز پدر عوبید بود و مادر عوبید روت نام داشت. عوبید پدر یسای ۶ و یسای پدر داوود پادشاه بود. داوود پدر سلیمان بود و مادر سلیمان پیش از آن همسر اوریام بود. ۷ سلیمان پدر رحبعام، رحبعام پدر ابیا، ابیا پدر آسا، ۸ آسا پدر یهوشافات، یهوشافات پدر یهورام، یهورام پدر عزیا، ۹ عزیا پدر یوتام، یوتام پدر آحاز، آحاز پدر حزقیا، ۱۰ حزقیا پدر منسی، منسی پدر آمون، آمون پدر یوشیا، ۱۱ یوشیا پدر یکنیا و برادران او بود. در آن دوران یهودیان به بابل تبعید شدند. ۱۲ شلتیئیل پسر یکنیا پس از تبعید یهودیان به بابل، به دنیا آمد. شلتیئیل پدر زربابل، ۱۳ زربابل پدر ابیهود، ابیهود پدر ایلایقیم، ایلایقیم پدر عازور، ۱۴ عازور پدر صادوق، صادوق پدر یاکیم، یاکیم پدر الیهود، ۱۵ الیهود پدر ایلعازر، ایلعازر پدر متان، متان پدر یعقوب، ۱۶ یعقوب پدر یوسف شوهر مریم بود. عیسی از مریم متولد شد و مسیح لقب گرفت. ۱۷ بنابراین از ابراهیم تا داوود چهارده نسل، از داوود تا زمان تبعید یهودیان به بابل چهارده نسل و از زمان تبعید آنان به بابل تا مسیح چهارده نسل است.

۱۸ أَمَّا وَلَادَةُ يَسُوعَ الْمَسِيحِ فَكَانَتْ هَكَذَا: لَمَّا كَانَتْ مَرْيَمُ أُمُّهُ مَخْطُوبَةً لِيُوسُفَ، قَبْلَ أَنْ يَجْتَمِعَا، وَجَدَتْ حُبْلَى مِنَ الرُّوحِ الْقُدُسِ. ۱۹ فَيُوسُفُ رَجُلُهَا إِذْ كَانَ بَارًّا، وَلَمْ يَشَأْ أَنْ يُشْهِرَهَا، أَرَادَ تَخْلِيَتَهَا سِرًّا. ۲۰ وَلَكِنْ

فِيمَا هُوَ مُتَفَكِّرٌ فِي هَذِهِ الْأُمُورِ، إِذَا مَلَاكَ الرَّبُّ قَدْ ظَهَرَ لَهُ فِي حُلْمٍ قَائِلًا: «يَا يُوسُفُ ابْنَ دَاوُدَ، لَا تَخَفْ أَنْ تَأْخُذَ مَرْيَمَ امْرَأَتَكَ. لِأَنَّ الَّذِي حُبِلَ بِهِ فِيهَا هُوَ مِنَ الرُّوحِ الْقُدُسِ. ٢١ فَسَتِلِدُ ابْنًا وَتَدْعُو اسْمَهُ يَسُوعَ. لِأَنَّهُ يُخَلِّصُ شَعْبَهُ مِنْ خَطَايَاهُمْ». ٢٢ وَهَذَا كُلُّهُ كَانَ لِكَيْ يَتِمَّ مَا قِيلَ مِنَ الرَّبِّ بِالنَّبِيِّ الْقَائِلِ: ٢٣ «هُوَذَا الْعَذْرَاءُ تَحْبِلُ وَتَلِدُ ابْنًا، وَيَدْعُونَ اسْمَهُ عِمَّا نُؤْيِلَ» الَّذِي تَفْسِيرُهُ: اللَّهُ مَعَنَا. ٢٤ فَلَمَّا اسْتَيْقَظَ يُوسُفُ مِنَ النَّوْمِ فَعَلَ كَمَا أَمَرَهُ مَلَاكَ الرَّبِّ، وَأَخَذَ امْرَأَتَهُ. ٢٥ وَلَمْ يَعْرِفْهَا حَتَّى وَلَدَتْ ابْنَهَا الْبَكْرَ. وَدَعَا اسْمَهُ يَسُوعَ.

١٨ تولد عیسی مسیح این چنین روی داد: مریم، مادر عیسی، نامزد یوسف بود. اما پیش از آنکه به هم پیوندند، معلوم شد که مریم از روح القدس آبتن است. ١٩ از آنجا که شوهرش یوسف مردی پارسا بود و نمی خواست مریم را رسوا کند، بر آن شد که بی سر و صدا از او جدا شود. ٢٠ اما چون این تصمیم را گرفت، به ناگاه فرشته خداوند در خواب بر او ظاهر شد و گفت: «ای یوسف، پسر داوود، از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا آنچه در بطن وی قرار گرفته، از روح القدس است. ٢١ او پسری به دنیا خواهد آورد و تو او را عیسی خواهی نامید، زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد بخشید.» ٢٢ این همه رخ داد تا آنچه خداوند به زبان نبی گفته بود، به حقیقت پیوندد که: ٢٣ «باکره آبتن شده، پسری به دنیا خواهد آورد و او را عمانوئیل خواهند نامید،» که یعنی «خدا با ماست.» ٢٤ چون یوسف از خواب بیدار شد، آنچه فرشته خداوند به او فرمان داده بود، انجام داد و زن خود را گرفت. ٢٥ اما با او همبستر نشد تا او پسر خود را به دنیا آورد؛ و یوسف او را عیسی نامید.

انجيل متى: الأصحاح الثاني * ٢: ١-٢٣

١ وَلَمَّا وُلِدَ يَسُوعُ فِي بَيْتِ لَحْمِ الْيَهُودِيَّةِ، فِي أَيَّامِ هِيرُودُسَ الْمَلِكِ، إِذَا مَجُوسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ قَدْ جَاءُوا إِلَى أُورُشَلِيمَ ٢ قَائِلِينَ: «أَيْنَ هُوَ الْمَوْلُودُ مَلِكُ الْيَهُودِ؟ فَإِنَّا رَأَيْنَا نَجْمَهُ فِي الْمَشْرِقِ وَأَتَيْنَا لِنَسْجُدَ لَهُ». ٣ فَلَمَّا سَمِعَ هِيرُودُسُ الْمَلِكُ اضْطَرَبَ وَجَمِيعُ أُورُشَلِيمَ مَعَهُ. ٤ فَجَمَعَ كُلَّ رُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ وَكُتَّابَةِ الشَّعْبِ، وَسَأَلَهُمْ: «أَيْنَ يُولَدُ الْمَسِيحُ؟» ٥ فَقَالُوا لَهُ: «فِي بَيْتِ لَحْمِ الْيَهُودِيَّةِ. لِأَنَّهُ هَكَذَا مَكْتُوبٌ بِالنَّبِيِّ: ٦ وَأَنْتِ يَا بَيْتَ لَحْمِ، أَرْضَ يَهُودَا لَسْتِ الصَّغْرَى بَيْنَ رُؤَسَاءِ يَهُودَا، لِأَنَّ مِنْكَ يَخْرُجُ مُدَبِّرٌ يَرْعَى شَعْبِي إِسْرَائِيلَ». ٧ حِينَئِذٍ دَعَا هِيرُودُسُ الْمَجُوسَ سِرًّا، وَتَحَقَّقَ مِنْهُمْ زَمَانَ النَّجْمِ الَّذِي ظَهَرَ. ٨ ثُمَّ أَرْسَلَهُمْ إِلَى بَيْتِ لَحْمِ، وَقَالَ: «ادْهَبُوا وَافْخَصُوا بِالتَّحْقِيقِ عَنِ الصَّبِيِّ. وَمَتَى وَجَدْتُمُوهُ فَأَخْبِرُونِي، لِكَيْ آتِيَ أَنَا أَيْضًا وَأَسْجُدَ لَهُ». ٩ فَلَمَّا سَمِعُوا مِنَ الْمَلِكِ دَهَبُوا. وَإِذَا النَّجْمُ الَّذِي رَأَوْهُ فِي الْمَشْرِقِ يَتَقَدَّمُهُمْ حَتَّى جَاءَ وَوَقَفَ فَوْقَ، حَيْثُ كَانَ الصَّبِيُّ. ١٠ فَلَمَّا رَأَوْا النَّجْمَ فَرَحُوا فَرَحًا عَظِيمًا جِدًّا. ١١ وَأَتَوْا إِلَى الْبَيْتِ، وَرَأَوْا الصَّبِيَّ مَعَ مَرْيَمَ أُمِّهِ. فَخَرُّوا وَسَجَدُوا لَهُ. ثُمَّ

فَتَحُوا كُنُوزَهُمْ وَقَدَّمُوا لَهُ هَدَايَا: ذَهَبًا وَلَبَنًا وَمُرًّا. ۱۲ ثُمَّ إِذْ أُوحِيَ إِلَيْهِمْ فِي حُلُمٍ أَنْ لَا يَرْجِعُوا إِلَى هِيرُودُسَ، انْصَرَفُوا فِي طَرِيقٍ أُخْرَى إِلَى كُورَتِهِمْ.

۱ هنگامی که عیسی در دوران هیرودیس پادشاه، در بیت لحم یهودیه به دنیا آمد، چند مَغ از مشرق زمین به اورشلیم آمدند ۲ و پرسیدند: «کجاست آن مولود که پادشاه یهود است؟ زیرا ستاره او را در مشرق دیده ایم و برای پرستش او آمده ایم.» ۳ چون این خبر به گوش هیرودیس پادشاه رسید، او و تمامی اورشلیم با وی مضطرب شدند. ۴ پس او همه سران کاهنان و علمای دین قوم را فرا خواند و از آنها پرسید: «مسیح کجا باید زاده شود؟» ۵ پاسخ دادند: «در بیت لحم یهودیه، زیرا نبی در این باره چنین نوشته است: ۶ «ای بیت لحم که در سرزمین یهودایی، تو در میان فرمانروایان یهودا به هیچ روی کمترین نیستی، زیرا از تو فرمانروایی ظهور خواهد کرد که قوم من، اسرائیل، را شبانی خواهد نمود.» ۷ پس هیرودیس مغان را در نهان نزد خود فرا خواند و زمان دقیق ظهور ستاره را از ایشان جویا شد. ۸ سپس آنان را به بیت لحم روانه کرده، بدیشان گفت: «بروید و درباره آن کودک به دقت تحقیق کنید. چون او را یافتید، مرا آگاه سازید تا من نیز آمده، سجده اش کنم.» ۹ ایشان پس از شنیدن سخنان پادشاه، روانه شدند. در آن زمان ستاره ای که در مشرق دیده بودند، پیشاپیش آنها می رفت تا سرانجام بر فراز مکانی که کودک بود، بازایستاد. ۱۰ ایشان با دیدن ستاره بی نهایت شاد شدند. ۱۱ چون به خانه درآمدند و کودک را با مادرش مریم دیدند، روی بر زمین نهاده، آن کودک را پرستش نمودند. سپس صندوقچه های خود را گشودند و هدیه هایی از طلا و کُندر و مُر به وی پیشکش کردند. ۱۲ و چون در خواب هشدار یافتند که نزد هیرودیس بازنگردند، از راهی دیگر رهسپار دیار خود شدند.

۱۳ وَبَعْدَمَا انْصَرَفُوا، إِذَا مَلَكَ الرَّبِّ قَدْ ظَهَرَ لِيُوسُفَ فِي حُلُمٍ قَائِلًا: «قُمْ وَخُذِ الصَّبِيَّ وَأُمَّهُ وَاهْرُبْ إِلَى مِصْرَ، وَكُنْ هُنَاكَ حَتَّى أَقُولَ لَكَ. لَأَنْ هِيرُودُسَ مَزْمِعٌ أَنْ يَطْلُبَ الصَّبِيَّ لِيُهْلِكَهُ». ۱۴ فَقَامَ وَأَخَذَ الصَّبِيَّ وَأُمَّهُ لَيْلًا وَانْصَرَفَ إِلَى مِصْرَ. ۱۵ وَكَانَ هُنَاكَ إِلَى وَفَاةِ هِيرُودُسَ. لِكَيْ يَتِمَّ مَا قِيلَ مِنَ الرَّبِّ بِالنَّبِيِّ الْقَائِلِ: «مِنْ مِصْرَ دَعَوْتُ ابْنِي». ۱۶ حِينَئِذٍ لَمَّا رَأَى هِيرُودُسُ أَنَّ الْمَجُوسَ سَخَرُوا بِهِ غَضَبَ جِدًّا. فَأَرْسَلَ وَقَتَلَ جَمِيعَ الصَّبْيَانِ الَّذِينَ فِي بَيْتِ لَحْمٍ وَفِي كُلِّ تَحُومِهَا، مِنْ ابْنِ سَنَتَيْنِ فَمَا دُونَ، بِحَسَبِ الزَّمَانِ الَّذِي تَحَقَّقَهُ مِنَ الْمَجُوسِ. ۱۷ حِينَئِذٍ تَمَّ مَا قِيلَ بِإِزْمِيَا النَّبِيِّ الْقَائِلِ: ۱۸ «صَوْتُ سُمْعَ فِي الرَّأْمَةِ، نَوْحٌ وَبُكَاءٌ وَعَوِيلٌ كَثِيرٌ. رَاحِيلُ تَبْكِي عَلَى أَوْلَادِهَا وَلَا تَرِيدُ أَنْ تَتَعَزَّى، لِأَنَّهُمْ لَيْسُوا بِمَوْجُودِينَ».

۱۳ پس از رفتن مغان، فرشته خداوند در خواب بر یوسف ظاهر شد و گفت: «برخیز، کودک و مادرش را بگیر و به مصر بگریز و در آنجا بمان تا به تو خبر دهم، زیرا هیرودیس در جستجوی کودک است تا او را بکشد.» ۱۴ پس او شبانگاه برخاست، کودک و مادرش را برگرفت و رهسپار مصر شد، ۱۵ و تا

مرگ هيروديس در آنجا ماند. اين واقع شد تا آنچه خداوند به زبان نبی گفته بود تحقق يابد که «پسر خود را از مصر فرا خواندم». ۱۶ چون هيروديس ديد که مغان فريش داده اند، سخت بر آشت و فرستاده، همه پسران دو ساله و کمتر را که در بيت لحم و اطراف آن بودند، مطابق زمانی که از مغان تحقيق کرده بود، بکشت. ۱۷ آنگاه آنچه به زبان ارمیای نبی گفته شده بود، به حقيقت پيوست که: ۱۸ «صدایی از رامه به گوش می رسد، صدای شيون و زاری و ماتمی عظيم. راحيل برای فرزندانش می گريد و تسلی نمی پذيرد، زیرا که ديگر نيستند.»

۱۹ فَلَمَّا مَاتَ هِيرُودُسُ، إِذَا مَلَكَ الرَّبِّ قَدْ ظَهَرَ فِي حُلْمٍ لِيُوسُفَ فِي مِصْرَ ۲۰ قَائِلًا: «قُمْ وَخُذِ الصَّبِيَّ وَأُمَّهُ وَاهْجُبْ إِلَى أَرْضِ إِسْرَائِيلَ، لَأَنَّهُ قَدْ مَاتَ الَّذِينَ كَانُوا يَطْلُبُونَ نَفْسَ الصَّبِيِّ». ۲۱ فَقَامَ وَأَخَذَ الصَّبِيَّ وَأُمَّهُ وَجَاءَ إِلَى أَرْضِ إِسْرَائِيلَ. ۲۲ وَلَكِنْ لَمَّا سَمِعَ أَنَّ أَرْخِيَلَاوُسَ يَمْلِكُ عَلَى الْيَهُودِيَّةِ عَوَضًا عَنْ هِيرُودُسَ أَبِيهِ، خَافَ أَنْ يَذْهَبَ إِلَى هُنَاكَ. وَإِذْ أُوجِيَّ إِلَيْهِ فِي حُلْمٍ، انْصَرَفَ إِلَى نَوَاحِي الْجَلِيلِ. ۲۳ وَأَتَى وَسَكَنَ فِي مَدِينَةٍ يُقَالُ لَهَا نَاصِرَةُ، لِكَيْ يَتِمَّ مَا قِيلَ بِالْأَنْبِيَاءِ: «إِنَّهُ سَيُدْعَى نَاصِرِيًّا»

۱۹ پس از مرگ هيروديس، فرشته خداوند در مصر به خواب يوسف آمد ۲۰ و گفت: «برخيز، کودک و مادرش را برگير و به سرزمين اسرائيل برو، زیرا آنان که قصد جان کودک داشتند، مرده اند.» ۲۱ پس او برخاست، کودک و مادرش را برگرفت و به سرزمين اسرائيل رفت. ۲۲ اما چون شنيد آركلائوس به جای پدرش هيروديس در يهوديه حكم می راند، ترسيد به آنجا برود، و چون در خواب هشدار يافت، رو به سوی نواحی جلیل نهاد ۲۳ و در شهری به نام ناصره سکونت گزید. اين واقع شد تا کلام انبيا به حقيقت پيوند که گفته بودند 'ناصری' خوانده خواهد شد.

انجيل متى : الأصْحَاحُ الثَّالِثُ * ۱۷-۱-۳

۱ وَفِي تِلْكَ الْأَيَّامِ جَاءَ يُوحَنَّا الْمَعْمَدَانُ يُكْرِزُ فِي بَرِّيَّةِ الْيَهُودِيَّةِ ۲ قَائِلًا: «تُوبُوا، لَأَنَّهُ قَدْ اقْتَرَبَ مَلَكُوتُ السَّمَاوَاتِ. ۳ فَإِنَّ هَذَا هُوَ الَّذِي قِيلَ عَنْهُ بِإِسْعِيَاءَ النَّبِيِّ الْقَائِلِ: صَوْتُ صَارِخٍ فِي الْبَرِّيَّةِ: أَعِدُّوا طَرِيقَ الرَّبِّ. اصْنَعُوا سُبُلَهُ مُسْتَقِيمَةً». ۴ وَيُوحَنَّا هَذَا كَانَ لِبَاسُهُ مِنْ وَبَرِ الْإِبِلِ، وَعَلَى حَقْوَيْهِ مِنْطَقَةٌ مِنْ جِلْدٍ. وَكَانَ طَعَامُهُ خُبْزًا وَعَسَلًا بَرِّيًّا. ۵ حِينَئِذٍ خَرَجَ إِلَيْهِ أُورُشَلِيمُ وَكُلُّ الْيَهُودِيَّةِ وَجَمِيعُ الْكُورَةِ الْمُحِيطَةِ بِالْأَرْدُنِّ، ۶ وَاعْتَمَدُوا مِنْهُ فِي الْأَرْدُنِّ، مُعْتَرِفِينَ بِخَطَايَاهُمْ. ۷ فَلَمَّا رَأَى كَثِيرِينَ مِنَ الْفَرِيسِيِّينَ وَالصَّدُوقِيِّينَ يَأْتُونَ إِلَى مَعْمُودِيَّتِهِ، قَالَ لَهُمْ: «يَا أَوْلَادَ الْإِفْعَاعِي، مَنْ أَرَاكُمْ أَنْ تَهْرَبُوا مِنَ الْغَضَبِ الْآتِي؟ ۸ فَاصْنَعُوا أَثْمَارًا تَلِيْقُ بِالتَّوْبَةِ. ۹ وَلَا تَفْتَكِرُوا أَنْ تَقُولُوا فِي أَنْفُسِكُمْ: لَنَا إِبْرَاهِيمُ أَبًا. لِأَنِّي أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ أَنْ يُقِيمَ مِنْ هَذِهِ الْحِبْرَةِ أَوْلَادًا لِإِبْرَاهِيمَ. ۱۰ وَالْآنَ قَدْ وُضِعَتِ الْفَاسُ عَلَى أَصْلِ الشَّجَرِ، فَكُلُّ شَجَرَةٍ لَا تَصْنَعُ ثَمَرًا جَيِّدًا تُقَطَّعُ وَتُلْقَى فِي

النَّارِ. ۱۱ أَنَا أَعْمِدُكُمْ بِمَاءٍ لِلتَّوْبَةِ، وَلَكِنَّ الَّذِي يَأْتِي بَعْدِي هُوَ أَقْوَى مِنِّي، الَّذِي لَسْتُ أَهْلًا أَنْ أَخْمَلَ حِذَاءَهُ. هُوَ سَيُعْمِدُكُمْ بِالرُّوحِ الْقُدُسِ وَنَارٍ. ۱۲ الَّذِي رَفْشُهُ فِي يَدِهِ، وَسَيُنْقِي بِيَدِهِ، وَيَجْمَعُ قَمْحَهُ إِلَى الْمَخْزَنِ، وَأَمَّا التِّينُ فَيُحْرِقُهُ نَارٌ لَا تُطْفَأُ».

۱ در آن روزها یحای تعمیددهنده ظهور کرد. او در بیابان یهودیه موعظه می کرد و ۲ می گفت: «توبه کنید زیرا ملکوت آسمان ها نزدیک شده است!» ۳ این همان است که اشعیای نبی درباره اش می گوید: «ندای کسی شنیده می شود که در بیابان فریاد برمی آورد: "راه خداوند را آماده کنید! طرقهای او را هموار سازید!"» ۴ یحیی جامه از پشم شتر بر تن داشت و کمربندی چرمین بر کمر می بست، و خوراکش ملخ و عسل صحرایی بود. ۵ مردمان اورشلیم و سراسر یهودیه و تمامی نواحی اطراف رود اردن، جملگی نزد او می رفتند ۶ و به گناهان خود اعتراف کرده، در رود اردن از او تعمید می گرفتند. ۷ اما یحیی چون بسیاری از فریسیان و صدوقیان را دید که به آنجا که او تعمید می داد می آمدند، به آنان گفت: «ای افعی زادگان! چه کسی به شما هشدار داد تا از غضبی که در پیش است، بگریزید؟ ۸ پس ثمری شایسته توبه بیاورید ۹ و با خود مگویید "پدر ما ابراهیم است." زیرا به شما می گویم خدا قادر است از این سنگها فرزندان برای ابراهیم پدید آورد. ۱۰ هم اکنون تیشه بر ریشه درختان نهاده شده است. هر درختی که میوه خوب ندهد، بریده و در آتش افکنده خواهد شد. ۱۱ «من شما را برای توبه، با آب تعمید می دهم؛ اما آن که پس از من می آید توانا تر از من است و من حتی شایسته برگرفتن کفشهایش نیستم. او شما را با روح القدس و آتش تعمید خواهد داد. ۱۲ او وسیله جداسازی گندم از کاه در دست دارد و خرمنگاه خود را پاک خواهد کرد و گندم خویش را در انبار ذخیره خواهد نمود، اما کاه را با آتشی خاموشی ناپذیر خواهد سوزانید.»

۱۳ حِينَئِذٍ جَاءَ يَسُوعُ مِنَ الْجَلِيلِ إِلَى الْأُرْدُنِّ إِلَى يُوْحَنَّا لِيُعْتَمِدَ مِنْهُ. ۱۴ وَلَكِنْ يُوْحَنَّا مَنَعَهُ قَائِلًا: «أَنَا مُحْتَاجٌ أَنْ أَعْتَمِدَ مِنْكَ، وَأَنْتَ تَأْتِي إِلَيَّ!» ۱۵ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُ: «اسْمَحِ الْآنَ، لِأَنَّهُ هَكَذَا يَلِيْقُ بِنَا أَنْ نُكْمَلَ كُلٌّ بِرَّ». حِينَئِذٍ سَمَحَ لَهُ. ۱۶ فَلَمَّا اعْتَمَدَ يَسُوعُ صَعِدَ لِلْوَقْتِ مِنَ الْمَاءِ، وَإِذَا السَّمَاوَاتُ قَدْ انْفَتَحَتْ لَهُ، فَرَأَى رُوحَ اللَّهِ نَازِلًا مِثْلَ حَمَامَةٍ وَآتِيًا عَلَيْهِ، ۱۷ وَصَوْتُ مِنَ السَّمَاوَاتِ قَائِلًا: «هَذَا هُوَ ابْنِي الْحَبِيبُ الَّذِي بِهِ سُرَرْتُ».

۱۳ آنگاه عیسی از جلیل به رود اردن آمد تا از یحیی تعمید گیرد. ۱۴ ولی یحیی کوشید او را بازدارد و به او گفت: «منم که باید از تو تعمید بگیرم، و حال تو نزد من می آیی؟» ۱۵ عیسی در پاسخ گفت: «بگذار این بار چنین باشد؛ زیرا شایسته است که به طور کامل خواست خدا را به جا آوریم.» پس یحیی رضایت داد. ۱۶ چون عیسی تعمید گرفت، بی درنگ از آب برآمد. همان دم آسمان گشوده شد و او روح خدا را دید که همچون کبوتری فرود آمد و بر وی قرار گرفت. ۱۷ سپس ندایی از آسمان در رسید که «این است پسر محبوبم که از او خوشنودم.»

انجيل متى : الأصحاح الرابع * ١:٤-٢٥

١ ثُمَّ أَصْعَدَ يَسُوعُ إِلَى الْبَرِّيَّةِ مِنَ الرُّوحِ لِيُجَرَّبَ مِنْ إِبْلِيسَ. ٢ فَبَعْدَ مَا صَامَ أَرْبَعِينَ نَهَارًا وَأَرْبَعِينَ لَيْلَةً، جَاعَ أَخِيرًا. ٣ فَتَقَدَّمَ إِلَيْهِ الْمُجَرَّبُ وَقَالَ لَهُ: «إِنْ كُنْتَ ابْنُ اللَّهِ فَقُلْ أَنْ تَصِيرَ هَذِهِ الْحِجَارَةُ خُبْزًا». ٤ فَأَجَابَ وَقَالَ: «مَكْتُوبٌ: لَيْسَ بِالْخُبْزِ وَحْدَهُ يَحْيَا الْإِنْسَانُ، بَلْ بِكُلِّ كَلِمَةٍ تَخْرُجُ مِنْ فَمِ اللَّهِ». ٥ ثُمَّ أَخَذَهُ إِبْلِيسُ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُقَدَّسَةِ، وَأَوْقَفَهُ عَلَى جَنَاحِ الْهَيْكَلِ، ٦ وَقَالَ لَهُ: «إِنْ كُنْتَ ابْنُ اللَّهِ فَاطْرَحْ نَفْسَكَ إِلَى أَسْفَلِ، لَأَنَّهُ مَكْتُوبٌ: أَنَّهُ يُوصِي مَلَائِكَتَهُ بِكَ، فَعَلَى أَيْدِيهِمْ يَحْمِلُونَكَ لِكَيْ لَا تَصْدِمَ بِحَجَرٍ رِجْلُكَ». ٧ قَالَ لَهُ يَسُوعُ: «مَكْتُوبٌ أَيْضًا: لَا تُجَرَّبَ الرَّبُّ إِلَهَكَ». ٨ ثُمَّ أَخَذَهُ أَيْضًا إِبْلِيسُ إِلَى جَبَلٍ عَالٍ جَدًّا، وَأَرَاهُ جَمِيعَ مَمَالِكِ الْعَالَمِ وَمَجْدَهَا، ٩ وَقَالَ لَهُ: «أَعْطِيكَ هَذِهِ جَمِيعَهَا إِنْ خَرَرْتَ وَسَجَدْتَ لِي». ١٠ حِينَئِذٍ قَالَ لَهُ يَسُوعُ: «أَذْهَبْ يَا شَيْطَانُ! لَأَنَّهُ مَكْتُوبٌ: لِلرَّبِّ إِلَهِكَ تَسْجُدُ وَإِيَّاهُ وَحْدَهُ تَعْبُدُ». ١١ ثُمَّ تَرَكَهُ إِبْلِيسُ، وَإِذَا مَلَائِكَةُ قَدْ جَاءَتْ فَصَارَتْ تَخْدِمُهُ.

١ آنگاه روح، عیسی را به بیابان هدایت کرد تا ابلیس وسوسه اش کند. ٢ عیسی پس از آنکه چهل شبانه روز را در روزه سپری کرد گرسنه شد. ٣ آنگاه وسوسه گر نزدش آمد و گفت: «اگر پسر خدایی، به این سنگها بگو نان شوند!» ٤ عیسی در پاسخ گفت: «نوشته شده است که: «انسان تنها به نان زنده نیست، بلکه به هر کلامی که از دهان خدا صادر شود نیز وابسته است.»» ٥ سپس ابلیس او را به شهر مقدس برد و بر فراز معبد قرار داد ٦ و به او گفت: «اگر پسر خدایی، خود را به زیر افکن، زیرا نوشته شده است: «فرشتگان خود را درباره تو فرمان خواهد داد و آنها تو را بر دستهایشان خواهند گرفت، مبدا پایت را به سنگی بزن.»» ٧ عیسی به او پاسخ داد: «این نیز نوشته شده که: «خدا و الهه خود را میازما.»» ٨ دیگر بار، ابلیس او را بر فراز کوهی بس بلند برد و همه حکومتهای جهان را با تمام شکوه و جلالشان به او نشان داد ٩ و گفت: «اگر در برابرم به خاک افتی و مرا سجد کنی، این همه را به تو خواهم بخشید.» ١٠ عیسی به او گفت: «دور شو ای شیطان! زیرا نوشته شده است: «خدا و الهه خود را پرست و تنها او را عبادت کن.»» ١١ آنگاه ابلیس او را رها کرد و فرشتگان آمده، خدمتش کردند.

١٢ وَلَمَّا سَمِعَ يَسُوعُ أَنَّ يُوحَنَّا أُسْلِمَ، انْصَرَفَ إِلَى الْجَلِيلِ. ١٣ وَتَرَكَ النَّاصِرَةَ وَاتَى فَسَكَنَ فِي كَفَرْنَاحُومَ الَّتِي عِنْدَ الْبَحْرِ فِي تَخُومِ زَبُولُونَ وَنَفْتَالِيمَ، ١٤ لِكَيْ يَتِمَّ مَا قِيلَ بِإِسْعِيَاءَ النَّبِيِّ الْقَائِلِ: ١٥ «أَرْضُ زَبُولُونُ، وَأَرْضُ نَفْتَالِيمَ، طَرِيقُ الْبَحْرِ، عَبْرَ الْأَرْدُنِّ، جَلِيلُ الْأُمَمِ. ١٦ الشَّعْبُ الْجَالِسُ فِي ظُلْمَةٍ أَبْصَرَ نُورًا عَظِيمًا، وَالْجَالِسُونَ فِي كُورَةِ الْمَوْتِ وَظِلَالِهِ أَشْرَقَ عَلَيْهِمْ نُورٌ». ١٧ مِنْ ذَلِكَ الزَّمَانِ ابْتَدَأَ يَسُوعُ يَكْرِزُ وَيَقُولُ: «تُوبُوا لَأَنَّهُ قَدْ اقْتَرَبَ مَلَكُوتُ السَّمَاوَاتِ».

۱۲ چون عیسی شنید که یحیی دستگیر شده است، به جلیل بازگشت. ۱۳ سپس ناصره را ترک کرده، به کفرناحوم رفت و در آنجا اقامت گزید. کفرناحوم در کنار دریاچه جلیل و در نواحی زبولون و نفتالی واقع بود. ۱۴ این واقع شد تا کلام اشعای نبی به حقیقت پیوندد که گفته بود: ۱۵ «ای جلیل ملت‌ها! ای سرزمین زبولون و نفتالی که در راه دریا و در آن سوی رود اردن قرار داری! ۱۶ مردمی که در تاریکی به سر می‌بردند، نوری عظیم دیدند، و بر ساکنان سرزمینی که مرگ بر آن سایه افکنده بود، روشنایی درخشید.» ۱۷ از آن زمان عیسی موعظه را آغاز کرد. او می‌گفت: «توبه کنید؛ زیرا ملکوت آسمان‌ها نزدیک شده است.»

۱۸ وَإِذْ كَانَ يَسُوعُ مَاشِيًا عِنْدَ بَحْرِ الْجَلِيلِ أَبْصَرَ أَخَوَيْنِ: سِمْعَانَ الَّذِي يُقَالُ لَهُ بُطْرُسُ، وَأَنْدَرَاوُسَ أَخَاهُ يُلْقِيَانِ شَبَكَةً فِي الْبَحْرِ، فَإِنَّهُمَا كَانَا صَيَّادَيْنِ. ۱۹ فَقَالَ لَهُمَا: «هَلُمَّا وَرَائِي فَأَجْعَلُكُمَا صَيَّادِي النَّاسِ». ۲۰ فَلِلْوَقْتِ تَرَكَ الشَّيْكَاءَ وَتَبِعَاهُ. ۲۱ ثُمَّ اجْتَازَ مِنْ هُنَاكَ فَرَأَى أَخَوَيْنِ آخَرَيْنِ: يَعْقُوبَ ابْنَ زَبْدِي وَيُوحَنَّا أَخَاهُ، فِي السَّفِينَةِ مَعَ زَبْدِي أَبِيهِمَا يُصْلِحَانِ شِبَاكَهُمَا، فَدَعَاهُمَا. ۲۲ فَلِلْوَقْتِ تَرَكَ الشَّيْئَةَ وَأَبَاهُمَا وَتَبِعَاهُ. ۲۳ وَكَانَ يَسُوعُ يَطُوفُ كُلَّ الْجَلِيلِ يُعَلِّمُ فِي مَجَامِعِهِمْ، وَيَكْرِزُ بِبَشَارَةِ الْمَلَكُوتِ، وَيَشْفِي كُلَّ مَرَضٍ وَكُلَّ ضَعْفٍ فِي الشَّعْبِ. ۲۴ فَذَاعَ خَبْرُهُ فِي جَمِيعِ سُورِيَّةَ. فَأَخْضَرُوا إِلَيْهِ جَمِيعَ السَّقَمَاءِ الْمُصَابِينَ بِأَمْرَاضٍ وَأَوْجَاعٍ مُخْتَلِفَةٍ، وَالْمَجَانِينِ وَالْمَصْرُوعِينَ وَالْمَفْلُوجِينَ، فَشَفَاهُمْ. ۲۵ فَتَبِعَتْهُ جُمُوعٌ كَثِيرَةٌ مِنَ الْجَلِيلِ وَالْعَشْرِ الْمُدُنِ وَأُورُشَلِيمَ وَالْيَهُودِيَّةِ وَمِنْ عَبْرِ الْأَرْدُنِّ.

۱۸ چون عیسی در کنار دریاچه جلیل راه می‌رفت، دو برادر را دید به نامهای شمعون، ملقب به پطرس، و برادرش آندریاس، که تور به دریا می‌افکندند، زیرا ماهیگیر بودند. ۱۹ به ایشان گفت: «از پی من آید که شما را صیاد مردمان خواهم ساخت.» ۲۰ آنان بی‌درنگ تورهای خود را وانهادند و از پی او شتافتند. ۲۱ چون به راه خود ادامه داد، دو برادر دیگر یعنی یعقوب پسر زبدی و برادرش یوحنا را دید که با پدرشان زبدی در قایق بودند و تورهای خود را آماده می‌کردند. آنان را نیز فرا خواند؛ ۲۲ ایشان بی‌درنگ قایق و پدر خود را ترک گفتند و از پی او روانه شدند. ۲۳ بدین‌سان، عیسی در سرتاسر جلیل می‌گشت و در کنیسه‌های ایشان تعلیم می‌داد و بشارت ملکوت را اعلام می‌کرد و هر درد و بیماری مردم را شفا می‌بخشید. ۲۴ پس آوازه‌اش در سرتاسر سوریه پیچید و مردم همه بیماران را که به انواع امراض و دردها دچار بودند، و نیز دیوزدگان و مصروعان و مفلوجان را نزدش می‌آوردند و آنان را شفا می‌بخشید. ۲۵ پس جماعت‌های بزرگ از جلیل و دکاپولیس، اورشلیم و یهودیه و فراسوی اردن از پی او روانه شدند.

انجیل متى : الأصحاح الخامس * ۱:۵-۴۸

۱ وَلَمَّا رَأَى الْجُمُوعَ صَعِدَ إِلَى الْجَبَلِ، فَلَمَّا جَلَسَ تَقَدَّمَ إِلَيْهِ تَلَامِيذُهُ. ۲ فَفَتَحَ فَاهُ وَعَلَّمَهُمْ قَائِلًا: ۳ «طُوبَى لِلْمَسَاكِينِ بِالرُّوحِ، لَأَنَّ لَهُمْ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ. ۴ طُوبَى لِلْحَزَانَى، لَأَنَّهُمْ يَتَعَزَّوْنَ. ۵ طُوبَى لِلْوُدْعَاءِ، لَأَنَّهُمْ يَرِثُونَ الْأَرْضَ. ۶ طُوبَى لِلْجِيَاعِ وَالْعِطَاشِ إِلَى الْبِرِّ، لَأَنَّهُمْ يُشْبِعُونَ. ۷ طُوبَى لِلرَّحَمَاءِ، لَأَنَّهُمْ يُرْحَمُونَ. ۸ طُوبَى لِلْأَتْقِيَاءِ الْقُلُوبِ، لَأَنَّهُمْ يُعَايِنُونَ اللَّهَ. ۹ طُوبَى لِصَانِعِي السَّلَامِ، لَأَنَّهُمْ أَبْنَاءُ اللَّهِ يُدْعَوْنَ. ۱۰ طُوبَى لِلْمُطْرُودِينَ مِنْ أَجْلِ الْبِرِّ، لَأَنَّ لَهُمْ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ. ۱۱ طُوبَى لَكُمْ إِذَا عَيَّرُوكُمْ وَطَرَدُوكُمْ وَقَالُوا عَلَيْكُمْ كُلَّ كَلِمَةٍ شِرِيرَةٍ، مِنْ أَجْلِي، كَاذِبِينَ. ۱۲ اِفْرَحُوا وَتَهَلَّلُوا، لَأَنَّ أَجْرَكُمْ عَظِيمٌ فِي السَّمَاوَاتِ، فَإِنَّهُمْ هكَذَا طَرَدُوا الْأَنْبِيَاءَ الَّذِينَ قَبْلَكُمْ.

۱ چون عیسی آن جماعتها را دید، به کوهی برآمد و بنشست. آنگاه شاگردانش نزد او آمدند ۲ و او به تعلیم دادنشان آغاز کرد و گفت: ۳ «خوشا به حال فقیران در روح، زیرا ملکوت آسمانها از آن ایشان است. ۴ خوشا به حال محزونین، زیرا آنان تسلی خواهند یافت. ۵ خوشا به حال حلیمان، زیرا آنان زمین را به میراث خواهند برد. ۶ خوشا به حال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا آنان سیر خواهند شد. ۷ خوشا به حال رحیمان، زیرا بر آنان رحم خواهد شد. ۸ خوشا به حال پاکدلان، زیرا آنان خدا را خواهند دید. ۹ خوشا به حال صلح جویان، زیرا آنان فرزندان خدا خوانده خواهند شد. ۱۰ خوشا به حال آنان که در راه پارسایی آزار می بینند، زیرا ملکوت آسمانها از آن ایشان است. ۱۱ «خوشا به حال شما، آنگاه که مردم به خاطر من، شما را دشنام دهند و آزار رسانند و هر سخن بدی به دروغ علیه تان بگویند. ۱۲ خوش باشید و شادی کنید زیرا پاداشتان در آسمان عظیم است. چراکه همین گونه پیامبرانی را که پیش از شما بودند، آزار رسانیدند.

۱۳ «أَنْتُمْ مِلْحُ الْأَرْضِ، وَلَكِنْ إِنْ فَسَدَ الْمِلْحُ فِيمَاذَا يُمْلَحُ؟ لَا يَصْلُحُ بَعْدُ لِشَيْءٍ، إِلَّا لَأَنْ يُطْرَحَ خَارِجًا وَيُدَاسَ مِنَ النَّاسِ. ۱۴ أَنْتُمْ نُورُ الْعَالَمِ. لَا يُمَكِّنُ أَنْ تُخْفِيَ مَدِينَةً مَوْضُوعَةً عَلَى جَبَلٍ، ۱۵ وَلَا يُوقِدُونَ سِرَاجًا وَيَضَعُونَهُ تَحْتَ الْمِكْيَالِ، بَلْ عَلَى الْمَنَارَةِ فَيُضِيءُ لِجَمِيعِ الَّذِينَ فِي الْبَيْتِ. ۱۶ فَلْيُضِيءِ نُورُكُمْ هَكَذَا قُدَّامَ النَّاسِ، لِكَيْ يَرَوْا أَعْمَالَكُمْ الْحَسَنَةَ، وَيُمَجِّدُوا أَبَاكُمْ الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ.

۱۳ «شما نمک جهانیید. اما اگر نمک خاصیتش را از دست بدهد، چگونه می توان آن را باز نمکین ساخت؟ دیگر به کاری نمی آید جز آنکه بیرون ریخته شود و پایمال مردم گردد. ۱۴ «شما نور جهانیید. شهری را که بر فراز کوهی بنا شده، نتوان پنهان کرد. ۱۵ هیچ کس چراغ را نمی افروزد تا آن را زیر کاسه ای بپند، بلکه آن را بر چراغدان می گذارد تا نورش بر همه آنان که در خانه اند، بتابد. ۱۶ پس بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا کارهای نیکتان را ببینند و پدر شما را که در آسمان است، بستایند.

۱۷ «لَا تَطْنُوا إِنِّي جِئْتُ لَأَنْقُضَ النَّامُوسَ أَوْ الْأَنْبِيَاءَ. مَا جِئْتُ لَأَنْقُضَ بَلْ لَأَكْمِلَ. ۱۸ فَإِنِّي الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِلَى أَنْ تَزُولَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ لَا يَزُولُ حَرْفٌ وَاحِدٌ أَوْ نَقْطَةٌ وَاحِدَةٌ مِنَ النَّامُوسِ حَتَّى يَكُونَ الْكُلُّ. ۱۹ فَمَنْ نَقَضَ إِحْدَى هَذِهِ الْوَصَايَا الصَّغْرَى وَعَلَّمَ النَّاسَ هَكَذَا، يُدْعَى أَصْغَرَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ. وَأَمَّا مَنْ عَمِلَ وَعَلَّمَ، فَهَذَا يُدْعَى عَظِيمًا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ. ۲۰ فَإِنِّي أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّكُمْ إِن لَمْ يَزِدْ بِرُّكُمْ عَلَى الْكِتَابَةِ وَالْفَرِيسِيِّينَ لَنْ تَدْخُلُوا مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ.

۱۷ «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را نسخ کنم؛ نیامده‌ام تا آنها را نسخ کنم، بلکه آمده‌ام تا تحقیقشان بخشم. ۱۸ زیرا به‌راستی به شما می‌گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، نقطه یا همزه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد، تا اینکه همه به انجام رسد. ۱۹ پس هر که یکی از کوچکترین این احکام را کم‌اهمیت شمارد و به دیگران نیز چنین بیاموزد، در ملکوت آسمان‌ها، کوچکترین به شمار خواهد آمد. اما هر که این احکام را اجرا کند و آنها را به دیگران بیاموزد، او در ملکوت آسمان‌ها بزرگ خوانده خواهد شد. ۲۰ زیرا به شما می‌گویم، تا پارسایی شما برتر از پارسایی علمای دین و فریسیان نباشد، هرگز به ملکوت آسمان‌ها راه نخواهید یافت.

۲۱ «قَدْ سَمِعْتُمْ أَنَّهُ قِيلَ لِلْقَدَمَاءِ: لَا تَقْتُلْ، وَمَنْ قَتَلَ يَكُونُ مُسْتَوْجِبَ الْحُكْمِ. ۲۲ وَأَمَّا أَنَا فَأَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ كُلَّ مَنْ يَغْضَبُ عَلَى أَخِيهِ بَاطِلًا يَكُونُ مُسْتَوْجِبَ الْحُكْمِ، وَمَنْ قَالَ لِأَخِيهِ: رَقَا، يَكُونُ مُسْتَوْجِبَ الْمَجْمَعِ، وَمَنْ قَالَ: يَا أَحْمَقُ، يَكُونُ مُسْتَوْجِبَ نَارِ جَهَنَّمَ. ۲۳ فَإِنْ قَدَّمْتَ قُرْبَانَكَ إِلَى الْمَذْبَحِ، وَهُنَاكَ تَذَكَّرْتَ أَنَّ لِأَخِيكَ شَيْئًا عَلَيْكَ، ۲۴ فَاتْرُكْ هُنَاكَ قُرْبَانَكَ قُدَّامَ الْمَذْبَحِ، وَادْهَبْ أَوَّلًا اصْطَلِحْ مَعَ أَخِيكَ، وَحِينَئِذٍ تَعَالِ وَقَدِّمْ قُرْبَانَكَ. ۲۵ كُنْ مُرَاضِيًا لِخَصْمِكَ سَرِيعًا مَا دُمْتَ مَعَهُ فِي الطَّرِيقِ، لِئَلَّا يُسَلِّمَكَ الْخَصْمُ إِلَى الْقَاضِي، وَيُسَلِّمَكَ الْقَاضِي إِلَى الشَّرْطِيِّ، فَتُلْقَى فِي السِّجْنِ. ۲۶ الْحَقُّ أَقُولُ لَكَ: لَا تَخْرُجُ مِنْ هُنَاكَ حَتَّى تُوفِيَ الْفَلَسَ الْأَخِيرَ!

۲۱ «شنیده‌اید که به پیشینیان گفته شده، "قتل مکن، و هر که قتل کند، سزاوار محاکمه خواهد بود." ۲۲ اما من به شما می‌گویم، هر که بر برادر خود خشم گیرد، سزاوار محاکمه است؛ و هر که به برادر خود 'راقا' گوید، سزاوار محاکمه در حضور شورا است؛ و هر که به برادر خود احمق گوید، سزاوار آتش جهنم بود. ۲۳ پس اگر هنگام تقدیم هدیه‌ات بر مذبح، به یاد آوردی که برادرت از تو چیزی به دل دارد، ۲۴ هدیه‌ات را بر مذبح واگذار و نخست برو و با برادر خود آشتی کن و سپس بیا و هدیه‌ات را تقدیم نما. ۲۵ با شاکی خود که تو را به محکمه می‌برد، تا هنوز با وی در راه هستی، صلح کن، مبادا تو را به قاضی سپارد و قاضی تو را تحویل نگهبان دهد و به زندان افتی. ۲۶ به‌راستی به تو می‌گویم که تا قران آخر را نپردازی، از زندان به در نخواهی آمد.

۲۷ «قَدْ سَمِعْتُمْ أَنَّهُ قِيلَ لِلْقَدَمَاءِ: لَا تَزْنِ. ۲۸ وَأَمَّا أَنَا فَأَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ كُلَّ مَنْ يَنْظُرُ إِلَى امْرَأَةٍ لِيَشْتَهِيَهَا، فَقَدْ زَنَى بِهَا فِي قَلْبِهِ. ۲۹ فَإِنْ كَانَتْ عَيْنُكَ الْيُمْنَى تُغْبِرُكَ فَأَقْلَعْهَا وَأَلْقِهَا عَنْكَ، لِأَنَّهُ خَيْرٌ لَكَ أَنْ يَهْلِكَ أَحَدُ أَعْضَائِكَ وَلَا يُلْقَى جَسَدُكَ كُلُّهُ فِي جَهَنَّمَ. ۳۰ وَإِنْ كَانَتْ يَدُكَ الْيُمْنَى تُغْبِرُكَ فَأَقْطَعْهَا وَأَلْقِهَا عَنْكَ، لِأَنَّهُ خَيْرٌ لَكَ أَنْ يَهْلِكَ أَحَدُ أَعْضَائِكَ وَلَا يُلْقَى جَسَدُكَ كُلُّهُ فِي جَهَنَّمَ. ۳۱ «وَقِيلَ: مَنْ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ فَلْيُعْطِهَا كِتَابَ طَلَاقٍ. ۳۲ وَأَمَّا أَنَا فَأَقُولُ لَكُمْ: إِنْ مَنْ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ إِلَّا لِعِلَّةِ الزَّنى يَجْعَلُهَا تَزْنِي، وَمَنْ يَتَزَوَّجُ مُطْلَقَةً فَإِنَّهُ يَزْنِي.

۲۷ «شنیده‌اید که گفته شده، "زنا مکن." ۲۸ اما من به شما می‌گویم، هر که با شهوت به زنی بنگرد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است. ۲۹ پس اگر چشم راست تو را می‌لغزاند، آن را به در آرد و دور افکن، زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت نابود گردد تا آن که تمام بدنت به دوزخ افکنده شود. ۳۰ و اگر دست راست تو را می‌لغزاند، آن را قطع کن و دور افکن، زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت نابود گردد تا آن که تمام بدنت به دوزخ افکنده شود. ۳۱ «همچنین گفته شده که "هر که زن خود را طلاق دهد، باید به او طلاقنامه‌ای بدهد." ۳۲ اما من به شما می‌گویم، هر که زن خود را جز به علت بی‌عفتی طلاق دهد، باعث زناکار شدن او می‌گردد؛ و هر که زن طلاق داده شده را به زنی بگیرد، زنا می‌کند.

۳۳ «أَيْضًا سَمِعْتُمْ أَنَّهُ قِيلَ لِلْقَدَمَاءِ: لَا تَحْنُثْ، بَلْ أَوْفٍ لِلرَّبِّ أَفْسَامُكَ. ۳۴ وَأَمَّا أَنَا فَأَقُولُ لَكُمْ: لَا تَحْلِفُوا الْبَتَّةَ، لَا بِالسَّمَاءِ لِأَنَّهَا كُرْسِيُّ اللَّهِ، ۳۵ وَلَا بِالْأَرْضِ لِأَنَّهَا مَوْطِئُ قَدَمَيْهِ، وَلَا بِأُورُشَلِيمَ لِأَنَّهَا مَدِينَةُ الْمَلِكِ الْعَظِيمِ. ۳۶ وَلَا تَحْلِفْ بِرَأْسِكَ، لِأَنَّكَ لَا تَقْدِرُ أَنْ تَجْعَلَ شَعْرَةً وَاحِدَةً بَيَاضًا أَوْ سَوْدَاءَ. ۳۷ بَلْ لِيَكُنْ كَلَامُكُمْ: نَعَمْ نَعَمْ، لَا لَا. وَمَا زَادَ عَلَى ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الشَّرِّيرِ.

۳۳ «و باز شنیده‌اید که به پیشینیان گفته شده، "سوگند دروغ مخور، بلکه به سوگندهای خود به خداوند وفا کن." ۳۴ اما من به شما می‌گویم، هرگز سوگند مخورید، نه به آسمان، زیرا که تخت پادشاهی خداست، ۳۵ و نه به زمین، چون کرسی زیر پای اوست، و نه به اورشلیم، زیرا که شهر آن پادشاه بزرگ است. ۳۶ و به سر خود نیز سوگند مخور، زیرا حتی مویی را سفید یا سیاه نمی‌توانی کرد. ۳۷ پس 'بله' شما همان 'بله' باشد و 'نه' شما 'نه'، زیرا افزون بر این، شیطانی است.

۳۸ «سَمِعْتُمْ أَنَّهُ قِيلَ: عَيْنٌ بَعَيْنٌ وَسِنٌّ بِسِنٍّ. ۳۹ وَأَمَّا أَنَا فَأَقُولُ لَكُمْ: لَا تَقَاوِمُوا الشَّرَّ، بَلْ مَنْ لَطَمَكَ عَلَى خَدِّكَ الْاِئْمَنِ فَحَوِّلْ لَهُ الْآخَرَ أَيْضًا. ۴۰ وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُخَاصِمَكَ وَيَأْخُذَ ثَوْبَكَ فَاتْرُكْ لَهُ الرِّدَاءَ أَيْضًا. ۴۱ وَمَنْ سَخَّرَكَ مِثْلًا وَاحِدًا فَادْهَبْ مَعَهُ اثْنَيْنِ. ۴۲ مَنْ سَأَلَكَ فَأَعْطِهِ، وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَقْتَرِضَ مِنْكَ فَلَا تَرُدَّهُ.

۳۸ «نیز شنیده‌اید که گفته شده، "چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان." ۳۹ اما من به شما می‌گویم، در برابر شخص شریر ایستادگی نکنید. اگر کسی به گونه‌ی راست تو سیلی زند، گونه‌ی دیگر را نیز به سوی او بگردان. ۴۰ و هر گاه کسی بخواهد تو را به محکمه کشیده، قبایت را از تو بگیرد، عبایت را نیز به او واگذار. ۴۱ اگر کسی مجبور شود یک میل با او بروی، دو میل همراهش برو. ۴۲ اگر کسی از تو چیزی بخواهد، به او بده و از کسی که از تو قرض خواهد، روی مگردان.

۴۳ «سَمِعْتُمْ أَنَّهُ قِيلَ: تُحِبُّ قَرِيبَكَ وَتُبْغِضُ عَدُوَّكَ. ۴۴ وَأَمَّا أَنَا فَأَقُولُ لَكُمْ: أَحِبُّوا أَعْدَاءَكُمْ. بَارِكُوا لَاعِنَيْكُمْ. أَحْسِنُوا إِلَى مُبْغِضَيْكُمْ، وَصَلُّوا لِأَجْلِ الَّذِينَ يُسَيِّئُونَ إِلَيْكُمْ وَيَطْرُدُونَكُمْ، ۴۵ لِكَيْ تَكُونُوا أَبْنَاءَ أَبِيكُمْ الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ، فَإِنَّهُ يُشْرِقُ شَمْسَهُ عَلَى الْأَشْرَارِ وَالصَّالِحِينَ، وَيُمِطِرُ عَلَى الْإِبْرَارِ وَالظَّالِمِينَ. ۴۶ لِأَنَّهُ إِنْ أَحْبَبْتُمْ الَّذِينَ يُحِبُّونَكُمْ، فَمَايَ أَجْرٍ لَكُمْ؟ أَلَيْسَ الْعَشَارُونَ أَيْضًا يَفْعَلُونَ ذَلِكَ؟ ۴۷ وَإِنْ سَلَّمْتُمْ عَلَى إِخْوَتِكُمْ فَقَطً، فَمَايَ فَضْلٍ تَصْنَعُونَ؟ أَلَيْسَ الْعَشَارُونَ أَيْضًا يَفْعَلُونَ هَكَذَا؟ ۴۸ فَكُونُوا أَنْتُمْ كَامِلِينَ كَمَا أَنَّ أَبَاكُمْ الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ هُوَ كَامِلٌ.

۴۳ «شنیده‌اید که گفته شده، "همسایه‌ات را محبت نما و با دشمن‌ت دشمنی کن." ۴۴ اما من به شما می‌گویم دشمنان خود را محبت نمایید، و بر لعنت کنندگانتان، دعای خیر کنید؛ به آنانی که از شما نفرت دارند، نیکی کنید، و برای نجات آنانی که به شما ناسزا گفته و شما را آزار می‌دهند، دعا نمایید، ۴۵ تا پدر خود را که در آسمان است، فرزندان باشید. زیرا او آفتاب خود را بر بدان و نیکان می‌تاباند و باران خود را بر پارسایان و بدکاران می‌باراند. ۴۶ اگر تنها آنان را محبت کنید که شما را محبت می‌کنند، چه پاداشی خواهید داشت؟ آیا حتی خراجگیران چنین نمی‌کنند؟ ۴۷ و اگر تنها برادران خود را سلام گوئید، چه برتری بر دیگران دارید؟ مگر حتی اقوام بت‌پرست چنین نمی‌کنند؟ ۴۸ پس شما کامل باشید چنانکه پدر آسمانی شما کامل است.

انجيل متى: الأصحاح السادس * ۱:۶-۲۴

۱ «إِخْتَرِزُوا مِنْ أَنْ تَصْنَعُوا صَدَقَتَكُمْ قُدَّامَ النَّاسِ لِكَيْ يَنْظُرُوكُمْ، وَإِلَّا فَلَيْسَ لَكُمْ أَجْرٌ عِنْدَ أَبِيكُمْ الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ. ۲ فَامَتَى صَنَعْتَ صَدَقَةً فَلَا تُصَوِّتُ قُدَّامَكَ بِالْبُوقِ، كَمَا يَفْعَلُ الْمُرَاوُونَ فِي الْمَجَامِعِ وَفِي الْأَرْقَةِ، لِكَيْ يَمَجِّدُوا مِنَ النَّاسِ. الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّهُمْ قَدْ اسْتَوْفَوْا أَجْرَهُمْ! ۳ وَأَمَّا أَنْتَ فَامَتَى صَنَعْتَ صَدَقَةً فَلَا تُعْرِفُ شِمَالَكَ مَا تَفْعَلُ يَمِينُكَ، ۴ لِكَيْ تَكُونَ صَدَقَتُكَ فِي الْخَفَاءِ. فَأَبُوكَ الَّذِي يَرَى فِي الْخَفَاءِ هُوَ يُجَازِيكَ غَلَانِيَةً.

۱ «آگاه باشید که پارسایی خود را در برابر دیدگان مردم به جا میاورید، به این قصد که شما را ببینند، و گرنه نزد پدر خود که در آسمان است، پاداشی نخواهید داشت. ۲ «پس هنگامی که صدقه می دهی، جار مزین، چنانکه ریاکاران در کنیسه ها و کوچه ها می کنند تا مردم آنها را بستایند. به راستی به شما می گویم، اینان پاداش خود را به تمامی یافته اند. ۳ پس تو چون صدقه می دهی، چنان کن که دست چپت از آنچه دست راست می کند، آگاه نشود، ۴ تا صدقه تو در نهان باشد؛ آنگاه پدرِ نهان بین تو، به تو پاداش خواهد داد.

۵ «وَمَتَى صَلَّيْتَ فَلَا تَكُنْ كَالْمُرَائِينَ، فَإِنَّهُمْ يُجَبِّونَ أَنْ يُصَلُّوا قَائِمِينَ فِي الْمَجَامِعِ وَفِي زَوَايَا الشُّوَارِعِ، لِكَيْ يَظْهَرُوا لِلنَّاسِ. الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّهُمْ قَدْ اسْتَوْفَوْا أَجْرَهُمْ! ۶ وَأَمَّا أَنْتَ فَمَتَى صَلَّيْتَ فَادْخُلْ إِلَى مَخْدَعِكَ وَأَغْلِقْ بَابَكَ، وَصَلِّ إِلَى أَبِيكَ الَّذِي فِي الْخَفَاءِ. فَأَبُوكَ الَّذِي يَرَى فِي الْخَفَاءِ يُجَازِيكَ عِلَانِيَةً. ۷ وَحِينَمَا تُصَلُّونَ لَا تُكْرِرُوا الْكَلَامَ بَاطِلًا كَالْأَمَمِ، فَإِنَّهُمْ يَطْنُونَ أَنَّهُ بِكَثْرَةِ كَلَامِهِمْ يُسْتَجَابُ لَهُمْ. ۸ فَلَا تَتَشَبَّهُوا بِهِمْ. لِأَنَّ آبَاكُمْ يَعْلَمُ مَا تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ قَبْلَ أَنْ تَسْأَلُوهُ. ۹ «فَصَلُّوا أَنْتُمْ هَكَذَا: أَبَانَا الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ، لِيَتَقَدَّسَ اسْمُكَ. ۱۰ لِيَأْتِ مَلَكُوتُكَ. لِيَكُنْ مَشِيئَتُكَ كَمَا فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ عَلَى الْأَرْضِ. ۱۱ خُزِّنَا كَفَافًا أَعْطِنَا الْيَوْمَ. ۱۲ وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا كَمَا نَعْفِرُ نَحْنُ أَيْضًا لِلْمُذْنِبِينَ إِلَيْنَا. ۱۳ وَلَا تَدْخِلْنَا فِي تَجَرِبَةٍ، لَكِنْ نَجِّنَا مِنَ الشَّرِيرِ. لِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ، وَالْقُوَّةَ، وَالْمَجْدَ، إِلَى الْأَبَدِ. آمِينَ. ۱۴ فَإِنَّهُ إِنْ غَفَرْتُمْ لِلنَّاسِ زَلَّاتِهِمْ، يَغْفِرْ لَكُمْ أَيْضًا آبُوكُمْ السَّمَاوِيِّ. ۱۵ وَإِنْ لَمْ تَغْفِرُوا لِلنَّاسِ زَلَّاتِهِمْ، لَا يَغْفِرْ لَكُمْ آبُوكُمْ أَيْضًا زَلَّاتِكُمْ.

۵ «هنگامی که دعا می کنی، همچون ریاکاران مباش که دوست می دارند در کنیسه ها و سرِ کوچه ها ایستاده، دعا کنند تا مردم آنها را ببینند. به راستی به شما می گویم، اینان پاداش خود را به تمامی یافته اند. ۶ اما تو، هنگامی که دعا می کنی به اتاق خود برو، در را ببند و نزد پدر خود که در نهان است، دعا کن. آنگاه پدرِ نهان بین تو، به تو پاداش خواهد داد. ۷ «همچنین، هنگام دعا، عباراتی توخالی تکرار نکنید، آن گونه که اقوام بت پرست می کنند، زیرا می پندارند به سبب زیاده گفتن، دعایشان مستجاب می شود. ۸ پس مانند ایشان مباشید، زیرا پدر شما پیش از آنکه از او درخواست کنید، نیازهای شما را می داند. ۹ «پس شما این گونه دعا کنید: «ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. ۱۰ ملکوت تو بیاید. اراده تو، چنانکه در آسمان انجام می شود، بر زمین نیز به انجام رسد. ۱۱ نان روزانه ما را امروز به ما عطا فرما. ۱۲ و قرضهای ما را ببخش، چنانکه ما نیز قرضداران خود را می بخشیم. ۱۳ و ما را در آزمایش میاور، بلکه از آن شریر رهاییمان ده. [زیرا پادشاهی و قدرت و جلال، تا ابد از آن توست. آمین.] ۱۴ زیرا اگر خطاهای مردم را ببخشید، پدر آسمانی شما نیز شما را خواهد بخشید. ۱۵ اما اگر خطاهای مردم را نبخشید، پدر شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید.

۱۶ «وَمَتَى صُمْتُمْ فَلَا تَكُونُوا عَابِسِينَ كَالْمُرَاتِينِ، فَإِنَّهُمْ يُعَيِّرُونَ وَجُوهَهُمْ لِكَيْ يَظْهَرُوا لِلنَّاسِ صَائِمِينَ. الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّهُمْ قَدْ اسْتَوْفَوْا أَجْرَهُمْ. ۱۷ وَأَمَّا أَنْتَ فَمَتَى صُمْتَ فَادْهِنْ رَأْسَكَ وَاغْسِلْ وَجْهَكَ، ۱۸ لِكَيْ لَا تَظْهَرَ لِلنَّاسِ صَائِمًا، بَلْ لِأَبِيكَ الَّذِي فِي الْخَفَاءِ. فَأَبُوكَ الَّذِي يَرَى فِي الْخَفَاءِ يُجَازِيكَ غَلَانِيَةً.

۱۶ «هنگامی که روزه می گیرید، مانند ریاکاران تشر و مباحثید، زیرا آنان حالت چهره خود را دگرگون می کنند تا نزد مردم، روزه دار بنمایند. به راستی به شما می گویم، که پاداش خود را به تمامی یافته اند. ۱۷ اما تو چون روزه می گیری، به سر خود روغن بز و صورت خود را بشوی ۱۸ تا روزه تو بر مردم عیان نباشد، بلکه بر پدر تو که در نهان است، و پدرِ نهان بین تو، به تو پاداش خواهد داد.

۱۹ «لَا تَكْنِزُوا لَكُمْ كُنُوزًا عَلَى الْأَرْضِ حَيْثُ يُفْسِدُ السُّوسُ وَالصَّدَأُ، وَحَيْثُ يَنْقُبُ السَّارِقُونَ وَيَسْرِقُونَ. ۲۰ بَلْ اكْنِزُوا لَكُمْ كُنُوزًا فِي السَّمَاءِ، حَيْثُ لَا يُفْسِدُ سُوسٌ وَلَا صَدَأٌ، وَحَيْثُ لَا يَنْقُبُ سَارِقُونَ وَلَا يَسْرِقُونَ، ۲۱ لِأَنَّهُ حَيْثُ يَكُونُ كَنْزُكَ هُنَاكَ يَكُونُ قَلْبُكَ أَيْضًا. ۲۲ سِرَاجُ الْجَسَدِ هُوَ الْعَيْنُ، فَإِنْ كَانَتْ عَيْنُكَ بَسِيطَةً فَجَسَدُكَ كُلُّهُ يَكُونُ نِيرًا، ۲۳ وَإِنْ كَانَتْ عَيْنُكَ شَرِيرَةً فَجَسَدُكَ كُلُّهُ يَكُونُ مُظْلِمًا، فَإِنْ كَانَ النُّورُ الَّذِي فِيكَ ظَلَامًا فَالظَّلَامُ كَمْ يَكُونُ! ۲۴ «لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ أَنْ يَخْدِمَ سَيِّدَيْنِ، لِأَنَّهُ إِمَّا أَنْ يُبْغِضَ الْوَاحِدَ وَيُحِبَّ الْآخَرَ، أَوْ يُلَازِمَ الْوَاحِدَ وَيَخْتَفِرَ الْآخَرَ. لَا تَقْدِرُونَ أَنْ تَخْدُمُوا اللَّهَ وَالْمَالَ.

۱۹ «بر زمین گنج میندوزید، جایی که بید و زنگ، زیان می رساند و دزدان نَقَب می زنند و سرقت می کنند. ۲۰ بلکه گنج خود را در آسمان بیدوزید، آنجا که بید و زنگ زیان نمی رساند و دزدان نَقَب نمی زنند و سرقت نمی کنند. ۲۱ زیرا هر جا گنج توست، دل تو نیز آنجا خواهد بود. ۲۲ «چشم، چراغ بدن است. اگر چشمت سالم باشد، تمام وجودت روشن خواهد بود. ۲۳ اما اگر چشمت فاسد باشد، تمام وجودت را ظلمت فرا خواهد گرفت. پس اگر نوری که در توست ظلمت باشد، چه ظلمت عظیمی خواهد بود! ۲۴ «هیچ کس دو ارباب را خدمت نتواند کرد، زیرا یا از یکی نفرت خواهد داشت و به دیگری مهر خواهد ورزید، و یا سرسپرده یکی خواهد بود و دیگری را خوار خواهد شمرد. نمی توانید هم بنده خدا باشید، هم بنده پول.

۲۵ «لِذَلِكَ أَقُولُ لَكُمْ: لَا تَهْتَمُّوا لِحَيَاتِكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَبِمَا تَشْرَبُونَ، وَلَا لِأَجْسَادِكُمْ بِمَا تَلْبَسُونَ. أَلَيْسَتْ الْحَيَاةُ أَفْضَلَ مِنَ الطَّعَامِ، وَالْجَسَدُ أَفْضَلَ مِنَ اللَّبَاسِ؟ ۲۶ أَنْظَرُوا إِلَى طُيُورِ السَّمَاءِ: إِنَّهَا لَا تَزْرَعُ وَلَا تَحْصُدُ وَلَا تَجْمَعُ إِلَى مَخَازِنَ، وَأَبُوكُمُ السَّمَاءِيُّ يَقْوِيهَا. أَلَسْتُمْ أَنْتُمْ بِالْحَرِيِّ أَفْضَلَ مِنْهَا؟ ۲۷ وَمَنْ مِنْكُمْ إِذَا اهْتَمَّ يَقْدِرُ أَنْ يَزِيدَ عَلَى قَامَتِهِ ذِرَاعًا وَاحِدَةً؟ ۲۸ وَلِمَاذَا تَهْتَمُّونَ بِاللِّبَاسِ؟ تَأْمَلُوا زَنَابِقَ الْحَقْلِ كَيْفَ تَتَمَوُّ! لَا تَتَعَبُ وَلَا تَغْزُلُ. ۲۹ وَلَكِنْ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّهُ وَلَا سُلَيْمَانُ فِي كُلِّ مَجْدِهِ كَانَ يَلْبَسُ كَوَاجِدَةً مِنْهَا. ۳۰ فَإِنْ كَانَ عُشْبُ الْحَقْلِ الَّذِي يُوجَدُ الْيَوْمَ وَيُطْرَحُ غَدًا فِي النَّوْرِ، يُلْبِسُهُ اللَّهُ هَكَذَا، أَفَلَيْسَ بِالْحَرِيِّ جِدًّا يُلْبِسُكُمْ أَنْتُمْ يَا قَلِيلِي

الإيمان؟ ٣١ فَلَا تَهْتَمُّوا قَائِلِينَ: مَاذَا نَأْكُلُ؟ أَوْ مَاذَا نَشْرَبُ؟ أَوْ مَاذَا نَلْبَسُ؟ ٣٢ فَإِنَّ هَذِهِ كُلَّهَا تَطْلُبُهَا الْأُمَمُ. لِأَنَّ آبَاكُمْ السَّمَاوِيِّ يَعْلَمُ أَنَّكُمْ تَحْتَاجُونَ إِلَى هَذِهِ كُلَّهَا. ٣٣ لَكِنْ اطْلُبُوا أَوَّلًا مَلَكُوتَ اللَّهِ وَبِرَّهُ، وَهَذِهِ كُلَّهَا تَزَادُ لَكُمْ. ٣٤ فَلَا تَهْتَمُّوا لِلْغَدِ، لِأَنَّ الْغَدَ يَهْتَمُّ بِمَا لِنَفْسِهِ. يَكْفِي الْيَوْمَ شَرُّهُ.

۲۵ «پس به شما می گویم، نگران زندگی خود نباشید که چه بخورید یا چه بنوشید، و نه نگران بدن خود که چه پوشید. آیا زندگی از خوراک و بدن از پوشاک مهمتر نیست؟ ۲۶ پرندگان آسمان را بنگرید که نه می کارند و نه می دروند و نه در انبار ذخیره می کنند و پدر آسمانی شما به آنها روزی می دهد. آیا شما بس باارزستر از آنها نیستید؟ ۲۷ کیست از شما که بتواند با نگرانی، ساعتی به عمر خود بیفزاید؟ ۲۸ «و چرا برای پوشاک نگرانید؟ سوسنهای صحرا را بنگرید که چگونه نمو می کنند؛ نه زحمت می کشند و نه می ریسند. ۲۹ به شما می گویم که حتی سلیمان نیز با همه شکوه و جلالش همچون یکی از آنها آراسته نشد. ۳۰ پس اگر خدا علف صحرا را که امروز هست و فردا در تنور افکنده می شود، این چنین می پوشاند، آیا شما را، ای سست ایمانان، به مراتب بهتر نخواهد پوشانید؟ ۳۱ «پس نگران نباشید و نگوید چه بخوریم یا چه بنوشیم و یا چه بپوشیم. ۳۲ زیرا اقوام بت پرست در پی همه این گونه چیزهایند، اما پدر آسمانی شما می داند که بدین همه نیاز دارید. ۳۳ بلکه نخست در پی ملکوت خدا و عدالت او باشید، آنگاه همه اینها نیز به شما عطا خواهد شد. ۳۴ پس نگران فردا م باشید، زیرا فردا نگرانی خود را خواهد داشت. مشکلات امروز برای امروز کافی است!

انجیل متی: الأصْحاحُ السَّابِعُ * ۷: ۱-۲۹

۱ «لَا تَدِينُوا لِكَيْ لَا تَدُنُوا، ۲ لِأَنَّكُمْ بِالذَّيْنُونَةِ الَّتِي بِهِمَا تَدِينُونَ تَدُنُونَ، وَبِالْكَيْلِ الَّذِي بِهِ تَكِيلُونَ يَكَالُ لَكُمْ. ۳ وَلَمَّاذَا تَنْظُرُ الْقَذَى الَّذِي فِي عَيْنِ أَخِيكَ، وَأَمَّا الْخَشَبَةُ الَّتِي فِي عَيْنِكَ فَلَا تَفْطَنُ لَهَا؟ ۴ أَمْ كَيْفَ تَقُولُ لِأَخِيكَ: دَعْنِي أَخْرِجِ الْقَذَى مِنْ عَيْنِكَ، وَهِيَ الْخَشَبَةُ فِي عَيْنِكَ؟ ۵ يَا مُرَائِي، أَخْرِجْ أَوَّلًا الْخَشَبَةَ مِنْ عَيْنِكَ، وَحِينَئِذٍ تُبْصِرُ جِدًّا أَنْ تَخْرِجَ الْقَذَى مِنْ عَيْنِ أَخِيكَ! ۶ لَا تَعْطُوا الْقُدُسَ لِلْكَالِبِ، وَلَا تَطْرَحُوا دُرَّكُمْ قُدَّامَ الْخَنَازِيرِ، لِئَلَّا تَدُوسَهَا بِأَرْجُلِهَا وَتَلْتَفِتَ فَتَمَرِّقَكُمْ.

۱ «داوری نکنید تا بر شما داوری نشود. ۲ زیرا به همان گونه که بر دیگران داوری کنید، بر شما نیز داوری خواهد شد و با همان پیمان که وزن کنید، برای شما وزن خواهد شد. ۳ چرا پَر کاه را در چشم برادرت می بینی، اما از چوبی که در چشم خود داری غافل؟ ۴ چگونه می توانی به برادرت بگویی، "بگذار پَر کاه را از چشمت به در آورم،" حال آنکه چوبی در چشم خود داری؟ ۵ ای ریاکار، نخست چوب را از چشم خود به در آر، آنگاه بهتر خواهی دید تا پَر کاه را از چشم برادرت بیرون کنی. ۶ «آنچه مقدس

است، به سگان مدهید و مرواریدهای خود را پیش خوکان میندازید، مبدا آنها را پایمال کنند و برگردند و شما را بدرند.

۷ «إِسْأَلُوا تُعْطُوا. اَطْلُبُوا تَجِدُوا. اِفْرَعُوا يُفْتَحْ لَكُمْ. ۸ لَآنَّ كُلَّ مَنْ يَسْأَلُ يَأْخُذْ، وَمَنْ يَطْلُبُ يَجِدْ، وَمَنْ يَفْرَعْ يُفْتَحْ لَهُ. ۹ أَمْ أَيْ إِنْسَانٍ مِنْكُمْ إِذَا سَأَلَهُ ابْنُهُ خُبْرًا، يُعْطِيهِ حَجَرًا؟ ۱۰ وَإِنْ سَأَلَهُ سَمَكَةً، يُعْطِيهِ حَيَّةً؟ ۱۱ فَإِنْ كُنْتُمْ وَأَنْتُمْ أَشْرَارُ تَعْرِفُونَ أَنْ تُعْطُوا أَوْلَادَكُمْ عَطَايَا جَيِّدَةً، فَكَمْ بِالْحَرِيِّ أَبُوكُمْ الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ، يَهَبُ خَيْرَاتٍ لِلَّذِينَ يَسْأَلُونَهُ! ۱۲ فَكُلُّ مَا تُرِيدُونَ أَنْ يَفْعَلَ النَّاسُ بِكُمْ أَفْعَلُوا هَكَذَا أَنْتُمْ أَيْضًا بِهِمْ، لَآنَّ هَذَا هُوَ النَّامُوسُ وَالْأَنْبِيَاءُ.»

۷ «بخاهید، که به شما داده خواهد شد؛ بجوید، که خواهید یافت؛ بکوید، که در به رویتان گشوده خواهد شد. ۸ زیرا هر که بخواهد، به دست آورد و هر که بجوید، یابد و هر که بکوید، در به رویش گشوده شود. ۹ کدام یک از شما اگر پسرش از او نان بخواهد، سنگی به او می دهد؟ ۱۰ یا اگر ماهی بخواهد، ماری به او می بخشد؟ ۱۱ حال اگر شما با همه بدسیرتی تان، می دانید که باید به فرزندان خود هدایای نیکو بدهید، چقدر بیشتر پدر شما که در آسمان است به آنان که از او بخوانند، هدایای نیکو خواهد بخشید. ۱۲ پس با مردم همان گونه رفتار کنید که می خواهید با شما رفتار کنند. این است خلاصه تورات و نوشته های انبیا.

۱۳ «أَدْخُلُوا مِنَ الْبَابِ الضَّيِّقِ، لَآنَّهُ وَاسِعُ الْبَابِ وَرَخْبُ الطَّرِيقِ الَّذِي يُؤَدِّي إِلَى الْهَلَاكِ، وَكَثِيرُونَ هُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ مِنْهُ! ۱۴ مَا أَضْيَقَ الْبَابَ وَأَكْرَبَ الطَّرِيقَ الَّذِي يُؤَدِّي إِلَى الْحَيَاةِ، وَقَلِيلُونَ هُمُ الَّذِينَ يَجِدُونَهُ!»

۱۳ «از در تنگ داخل شوید، زیرا فراخ است آن در و عریض است آن راه که به هلاکت منتهی می شود و داخل شوندگان به آن بسیارند. ۱۴ اما تنگ است آن در و سخت است آن راه که به حیات منتهی می شود، و یابندگان آن کم اند.

۱۵ «إِخْتَرَزُوا مِنَ الْاَنْبِيَاءِ الْكَذْبَةِ الَّذِينَ يَأْتُونَكُمْ بِثِيَابِ الْخُمْلَانِ، وَلَكِنَّهُمْ مِنْ دَاخِلٍ ذَنَابُ خَاطِفَةٌ! ۱۶ مِنْ ثِمَارِهِمْ تَعْرِفُونَهُمْ. هَلْ يَجْتَنُونَ مِنَ الشَّوْكِ عَنَبًا، أَوْ مِنَ الْحَسَكِ تِينًا؟ ۱۷ هَكَذَا كُلُّ شَجَرَةٍ جَيِّدَةٍ تَصْنَعُ أَثْمَارًا جَيِّدَةً، وَأَمَّا الشَّجَرَةُ الرَّدِيَّةُ فَتَصْنَعُ أَثْمَارًا رَدِيَّةً، ۱۸ لَا تَقْدِرُ شَجَرَةٌ جَيِّدَةٌ أَنْ تَصْنَعَ أَثْمَارًا رَدِيَّةً، وَلَا شَجَرَةٌ رَدِيَّةٌ أَنْ تَصْنَعَ أَثْمَارًا جَيِّدَةً. ۱۹ كُلُّ شَجَرَةٍ لَا تَصْنَعُ ثَمَرًا جَيِّدًا تُقَطَّعُ وَتُلْقَى فِي النَّارِ. ۲۰ فَإِذَا مِنْ ثِمَارِهِمْ تَعْرِفُونَهُمْ. ۲۱ «لَيْسَ كُلُّ مَنْ يَقُولُ لِي: يَا رَبِّ، يَا رَبِّ! يَدْخُلُ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ. بَلِ الَّذِي يَفْعَلُ إِرَادَةَ أَبِي الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ. ۲۲ كَثِيرُونَ سَيَقُولُونَ لِي فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ: يَا رَبِّ، يَا رَبِّ! أَلَيْسَ بِاسْمِكَ تَبَنَّا، وَبِاسْمِكَ أَخْرَجْنَا شَيْاطِينَ، وَبِاسْمِكَ صَنَعْنَا قُوَّاتٍ كَثِيرَةً؟ ۲۳ فَحِينَئِذٍ أَصْرَحُ لَهُمْ: إِنِّي لَمْ أَغْرِفْكُمْ قَطُّ! اذْهَبُوا عَنِّي يَا فَاعِلِي الْإِثْمِ!»

۱۵ «از پیامبران دروغین بر حذر باشید. آنان در لباس گوسفندان نزد شما می آیند، اما در باطن گرگان درنده اند. ۱۶ آنها را از میوه هایشان خواهید شناخت. آیا انگور را از بوته خار و انجیر را از علف هرز می چینند؟ ۱۷ به همین سان، هر درخت نیکو میوه نیکو می دهد، اما درخت بد میوه بد. ۱۸ درخت نیکو نمی تواند میوه بد بدهد، و درخت بد نیز نمی تواند میوه نیکو آورد. ۱۹ هر درختی که میوه خوب ندهد، بریده و در آتش افکنده می شود. ۲۰ بنابراین، آنان را از میوه هایشان خواهید شناخت. ۲۱ «نه هر که مرا 'سرورم، سرورم' خطاب کند به ملکوت آسمان ها راه یابد، بلکه تنها آن که اراده پدر مرا که در آسمان است، به جا آورد. ۲۲ در آن روز بسیاری مرا خواهند گفت: "سرور ما، سرور ما، آیا به نام تو نبوت نکردیم؟ آیا به نام تو دیوها را بیرون نراندیم؟ آیا به نام تو معجزات بسیار انجام ندادیم؟" ۲۳ اما به آنها به صراحت خواهم گفت، "هرگز شما را نشناختم. از من دور شوید، ای بدکاران!"

۲۴ «فَكُلُ مَنْ يَسْمَعُ أَقْوَالِي هَذِهِ وَيَعْمَلُ بِهَا، أُشَبِّهُهُ بِرَجُلٍ عَاقِلٍ، بَنَى بَيْتَهُ عَلَى الصَّخْرِ. ۲۵ فَنَزَلَ الْمَطَرُ، وَجَاءَتِ الْأَنْهَارُ، وَهَبَّتِ الرِّيحُ، وَوَقَعَتْ عَلَى ذَلِكَ الْبَيْتِ فَلَمْ يَسْقُطْ، لَأَنَّهُ كَانَ مُؤَسَّسًا عَلَى الصَّخْرِ. ۲۶ وَكُلُ مَنْ يَسْمَعُ أَقْوَالِي هَذِهِ وَلَا يَعْمَلُ بِهَا، يُشَبِّهُ بِرَجُلٍ جَاهِلٍ، بَنَى بَيْتَهُ عَلَى الرَّمْلِ. ۲۷ فَنَزَلَ الْمَطَرُ، وَجَاءَتِ الْأَنْهَارُ، وَهَبَّتِ الرِّيحُ، وَصَدَمَتْ ذَلِكَ الْبَيْتَ فَسَقَطَ، وَكَانَ سَقُوطُهُ عَظِيمًا!». ۲۸ فَلَمَّا أَكْمَلَ يَسُوعُ هَذِهِ الْأَقْوَالَ بُهِتَ الْجُمُوعُ مِنْ تَعْلِيمِهِ، ۲۹ لَأَنَّهُ كَانَ يُعَلِّمُهُمْ كَمَنْ لَهُ سُلْطَانٌ وَلَيْسَ كَالْكَتَبَةِ.

۲۴ «پس هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل کند، همچون مرد دانایی است که خانه خود را بر سنگ بنا کرد. ۲۵ چون باران بارید و سیلها روان شد و بادهای وزید و بر آن خانه زور آورد، خراب نشد زیرا بنیادش بر سنگ بود. ۲۶ اما هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل نکند، همچون مرد نادانی است که خانه خود را بر شن بنا کرد. ۲۷ چون باران بارید و سیلها روان شد و بادهای وزید و بر آن خانه زور آورد، ویران شد، و ویرانی اش عظیم بود!» ۲۸ چون عیسی این سخنان را به پایان رسانید، مردم از تعلیم او در شگفت شده بودند، ۲۹ زیرا با اقتدار تعلیم می داد، نه مانند علمای دین ایشان.

انجیل متی : الأصْحَاحُ الثَّامِنُ * ۸: ۱-۳۴

۱ وَلَمَّا نَزَلَ مِنَ الْجَبَلِ تَبِعَتْهُ جُمُوعٌ كَثِيرَةٌ. ۲ وَإِذَا أَبْرَصٌ قَدْ جَاءَ وَسَجَدَ لَهُ قَائِلًا: «يَا سَيِّدُ، إِنَّ أَرَدْتَ تَقْدِرْ أَنْ تُطَهِّرَنِي». ۳ فَمَدَّ يَسُوعُ يَدَهُ وَلَمَسَهُ قَائِلًا: «أَرِيدُ، فَاطْهَرِ!». وَلِلْوَقْتِ طَهَّرَ بَرَصُهُ. ۴ فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: «انْظُرْ أَنْ لَا تَقُولَ لِأَحَدٍ. بَلِ اذْهَبْ أَرِ نَفْسَكَ لِلْكَاهِنِ، وَقَدِّمِ الْقُرْبَانَ الَّذِي أَمَرَ بِهِ مُوسَى شَهَادَةً لَهُمْ».

۱ چون عیسی از کوه پایین آمد، جماعت های بزرگ از پی او روانه شدند. ۲ در این هنگام مردی جذامی نزد او آمد و در برابرش زانو زد و گفت: «سرورم، اگر بخواهی می توانی پاکم سازی.» ۳ عیسی دست

خود را دراز کرده، او را لمس نمود و گفت: «می‌خواهم؛ پاک شو!» در دم، جذام او پاک شد. ۴ سپس عیسی به او فرمود: «آگاه باش که در این باره به کسی چیزی نگویی، بلکه برو خود را به کاهن بنما و قربانی را که موسی امر کرده، تقدیم کن تا برای آنها گواهی باشد.»

۵ وَلَمَّا دَخَلَ يَسُوعُ كَفَرَنَاحُومَ، جَاءَ إِلَيْهِ قَائِدُ مِئَةٍ يَطْلُبُ إِلَيْهِ ۶ وَيَقُولُ: «يَا سَيِّدُ، غُلَامِي مَطْرُوحٌ فِي الْبَيْتِ مَفْلُوجًا مُتَعَذِّبًا جِدًّا». ۷ فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: «أَنَا آتِي وَأَشْفِيهِ». ۸ فَأَجَابَ قَائِدُ الْمِئَةِ وَقَالَ: «يَا سَيِّدُ، لَسْتُ مُسْتَحِقًّا أَنْ تَدْخُلَ تَحْتَ سَقْفِي، لَكِنْ قُلْ كَلِمَةً فَقَطْ فَيَبْرَأَ غُلَامِي. ۹ لِأَنِّي أَنَا أَيْضًا إِنْسَانٌ تَحْتَ سُلْطَانٍ. لِي جُنْدٌ تَحْتَ يَدِي. أَقُولُ لِهَذَا: اذْهَبْ! فَيَذْهَبُ، وَلَا خَرَّ: أَيْتِي! فَيَأْتِي، وَلِعَبْدِي: أَفْعَلْ هَذَا! فَيَفْعَلُ». ۱۰ فَلَمَّا سَمِعَ يَسُوعُ تَعَجَّبَ، وَقَالَ لِلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ: «الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: لَمْ أَجِدْ وَلَا فِي إِسْرَائِيلَ إِيْمَانًا بِمُقَدَّارِ هَذَا! ۱۱ وَأَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ كَثِيرِينَ سَيَأْتُونَ مِنَ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ وَيَتَكَيَّفُونَ مَعَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ، ۱۲ وَأَمَّا بَنُو الْمَلَكُوتِ فَيُطْرَحُونَ إِلَى الظُّلْمَةِ الْخَارِجِيَّةِ. هُنَاكَ يَكُونُ الْبُكَاءُ وَصَرِيرُ الْأَسْنَانِ». ۱۳ ثُمَّ قَالَ يَسُوعُ لِقَائِدِ الْمِئَةِ: «اذْهَبْ، وَكَمَا أَمَنْتَ لِيَكُنْ لَكَ». فَبَرَأَ غُلَامُهُ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ.

۵ چون عیسی وارد کفرناحوم شد، یک نظامی رومی نزدش آمد و با التماس ۶ به او گفت: «سرور من، پسر من مفلوج در خانه خوابیده و سخت درد می‌کشد.» ۷ عیسی گفت: «من می‌آیم و او را شفا می‌دهم.» ۸ نظامی پاسخ داد: «سرورم، شایسته نیستم زیر سقف من آیی. فقط سخنی بگو که او شفا یابد. ۹ زیرا من خود مردی هستم زیر فرمان. سربازانی نیز زیر فرمان خود دارم. به یکی می‌گویم «برو»، می‌رود، و به دیگری می‌گویم «بیا»، می‌آید. به غلام خود می‌گویم «این را به جای آر»، به جای می‌آورد.» ۱۰ عیسی چون سخنان او را شنید، به شگفت آمد و به کسانی که از پیش او می‌آمدند، گفت: «به‌راستی به شما می‌گویم، چنین ایمانی حتی در اسرائیل هم ندیده‌ام. ۱۱ و به شما می‌گویم که بسیاری از شرق و غرب خواهند آمد و در ملکوت آسمان‌ها با ابراهیم و اسحاق و یعقوب بر سر یک سفره خواهند نشست، ۱۲ اما فرزندان این پادشاهی به تاریکی بیرون افکنده خواهند شد، جایی که گریه و دندان بر هم ساییدن خواهد بود.» ۱۳ سپس به آن نظامی گفت: «برو! مطابق ایمانت به تو داده شود.» در همان دم پسر او شفا یافت.

۱۴ وَلَمَّا جَاءَ يَسُوعُ إِلَى بَيْتِ بُطْرُسَ، رَأَى حَمَاتَهُ مَطْرُوحَةً وَمَحْمُومَةً، ۱۵ فَلَمَسَ يَدَهَا فَتَرَكَتْهَا الْحُمَّى، فَقَامَتْ وَخَدَمَتْهُمْ. ۱۶ وَلَمَّا صَارَ الْمَسَاءُ قَدَّمُوا إِلَيْهِ مَجَانِينَ كَثِيرِينَ، فَأَخْرَجَ الْأَرْوَاحَ بِكَلِمَةٍ، وَجَمِيعَ الْمَرْضَى شَفَاهُمْ، ۱۷ لِكَيْ يَتِمَّ مَا قِيلَ بِإِسْعِيَاءَ النَّبِيِّ الْقَائِلِ: «هُوَ أَخَذَ أَسْقَامَنَا وَحَمَلَ أَمْرَاضَنَا». ۱۸ وَلَمَّا رَأَى يَسُوعُ جُمُوعًا كَثِيرَةً حَوْلَهُ، أَمَرَ بِالذَّهَابِ إِلَى الْعُبْرِ. ۱۹ فَتَقَدَّمَ كَاتِبٌ وَقَالَ لَهُ: «يَا مَعْلَمُ، أَتَبَعُكَ أَيْنَمَا تَمْضِي». ۲۰ فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: «لِلثَعَالِبِ أَوْجَرَةٌ وَلِطُيُورِ السَّمَاءِ أَوْكَارٌ، وَأَمَّا ابْنُ الْإِنْسَانِ فَلَيْسَ لَهُ أَيْنَ يُسْنِدُ رَأْسَهُ». ۲۱ وَقَالَ لَهُ آخَرٌ مِنْ تَلَامِيذِهِ: «يَا سَيِّدُ، ائْذَنْ لِي أَنْ أَمْضِيَ أَوَّلًا وَأَذْفِنَ أَبِي». ۲۲ فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: «اتَّبِعْنِي، وَدَعْ الْمَوْتَى يَذْفِنُونَ مَوْتَاهُمْ».

۱۴ چون عیسی به خانه پطرس رفت، مادرزن او را دید که تب کرده و در بستر است. ۱۵ عیسی دست او را لمس کرد و تبش قطع شد. پس او برخاست و مشغول پذیرایی از عیسی شد. ۱۶ هنگام غروب، بسیاری از دیوزدگان را نزدش آوردند و او با کلام خود ارواح را از آنان به در کرد و همه بیماران را شفا داد، ۱۷ تا بدین سان، پیشگویی اشعای نبی به حقیقت پیوندد که: «او ضعفهای ما را برگرفت و بیماریهای ما را حمل کرد.» ۱۸ چون عیسی دید گروهی بی شمار نزدش گرد آمده اند، امر فرمود: «به آن سوی دریا برویم.» ۱۹ آنگاه یکی از علمای دین نزد او آمد و گفت: «ای استاد، هر جا بروی، تو را پیروی خواهیم کرد.» ۲۰ عیسی پاسخ داد: «روباهان را لانه هاست و مرغان هوا را آشیانه ها، اما پسر انسان را جای سر نهادن نیست.» ۲۱ شاگردی دیگر به وی گفت: «سرورم، نخست رخصت ده تا بروم و پدر خود را به خاک بسپارم.» ۲۲ اما عیسی به او گفت: «مرا پیروی کن و بگذار مردگان، مردگان خود را به خاک بسپارند.» ۲۳ وَلَمَّا دَخَلَ السَّفِينَةَ تَبِعَهُ تَلَامِيذُهُ. ۲۴ وَإِذَا اضْطُرَابٌ عَظِيمٌ قَدْ حَدَثَ فِي الْبَحْرِ حَتَّى غَطَّتِ الْأَمْوَاجُ السَّفِينَةَ، وَكَانَ هُوَ نَائِمًا. ۲۵ فَتَقَدَّمَ تَلَامِيذُهُ وَأَيَقُظُوهُ قَائِلِينَ: «يَا سَيِّدُ، نَجِّنَا نَهْلِكَ!» ۲۶ فَقَالَ لَهُمْ: «مَا بِالْكُمُ خَائِفِينَ يَا قَلِيلِي الْإِيمَانِ؟» ثُمَّ قَامَ وَأَنْتَهَرَ الرِّيحَ وَالْبَحْرَ، فَصَارَ هُدُو عَظِيمٌ. ۲۷ فَتَعَجَّبَ النَّاسُ قَائِلِينَ: «أَيُّ إِنْسَانٍ هَذَا؟ فَإِنَّ الرِّيحَ وَالْبَحْرَ جَمِيعًا تُطِيعُهُ!».

۲۳ سپس عیسی سوار قایقی شد و شاگردانش نیز از پی او رفتند. ۲۴ ناگاه توفانی سهمگین در گرفت، آن گونه که نزدیک بود امواج قایق را غرق کند. اما عیسی در خواب بود. ۲۵ پس شاگردان آمده بیدارش کردند و گفتند: «سرور ما، چیزی نمانده غرق شویم؛ نجاتمان ده!» ۲۶ عیسی پاسخ داد: «ای کم ایمانان، چرا این چنین می ترسید؟» سپس برخاست و باد و امواج را نهیب زد و آرامش کامل حکمفرما شد. ۲۷ آنان شگفت زده از یکدیگر می پرسیدند: «این چگونه شخصی است؟ حتی باد و امواج نیز از او فرمان می برند!»

۲۸ وَلَمَّا جَاءَ إِلَى الْعَبْرِ إِلَى كُورَةِ الْجَرْجَسِيِّينَ، اسْتَقْبَلَهُ مَجْنُونَانِ خَارِجَانِ مِنَ الْقُبُورِ هَائِبَانِ جِدًّا، حَتَّى لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ يَقْدِرُ أَنْ يَجْتَازَ مِنْ تِلْكَ الطَّرِيقِ. ۲۹ وَإِذَا هُمَا قَدْ صَرَخَا قَائِلِينَ: «مَا لَنَا وَلَكَ يَا يَسُوعُ ابْنَ اللَّهِ؟ أَجِئْتَ إِلَيْنَا هُنَا قَبْلَ الْوَقْتِ لِنُعَذِّبَنَا؟» ۳۰ وَكَانَ بَعِيدًا مِنْهُمْ قَطِيعُ خَنَازِيرَ كَثِيرَةٍ تَرَعَى. ۳۱ فَالْشَّيَاطِينُ طَلَبُوا إِلَيْهِ قَائِلِينَ: «إِنْ كُنْتَ تَخْرِجُنَا، فَادِّنْ لَنَا أَنْ نَذْهَبَ إِلَى قَطِيعِ الْخَنَازِيرِ». ۳۲ فَقَالَ لَهُمْ: «امْضُوا». فَخَرَجُوا وَمَضُوا إِلَى قَطِيعِ الْخَنَازِيرِ، وَإِذَا قَطِيعُ الْخَنَازِيرِ كُلُّهُ قَدْ انْدَفَعَ مِنْ عَلَى الْجُرْفِ إِلَى الْبَحْرِ، وَمَاتَ فِي الْمِيَاهِ. ۳۳ أَمَّا الرُّعَاةُ فَهَرَبُوا وَمَضُوا إِلَى الْمَدِينَةِ، وَأَخْبَرُوا عَنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَعَنْ أَمْرِ الْمَجْنُونَيْنِ. ۳۴ فَإِذَا كُلُّ الْمَدِينَةِ قَدْ خَرَجَتْ لِمُلَاقَاةِ يَسُوعَ. وَلَمَّا أَبْصَرُوهُ طَلَبُوا أَنْ يَنْصَرِفَ عَنْ تُخُومِهِمْ.

۲۸ هنگامی که به ناحیه جدریان، واقع در آن سوی دریا رسیدند، دو مرد دیوزده که از گورستان خارج می شدند، بدو برخوردند. آن دو به قدری وحشی بودند که هیچ کس نمی توانست از آن راه عبور کند. ۲۹

آنان فریاد زدند: «تو را با ما چه کار است، ای پسر خدا؟ آیا آمده‌ای تا پیش از وقت مقرر عذابمان دهی؟»
 ۳۰ کمی دورتر از آنها گله‌ای بزرگ از خوکها مشغول چرا بود. ۳۱ دیوها التماس کنان به عیسی گفتند:
 «اگر بیرونمان می‌رانی، به درون گله خوکها بفرست.» ۳۲ به آنها گفت: «بروید!» دیوها خارج شدند و به
 درون خوکها رفتند و تمام گله از سرازیری تپه به درون دریا هجوم بردند و در آب هلاک شدند. ۳۳
 خوکبانان گریخته، به شهر رفتند و همه این وقایع، از جمله آنچه را که برای آن دیوزده‌ها رخ داده بود،
 بازگو کردند. ۳۴ سپس تمام مردم شهر برای دیدن عیسی بیرون آمدند و چون او را دیدند بدو التماس
 کردند که آن ناحیه را ترک گوید.

انجیل متی: الأصحاح التاسع * ۹:۱-۳۸

۱ فَدَخَلَ السَّفِينَةَ وَاجْتَاَزَ وَجَاءَ إِلَى مَدِينَتِهِ. ۲ وَإِذَا مَفْلُوجٌ يُقَدِّمُونَهُ إِلَيْهِ مَطْرُوحًا عَلَى فِرَاشٍ. فَلَمَّا رَأَى يَسُوعُ
 إِيْمَانَهُمْ قَالَ لِلْمَفْلُوجِ: «ثِقْ يَا بُنَيَّ. مَغْفُورَةٌ لَكَ خَطَايَاكَ». ۳ وَإِذَا قَوْمٌ مِنَ الْكَتَبَةِ قَدْ قَالُوا فِي أَنْفُسِهِمْ: «هَذَا
 يُجَدِّفُ!» ۴ فَعَلِمَ يَسُوعُ أَفْكَارَهُمْ، فَقَالَ: «لِمَاذَا تُفَكِّرُونَ بِالشَّرِّ فِي قُلُوبِكُمْ؟ ۵ أَيْمًا أَيْسَرُ، أَنْ يُقَالَ: مَغْفُورَةٌ
 لَكَ خَطَايَاكَ، أَمْ أَنْ يُقَالَ: قُمْ وَامْشِ؟ ۶ وَلَكِنْ لِيَكَيَّ تَعْلَمُوا أَنَّ لَابْنَ الْإِنْسَانِ سُلْطَانًا عَلَى الْأَرْضِ أَنْ يَغْفِرَ
 الْخَطَايَا». حِينَئِذٍ قَالَ لِلْمَفْلُوجِ: «قُمْ أَحْمِلْ فِرَاشَكَ وَاهْذُبْ إِلَى بَيْتِكَ!» ۷ فَقَامَ وَمَضَى إِلَى بَيْتِهِ. ۸ فَلَمَّا رَأَى
 الْجُمُوعُ تَعَجَّبُوا وَمَجَّدُوا اللَّهَ الَّذِي أَعْطَى النَّاسَ سُلْطَانًا مِثْلَ هَذَا.

۱ پس عیسی سوار قایق شد و به آن سوی دریا، به شهر خود رفت. ۲ آنگاه مردی مفلوج را که بر
 تشکی خوابیده بود، نزدش آوردند. عیسی چون ایمان ایشان را دید، به مفلوج گفت: «دل قوی دار، فرزندم،
 گناهانت آمرزیده شد!» ۳ در این هنگام، بعضی از علمای دین با خود گفتند: «این مرد کفر می‌گوید.» ۴
 عیسی افکارشان را دریافت و گفت: «چرا چنین اندیشه پلیدی به دل راه می‌دهید؟ ۵ گفتن کدام یک آسانتر
 است: اینکه "گناهانت آمرزیده شد"، یا اینکه "برخیز و راه برو"؟ ۶ حال تا بدانید که پسر انسان بر زمین
 اقتدار آمرزش گناهان را دارد» - به مفلوج گفت: - «برخیز، تشک خود برگیر و به خانه برو.» ۷ آن مرد
 برخاست و به خانه رفت. ۸ چون مردم این واقعه را دیدند، حیرت کردند و خدایی را که این چنین قدرتی
 به انسان بخشیده است، تمجید نمودند.

۹ وَفِيمَا يَسُوعُ مُجْتَازٌ مِنْ هُنَاكَ، رَأَى إِنْسَانًا جَالِسًا عِنْدَ مَكَانِ الْجَبَايَةِ، اسْمُهُ مَتَّى. فَقَالَ لَهُ: «اتَّبِعْنِي». فَقَامَ
 وَتَبِعَهُ. ۱۰ وَبَيْنَمَا هُوَ مَتَكِيٌّ فِي الْبَيْتِ، إِذَا عَشَارُونَ وَخُطَاةٌ كَثِيرُونَ قَدْ جَاءُوا وَاتَّكَأُوا مَعَ يَسُوعَ وَتَلَامِيذِهِ. ۱۱
 فَلَمَّا نَظَرَ الْفَرِيسِيُّونَ قَالُوا لِتَلَامِيذِهِ: «لِمَاذَا يَأْكُلُ مَعَكُمْ مَعَ الْعَشَارِينَ وَالْخُطَاةِ؟» ۱۲ فَلَمَّا سَمِعَ يَسُوعُ قَالَ

لَهُمْ: «لَا يَخْتَاجُ الْأَصْحَاءُ إِلَى طَبِيبٍ بَلِ الْمَرْضَى. ۱۳ فَادْهَبُوا وَتَعَلَّمُوا مَا هُوَ: إِنِّي أُرِيدُ رَحْمَةً لَا ذَبِيحَةً، لِأَنِّي لَمْ آتِ لَأَدْعُو أَبْرَارًا بَلْ خُطَاةً إِلَى التَّوْبَةِ».

۹ چون عیسی آنجا را ترک می گفت، مردی را دید متی نام که در خراجگاه نشسته بود. به وی گفت: «از پی من بیا!» او برخاست و از پی وی روان شد. ۱۰ روزی عیسی در خانه متی بر سر سفره نشسته بود که بسیاری از خراجگیران و گناهکاران آمدند و با او و شاگردانش همسفره شدند. ۱۱ چون فریسیان این را دیدند، به شاگردان وی گفتند: «چرا استاد شما با خراجگیران و گناهکاران غذا می خورد؟» ۱۲ چون عیسی این را شنید، گفت: «بیمارانند که به طبیب نیاز دارند، نه تندرستان. ۱۳ بروید و مفهوم این کلام را درک کنید که "رحمت را می پسندم، نه قربانی را." زیرا من نیامده‌ام تا پارسایان بلکه تا گناهکاران را دعوت به توبه کنم.»

۱۴ حِينَئِذٍ أَتَى إِلَيْهِ تَلَامِيذُ يُوَحَنَّا قَائِلِينَ: «لِمَاذَا نَصُومُ نَحْنُ وَالْفَرِيسِيُّونَ كَثِيرًا، وَأَمَّا تَلَامِيذُكَ فَلَا يَصُومُونَ؟»
 ۱۵ فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: «هَلْ يَسْتَطِيعُ بَنُو الْعُرْسِ أَنْ يَنُوحُوا مَا دَامَ الْعَرِيسُ مَعَهُمْ؟ وَلَكِنْ سَتَأْتِي أَيَّامٌ حِينَ يُرْفَعُ الْعَرِيسُ عَنْهُمْ، فَحِينَئِذٍ يَصُومُونَ. ۱۶ لَيْسَ أَحَدٌ يَجْعَلُ رُقْعَةً مِنْ قِطْعَةٍ جَدِيدَةٍ عَلَى ثَوْبٍ عَتِيقٍ، لِأَنَّ الْمِلءَ يَأْخُذُ مِنَ الثَّوْبِ، فَيَصِيرُ الْخَرَقُ أَرْذَلًا. ۱۷ وَلَا يَجْعَلُونَ خَمْرًا جَدِيدَةً فِي زِقَاقٍ عَتِيقَةٍ، لِئَلَّا تَنْشَقَّ الزِّقَاقُ، فَالْخَمْرُ تَنْصَبُ وَالزِّقَاقُ تَتَلَفُ. بَلْ يَجْعَلُونَ خَمْرًا جَدِيدَةً فِي زِقَاقٍ جَدِيدَةٍ فَتَحْفَظُ جَمِيعًا».

۱۴ آنگاه شاگردان یحیی نزد عیسی آمدند و گفتند: «چرا ما و فریسیان زیاد روزه می گیریم، اما شاگردان تو روزه نمی گیرند؟» ۱۵ عیسی پاسخ داد: «آیا ممکن است میهمانان عروسی تا زمانی که داماد با ایشان است، سوگواری کنند؟ اما ایامی می آید که داماد از ایشان گرفته می شود، آنگاه روزه خواهند گرفت. ۱۶ هیچ کس پارچه نو را به جامه کهنه وصله نمی زند، زیرا وصله از جامه کهنه می شود و پارگی بدتر می گردد. ۱۷ و نیز شراب نو را در مشکهای کهنه نمی ریزند، زیرا مشکها پاره می شوند و شراب می ریزد و مشکها از بین می روند. شراب نو را در مشکهای نو می ریزند تا هر دو محفوظ بماند.»

۱۸ وَفِيمَا هُوَ يُكَلِّمُهُمْ بِهَذَا، إِذَا رَئِيسُ قَدْ جَاءَ فَسَجَدَ لَهُ قَائِلًا: «إِنَّ ابْنَتِي الْآنَ مَاتَتْ، لَكِنْ تَعَالَ وَضَعْ يَدَكَ عَلَيْهَا فَتَحْيَا». ۱۹ فَقَامَ يَسُوعُ وَتَبِعَهُ هُوَ وَتَلَامِيذُهُ. ۲۰ وَإِذَا امْرَأَةٌ نَازِقَةٌ دَمٍ مُنْذُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ سَنَةً قَدْ جَاءَتْ مِنْ وَرَائِهِ وَمَسَّتْ هُذْبَ ثَوْبِهِ، ۲۱ لِأَنَّهَا قَالَتْ فِي نَفْسِهَا: «إِنْ مَسَسْتُ ثَوْبَهُ فَقَطْ شُفِيتُ». ۲۲ فَالْتَفَتَ يَسُوعُ وَأَبْصَرَهَا، فَقَالَ: «ثَقِي يَا ابْنَةُ، إِيمَانُكَ قَدْ شَفَاكَ». فَشَفِيَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ تِلْكَ السَّاعَةِ. ۲۳ وَلَمَّا جَاءَ يَسُوعُ إِلَى بَيْتِ الرَّئِيسِ، وَنَظَرَ الْمُزْمِرِينَ وَالْجَمْعَ يَضْجُونَ، ۲۴ قَالَ لَهُمْ: «تَنَحَّوْا، فَإِنَّ الصَّبِيَّةَ لَمْ تَمُتْ لَكِنَّهَا نَائِمَةٌ». فَضَحِكُوا عَلَيْهِ. ۲۵ فَلَمَّا أَخْرَجَ الْجَمْعُ دَخَلَ وَأَمْسَكَ بِيَدِهَا، فَقَامَتِ الصَّبِيَّةُ. ۲۶ فَخَرَجَ ذَلِكَ الْخَبَرُ إِلَى تِلْكَ الْأَرْضِ كُلِّهَا.

۱۸ در همان حال که عیسی این سخنان را برای آنان بیان می کرد، یکی از رؤسان نزد وی آمد و در برابرش زانو زد و گفت: «دخترم هم اکنون مرد. با این حال بیا و دست خود را بر او بگذار که زنده خواهد شد.» ۱۹ عیسی برخاست و به اتفاق شاگردان خود با او رفت. ۲۰ در همان هنگام، زنی که دوازده سال از خونریزی رنج می برد، از پشت سر به عیسی نزدیک شد و لبه ردای او را لمس کرد. ۲۱ او با خود گفته بود: «اگر حتی به ردایش دست بزنم، شفا خواهم یافت.» ۲۲ عیسی برگشته، او را دید و فرمود: «دخترم، دل قوی دار، ایمانت تو را شفا داده است.» از آن ساعت، زن شفا یافت. ۲۳ هنگامی که عیسی وارد خانه آن رئیس شد و نوحه گران و کسانی را دید که شیون می کردند، ۲۴ فرمود: «بیرون بروید. دختر نمرده بلکه در خواب است.» اما آنان به او خندیدند. ۲۵ چون مردم را بیرون کردند، عیسی داخل شد و دست دختر را گرفت و او برخاست. ۲۶ خبر این واقعه در سرتاسر آن ناحیه پخش شد.

۲۷ وَفِيمَا يَسُوعُ مُجْتَازٌ مِنْ هُنَاكَ، تَبِعَهُ اَعْمَيَانِ يَصْرَخَانِ وَيَقُولَانِ: «ارْحَمْنَا يَا ابْنَ دَاوُدَ!». ۲۸ وَلَمَّا جَاءَ اِلَى الْبَيْتِ تَقَدَّمَ اِلَيْهِ الْاَعْمَيَانِ، فَقَالَ لَهُمَا يَسُوعُ: «تُؤْمِنَانِ اَنِّي اَقْدِرُ اَنْ اُفْعَلَ هَذَا؟» قَالَا لَهُ: «نَعَمْ، يَا سَيِّدُ!». ۲۹ حِينَئِذٍ لَمَسَ اَعْيُنُهُمَا قَائِلًا: «بِحَسَبِ اِيْمَانِكُمَا لِيَكُنْ لَكُمَا». ۳۰ فَانْفَتَحَتْ اَعْيُنُهُمَا. فَانْتَهَرَهُمَا يَسُوعُ قَائِلًا: «انْظُرَا، لَا يَعْلمُ أَحَدٌ!» ۳۱ وَلَكِنَّهُمَا خَرَجَا وَأَسَاعَاهُ فِي تِلْكَ الْأَرْضِ كُلِّهَا. ۳۲ وَفِيمَا هُمَا خَارِجَانِ، إِذَا إِنْسَانٌ أَخْرَسٌ مَجْنُونٌ قَدَمُوهُ اِلَيْهِ. ۳۳ فَلَمَّا أُخْرِجَ الشَّيْطَانُ تَكَلَّمَ الْأَخْرَسُ، فَتَعَجَّبَ الْجُمُوعُ قَائِلِينَ: «لَمْ يَظْهَرْ قَطُّ مِثْلُ هَذَا فِي إِسْرَائِيلَ!». ۳۴ أَمَّا الْفَرِيسِيُّونَ فَقَالُوا: «بِرِئَاسِ الشَّيَاطِينِ يُخْرِجُ الشَّيَاطِينُ!».

۲۷ هنگامی که عیسی آن مکان را ترک می کرد، دو مرد نابینا در پی او شتافته، فریاد می زدند: «ای پسر داوود، بر ما رحم کن!» ۲۸ چون به خانه درآمد، آن دو مرد نزدش آمدند. عیسی از آنها پرسید: «آیا ایمان دارید که می توانم این کار را انجام دهم؟» پاسخ دادند: «بله، سرور!» ۲۹ سپس عیسی چشمانشان را لمس کرد و گفت: «بنا بر ایمانتان برایتان انجام شود.» ۳۰ آنگاه چشمان ایشان باز شد. عیسی آنان را به تأکید امر فرمود: «مراقب باشید کسی از این موضوع آگاه نشود.» ۳۱ اما آنها بیرون رفته، او را در تمام آن نواحی شهرت دادند. ۳۲ در همان حال که آنها بیرون می رفتند، مردی دیورده را که لال بود، نزد عیسی آوردند. ۳۳ چون عیسی دیو را از او بیرون راند، زبان آن مرد لال باز شد. مردم حیرت زده می گفتند: «چنین چیزی هرگز در اسرائیل دیده نشده است!» ۳۴ اما فریسیان گفتند: «او دیوها را به یاری رئیس دیوها بیرون می راند.»

۳۵ وَكَانَ يَسُوعُ يَطُوفُ الْمُدُنَ كُلِّهَا وَالْقُرَى يُعَلِّمُ فِي مَجَامِعِهَا، وَيَكْرِزُ بِبَشَارَةِ الْمَلَكُوتِ، وَيَشْفِي كُلَّ مَرَضٍ وَكُلَّ ضَعْفٍ فِي الشَّعْبِ. ۳۶ وَلَمَّا رَأَى الْجُمُوعُ تَحَنَّنَ عَلَيْهِمْ، إِذْ كَانُوا مُنْزَعَجِينَ وَمُنْطَرِحِينَ كَغَنَمٍ لَا رَاعِيَ لَهَا. ۳۷ حِينَئِذٍ قَالَ لِتَلَامِيذِهِ: «الْخَصَادُ كَثِيرٌ وَلَكِنَّ الْفَعْلَةَ قَلِيلُونَ. ۳۸ فَاطْلُبُوا مِنْ رَبِّ الْخَصَادِ اَنْ يُرْسِلَ فَعْلَةً اِلَى خَصَادِهِ».

۳۵ عیسی در همه شهرها و روستاها گشته، در کنیسه‌های آنها تعلیم می‌داد و بشارت ملکوت را اعلام می‌کرد و هر درد و بیماری را شفا می‌بخشید. ۳۶ و چون انبوه جماعتها را دید، دلش بر حال آنان سوخت زیرا همچون گوسفندانی بی‌شبان، پریشانحال و درمانده بودند. ۳۷ پس به شاگردانش گفت: «محصول فراوان است، اما کارگر اندک. ۳۸ پس، از مالک محصول بخواهید کارگران برای درو محصول خود بفرستند.»

انجیل متى: الأصحاح العاشر * ۱۰:۱-۴۲

۱ ثُمَّ دَعَا تَلَامِيذَهُ الْاِثْنَيْ عَشَرَ وَأَعْطَاهُمْ سُلْطَانًا عَلَى أَرْوَاحِ نَجِسَةٍ حَتَّى يُخْرِجُوهَا، وَيَشْفُوا كُلَّ مَرَضٍ وَكُلِّ ضَعْفٍ. ۲ وَأَمَّا أَسمَاءُ الْاِثْنَيْ عَشَرَ رَسُولًا فَهِيَ هَذِهِ: الْأَوَّلُ سِمْعَانُ الَّذِي يُقَالُ لَهُ بُطْرُسُ، وَأَنْدَرَاوُسُ أَخُوهُ. يَعْقُوبُ بْنُ زَبْدِي، وَيُوحَنَّا أَخُوهُ. ۳ فِيلِبُّسُ، وَبَرْتُولِمَاوُسُ. تُومَا، وَمَتَّى الْعَشَارُ. يَعْقُوبُ بْنُ حَلْفَى، وَلَبَّاوُسُ الْمَلَقَبُ تَدَاوُسُ. ۴ سِمْعَانُ الْقَانَوِيُّ، وَيَهُوذَا الْإِسْخَرْيُوطِيُّ الَّذِي أَسْلَمَهُ.

۱ آنگاه عیسی دوازده شاگردش را نزد خود فرا خواند و آنان را اقتدار بخشید تا ارواح پلید را بیرون کنند و هر درد و بیماری را شفا دهند. ۲ این است نامهای دوازده رسول: نخست، شمعون معروف به پطرس و برادرش آندریاس؛ یعقوب پسر زبیدی و برادرش یوحنا (البربری)؛ ۳ فیلیپس و برتولما؛ توما و متای خراجگیر؛ یعقوب پسر حلفای و لّبی معروف به تادئوس؛ ۴ شمعون قانوی و یهودای اسخریوطی که عیسی را تسلیم دشمن کرد.

۵ هَؤُلَاءِ الْاِثْنَا عَشَرَ أَرْسَلَهُمْ يَسُوعُ وَأَوْصَاهُمْ قَائِلًا: «إِلَى طَرِيقِ أُمَمٍ لَا تَمْضُوا، وَإِلَى مَدِينَةٍ لِلسَّامِرِيِّينَ لَا تَدْخُلُوا. ۶ بَلْ اذْهَبُوا بِالْحَرِيِّ إِلَى خِرَافِ بَيْتِ إِسْرَائِيلَ الضَّالَّةِ. ۷ وَفِيمَا أَنْتُمْ ذَاهِبُونَ اكْرِزُوا قَائِلِينَ: إِنَّهُ قَدْ اقْتَرَبَ مَلَكُوتُ السَّمَاوَاتِ. ۸ اِشْفُوا مَرْضَى. طَهِّرُوا بُرْصًا. أَقِيمُوا مَوْتَى. أَخْرِجُوا شَيَاطِينَ. مَجَانًا أَخَذْتُمْ، مَجَانًا أَعْطُوا. ۹ لَا تَقْتَنُوا ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً وَلَا نَحَاسًا فِي مَنَاطِقِكُمْ، ۱۰ وَلَا مِزْوَدًا لِلطَّرِيقِ وَلَا ثَوْبَيْنِ وَلَا أَخْذِيَّةً وَلَا غَصًّا، لِأَنَّ الْفَاعِلَ مُسْتَحِقٌّ طَعَامَهُ. ۱۱ «وَأَيَّةُ مَدِينَةٍ أَوْ قَرْيَةٍ دَخَلْتُمُوهَا فَافْحَصُوا مَنْ فِيهَا مُسْتَحِقٌّ، وَأَقِيمُوا هُنَاكَ حَتَّى تَخْرُجُوا. ۱۲ وَحِينَ تَدْخُلُونَ الْبَيْتَ سَلِّمُوا عَلَيْهِ، ۱۳ فَإِنْ كَانَ الْبَيْتُ مُسْتَحِقًّا فَلْيَاتِ سَلَامُكُمْ عَلَيْهِ، وَلَكِنْ إِنْ لَمْ يَكُنْ مُسْتَحِقًّا فَلْيَرْجِعْ سَلَامُكُمْ إِلَيْكُمْ. ۱۴ وَمَنْ لَا يَقْبَلَكُمْ وَلَا يَسْمَعُ كَلَامَكُمْ فَاخْرُجُوا خَارِجًا مِنْ ذَلِكَ الْبَيْتِ أَوْ مِنْ تِلْكَ الْمَدِينَةِ، وَانْفُضُوا غُبَارَ أَرْجُلِكُمْ. ۱۵ الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: سَتَكُونُ لَأَرْضِ سَدُومَ وَعَمُورَةَ يَوْمَ الدِّينِ حَالَةٌ أَكْثَرُ اخْتِمَالًا مِمَّا لَتِلْكَ الْمَدِينَةِ.

۵ عیسی این دوازده تن را فرستاد و به آنان فرمود: «نزد غیریهودیان مروید و به هیچ‌یک از شهرهای سامریان داخل مشوید، ۶ بلکه نزد گوسفندان گمشده قوم اسرائیل بروید. ۷ هنگامی که می‌روید، این پیام

را موعظه کنید که ملکوت آسمان‌ها نزدیک شده است. ۸ بیماران را شفا دهید، مردگان را زنده کنید، جذامیه‌ها را پاک سازید، دیوها را بیرون کنید. به رایگان یافته‌اید، به رایگان هم بدهید. ۹ هیچ طلا یا نقره یا مس در کمربندهایتان با خود نبرید ۱۰ و برای سفر، کوله‌بار یا پیراهن اضافی یا کفش یا چوبدستی برندارید؛ زیرا کارگر مستحق مایحتاج خویش است. ۱۱ به هر شهر یا روستایی که داخل می‌شوید، فردی شایسته بجوید و تا هنگام ترک آن محل، در خانه‌اش بمانید. ۱۲ چون به خانه‌ای درمی‌آید، بگوئید "سلام بر شما." ۱۳ اگر آن خانه شایسته باشد، سلام شما بر آن قرار می‌گیرد و اگر نه، به شما بازمی‌گردد. ۱۴ اگر کسی شما را نپذیرد و یا به سخنانتان گوش نپردازد، به هنگام ترک آن خانه یا شهر، خاک پایهای خود را بتکانید. ۱۵ به راستی به شما می‌گویم، در روز داوری، تحمل مجازات برای سدوم و غموره آسانتر خواهد بود تا برای آن شهر.

۱۶ «هَا أَنَا أُرْسِلُكُمْ كَغَنَمٍ فِي وَسْطِ ذِئَابٍ، فَكُونُوا حُكَمَاءَ كَالْحَيَّاتِ وَبُسْطَاءَ كَالْحِمَامِ. ۱۷ وَلَكِنْ اخْذُوا مِنَ النَّاسِ، لِأَنَّهُمْ سَيُسَلِّمُونَكُمْ إِلَى مَجَالِسَ، وَفِي مَجَامِعِهِمْ يَجْلِدُونَكُمْ. ۱۸ وَتُسَاقُونَ أَمَامَ وُلَاةٍ وَمُلُوكٍ مِنْ أَجْلِ شَهَادَةٍ لَهُمْ وَلِلْأَمَمِ. ۱۹ فَمَتَى أَسْلَمُوكُمْ فَلَا تَهْتَمُّوا كَيْفَ أَوْ بِمَا تَتَكَلَّمُونَ، لِأَنَّكُمْ تُعْطَوْنَ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ مَا تَتَكَلَّمُونَ بِهِ، ۲۰ لَأَنَّ لَسْتُمْ أَنْتُمْ الْمُتَكَلِّمِينَ بَلْ رُوحُ أَبِيكُمْ الَّذِي يَتَكَلَّمُ فِيكُمْ. ۲۱ وَسَيُسَلِّمُ الْآخُ أَخَاهُ إِلَى الْمَوْتِ، وَالْأَبُ وَلَدَهُ، وَيَقُومُ الْأَوْلَادُ عَلَى وَالِدِيهِمْ وَيَقْتُلُونَهُمْ، ۲۲ وَتَكُونُونَ مُبْغَضِينَ مِنَ الْجَمِيعِ مِنْ أَجْلِ اسْمِي. وَلَكِنْ الَّذِي يَصْبِرُ إِلَى الْمُنْتَهَى فَهَذَا يَخْلُصُ. ۲۳ وَمَتَى طَرَدُوكُمْ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ فَاهْرُبُوا إِلَى الْأُخْرَى. فَإِنِّي الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: لَا تَكْمَلُونَ مُدُنَ إِسْرَائِيلَ حَتَّى يَأْتِيَ ابْنُ الْإِنْسَانِ.

۱۶ «من شما را همانند گوسفندان به میان گرگان می‌فرستم. پس همچون مارِ هوشیار باشید و مانند کبوتر ساده. ۱۷ از مردم بر حذر باشید. آنان شما را به محاکم خواهند سپرد و در کنیسه‌های خود تازیانه خواهند زد. ۱۸ به خاطر من شما را نزد والیان و پادشاهان خواهند برد تا در برابر آنان و در میان قومهای جهان شهادت دهید. ۱۹ اما چون شما را تسلیم کنند، نگران نباشید که چگونه یا چه بگوئید. در آن زمان آنچه باید بگوئید به شما عطا خواهد شد. ۲۰ زیرا گوینده شما نیستید، بلکه روح پدر شماست که به زبان شما سخن خواهد گفت. ۲۱ برادر، برادر را و پدر، فرزند را تسلیم مرگ خواهد کرد. فرزندان بر والدین بر خواهند خاست و موجبات قتل آنها را فراهم خواهند آورد. ۲۲ همه مردم به خاطر نام من از شما متنفر خواهند بود. اما هر که تا به پایان پایدار بماند، نجات خواهد یافت. ۲۳ چون در شهری به شما آزار رسانند، به شهری دیگر بگریزید. به راستی به شما می‌گویم، که پیش از آنکه بتوانید به همه شهرهای اسرائیل بروید، پسر انسان خواهد آمد.

۲۴ «لَيْسَ التِّلْمِيزُ أَفْضَلَ مِنَ الْمُعَلِّمِ، وَلَا الْعَبْدُ أَفْضَلَ مِنْ سَيِّدِهِ. ۲۵ يَكْفِي التِّلْمِيزَ أَنْ يَكُونَ كَمُعَلِّمِهِ، وَالْعَبْدَ كَسَيِّدِهِ. إِنْ كَانُوا قَدْ لَقَّبُوا رَبَّ الْبَيْتِ بَعْلَزَبُولَ، فَكَمْ بِالْخَرِيِّ أَهْلَ بَيْتِهِ! ۲۶ فَلَا تَخَافُوهُمْ. لِأَنَّ لَيْسَ مَكْتُومٌ لَنْ يُسْتَعْلَنَ، وَلَا خَفِيٌّ لَنْ يُعْرَفَ. ۲۷ الَّذِي أَقُولُهُ لَكُمْ فِي الظُّلْمَةِ قُولُوهُ فِي النُّورِ، وَالَّذِي تَسْمَعُونَهُ فِي الْأَذُنِ نَادُوا بِهِ عَلَى السُّطُوحِ، ۲۸ وَلَا تَخَافُوا مِنَ الَّذِينَ يَقْتُلُونَ الْجَسَدَ وَلَكِنَّ النَّفْسَ لَا يَقْدِرُونَ أَنْ يَقْتُلُوهَا، بَلْ خَافُوا بِالْخَرِيِّ مِنَ الَّذِي يَقْدِرُ أَنْ يُهْلِكَ النَّفْسَ وَالْجَسَدَ كُلِّيهِمَا فِي جَهَنَّمَ. ۲۹ أَلَيْسَ عُصْفُورَانِ يُبَاعَانِ بِفِلْسٍ؟ وَوَاحِدٌ مِنْهُمَا لَا يَسْقُطُ عَلَى الْأَرْضِ بِدُونِ أَبِيكُمْ. ۳۰ وَأَمَّا أَنْتُمْ فَحَتَّى شُعُورُ رُؤُوسِكُمْ جَمِيعُهَا مُحْصَاةٌ. ۳۱ فَلَا تَخَافُوا! أَنْتُمْ أَفْضَلُ مِنْ عَصَافِيرَ كَثِيرَةٍ!

۲۴ «شاگرد از استاد خود برتر نیست و نه غلام از ارباب خود والا تر. ۲۵ شاگرد را کافی است که مانند استاد خود شود و غلام را که همچون ارباب خود گردد. اگر رئیس خانه را بعلزبول خواندند، سایر افراد خانه را چه خواهند خواند؟ ۲۶ «بنابراین، از آنان مترسید. هیچ چیز پنهان نیست که آشکار نشود و هیچ چیز پوشیده نیست که عیان نگردد. ۲۷ آنچه در تاریکی به شما گفتم، در روشنایی بیان کنید و آنچه در گوشتان گفته شد، از فراز بامها اعلام نمایید. ۲۸ از کسانی که جسم را می‌کشند اما قادر به کشتن روح نیستند، مترسید؛ از او بترسید که قادر است هم روح و هم جسم شما را در جهنم هلاک کند. ۲۹ آیا دو گنجشک را به یک پول سیاه نمی‌فروشند؟ با این همه، حتی یک گنجشک نیز بدون خواست پدر شما به زمین نمی‌افتد. ۳۰ حتی موهای سر شما به تمامی شمرده شده است. ۳۱ پس مترسید، زیرا ارزش شما بیش از هزاران گنجشک است.

۳۲ فَكُلُّ مَنْ يُعْتَرِفُ بِي قُدَّامَ النَّاسِ أَعْتَرَفُ أَنَا أَيْضًا بِهِ قُدَّامَ أَبِي الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ، ۳۳ وَلَكِنْ مَنْ يُنْكِرُنِي قُدَّامَ النَّاسِ أَنْكِرُهُ أَنَا أَيْضًا قُدَّامَ أَبِي الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ. ۳۴ «لَا تَظُنُّوا أَنِّي جِئْتُ لِأُلْقِي سَلَامًا عَلَى الْأَرْضِ. مَا جِئْتُ لِأُلْقِي سَلَامًا بَلْ سَيْفًا. ۳۵ فَإِنِّي جِئْتُ لِأُفَرِّقَ الْإِنْسَانَ صِدِّ ابْنِهِ، وَالْاِثْنَةَ صِدِّ أُمِّهَا، وَالْكَنَةَ صِدِّ خَمَاتِهَا. ۳۶ وَأَعْدَاءُ الْإِنْسَانِ أَهْلُ بَيْتِهِ. ۳۷ مَنْ أَحَبَّ أَبَا أَوْ أُمَّأَ أَكْثَرَ مِنِّي فَلَا يَسْتَحِقُّنِي، وَمَنْ أَحَبَّ ابْنًا أَوْ ابْنَةً أَكْثَرَ مِنِّي فَلَا يَسْتَحِقُّنِي، ۳۸ وَمَنْ لَا يَأْخُذُ صَلَيبَهُ وَيَتَّبِعُنِي فَلَا يَسْتَحِقُّنِي. ۳۹ مَنْ وَجَدَ حَيَاتَهُ يُضِيعُهَا، وَمَنْ أَضَاعَ حَيَاتَهُ مِنْ أَجْلِي يَجِدْهَا. ۴۰ مَنْ يَقْبَلُكُمْ يَقْبَلُنِي، وَمَنْ يَقْبَلُنِي يَقْبَلُ الَّذِي أَرْسَلَنِي. ۴۱ مَنْ يَقْبَلُ نَبِيًّا بِاسْمِ نَبِيِّ فَاجِرٍ نَبِيٍّ يَأْخُذُ، وَمَنْ يَقْبَلُ بَارًّا بِاسْمِ بَارٍّ فَاجِرٌ بَارًّا يَأْخُذُ، ۴۲ وَمَنْ سَقَى هَؤُلَاءِ الصِّغَارِ كَأْسَ مَاءٍ بَارِدٍ فَقَطُّ بِاسْمِ تَلْمِيزٍ، فَالْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ إِنَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَهُ».

۳۲ «هر که نزد مردم مرا اقرار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است، او را اقرار خواهم کرد؛ ۳۳ اما هر که مرا نزد مردم انکار کند، من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است، او را انکار خواهم کرد. ۳۴ «گمان مبرید که آمده‌ام تا صلح به زمین بیاورم. نیامده‌ام تا صلح بیاورم، بلکه تا شمشیر

بیاورم! ۳۵ زیرا آمده‌ام تا: «پسر را بر پدر، دختر را بر مادر و عروس را بر مادرشوهرش برانگیزانم. ۳۶ دشمنان شخص، اهل خانه خودش خواهند بود.» ۳۷ «هر که پدر یا مادر خود را بیش از من دوست بدارد، شایسته من نباشد؛ و هر که پسر یا دختر خود را بیش از من دوست بدارد، شایسته من نباشد. ۳۸ هر که صلیب خود را برنگیرد و از پی من نیاید، شایسته من نباشد. ۳۹ هر که بخواهد جان خود را حفظ کند، آن را از دست خواهد داد و هر که جان خود را به‌خاطر من از دست بدهد، آن را حفظ خواهد کرد. ۴۰ «هر که شما را بپذیرد، مرا پذیرفته و کسی که مرا پذیرفت، فرستنده مرا پذیرفته است. ۴۱ هر که پیامبری را از آن رو که پیامبر است بپذیرد، پاداش پیامبر را دریافت خواهد کرد، و هر که پارسایی را از آن رو که پارساست بپذیرد، پاداش پارسا را خواهد گرفت. ۴۲ هر که به این کوچکان، از آن رو که شاگرد منند، حتی جامی آب سرد بدهد، به‌راستی به شما می‌گویم، بی‌پاداش نخواهد ماند.»

انجیل متی: الأصحاح الحادی عشر * ۱:۱۱-۳۰

۱ وَلَمَّا اكْمَلَ يَسُوعُ أَمْرَهُ لَتَلَامِيذِهِ الْاِثْنَيْ عَشَرَ، انْصَرَفَ مِنْ هُنَاكَ لِيُعَلِّمَ وَيَكْرِزَ فِي مَدِينِهِمْ. ۲ أَمَّا يُوْحَنَّا فَلَمَّا سَمِعَ فِي السَّيْحَنِ بِأَعْمَالِ الْمَسِيحِ، أَرْسَلَ اثْنَيْنِ مِنْ تَلَامِيذِهِ، ۳ وَقَالَ لَهُ: «أَنْتَ هُوَ الْآتِي أَمْ نَنْتَظِرُ آخَرَ؟» ۴ فَاجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمَا: «اذْهَبَا وَأَخْبِرَا يُوْحَنَّا بِمَا تَسْمَعَانِ وَتَنْظُرَانِ: ۵ الْعُمَى يُبْصِرُونَ، وَالْعُرْجُ يَمْشُونَ، وَالْبُرْصُ يُطَهَّرُونَ، وَالصُّمُّ يَسْمَعُونَ، وَالْمَوْتَى يَقُومُونَ، وَالْمَسَاكِينُ يُبَشِّرُونَ. ۶ وَطُوبَى لِمَنْ لَا يَعْثُرُ فِيَّ».

۱ پس از آنکه عیسی از دادن این فرمانها به دوازده شاگرد خود فارغ شد، از آنجا عزیمت کرد تا در شهرهای ایشان به تعلیم و موعظه پردازد. ۲ چون یحیی در زندان، وصف کارهای مسیح را شنید، شاگردان خود را نزد وی فرستاد ۳ تا بپرسند: «آیا تو همانی که می‌بایست بیاید، یا منتظر دیگری باشیم؟» ۴ عیسی در پاسخ گفت: «بروید و آنچه می‌بینید و می‌شنوید به یحیی بازگویید، که ۵ کوران بینا می‌شوند، لنگان راه می‌روند، جذامیان پاک می‌گردند، کران شنوا می‌شوند، مردگان زنده می‌گردند و به فقیران بشارت داده می‌شود. ۶ خوشا به حال کسی که به سبب من نلغزد.»

۷ وَيَيْنَمَا ذَهَبَ هَذَانِ ابْتَدَأَ يَسُوعُ يَقُولُ لِلْجُمُوعِ عَنْ يُوْحَنَّا: «مَاذَا خَرَجْتُمْ إِلَى الْبَرِّيَّةِ لَتَنْظُرُوا؟ أَقْصَبَةً تَحْرِكُهَا الرِّيحُ؟ ۸ لَكِنْ مَاذَا خَرَجْتُمْ لَتَنْظُرُوا؟ إِنْسَانًا لَا بِسًا ثِيَابًا نَاعِمَةً؟ هُوَذَا الَّذِينَ يَلْبَسُونَ الثِّيَابَ النَّاعِمَةَ هُمْ فِي بُيُوتِ الْمُلُوكِ. ۹ لَكِنْ مَاذَا خَرَجْتُمْ لَتَنْظُرُوا؟ أَنْبِيَاءَ؟ نَعَمْ، أَقُولُ لَكُمْ، وَأَفْضَلَ مِنْ نَبِيِّ. ۱۰ فَإِنَّ هَذَا هُوَ الَّذِي كُتِبَ عَنْهُ: هَا أَنَا أُرْسِلُ أَمَامَ وَجْهِكَ مَلَاكِي الَّذِي يُهَيِّئُ طَرِيقَكَ قُدَّامَكَ. ۱۱ الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: لَمْ يَقُمْ بَيْنَ الْمُؤَلُودِينَ مِنَ النَّسَاءِ أَكْثَمُ مِنْ يُوْحَنَّا الْمَعْمَدَانِ، وَلَكِنَّ الْأَصْغَرَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ أَكْثَمُ مِنْهُ. ۱۲ وَمِنْ أَيَّامِ يُوْحَنَّا الْمَعْمَدَانِ إِلَى الْآنَ مَلَكُوتُ السَّمَاوَاتِ يُعْصَبُ، وَالْعَاصِبُونَ يَخْتَطِفُونَهُ. ۱۳ لِأَنَّ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ

وَالنَّامُوسَ إِلَى يُوحَنَّا تَنَبَّأُوا. ١٤ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَقْبَلُوا، فَهَذَا هُوَ إِيْلَيَّا الْمُزْمِعُ أَنْ يَأْتِي. ١٥ مَنْ لَهُ أُذُنَانِ لِسَمْعِ فَلْيَسْمَعْ. ١٦ «وَبِمَنْ أَشْبَهَ هَذَا الْجِيلَ؟ يُشْبِهُ أَوْلَادًا جَالِسِينَ فِي الْأَسْوَاقِ يُنَادُونَ إِلَى أَصْحَابِهِمْ ١٧ وَيَقُولُونَ: زَمَرْنَا لَكُمْ فَلَمْ تَرْفُصُوا! نَحْنَا لَكُمْ فَلَمْ تَلْطَمُوا! ١٨ لَأَنَّهُ جَاءَ يُوحَنَّا لَا يَأْكُلُ وَلَا يَشْرَبُ، فَيَقُولُونَ: فِيهِ شَيْطَانٌ. ١٩ جَاءَ ابْنُ الْإِنْسَانِ يَأْكُلُ وَيَشْرَبُ، فَيَقُولُونَ: هُوَذَا إِنْسَانٌ أَكُولٌ وَشَرِيبٌ خَمْرٍ، مُحِبٌّ لِلْعَشَارِينَ وَالْخَطَاةِ. وَالْحِكْمَةُ تَبَرَّرَتْ مِنْ بَنِيهَا».

۷ چون شاگردان یحیی می رفتند، عیسی درباره یحیی سخن آغاز کرد و به جماعت گفت: «برای دیدن چه چیز به بیابان رفتید؟ برای دیدن نی ای که از باد در جنبش است؟ ۸ اگر نه، پس برای دیدن چه رفتید؟ برای دیدن مردی که جامه ای لطیف در بر دارد؟ آنان که جامه های لطیف در بر می کنند در کاخهای پادشاهانند. ۹ پس برای دیدن چه رفتید؟ برای دیدن پیامبری؟ آری، به شما می گویم کسی که از پیامبر نیز برتر است. ۱۰ زیرا او همان است که درباره اش نوشته شده: «اینک پیام آور خود را پیشاپیش تو می فرستم، که راهت را پیش رویت مهیا خواهد کرد.» ۱۱ به راستی به شما می گویم، که بزرگتر از یحیای تعمیددهنده از مادر زاده نشده است، اما کوچکترین (?) در ملکوت آسمان ها از او بزرگتر است. ۱۲ از زمان یحیای تعمیددهنده تا کنون، ملکوت آسمان ها نیرومندانه به پیش می رود و زورآوران آن را تصاحب می کنند. ۱۳ زیرا همه پیامبران و تورات تا زمان یحیی نبوت می کردند. ۱۴ و اگر بخواهید بپذیرید، یحیی همان ایلیا پایدار است که می بایست بیاید. ۱۵ هر که گوش شنوا دارد، بشنود. ۱۶ «این نسل را به چه تشبیه کنم؟ همچون کودکانی هستند که در بازار می نشینند و به همبازیهای خود ندا می کنند: ۱۷ «برای شما نی نواختیم، نرقصیدید؛ مرثیه خواندیم، سینه نزدید.» ۱۸ زیرا یحیی آمد که نه می خورد و نه می نوشد؛ می گویند: «دیو دارد.» ۱۹ پسر انسان آمد که می خورد و می نوشد؛ می گویند: «انسانی است که می خورد و می آشامد، دوست خراجگیران و گناهکاران.» اما حکمت از او رشد کرده و به ثبوت می رسد.»

۲۰ حِينَئِذٍ ابْتَدَأَ يُبَوِّخُ الْمَدُنَ الَّتِي صُنِعَتْ فِيهَا أَكْثَرُ قُوَّاتِهِ لِأَنَّهُا لَمْ تَتُبْ: ۲۱ «وَيْلٌ لَكَ يَا كُورَازِينَ! وَيْلٌ لَكَ يَا بَيْتَ صَيْدَا! لَأَنَّهُ لَوْ صُنِعَتْ فِي صُورَ وَصَيْدَا الْقُوَّاتُ الْمَصْنُوعَةُ فِيكُمْ، لَتَابَتَا قَدِيمًا فِي الْمُسُوحِ وَالرَّمَادِ. ۲۲ وَلَكِنْ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ صُورَ وَصَيْدَا تَكُونُ لَهُمَا خَالَةً أَكْثَرُ اخْتِمَالًا يَوْمَ الدِّينِ مِمَّا لَكُمْ. ۲۳ وَأَنْتِ يَا كَفَرَتَاخُومَ الْمَرْتَفِعَةُ إِلَى السَّمَاءِ! سَتَهْبِطِينَ إِلَى الْهَوَايَةِ. لَأَنَّهُ لَوْ صُنِعَتْ فِي سَدُومَ الْقُوَّاتُ الْمَصْنُوعَةُ فِيكَ لَبَقِيتَ إِلَى الْيَوْمِ. ۲۴ وَلَكِنْ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ أَرْضَ سَدُومَ تَكُونُ لَهَا خَالَةً أَكْثَرُ اخْتِمَالًا يَوْمَ الدِّينِ مِمَّا لَكَ».

۲۰ آنگاه عیسی به سرزنش شهرهایی پرداخت که با اینکه بیشتر معجزاتش در آنها انجام شده بود، توبه نکرده بودند. ۲۱ «وای بر تو، ای خورازین! وای بر تو، ای بیت صیدا! زیرا اگر معجزاتی که در شما انجام شد در صور و صیدون روی می داد، مردم آنجا مدتها پیش در پلاس و خاکستر توبه کرده بودند. ۲۲ اما

یقین بدانید که در روز داوری، تحمل مجازات برای صور و صیدون آسانتر خواهد بود، تا برای شما. ۲۳ و تو ای کفرناحوم، آیا تا به فلک سر خواهی افراشت؟ هرگز، بلکه تا به اعماق هاویه فرو خواهی افتاد. زیرا اگر معجزاتی که در تو انجام شد در سُدوم رخ می داد، تا به امروز بر جا می ماند. ۲۴ اما یقین بدان که در روز داوری، تحمل مجازات برای سُدوم آسانتر خواهد بود، تا برای تو.»

۲۵ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ أَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ: «أَحْمَدُكَ أَيُّهَا الْآبُ رَبُّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، لِأَنَّكَ أَخْفَيْتَ هَذِهِ عَنِ الْحُكَمَاءِ وَالْفُهَمَاءِ وَأَعْلَنْتَهَا لِلْأَطْفَالِ. ۲۶ نَعَمْ أَيُّهَا الْآبُ، لِأَنَّ هَكَذَا صَارَتِ الْمَسَرَّةُ أَمَامَكَ. ۲۷ كُلُّ شَيْءٍ قَدْ دُفِعَ إِلَيَّ مِنْ أَبِي، وَلَيْسَ أَحَدٌ يَعْرِفُ الْابْنَ إِلَّا الْآبُ، وَلَا أَحَدٌ يَعْرِفُ الْآبَ إِلَّا الْابْنُ وَمَنْ أَرَادَ الْابْنَ أَنْ يُعْلِنَ لَهُ. ۲۸ تَعَالَوْا إِلَيَّ يَا جَمِيعَ الْمُتْعَبِينَ وَالثَّقِيلِي الْأَحْمَالِ، وَأَنَا أُرِيحُكُمْ. ۲۹ اِحْمَلُوا نِيرِي عَلَيْكُمْ وَتَعَلَّمُوا مِنِّي، لِأَنِّي وَدِيعٌ وَمُتَوَاضِعٌ الْقَلْبِ، فَتَجِدُوا رَاحَةً لِنَفْسِكُمْ. ۳۰ لِأَنَّ نِيرِي هَيِّنٌ وَحِمْلِي خَفِيفٌ».

۲۵ در آن وقت، عیسی اظهار داشت: «ای پدر، مالک آسمان و زمین، تو را می ستایم که این حقایق را از دانایان و خردمندان پنهان داشته و بر کودکان آشکار کرده ای. ۲۶ آری، ای پدر، زیرا خشنودی تو در این بود. ۲۷ پدرم همه چیز را به من سپرده است. هیچ کس پسر را نمی شناسد جز پدر، و هیچ کس پدر را نمی شناسد جز پسر، و آنان که پسر بخواهد او را بر ایشان آشکار سازد. ۲۸ «بیاید نزد من، ای تمامی زحمتکشان و گرانباران، که من به شما آسایش خواهم بخشید. ۲۹ یوغ مرا بر دوش گیرید و از من تعلیم یابید، زیرا حلیم و افتاده دل هستم، و در جانهای خویش آسایش خواهید یافت. ۳۰ چرا که یوغ من راحت است و بار من سبک.»

انجیل متی: الأصحاح الثاني عشر * ۱:۱۲-۵۰

۱ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ ذَهَبَ يَسُوعُ فِي السَّبْتِ بَيْنَ الزَّرْعِ، فَجَاعَ تَلَامِيذُهُ وَابْتَدَأُوا يَقْطِفُونَ سَنَابِلَ وَيَأْكُلُونَ. ۲ فَالْفَرِيسِيُّونَ لَمَّا نَظَرُوا قَالُوا لَهُ: «هُوَذَا تَلَامِيذُكَ يَفْعَلُونَ مَا لَا يَجِلُّ فِعْلُهُ فِي السَّبْتِ!» ۳ فَقَالَ لَهُمْ: «أَمَّا قَرَأْتُمْ مَا فَعَلَهُ دَاوُدُ حِينَ جَاعَ هُوَ وَالَّذِينَ مَعَهُ؟ ۴ كَيْفَ دَخَلَ بَيْتَ اللَّهِ وَأَكَلَ خُبْزَ التَّقْدِيمَةِ الَّذِي لَمْ يَجِلَّ أَكْلُهُ لَهُ وَلَا لِلَّذِينَ مَعَهُ، بَلْ لِلْكَهَنَةِ فَقَطْ. ۵ أَوْ مَا قَرَأْتُمْ فِي التَّوْرَةِ أَنَّ الْكَهَنَةَ فِي السَّبْتِ فِي الْهَيْكَلِ يُدَسُّونَ السَّبْتَ وَهُمْ أَبْرِيَاءُ؟ ۶ وَلَكِنْ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ هَهُنَا أَعْظَمَ مِنَ الْهَيْكَلِ! ۷ فَلَوْ عَلِمْتُمْ مَا هُوَ: إِنِّي أُرِيدُ رَحْمَةً لَا دَبِيحَةً، لَمَّا حَكَمْتُمْ عَلَى الْأَبْرِيَاءِ! ۸ فَإِنَّ ابْنَ الْإِنْسَانِ هُوَ رَبُّ السَّبْتِ أَيْضًا».

۱ در آن زمان، عیسی در روز شَبَات از میان مزارع گندم می گذشت. شاگردان او به علت گرسنگی شروع به چیدن خوشه های گندم و خوردن آنها کردند. ۲ فریسیان چون این را دیدند به او گفتند: «نگاه کن، شاگردانت کاری انجام می دهند که در روز شَبَات جایز نیست.» ۳ پاسخ داد: «مگر نخوانده اید که

داوود چه کرد، آنگاه که خود و یارانش گرسنه بودند؟ ۴ به خانه خدا درآمد و خود و یارانش نان حضور را خوردند، هرچند خوردن آن برای او و یارانش جایز نبود، زیرا فقط کاهنان بدان مجاز بودند. ۵ یا مگر در تورات نخوانده‌اید که در روزهای شبات، کاهنان در معبد، حرمت شبات را نگاه نمی‌دارند، و با این همه بی‌گناهند؟ ۶ به شما می‌گویم کسی در اینجاست که بزرگتر از معبد است! ۷ اگر مفهوم این کلام را درک می‌کردید که «رحمت را می‌پسندم، نه قربانی را»، دیگر بی‌گناهان را محکوم نمی‌کردید. ۸ زیرا پسر انسان صاحب شبات است.»^۴

۹ ثُمَّ انْصَرَفَ مِنْ هُنَاكَ وَجَاءَ إِلَى مَجْمَعِهِمْ، ۱۰ وَإِذَا إِنْسَانٌ يَدُهُ يَابِسَةٌ، فَسَأَلُوهُ قَائِلِينَ: «هَلْ يَجِلُّ الْإِبْرَاءُ فِي السَّبُّوتِ؟» لِكَيْ يَشْتَكُوا عَلَيْهِ. ۱۱ فَقَالَ لَهُمْ: «أَيُّ إِنْسَانٍ مِنْكُمْ يَكُونُ لَهُ خَرُوفٌ وَاحِدٌ، فَإِنْ سَقَطَ هَذَا فِي السَّبْتِ فِي حُفْرَةٍ، أَمَا يُمْسِكُهُ وَيَقِيمُهُ؟ ۱۲ فَإِلَى إِنْسَانٍ كَمْ هُوَ أَفْضَلُ مِنَ الْخَرُوفِ! إِذَا يَجِلُّ فَعِلْ الْخَيْرَ فِي السَّبُّوتِ!» ۱۳ ثُمَّ قَالَ لِلْإِنْسَانِ: «مُدَّ يَدَكَ». فَمَدَّهَا. فَعَادَتْ صَحِيحَةً كَالْأُخْرَى. ۱۴ فَلَمَّا خَرَجَ الْفَرِيسِيُّونَ تَشَاوَرُوا عَلَيْهِ لِكَيْ يَهْلِكُوهُ.

۹ سپس آن مکان را ترک گفت و به کنیسه آنان درآمد. ۱۰ در کنیسه مردی بود که یک دستش خشک شده بود. از عیسی پرسیدند: «آیا شفا دادن در روز شبات جایز است؟» این را گفتند تا بهانه‌ای برای متهم کردن او بیابند. ۱۱ او بدیشان گفت: «اگر یکی از شما گوسفندی داشته باشد و آن گوسفند در روز شبات در چاهی بیفتد، آیا آن را نمی‌گیرد و از چاه بیرون نمی‌آورد؟ ۱۲ حال، انسان چقدر باارزشتر از گوسفند است! پس نیکویی کردن در روز شبات جایز است.» ۱۳ سپس به آن مرد گفت: «دست را دراز کن!» او دستش را دراز کرد و آن دست، مانند دست دیگرش سالم شد. ۱۴ اما فریسیان بیرون رفتند و با هم مشورت کردند که چگونه او را بکشند.

۱۵ فَعَلِمَ يَسُوعُ وَانْصَرَفَ مِنْ هُنَاكَ. وَتَبِعْتَهُ جُمُوعٌ كَثِيرَةٌ فَشَفَاهُمْ جَمِيعًا. ۱۶ وَأَوْصَاهُمْ أَنْ لَا يَظْهَرُوهُ، ۱۷ لِكَيْ يَتِمَّ مَا قِيلَ بِإِسْعَاءَ النَّبِيِّ الْقَائِلِ: ۱۸ «هُوَذَا فَتَايَ الَّذِي اخْتَرْتُهُ، حَبِيبِي الَّذِي سُرَّتْ بِهِ نَفْسِي. أَضَعُ رُوحِي عَلَيْهِ فَيُخْبِرُ الْأُمَمَ بِالْحَقِّ. ۱۹ لَا يُخَاصِمُ وَلَا يَصِيحُ، وَلَا يَسْمَعُ أَحَدٌ فِي الشَّوَارِعِ صَوْتَهُ. ۲۰ قَصَبَةً مَرْضُوضَةً لَا يَقْصِفُ، وَفَتِيلَةً مَدْخَنَةً لَا يُطْفِئُ، حَتَّى يُخْرِجَ الْحَقَّ إِلَى النُّصْرَةِ. ۲۱ وَعَلَى اسْمِهِ يَكُونُ رَجَاءُ الْأُمَمِ».

^۴ شبات در دین یهودیت به روز شنبه که تعطیل هفتگی است می‌گویند؛ و به صورت سمبلیک به معنای هفتمین روز آفرینش است. سنت استراحت شبات ریشه در تورات دارد. تورات می‌گوید خداوند جهان را در شش روز آفرید و در روز هفتم دست نگه داشت. بسیاری از یهودیان در این روز برای نیایش به کنیسه یا معبد‌های خود می‌روند. این عید و تعطیل هفتگی برای مسلمانان جمعه است.

۱۵ چون عیسی از این امر آگاه شد، آن مکان را ترک گفت. اما عده بسیاری از پی او رفتند و او جمیع ایشان را شفا بخشید ۱۶ و ایشان را قدغن فرمود که او را شهرت ندهند. ۱۷ این واقع شد تا گفته اشعای نبی به انجام رسد که: ۱۸ «این است خادم من که او را برگزیده‌ام، محبوب من که جانم از او خشنود است. روح خود را بروی خواهم نهاد و او عدالت را به قومها اعلام خواهد داشت. ۱۹ نزاع نخواهد کرد و فریاد نخواهد زد؛ و کسی صدایش را در کوچه‌ها نخواهد شنید. ۲۰ نی خرد شده را نخواهد شکست و فتیله نیم‌سوخته را خاموش نخواهد کرد، تا عدالت را به پیروزی رساند. ۲۱ نام او مایه امید برای همه قومها خواهد بود.»

۲۲ حِينَئِذٍ أَخْضِرَ إِلَيْهِ مَجْنُونٌ أَغْمَى وَأَخْرَسُ فَشَفَاهُ، حَتَّى إِنَّ الْأَعْمَى تَكَلَّمَ وَأَبْصَرَ. ۲۳ فَبُهِتَ كُلُّ الْجُمُوعِ وَقَالُوا: «أَلَعَلَّ هَذَا هُوَ ابْنُ دَاوُدَ؟» ۲۴ أَمَّا الْفَرِيسِيُّونَ فَلَمَّا سَمِعُوا قَالُوا: «هَذَا لَا يُخْرِجُ الشَّيَاطِينَ إِلَّا بِعَلَزَبُولَ رَئِيسِ الشَّيَاطِينِ». ۲۵ فَعَلِمَ يَسُوعُ أَفْكَارَهُمْ، وَقَالَ لَهُمْ: «كُلُّ مَمْلَكَةٍ مُنْقَسِمَةٍ عَلَى ذَاتِهَا تُخْرَبُ، وَكُلُّ مَدِينَةٍ أَوْ بَيْتٍ مُنْقَسِمٍ عَلَى ذَاتِهِ لَا يَثْبُتُ. ۲۶ فَإِنْ كَانَ الشَّيْطَانُ يُخْرِجُ الشَّيْطَانَ فَقَدْ انْقَسَمَ عَلَى ذَاتِهِ. فَكَيْفَ تَثْبُتُ مَمْلَكَتُهُ؟ ۲۷ وَإِنْ كُنْتُ أَنَا بِعَلَزَبُولَ أَخْرِجُ الشَّيَاطِينَ، فَأَبْنَاؤُكُمْ بِمَنْ يُخْرِجُونَ؟ لِذَلِكَ هُمْ يَكُونُونَ قُضَاةً! ۲۸ وَلَكِنْ إِنْ كُنْتُ أَنَا بِرُوحِ اللَّهِ أَخْرِجُ الشَّيَاطِينَ، فَقَدْ أَقْبَلَ عَلَيْكُمْ مَلَكُوتُ اللَّهِ! ۲۹ أَمْ كَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدْخُلَ بَيْتَ الْقَوِيِّ وَيَنْهَبَ أَمْتَعَتَهُ، إِنْ لَمْ يَرْبِطِ الْقَوِيُّ أَوَّلًا، وَحِينَئِذٍ يَنْهَبُ بَيْتَهُ؟ ۳۰ مَنْ لَيْسَ مَعِيَ فَهُوَ عَلَيَّ، وَمَنْ لَا يَجْمَعُ مَعِيَ فَهُوَ يَفْرُقُ. ۳۱ لِذَلِكَ أَقُولُ لَكُمْ: كُلُّ خَطِيئَةٍ وَتَجْدِيفٍ يُعْفَرُ لِلنَّاسِ، وَأَمَّا التَّجْدِيفُ عَلَى الرُّوحِ فَلَنْ يُعْفَرَ لِلنَّاسِ. ۳۲ وَمَنْ قَالَ كَلِمَةً عَلَى ابْنِ الْإِنْسَانِ يُعْفَرُ لَهُ، وَأَمَّا مَنْ قَالَ عَلَى الرُّوحِ الْقُدُسِ فَلَنْ يُعْفَرَ لَهُ، لَا فِي هَذَا الْعَالَمِ وَلَا فِي الْآتِي.

۲۲ آنگاه مردی دیورده را که کور و لال بود نزدش آوردند و عیسی او را شفا داد، به گونه‌ای که توانست بیند و سخن بگوید. ۲۳ پس آن جماعت همه در شگفت شدند و گفتند: «آیا این مرد همان پسر داوود نیست؟» ۲۴ اما چون فریسیان این را شنیدند، گفتند: «به یاری بعلزبول، رئیس دیوهاست که دیوها را بیرون می‌کند و بس!» ۲۵ عیسی افکار آنان را دریافت و بدیشان گفت: «هر حکومتی که بر ضد خود تجزیه شود، نابود خواهد شد، و هر شهر یا خانه‌ای که بر ضد خود تجزیه شود، پابرجا نخواهد ماند. ۲۶ اگر شیطان، شیطان را بیرون کند، بر ضد خود تجزیه شده است؛ پس چگونه حکومتش پابرجا خواهد ماند؟ ۲۷ و اگر من به یاری بعلزبول دیوها را بیرون می‌کنم، شاگردان شما به یاری که آنها را بیرون می‌کنند؟ پس ایشان خود داوران شما خواهند بود. ۲۸ اما اگر من به واسطه روح خدا دیوها را بیرون می‌کنم، یقین بدانید که پادشاهی خدا بر شما وارد آمده است. ۲۹ به علاوه، چگونه کسی می‌تواند به خانه مردی نیرومند درآید و اموالش را غارت کند، مگر این که نخست آن مرد را ببندد. سپس می‌تواند خانه او

را غارت کند. ۳۰ هر که با من نیست، بر ضد من است، و هر که با من جمع نکند، پراکنده می‌سازد. ۳۱ پس به شما می‌گویم، هر نوع گناه و کفری که انسان مرتکب شود، آمرزیده می‌شود، اما کفر به روح آمرزیده نخواهد شد. ۳۲ هر که سخنی بر ضد پسر انسان گوید، آمرزیده شود، اما هر که بر ضد روح القدس سخن گوید، نه در این عصر و نه در عصر آینده، آمرزیده نخواهد شد.

۳۳ اجْعَلُوا الشَّجَرَةَ جَيِّدَةً وَثَمَرَهَا جَيِّدًا، أَوْ اجْعَلُوا الشَّجَرَةَ رَدِيَّةً وَثَمَرَهَا رَدِيًّا، لَأَنْ مِنَ الثَّمَرِ تُعْرَفُ الشَّجَرَةُ. ۳۴ يَا أَوْلَادَ الْآفَاعِي! كَيْفَ تَقْدِرُونَ أَنْ تَتَكَلَّمُوا بِالصَّالِحَاتِ وَأَنْتُمْ أَشْرَارٌ؟ فَإِنَّهُ مِنْ فَضْلَةِ الْقَلْبِ يَتَكَلَّمُ الْفَمُ. ۳۵ الْإِنْسَانُ الصَّالِحُ مِنَ الْكَنْزِ الصَّالِحِ فِي الْقَلْبِ يُخْرِجُ الصَّالِحَاتِ، وَالْإِنْسَانُ الشَّرِيرُ مِنَ الْكَنْزِ الشَّرِيرِ يُخْرِجُ الشُّرُورَ. ۳۶ وَلَكِنْ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ كُلَّ كَلِمَةٍ بَطَالَةٍ يَتَكَلَّمُ بِهَا النَّاسُ سَوْفَ يُعْطُونَ عَنْهَا حِسَابًا يَوْمَ الدِّينِ. ۳۷ لَأَنَّكَ بِكَلامِكَ تَتَبَرَّرُ وَبِكَلامِكَ تُدَانَ».

۳۳ «اگر میوه نیکو می‌خواهید، درخت شما باید نیکو باشد، زیرا درخت بد میوه بد خواهد داد. درخت را از میوه‌اش می‌توان شناخت. ۳۴ ای افعی‌زادگان، شما که بدسیرت هستید، چگونه می‌توانید سخن نیکو بگویید؟ زیرا زبان از آنچه دل از آن لبریز است، سخن می‌گوید. ۳۵ شخص نیک، از خزانه نیکوی دل خود نیکویی برمی‌آورد و شخص بد، از خزانه بد دل خود، بدی. ۳۶ اما به شما می‌گویم که مردم برای هر سخن پوچ که بر زبان برانند، در روز داوری حساب خواهند داد. ۳۷ زیرا با سخنان خود تبرئه خواهید شد و با سخنان خود محکوم خواهید گردید.»

۳۸ حِينَئِذٍ أَجَابَ قَوْمٌ مِنَ الْكَتَبَةِ وَالْفَرِيسِيِّينَ قَائِلِينَ: «يَا مُعَلِّمُ، نُرِيدُ أَنْ نَرَى مِنْكَ آيَةً». ۳۹ فَأَجَابَ وَقَالَ لَهُمْ: «جِيلٌ شَرِيرٌ وَفَاسِقٌ يَطْلُبُ آيَةً، وَلَا تُعْطَى لَهُ آيَةٌ إِلَّا آيَةُ يُونَانَ النَّبِيِّ. ۴۰ لَأَنَّهُ كَمَا كَانَ يُونَانُ فِي بَطْنِ الْخُوتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَثَلَاثَ لَيَالٍ، هَكَذَا يَكُونُ ابْنُ الْإِنْسَانِ فِي قَلْبِ الْأَرْضِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَثَلَاثَ لَيَالٍ. ۴۱ رِجَالُ نِينَوَى سَيَقُومُونَ فِي الدِّينِ مَعَ هَذَا الْجِيلِ وَيَدِينُونَهُ، لِأَنَّهُمْ تَابُوا بِمُنَادَاةِ يُونَانَ، وَهُوَ ذَا أَغْظَمَ مِنْ يُونَانَ هَهُنَا! ۴۲ مَلِكَةُ التِّيمَنِ سَتَقُومُ فِي الدِّينِ مَعَ هَذَا الْجِيلِ وَتَدِينُهُ، لِأَنَّهُمَا أَتَتْ مِنَ أَقَاصِي الْأَرْضِ لَتَسْمَعَ حِكْمَةَ سَلِيمَانَ، وَهُوَ ذَا أَغْظَمَ مِنْ سَلِيمَانَ هَهُنَا! ۴۳ إِذَا خَرَجَ الرُّوحُ النَّجِسُ مِنَ الْإِنْسَانِ يَجْتَازُ فِي أَمَاكِنَ لَيْسَ فِيهَا مَاءٌ، يَطْلُبُ رَاحَةً وَلَا يَجِدُ. ۴۴ ثُمَّ يَقُولُ: أَرْجِعْ إِلَى بَيْتِي الَّذِي خَرَجْتُ مِنْهُ، فَيَأْتِي وَيَجِدُهُ فَارِغًا مَكْنُوسًا مُرْتِنًا. ۴۵ ثُمَّ يَذْهَبُ وَيَأْخُذُ مَعَهُ سَبْعَةَ أَرْوَاحٍ أُخَرَ أَشَرَّ مِنْهُ، فَتَدْخُلُ وَتَسْكُنُ هُنَاكَ، فَتَصِيرُ أَوَاخِرُ ذَلِكَ الْإِنْسَانِ أَشَرَّ مِنْ أَوَائِلِهِ! هَكَذَا يَكُونُ أَيْضًا لِهَذَا الْجِيلِ الشَّرِيرِ».

۳۸ آنگاه عده‌ای از علمای دین و فریسیان به او گفتند: «استاد، می‌خواهیم آیتی از تو ببینیم.» ۳۹ پاسخ داد: «نسل شرارت پیشه و زناکار آیتی می‌خواهند! اما آیتی بدیشان داده نخواهد شد، جز آیت یونان (یونس) نبی. ۴۰ زیرا همان‌گونه که یونس سه روز و سه شب در شکم ماهی بزرگی بود، پسر انسان نیز سه روز و

سه شب در دل زمین خواهد بود. ۴۱ مردم نینوا در روز داوری با این نسل بر خواهند خاست و محکومشان خواهند کرد، زیرا آنها در اثر موعظه یونس توبه کردند، و حال آنکه کسی بزرگتر از یونس اینجاست. ۴۲ ملکه تیمان در روز داوری با این نسل بر خواهد خاست و محکومشان خواهد کرد، زیرا او از آن سوی دنیا آمد تا حکمت سلیمان را بشنود، و حال آنکه کسی بزرگتر از سلیمان اینجاست. ۴۳ «هنگامی که روح پلید از کسی بیرون می آید، به مکانهای خشک و بایر می رود تا جایی برای استراحت یابد، اما نمی یابد. ۴۴ پس می گوید "به خانه ای که از آن آمدم، باز می گردم." اما چون به آنجا می رسد و خانه را خالی و رفته و آراسته می یابد، ۴۵ می رود و هفت روح بدتر از خود را نیز می آورد و همگی داخل می شوند و در آنجا سکونت می گزینند. در نتیجه، سرانجام آن شخص بدتر از حالت نخست او می شود. عاقبت این نسل شریر نیز چنین خواهد بود.»

۴۶ وَفِيمَا هُوَ يُكَلِّمُ الْجُمُوعَ إِذَا أُمُّهُ وَإِخْوَتُهُ قَدْ وَقَفُوا خَارِجًا طَالِبِينَ أَنْ يُكَلِّمُوهُ. ۴۷ فَقَالَ لَهُ وَاحِدٌ: «هُوَذَا أُمُّكَ وَإِخْوَتُكَ واقِفُونَ خَارِجًا طَالِبِينَ أَنْ يُكَلِّمُوكَ». ۴۸ فَأَجَابَ وَقَالَ لِلْقَائِلِ لَهُ: «مَنْ هِيَ أُمِّي وَمَنْ هُمْ إِخْوَتِي؟» ۴۹ ثُمَّ مَدَّ يَدَهُ نَحْوَ تَلَامِيذِهِ وَقَالَ: «هَآ أُمِّي وَإِخْوَتِي. ۵۰ لِأَنَّ مَنْ يَصْنَعُ مَشِيئَةَ أَبِي الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ هُوَ أَخِي وَأُخْتِي وَأُمِّي.»

۴۶ در همان حال که عیسی با مردم سخن می گفت، مادر و برادرانش بیرون ایستاده بودند و می خواستند با وی گفتگو کنند. ۴۷ پس شخصی به او خبر داد که: «مادر و برادرانت بیرون ایستاده اند و می خواهند با تو گفتگو کنند.» ۴۸ پاسخ داد: «مادر من کیست؟ و برادرانم چه کسانی هستند؟» ۴۹ سپس با دست خود به سوی شاگردانش اشاره کرد و گفت: «اینانند مادر و برادران من! ۵۰ زیرا هر که اراده پدر مرا که در آسمان است به جای آورد، برادر و خواهر و مادر من است.»

انجیل متی: الأصْحاحُ الثَّالِثُ عَشَرَ * ۱:۱۳-۵۸

۱ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ خَرَجَ يَسُوعُ مِنْ الْبَيْتِ وَجَلَسَ عِنْدَ الْبَحْرِ، ۲ فَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ جُمُوعٌ كَثِيرَةٌ، حَتَّى إِنَّهُ دَخَلَ السَّفِينَةَ وَجَلَسَ. وَالْجَمْعُ كُلُّهُ وَقَفَ عَلَى الشَّاطِئِ. ۳ فَكَلَّمَهُمْ كَثِيرًا بِأَمْثَالٍ قَائِلًا: «هُوَذَا الزَّارِعُ قَدْ خَرَجَ لِيَزْرَعَ، ۴ وَفِيمَا هُوَ يَزْرَعُ سَقَطَ بَعْضُ عَلَى الطَّرِيقِ، فَجَاءَتِ الطُّيُورُ وَأَكَلَتْهُ. ۵ وَسَقَطَ آخَرُ عَلَى الْأَمْكِنِ الْمُخْجَرَةِ، حَيْثُ لَمْ تَكُنْ لَهُ تَرْتِبَةٌ كَثِيرَةٌ، فَتَبَتَ خَالًا إِذْ لَمْ يَكُنْ لَهُ عُمُقُ أَرْضٍ. ۶ وَلَكِنْ لَمَّا أَشْرَقَتِ الشَّمْسُ اخْتَرَقَ، وَإِذْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَصْلٌ جَفَّ. ۷ وَسَقَطَ آخَرُ عَلَى الشُّوكِ، فَطَلَعَ الشُّوكُ وَخَنَقَهُ. ۸ وَسَقَطَ آخَرُ عَلَى الْأَرْضِ الْجَيِّدَةِ فَأَعْطَى ثَمَرًا، بَعْضُ مِئَةٍ وَآخَرُ سِتِّينَ وَآخَرُ ثَلَاثِينَ. ۹ مَنْ لَهُ أُذُنَانِ لِلسَّمْعِ، فَلْيَسْمَعْ»

۱ همان روز، عیسی از خانه بیرون آمد و کنار دریا بنشست. ۲ اما چنان جماعت بزرگی او را احاطه کردند که سوار قایقی شد و بنشست، در حالی که مردم در ساحل ایستاده بودند. ۳ سپس بسیار چیزها با مثلها برایشان بیان کرد. گفت: «روزی بزرگتری برای بذرافشانی بیرون رفت. ۴ چون بذر می‌پاشید، برخی در راه افتاد و پرندگان آمدند و آنها را خوردند. ۵ برخی دیگر بر زمین سنگلاخ افتاد که خاک چندان نداشت؛ پس زود سبز شد، چرا که خاک کم عمق بود. ۶ اما چون خورشید برآمد، بسوخت و چون ریشه نداشت، خشکید. ۷ برخی میان خارها افتاد، و خارها نمو کرده، آنها را خفه کرد. ۸ اما بقیه بذرهای بر زمین نیکو افتاد و بار آورد: بعضی صد برابر، بعضی شصت و بعضی سی. ۹ هر که گوش دارد، بشنود.»

۱۰ فَتَقَدَّمَ التَّلَامِيذُ وَقَالُوا لَهُ: «لِمَاذَا تُكَلِّمُهُمْ بِأَمْثَالٍ؟» ۱۱ فَأَجَابَ وَقَالَ لَهُمْ: «لَأَنَّهُ قَدْ أُعْطِيَ لَكُمْ أَنْ تَعْرِفُوا أَسْرَارَ مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ، وَأَمَّا لِأَوْلَئِكَ فَلَمْ يُعْطَ. ۱۲ فَإِنَّ مَنْ لَهُ سِيَّعُطَى وَيَزَادُ، وَأَمَّا مَنْ لَيْسَ لَهُ فَالَّذِي عِنْدَهُ سِيَّوْخَذُ مِنْهُ. ۱۳ مِنْ أَجْلِ هَذَا أَكَلِّمُهُمْ بِأَمْثَالٍ، لِأَنَّهُمْ مُبْصِرِينَ لَا يُبْصِرُونَ، وَسَامِعِينَ لَا يَسْمَعُونَ وَلَا يَفْهَمُونَ. ۱۴ فَقَدْ تَمَّتْ فِيهِمْ نُبُوءَةُ إِشَعْيَاءَ الْقَائِلَةِ: تَسْمَعُونَ سَمْعًا وَلَا تَفْهَمُونَ، وَمُبْصِرِينَ تُبْصِرُونَ وَلَا تَنْظُرُونَ. ۱۵ لِأَنَّ قَلْبَ هَذَا الشَّعْبِ قَدْ غُلِظَ، وَأَذَانُهُمْ قَدْ ثَقُلَ سَمَاعُهَا. وَعَمَّضُوا عَيْنُونَهُمْ، لِئَلَّا يُبْصِرُوا بِعَيْنُونِهِمْ، وَيَسْمَعُوا بِأَذَانِهِمْ، وَيَفْهَمُوا بِقُلُوبِهِمْ، وَيَرْجِعُوا فَاشْفِيَهُمْ. ۱۶ وَلَكِنْ طُوبَى لِعَيْنُونِكُمْ لِأَنَّهُا تُبْصِرُ، وَلَا أَذَانَكُمْ لِأَنَّهُا تَسْمَعُ. ۱۷ فَإِنِّي الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ أَنْبِيَاءَ وَأَبْرَارًا كَثِيرِينَ اشْتَهَوْا أَنْ يَرَوْا مَا أَنْتُمْ تَرَوْنَ وَلَمْ يَرَوْا، وَأَنْ يَسْمَعُوا مَا أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ وَلَمْ يَسْمَعُوا.

۱۰ آنگاه شاگردان نزد او آمده، پرسیدند: «چرا با این مردم با مثلها سخن می‌گویی؟» ۱۱ پاسخ داد: «درک رازهای ملکوت آسمان‌ها به شما عطا شده است، اما نه به آنان. ۱۲ زیرا به آن که دارد، بیشتر داده خواهد شد تا به فراوانی داشته باشد، و از آن که ندارد، همان که دارد نیز گرفته خواهد شد. ۱۳ از این رو با ایشان به مثلها سخن می‌گویم، زیرا: «می‌نگرند، اما نمی‌بینند؛ گوش می‌کنند، اما نمی‌شنوند و نمی‌فهمند. ۱۴ نبوت اشعیا در مورد آنها تحقق می‌یابد که می‌گوید: «به گوش خود خواهید شنید، اما هرگز نخواهید فهمید؛ به چشم خود خواهید دید، اما هرگز درک نخواهید کرد. ۱۵ زیرا دل این قوم سخت شده، گوشه‌هایشان سنگین گشته، و چشمان خود را بسته‌اند، مبادا با چشمانشان ببینند، و با گوشه‌هایشان بشنوند و در دلهای خود بفهمند و بازگشت کنند و من شفایشان بخشم.» ۱۶ اما خوشا به حال چشمان شما که می‌بینند و گوشه‌های شما که می‌شنوند. ۱۷ به‌راستی به شما می‌گویم، بسیاری از انبیا و پارسایان مشتاق بودند آنچه را شما می‌بینید، ببینند و ندیدند، و آنچه را شما می‌شنوید، بشنوند و نشنیدند.

۱۸ «فَاسْمَعُوا أَنْتُمْ مِثْلَ الزَّارِعِ: ۱۹ كُلُّ مَنْ يَسْمَعُ كَلِمَةَ الْمَلَكُوتِ وَلَا يَفْهَمُ، فَيَأْتِي الشَّرِيرُ وَيَخْطَفُ مَا قَدْ زُرِعَ فِي قَلْبِهِ. هَذَا هُوَ الْمَزْرُوعُ عَلَى الطَّرِيقِ. ۲۰ وَالْمَزْرُوعُ عَلَى الْأَمَاكِنِ الْمُخْجَرَةِ هُوَ الَّذِي يَسْمَعُ الْكَلِمَةَ،

وَحَالًا يَقْبَلُهَا بِفَرْحٍ، ۲۱ وَلَكِنْ لَيْسَ لَهُ أَصْلٌ فِي دَاتِهِ، بَلْ هُوَ إِلَى حِينٍ. فَإِذَا حَدَّثَ ضَيْقٌ أَوْ اضْطِهَادٌ مِنْ أَجْلِ
الْكَلِمَةِ فَحَالًا يَعْثُرُ. ۲۲ وَالْمَرْزُوعُ بَيْنَ الشُّوكِ هُوَ الَّذِي يَسْمَعُ الْكَلِمَةَ، وَهُمْ هَذَا الْعَالَمِ وَغُرُورُ الْغِنَى يَخْنُقَانِ
الْكَلِمَةَ فَيَصِيرُ بِلَا ثَمَرٍ. ۲۳ وَأَمَّا الْمَرْزُوعُ عَلَى الْأَرْضِ الْجَدِيدَةِ فَهُوَ الَّذِي يَسْمَعُ الْكَلِمَةَ وَيَفْهَمُ. وَهُوَ الَّذِي يَأْتِي
بِثَمَرٍ، فَيَصْنَعُ بَعْضُ مِئَةٍ وَآخَرُ سِتِّينَ وَآخَرُ ثَلَاثِينَ».

۱۸ «پس شما معنی مثل برزگر را بشنوید: ۱۹ هنگامی که کسی کلام ملکوت آسمان‌ها را می‌شنود اما
آن را درک نمی‌کند، آن شریر می‌آید و آنچه را در دل او کاشته شده، می‌رباید. این همان بذری است
که در راه کاشته شد. ۲۰ و اما بذری که بر زمین سنگلاخ افتاد کسی است که کلام را می‌شنود و بی‌درنگ
آن را با شادی می‌پذیرد، ۲۱ اما چون در خود ریشه ندارد، تنها اندک زمانی دوام می‌آورد. وقتی به سبب
کلام، سختی یا آزاری بروز می‌کند، در دم می‌افتد. ۲۲ بذری که در میان خارها کاشته شد، کسی است
که کلام را می‌شنود، اما نگرانیهای این دنیا و فریبندگی ثروت، آن را خفه می‌کند و بی‌ثمر می‌سازد. ۲۳
اما بذری که در زمین نیکو کاشته شد کسی است که کلام را می‌شنود و آن را می‌فهمد و بارور شده، صد،
شصت یا سی برابر ثمر می‌آورد.»

۲۴ قَدَّمَ لَهُمْ مَثَلًا آخَرَ قَائِلًا: «يُسَبِّهُ مَلَكُوتُ السَّمَاوَاتِ إِنْسَانًا زَرَعَ زَرْعًا جَيِّدًا فِي حَقْلِهِ. ۲۵ وَفِيمَا النَّاسُ نِيَامُ
جَاءَ عَدُوُّهُ وَزَرَاعَ زَوَانًا فِي وَسْطِ الْجِنْطَةِ وَمَضَى. ۲۶ فَلَمَّا طَلَعَ النَّبَاتُ وَصَنَعَ ثَمَرًا، حِينَئِذٍ ظَهَرَ الزَّوَانُ أَيْضًا. ۲۷
فَجَاءَ عَبِيدُ رَبِّ الْبَيْتِ وَقَالُوا لَهُ: يَا سَيِّدُ، أَلَيْسَ زَرْعًا جَيِّدًا زَرَعْتَ فِي حَقْلِكَ؟ فَمِنْ أَيْنَ لَهُ زَوَانٌ؟ ۲۸ فَقَالَ
لَهُمْ: إِنْسَانٌ عَدُوٌّ فَعَلَ هَذَا. فَقَالَ لَهُ الْعَبِيدُ: أَتُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ وَتَجْمَعَهُ؟ ۲۹ فَقَالَ: لَا! لِيَلَّا تَقْلَعُوا الْجِنْطَةَ مَعَ
الزَّوَانِ وَأَنْتُمْ تَجْمَعُونَهُ. ۳۰ دَعَوْهُمَا يَنْمِيَانِ كِلَاهُمَا مَعًا إِلَى الْحَصَادِ، وَفِي وَقْتِ الْحَصَادِ أَقُولُ لِلْحَصَادِيِّينَ:
اجْمَعُوا أَوْلَا الزَّوَانِ وَاخْزِمُوهُ خَزْمًا لِيُحْرَقَ، وَأَمَّا الْجِنْطَةُ فَاجْمَعُوهَا إِلَيَّ مَخْزَنِي».

۲۴ عیسی مثل دیگری نیز برایشان آورد: «ملکوت آسمان‌ها همانند مردی است که در مزرعه خود بذر
خوب پاشید. ۲۵ اما هنگامی که مردمان در خواب بودند، دشمن وی آمد و در میان گندم، علف هرز
کاشت و رفت. ۲۶ چون گندم سبز شد و خوشه آورد، علف هرز نیز ظاهر شد. ۲۷ غلامان صاحبخانه نزد
او رفتند و گفتند: «آقا، مگر تو بذر خوب در مزرعات نکاشتی؟ پس علف هرز از کجا آمد؟» ۲۸ در
جواب گفت: «این کار دشمن است.» غلامان از او پرسیدند: «آیا می‌خواهی برویم و آنها را جمع کنیم؟»
۲۹ گفت: «نه! اگر بخواهید علفهای هرز را جمع کنید، ممکن است گندم را نیز با آنها از ریشه برکنید.
۳۰ بگذارید هر دو تا فصل درو با هم نمو کنند. در آن زمان به دروگران خواهم گفت که نخست علفهای
هرز را جمع کرده دسته کنند تا سوزانده شود، سپس گندمها را گرد آورده، به انبار من بیاورند.»

۳۱ قَدْ مَ لَهُمْ مَثَلًا آخَرَ قَائِلًا: «يُسَبِّهُ مَلَكُوتُ السَّمَاوَاتِ حَبَّةَ خَرْدَلٍ أَخَذَهَا إِنْسَانٌ وَزَرَعَهَا فِي حَقْلِهِ، وَهِيَ أَصْغَرُ جَمِيعِ الْبُزُورِ. وَلَكِنْ مَتَى نَمَتْ فِيهِ أَكْبَرُ الْبُقُولِ، وَتَصِيرُ شَجَرَةً، حَتَّى إِنَّ طُيُورَ السَّمَاءِ تَأْتِي وَتَتَأَوَّى فِي أَغْصَانِهَا». ۳۳ قَالَ لَهُمْ مَثَلًا آخَرَ: «يُسَبِّهُ مَلَكُوتُ السَّمَاوَاتِ خَمِيرَةً أَخَذَتْهَا امْرَأَةٌ وَخَبَأَتْهَا فِي ثَلَاثَةِ أَكْيَالٍ دَقِيقٍ حَتَّى اخْتَمَرَ الْجَمِيعُ». ۳۴ هَذَا كُلُّهُ كَلِمَ بِهِ يَسُوعُ الْجُمُوعَ بِأَمْثَالٍ، وَبَدُونَ مَثَلٌ لَمْ يَكُنْ يُكَلِّمُهُمْ، ۳۵ لِكَيْ يَتِمَّ مَا قِيلَ بِالنَّبِيِّ الْقَائِلِ: «سَأَفْتَحُ بِأَمْثَالٍ فَمِي، وَأَنْطِقُ بِمَكْتُومَاتٍ مُنْذُ تَأْسِيسِ الْعَالَمِ».

۳۱ عیسی برای آنها مثلی دیگر آورد: «ملکوت آسمان‌ها همچون دانه خردلی است که کسی آن را گرفت و در مزرعه‌اش کاشت. ۳۲ با اینکه دانه خردل از همه دانه‌ها کوچکتر است، اما چون می‌روید بزرگتر از همه گیاهان باغ شده، به درختی بدل می‌شود، چندان که پرندگان آسمان آمده، در شاخه‌هایش آشیانه می‌سازند.» ۳۳ سپس برایشان مثلی دیگر آورده، گفت: «ملکوت آسمان‌ها همچون خمیرمایه‌ای است که زنی برگرفت و با سه کیسه بزرگ آرد مخلوط کرد تا تمام خمیر ورآمد.» ۳۴ عیسی همه این مطالب را با مثلهای برای جماعت بیان کرد و بدون مثل به آنها هیچ نگفت. ۳۵ این واقع شد تا کلام نبی به انجام رسد که گفته بود: «دهان خود را به مثلهای خواهم گشود، و آنچه را از آغاز جهان مخفی مانده است، بیان خواهم کرد.»

۳۶ حِينَئِذٍ صَرَفَ يَسُوعُ الْجُمُوعَ وَجَاءَ إِلَى الْبَيْتِ. فَتَقَدَّمَ إِلَيْهِ تَلَامِيذُهُ قَائِلِينَ: «فَسِّرْ لَنَا مَثَلَ زَوَانِ الْحَقْلِ». ۳۷ فَأَجَابَ وَقَالَ لَهُمْ: «الزَّارِعُ الزَّرْعَ الْجَيِّدَ هُوَ ابْنُ الْإِنْسَانِ. ۳۸ وَالْحَقْلُ هُوَ الْعَالَمُ. وَالزَّرْعُ الْجَيِّدُ هُوَ بَنُو الْمَلَكُوتِ. وَالزَّوَانُ هُوَ بَنُو الشَّرِّيرِ. ۳۹ وَالْعَدُوُّ الَّذِي زَرَعَهُ هُوَ إِبْلِيسُ. وَالْحَصَادُ هُوَ انْقِضَاءُ الْعَالَمِ. وَالْحَصَادُونَ هُمُ الْمَلَائِكَةُ. ۴۰ فَكَمَا يُجْمَعُ الزَّوَانُ وَيُحْرَقُ بِالنَّارِ، هَكَذَا يَكُونُ فِي انْقِضَاءِ هَذَا الْعَالَمِ: ۴۱ يُرْسِلُ ابْنُ الْإِنْسَانِ مَلَائِكَتَهُ فَيَجْمَعُونَ مِنْ مَلَكُوتِهِ جَمِيعَ الْمَعَاثِرِ وَقَاعِلِي الْإِثْمِ، ۴۲ وَيَطْرَحُونَهُمْ فِي أَثُونِ النَّارِ. هُنَاكَ يَكُونُ الْبُكَاءُ وَصَرِيرُ الْأَسْنَانِ. ۴۳ حِينَئِذٍ يُضِيءُ الْأَبْرَارُ كَالشَّمْسِ فِي مَلَكُوتِ آبِيهِمْ. مَنْ لَهُ أُذُنَانِ لِلسَّمْعِ، فَلْيَسْمَعْ».

۳۶ سپس عیسی جمعیت را ترک گفت و به داخل خانه رفت. آنگاه شاگردانش نزد او آمدند و گفتند: «مثل علفهای هرز مزرعه را برای ما شرح بده.» ۳۷ او در پاسخ گفت: «شخصی که بذر خوب در مزرعه می‌کارد، پسر انسان است. ۳۸ مزرعه، این جهان است؛ و بذر خوب، فرزندان ملکوت آسمانند. علفهای هرز، فرزندان آن شریرند؛ ۳۹ و دشمنی که آنها را می‌کارد، ابلیس است. فصل درو، پایان دنیا است؛ و دروگران، فرشتگانند. ۴۰ همان گونه که علفهای هرز را جمع کرده در آتش می‌سوزانند، در پایان این دنیا نیز چنین خواهد شد. ۴۱ پسر انسان فرشتگان خود را خواهد فرستاد و آنها هر چه را که باعث گناه می‌شود و نیز تمام بدکاران را از پادشاهی او جمع خواهند کرد ۴۲ و آنها را در کوره آتش خواهند افکند، جایی

که گریه و دندان به دندان ساییدن خواهد بود. ۴۳ آنگاه پارسایان در پادشاهی پدر خود، همچون خورشید خواهند درخشید. هر که گوش دارد، بشنود.

۴۴ «أَيْضًا يُشَبِّهُ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ كَنْزًا مُخْفَى فِي حَقْلٍ، وَجَدَهُ إِنْسَانٌ فَأَخْفَاهُ. وَمِنْ فَرَجِهِ مَضَى وَبَاعَ كُلَّ مَا كَانَ لَهُ وَاشْتَرَى ذَلِكَ الْحَقْلَ. ۴۵ أَيْضًا يُشَبِّهُ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ إِنْسَانًا تَاجِرًا يَطْلُبُ لَأَلَى حَسَنَةً، ۴۶ فَلَمَّا وَجَدَ لَوْلَاَةً وَاحِدَةً كَثِيرَةَ الثَّمَنِ، مَضَى وَبَاعَ كُلَّ مَا كَانَ لَهُ وَاشْتَرَاهَا. ۴۷ أَيْضًا يُشَبِّهُ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ شَبَكَةً مَطْرُوحَةً فِي الْبَحْرِ، وَجَامِعَةً مِنْ كُلِّ نَوْعٍ. ۴۸ فَلَمَّا امْتَلَأَتْ أَصْعَدُوهَا عَلَى الشَّاطِئِ، وَجَلَسُوا وَجَمَعُوا الْجِيَادَ إِلَى أَوْعِيَةٍ، وَأَمَّا الْأَرْدِيَاءُ فَطَرَحُوهَا خَارِجًا. ۴۹ هَكَذَا يَكُونُ فِي انْقِضَاءِ الْعَالَمِ: يَخْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَيُفَرِّزُونَ الْأَشْرَارَ مِنْ بَيْنِ الْأَبْرَارِ، ۵۰ وَيَطْرَحُونَهُمْ فِي أَتُونِ النَّارِ. هُنَاكَ يَكُونُ الْبُكَاءُ وَصَرِيرُ الْأَسْنَانِ». ۵۱ قَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: «أَفَهَمْتُمْ هَذَا كُلَّهُ؟» فَقَالُوا: «نَعَمْ، يَا سَيِّدُ». ۵۲ فَقَالَ لَهُمْ: «مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كُلُّ كَاتِبٍ مُتَعَلِّمٍ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ يُشَبِّهُ رَجُلًا رَبًّا يَبْتَئِثُ يَخْرِجُ مِنْ كَنْزِهِ جُذْدًا وَغَتَقَاءَ».

۴۴ «ملکوت آسمان‌ها همچون گنجی است پنهان در دل زمین که شخصی آن را می‌یابد، سپس دوباره پنهانش می‌کند و از شادمانی می‌رود و آنچه دارد، می‌فروشد و آن زمین را می‌خرد. ۴۵ «همچنین ملکوت آسمان‌ها مانند تاجری است جویای مرواریدهای نفیس. ۴۶ پس چون مروارید بسیار باارزشی می‌یابد، می‌رود و آنچه دارد، می‌فروشد و آن مروارید را می‌خرد. ۴۷ «و باز ملکوت آسمان‌ها مانند توری است که به دریا افکنده می‌شود و همه گونه ماهی داخل آن می‌گردد. ۴۸ هنگامی که تور پر می‌شود، آن را به ساحل می‌کشند. سپس می‌نشینند و خوبها را در سبد جمع می‌کنند، اما بدها را دور می‌اندازند. ۴۹ در پایان این دنیا نیز چنین خواهد بود. فرشتگان خواهند آمد و بدکاران را از میان درستکاران بیرون خواهند کشید. ۵۰ و آنها را در کوره آتش خواهند افکند، جایی که گریه و دندان به دندان ساییدن خواهد بود. ۵۱ سپس پرسید: «آیا همه این مطالب را درک کردید؟» پاسخ دادند: «بله!» ۵۲ عیسی فرمود: «پس، هر عالم دین که درباره ملکوت آسمان‌ها تعلیم گرفته باشد، همچون صاحبخانه‌ای است که از خزانه خود چیزهای نو و کهنه بیرون می‌آورد.»

۵۳ وَلَمَّا أَكْمَلَ يَسُوعُ هَذِهِ الْأَمْثَالَ انْتَقَلَ مِنْ هُنَاكَ. ۵۴ وَلَمَّا جَاءَ إِلَى وَطَنِهِ كَانَ يُعَلِّمُهُمْ فِي مَجْمَعِهِمْ حَتَّى بُهِتُوا وَقَالُوا: «مَنْ أَيْنَ لِهَذَا هَذِهِ الْحِكْمَةُ وَالْقَوَاتُ؟ ۵۵ أَلَيْسَ هَذَا ابْنُ النَّجَّارِ؟ أَلَيْسَتْ أُمُّهُ تُدْعَى مَرْيَمَ، وَإِخْوَتُهُ يَعْقُوبُ وَيُوسِي وَسِمْعَانَ وَيَهُوذَا؟ ۵۶ أَوَلَيْسَتْ أَخَوَاتُهُ جَمِيعُهُنَّ عِنْدَنَا؟ فَمِنْ أَيْنَ لِهَذَا هَذِهِ كُلُّهَا؟» ۵۷ فَكَانُوا يَعْثُرُونَ بِهِ. وَأَمَّا يَسُوعُ فَقَالَ لَهُمْ: «لَيْسَ نَبِيٌّ بِلَا كَرَامَةٍ إِلَّا فِي وَطَنِهِ وَفِي بَيْتِهِ». ۵۸ وَلَمْ يَصْنَعْ هُنَاكَ قَوَاتٍ كَثِيرَةً لِعَدَمِ إِيْمَانِهِمْ.

۵۳ چون عیسی این مثلها را به پایان رسانید، آن مکان را ترک گفت ۵۴ و به شهر خود رفته، در کنیسه به تعلیم مردم پرداخت. مردم در شگفت شده، می پرسیدند: «این مرد چنین حکمت و قدرت انجام معجزات را از کجا آورده؟ ۵۵ مگر او پسر آن نجار نیست؟ مگر نام مادرش مریم نیست؟ و برادرانش یعقوب و یوسف و شمعون و یهوذا نیستند؟ ۵۶ مگر همه خواهرانش در میان ما زندگی نمی کنند؟ پس این چیزها را از کجا کسب کرده است؟» ۵۷ پس به نظرشان ناپسند آمد. اما عیسی به آنان گفت: «نبی بی حرمت نباشد جز در شهر خود و خانه خویش!» ۵۸ و در آنجا به علت بی ایمانی ایشان، معجزات زیادی نکرد.

انجیل متی : الأصحاح الرابع عشر * ۱۴:۱-۳۶

۱ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ سَمِعَ هِيرُودُسُ رَئِيسُ الرُّبْعِ خَبَرَ يَسُوعَ، ۲ فَقَالَ لِإِعْلَمَانِهِ: «هَذَا هُوَ يُوَحْنَا الْمَعْمَدَانُ قَدْ قَامَ مِنَ الْأَمْوَاتِ! وَلِذَلِكَ تُعْمَلُ بِهِ الْقُوَّاتُ». ۳ فَإِنَّ هِيرُودُسَ كَانَ قَدْ أَمْسَكَ يُوَحْنَا وَأَوْتَقَهُ وَطَرَحَهُ فِي سِجْنٍ مِنْ أَجْلِ هِيرُودِيَّا امْرَأَةِ فِيلِبُّسَ أَخِيهِ، ۴ لِأَنَّ يُوَحْنَا كَانَ يَقُولُ لَهُ: «لَا يَجِلُّ أَنْ تَكُونَ لَكَ». ۵ وَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يَقْتُلَهُ خَافَ مِنَ الشَّعْبِ، لِأَنَّهُ كَانَ عِنْدَهُمْ مِثْلَ نَبِيٍّ. ۶ ثُمَّ لَمَّا صَارَ مَوْلِدُ هِيرُودُسَ، رَقَصَتْ ابْنَةُ هِيرُودِيَّا فِي الْوَسْطِ فَسَرَّتْ هِيرُودُسَ. ۷ مِنْ ثُمَّ وَعَدَ بِقَسَمٍ أَنَّهُ مَهْمَا طَلَبَتْ يُعْطِيهَا. ۸ فَهِيَ إِذْ كَانَتْ قَدْ تَلَقَّتْ مِنْ أُمِّهَا قَالَتْ: «أَعْطِنِي هَهُنَا عَلَى طَبْقِ رَأْسِ يُوَحْنَا الْمَعْمَدَانِ». ۹ فَأَعْتَمَّ الْمَلِكُ، وَلَكِنْ مِنْ أَجْلِ الْأَقْسَامِ وَالْمُتَكَيِّبِينَ مَعَهُ أَمَرَ أَنْ يُعْطَى. ۱۰ فَأَرْسَلَ وَقَطَعَ رَأْسَ يُوَحْنَا فِي السِّجْنِ. ۱۱ فَأَخْضِرَ رَأْسَهُ عَلَى طَبْقٍ وَدَفَعَ إِلَى الصَّبِيَّةِ، فَجَاءَتْ بِهِ إِلَى أُمِّهَا. ۱۲ فَتَقَدَّمَ تَلَامِيذُهُ وَرَفَعُوا الْجَسَدَ وَدَفَنُوهُ. ثُمَّ أَتَوْا وَأَخْبَرُوا يَسُوعَ.

۱ در آن زمان آوازه عیسی به گوش هیرودیس حاکم رسید، ۲ و او به ملازمان خود گفت: «این یحیای تعمیددهنده است که از مردگان برخاسته و از همین روست که این قدرتها از او به ظهور می رسد.» ۳ و اما هیرودیس به خاطر هیرودیا که پیشتر زن برادرش فیلیپس بود، یحیی را گرفته و او را بسته و به زندان انداخته بود. ۴ زیرا یحیی به او می گفت: «حلال نیست تو با این زن باشی.» ۵ هیرودیس می خواست یحیی را بکشد، اما از مردم بیم داشت، زیرا یحیی را به پیامبری قبول داشتند. ۶ در روز جشن میلاد هیرودیس، دختر هیرودیا در مجلس رقصید و چنان دل هیرودیس را شاد ساخت ۷ که سوگند خورد هر چه بخواهد به او بدهد. ۸ دختر نیز به تحریک مادرش گفت: «سر یحیای تعمیددهنده را همین جا در طبّقی به من بده.» ۹ پادشاه اندوهگین شد، اما به پاس سوگند خود و به احترام میهمانانش دستور داد که به او بدهند. ۱۰ پس فرستاده، سر یحیی را در زندان از تن جدا کرد، ۱۱ و آن را در طبّقی آورده، به دختر دادند و او نیز آن را نزد مادرش برد. ۱۲ شاگردان یحیی آمدند و بدن او را برده، به خاک سپردند و سپس رفتند و به عیسی خبر دادند.

۱۳ فَلَمَّا سَمِعَ يَسُوعُ انْصَرَفَ مِنْ هُنَاكَ فِي سَفِينَةٍ إِلَى مَوْضِعٍ خَلَاءٍ مُنْفَرِدًا. فَسَمِعَ الْجُمُوعُ وَتَبِعُوهُ مُشَاءً مِنَ الْمُدُنِ. ۱۴ فَلَمَّا خَرَجَ يَسُوعُ أَبْصَرَ جَمْعًا كَثِيرًا فَتَحَنَّنَ عَلَيْهِمْ وَشَفَى مَرْضَاهُمْ. ۱۵ وَلَمَّا صَارَ الْمَسَاءُ تَقَدَّمَ إِلَيْهِ تَلَامِيذُهُ قَائِلِينَ: «الْمَوْضِعُ خَلَاءٌ وَالْوَقْتُ قَدْ مَضَى. اصْرِفِ الْجُمُوعَ لِكَيْ يَمْضُوا إِلَى الْقُرَى وَيَبْتَاعُوا لَهُمْ طَعَامًا». ۱۶ فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: «لَا حَاجَةَ لَهُمْ أَنْ يَمْضُوا. أَعْطُوهُمْ أَنْتُمْ لِيَأْكُلُوا». ۱۷ فَقَالُوا لَهُ: «لَيْسَ عِنْدَنَا هَهُنَا إِلَّا خَمْسَةُ أَرْغِفَةٍ وَسَمَكَتَانِ». ۱۸ فَقَالَ: «اَتُونِي بِهِمَا إِلَى هُنَا». ۱۹ فَأَمَرَ الْجُمُوعَ أَنْ يَتَكئُوا عَلَى الْعُشْبِ. ثُمَّ أَخَذَ الْأَرْغِفَةَ الْخَمْسَةَ وَالسَّمَكَتَيْنِ، وَرَفَعَ نَظْرَهُ نَحْوَ السَّمَاءِ وَبَارَكَ وَكَسَّرَ وَأَعْطَى الْأَرْغِفَةَ لِلتَّلَامِيذِ، وَالتَّلَامِيذُ لِلْجُمُوعِ. ۲۰ فَأَكَلَ الْجَمِيعُ وَشَبِعُوا. ثُمَّ رَفَعُوا مَا فَضَلَ مِنَ الْكَسْرِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ قَفَّةً مَمْلُوءَةً. ۲۱ وَالْأَكْلُونَ كَانُوا نَحْوَ خَمْسَةِ آلَافٍ رَجُلًا، مَا عَدَا النِّسَاءَ وَالْأَوْلَادَ.

۱۳ چون عیسی این را شنید، به قایق سوار شده، از آنجا به مکانی دورافتاده به خلوت رفت. اما مردم باخبر شده، از شهرهای خود پای پیاده از پی او روانه شدند. ۱۴ چون عیسی از قایق پیاده شد، جمعیتی بی شمار دید و دلش بر حال آنان به رحم آمده، بیمارانشان را شفا بخشید. ۱۵ نزدیک غروب، شاگردان نزدش آمدند و گفتند: «اینجا مکانی است دورافتاده، و دیروقت نیز هست. مردم را روانه کن تا به روستاهای اطراف بروند و برای خود خوراک بخرند.» ۱۶ عیسی به آنان گفت: «نیازی نیست مردم بروند. شما خود به ایشان خوراک دهید.» ۱۷ شاگردان گفتند: «در اینجا چیزی جز پنج نان و دو ماهی نداریم.» ۱۸ عیسی گفت: «آنها را نزد من بیاورید.» ۱۹ سپس به مردم فرمود تا بر سبزه ها بنشینند. آنگاه پنج نان و دو ماهی را برگرفت و به آسمان نگریسته، برکت داد. سپس نانها را پاره کرد و به شاگردان داد و آنان نیز به مردم دادند. ۲۰ همه خوردند و سیر شدند و از خرده های باقی مانده، دوازده سبد پر برگرفتند. ۲۱ شمار خورندگان، به جز زنان و کودکان، پنج هزار مرد بود.

۲۲ وَلِلْوَقْتِ الزَّمِ يَسُوعُ تَلَامِيذُهُ أَنْ يَدْخُلُوا السَّفِينَةَ وَيَسْبِقُوهُ إِلَى الْعَبْرِ حَتَّى يَصْرِفَ الْجُمُوعَ. ۲۳ وَبَعْدَمَا صَرَفَ الْجُمُوعَ صَعِدَ إِلَى الْجَبَلِ مُنْفَرِدًا لِيُصَلِّيَ. وَلَمَّا صَارَ الْمَسَاءُ كَانَ هُنَاكَ وَحْدَهُ. ۲۴ وَأَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ قَدْ صَارَتْ فِي وَسْطِ الْبَحْرِ مُعَذِّبَةً مِنَ الْأَمْوَاجِ. لَأَنَّ الرِّيحَ كَانَتْ مُضَادَّةً. ۲۵ وَفِي الْهَزِيعِ الرَّابِعِ مِنَ اللَّيْلِ مَضَى إِلَيْهِمْ يَسُوعُ مَاشِيًا عَلَى الْبَحْرِ. فَلَمَّا أَبْصَرَهُ التَّلَامِيذُ مَاشِيًا عَلَى الْبَحْرِ اضْطَرَبُوا قَائِلِينَ: «إِنَّهُ خَيَالٌ». وَمِنْ الْخَوْفِ صَرَخُوا! ۲۶ فَلَمَّا أَبْصَرَهُ يَسُوعُ قَائِلًا: «تَسَجَّعُوا! أَنَا هُوَ. لَا تَخَافُوا». ۲۸ فَأَجَابَهُ بُطْرُسُ وَقَالَ: «يَا سَيِّدُ، إِنْ كُنْتُ أَنْتَ هُوَ، فَمُرْنِي أَنْ آتِيَ إِلَيْكَ عَلَى الْمَاءِ». ۲۹ فَقَالَ: «تَعَالَ». فَنَزَلَ بُطْرُسُ مِنَ السَّفِينَةِ وَمَشَى عَلَى الْمَاءِ لِيَأْتِيَ إِلَى يَسُوعَ. ۳۰ وَلَكِنْ لَمَّا رَأَى الرِّيحَ شَدِيدَةً خَافَ. وَإِذْ ابْتَدَأَ يَغْرَقُ، صَرَخَ قَائِلًا: «يَا رَبُّ، نَجِّنِي!». ۳۱ فَفِي الْحَالِ مَدَّ يَسُوعُ يَدَهُ وَأَمْسَكَ بِهِ وَقَالَ لَهُ: «يَا قَلِيلَ الْإِيمَانِ، لِمَاذَا شَكَّكْتَ؟» ۳۲ وَلَمَّا دَخَلَ السَّفِينَةَ سَكَتَ الرِّيحُ. ۳۳ وَالَّذِينَ فِي السَّفِينَةِ جَاءُوا وَسَجَدُوا لَهُ قَائِلِينَ: «بِالْحَقِيقَةِ أَنْتَ ابْنُ اللَّهِ!». ۳۴ فَلَمَّا عَبَرُوا جَاءُوا

إِلَى أَرْضِ جَنَيْسَارَتَ، ٣٥ فَعَرَفَهُ رِجَالُ ذَلِكَ الْمَكَانِ. فَأَرْسَلُوا إِلَى جَمِيعِ تِلْكَ الْكُورَةِ الْمُحِيطَةِ وَأَخْضَرُوا إِلَيْهِ جَمِيعَ الْمَرْضَى، ٣٦ وَطَلَبُوا إِلَيْهِ أَنْ يَلْمَسُوا هُدْبَ ثَوْبِهِ فَقَطُّ. فَجَمِيعُ الَّذِينَ لَمَسُوهُ نَالُوا الشِّفَاءَ.

۲۲ عیسی بی درنگ شاگردان را بر آن داشت تا در همان حال که او مردم را مرخص می کرد، سوار قایق شوند و پیش از او به آن سوی دریا بروند. ۲۳ پس از مرخص کردن مردم، خود به کوه رفت تا به تنهایی دعا کند. شب فرا رسید و او آنجا تنها بود. ۲۴ در این هنگام، قایق از ساحل بسیار دور شده و دستخوش تلاطم امواج بود، زیرا باد مخالف بر آن می وزید. ۲۵ در پاس چهارم از شب، عیسی گام زنان بر روی آب به سوی آنان رفت. ۲۶ چون شاگردان او را در حال راه رفتن روی آب دیدند، وحشت کرده، گفتند: «شبح است»، و از ترس فریاد زدند. ۲۷ اما عیسی بی درنگ به آنها گفت: «دل قوی دارید. من هستم، مترسید!» ۲۸ پطرس پاسخ داد: «سرور من، اگر تویی، مرا بفرما تا روی آب نزد تو بیایم.» ۲۹ فرمود: «بیا!» آنگاه پطرس از قایق بیرون آمد و روی آب به سوی عیسی به راه افتاد. ۳۰ اما چون باد را دید، ترسید و در حالی که در آب فرو می رفت، فریاد برآورد: «سرور من، نجاتم ده!» ۳۱ عیسی بی درنگ دست خود را دراز کرد و او را گرفت و گفت: «ای کم ایمان، چرا شک کردی؟» ۳۲ چون به قایق برآمدند، باد فرو نشست. ۳۳ سپس کسانی که در قایق بودند در برابر عیسی روی بر زمین نهاده، گفتند: «براستی که تو پسر خدایی!» ۳۴ پس چون به کرانه دیگر رسیدند، در ناحیه جنیسارت فرود آمدند. ۳۵ مردمان آنجا عیسی را شناختند و کسانی را به تمامی آن نواحی فرستاده، بیماران را نزدش آوردند. ۳۶ آنها از او تمنا می کردند اجازه دهد تا فقط گوشه ردایش را لمس کنند، و هر که لمس می کرد، شفا می یافت.

انجیل متی: الأصحاح الخامس عشر * ۱۵: ۱-۳۹

۱ حِينَئِذٍ جَاءَ إِلَى يَسُوعَ كَتَبَةُ وَفَرِيسِيِّونَ الَّذِينَ مِنْ أُورُشَلِيمَ قَائِلِينَ: ۲ «لِمَاذَا تَتَعَدَّى تَلَامِيذُكَ تَقْلِيدَ الشُّيُوعِ، فَإِنَّهُمْ لَا يَغْسِلُونَ أَيْدِيَهُمْ حِينَمَا يَأْكُلُونَ خُبْزًا؟» ۳ فَأَجَابَ وَقَالَ لَهُمْ: «وَأَنْتُمْ أَيْضًا، لِمَاذَا تَتَعَدُّونَ وَصِيَّةَ اللَّهِ بِسَبَبِ تَقْلِيدِكُمْ؟ ۴ فَإِنَّ اللَّهَ أَوْصَى قَائِلًا: أَكْرِمُ أَبَاكَ وَأُمَّكَ، وَمَنْ يَشْتِمُ أَبًا أَوْ أُمَّ فَلَيَمُتْ مَوْتًا. ۵ وَأَمَّا أَنْتُمْ فَتَقُولُونَ: مَنْ قَالَ لِأَبِيهِ أَوْ أُمِّهِ: قُرْبَانُ هُوَ الَّذِي تَنْتَفِعُ بِهِ مِنِّي. فَلَا يُكْرَمُ أَبَاهُ أَوْ أُمُّهُ. ۶ فَقَدْ أَبْطَلْتُمْ وَصِيَّةَ اللَّهِ بِسَبَبِ تَقْلِيدِكُمْ! ۷ يَا مُرَاوُونَ! حَسَنًا تَنْبَأُ عَنْكُمْ إِشْعِيَاءُ قَائِلًا: ۸ يَقْتَرِبُ إِلَيَّ هَذَا الشَّعْبُ بِفَمِهِ، وَيُكْرِمُنِي بِشَفَتَيْهِ، وَأَمَّا قَلْبُهُ فَمُبْتَعِدٌ عَنِّي بَعِيدًا. ۹ وَبَاطِلًا يَعْبُدُونَنِي وَهُمْ يَعْلَمُونَ تَعَالِيمَ هِيَ وَصَايَا النَّاسِ».

۱ سپس گروهی از فریسیان و علمای دین از اورشلیم نزد عیسی آمدند و گفتند: ۲ «چرا شاگردان تو تقلید از مشایخ را زیر پا می گذارند؟ آنها دستهای خود را پیش از غذا خوردن نمی شویند!» ۳ او در پاسخ گفت: «و شما چرا برای حفظ تقلید خویش، حکم خدا را زیر پا می گذارید؟ ۴ زیرا خدا فرموده است:

”پدر و مادر خود را گرامی دار“ و نیز ”هر که پدر یا مادر خود را ناسزا گوید، البته باید کشته شود.“ ۵ اما شما می گوید اگر کسی به پدر یا مادرش بگوید: ”هر کمکی که ممکن بود از من دریافت کنید، وقف خداست،“ ۶ در این صورت، دیگر بر او واجب نیست این گونه پدر خود را گرامی دارد. این چنین شما برای حفظ تقلید خویش کلام خدا را باطل می شمارید. ۷ ای ریاکاران! اشعیا درباره شما چه خوب پیشگویی کرد، آنگاه که گفت: ۸ «این قوم با لبهای خود مرا حرمت می دارند، اما دلشان از من دور است. ۹ آنان بیهوده مرا عبادت می کنند، و تعلیمشان چیزی جز فرایض بشری نیست.»

۱۰ ثُمَّ دَعَا الْجَمْعَ وَقَالَ لَهُمْ: «اسْمَعُوا وَافْهَمُوا. ۱۱ لَيْسَ مَا يَدْخُلُ الْقَلَمَ يُنَجِّسُ الْإِنْسَانَ، بَلْ مَا يَخْرُجُ مِنَ الْقَلَمِ هَذَا يُنَجِّسُ الْإِنْسَانَ». ۱۲ حِينَئِذٍ تَقَدَّمَ تَلَامِيذُهُ وَقَالُوا لَهُ: «أَتَعْلَمُ أَنَّ الْفَرِيسِيِّينَ لَمَّا سَمِعُوا الْقَوْلَ نَفَرُوا؟» ۱۳ فَأَجَابَ وَقَالَ: «كُلُّ غَرْسٍ لَمْ يَغْرِسْهُ أَبِي السَّمَاوِيِّ يُقْلَعُ. ۱۴ أَتُرْكُوهُمْ. هُمْ عُمَيَّانُ قَادَةُ عُمَيَّانَ. وَإِنْ كَانَ أَعْمَى يَقُوذُ أَعْمَى يَسْقُطَانِ كِلَاهُمَا فِي خُفْرَةٍ». ۱۵ فَأَجَابَ بُطْرُسُ وَقَالَ لَهُ: «فَسِرْ لَنَا هَذَا الْمَثَلَ». ۱۶ فَقَالَ يَسُوعُ: «هَلْ أَنْتُمْ أَيْضًا حَتَّى الْآنَ غَيْرُ فَاهِمِينَ؟ ۱۷ أَلَا تَفْهَمُونَ بَعْدُ أَنَّ كُلَّ مَا يَدْخُلُ الْقَلَمَ يَمْضِي إِلَى الْجَوْفِ وَيَنْدَفِعُ إِلَى الْمَخْرَجِ؟ ۱۸ وَأَمَّا مَا يَخْرُجُ مِنَ الْقَلَمِ فَمِنْ الْقَلْبِ يَصْدُرُ، وَذَلِكَ يُنَجِّسُ الْإِنْسَانَ، ۱۹ لِأَنَّ مِنَ الْقَلْبِ تَخْرُجُ أَفْكَارُ شَرِّيرَةٍ: قَتْلٌ، زَنَى، فِسْقٌ، سِرْقَةٌ، شَهَادَةُ زُورٍ، تَجْدِيفٌ. ۲۰ هَذِهِ هِيَ الَّتِي تُنَجِّسُ الْإِنْسَانَ. وَأَمَّا الْأَكْلُ بِأَيْدٍ غَيْرِ مَغْسُولَةٍ فَلَا يُنَجِّسُ الْإِنْسَانَ».

۱۰ سپس آن جماعت را نزد خود فرا خواند و گفت: «گوش فرا دهید و بفهمید. ۱۱ نه آنچه به دهان آدمی داخل می شود او را نجس می سازد، بلکه آنچه از دهان او بیرون می آید، آن است که آدمی را نجس می سازد.» ۱۲ آنگاه شاگردان نزدش آمدند و گفتند: «آیا می دانی که این سخن تو فریسیان را ناپسند آمده است؟» ۱۳ عیسی پاسخ داد: «هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد، ریشه کن خواهد شد. ۱۴ آنها را به حال خود واگذارید. آنها راهنمایانی کورند. هر گاه کوری عصاکش کور دیگر شود، هر دو در چاه خواهند افتاد.» ۱۵ بطرس گفت: «این مثل را برای ما شرح بده.» ۱۶ عیسی پاسخ داد: «آیا شما نیز هنوز درک نمی کنید؟ ۱۷ آیا نمی دانید که هر چه به دهان داخل می شود، به شکم می رود و بعد دفع می شود؟ ۱۸ اما آنچه از دهان بیرون می آید، از دل سرچشمه می گیرد، و این است آنچه آدمی را نجس می سازد. ۱۹ زیرا از دل است که افکار پلید، قتل، زنا، بی عفتی، دزدی، شهادت دروغ و تهمت سرچشمه می گیرد. ۲۰ اینهاست که شخص را نجس می سازد، نه غذا خوردن با دستهای ناشسته!»

۲۱ ثُمَّ خَرَجَ يَسُوعُ مِنْ هُنَاكَ وَأَنْصَرَفَ إِلَى نَوَاحِي صُورَ وَصَيْدَاءَ. ۲۲ وَإِذَا امْرَأَةٌ كَنْعَانِيَّةٌ خَارِجَةٌ مِنْ تِلْكَ التُّخُومِ صَرَخَتْ إِلَيْهِ قَائِلَةً: «ارْحَمْنِي، يَا سَيِّدُ، يَا ابْنَ دَاوُدَ! إِنِّي مَجْنُونَةٌ جِدًّا». ۲۳ فَلَمْ يُجِبْهَا بِكَلِمَةٍ. فَتَقَدَّمَ تَلَامِيذُهُ وَطَلَبُوا إِلَيْهِ قَائِلِينَ: «اصْرِفْهَا، لِأَنَّهَا تَصِيحُ وَرَاءَنَا!» ۲۴ فَأَجَابَ وَقَالَ: «لَمْ أُرْسَلْ إِلَّا إِلَى خِرَافِ بَيْتِ

إِسْرَائِيلَ الضَّالَّةَ». ٢٥ فَاتَتْ وَسَجَدَتْ لَهُ قَائِلَةً: «يَا سَيِّدُ، أَعْنِي!» ٢٦ فَاجَابَ وَقَالَ: «لَيْسَ حَسَنًا أَنْ يُؤْخَذَ خُبْرُ الْبَنِينَ وَيُطْرَحَ لِلْكَلَابِ». ٢٧ فَقَالَتْ: «نَعَمْ، يَا سَيِّدُ! وَالْكَلَابُ أَيْضًا تَأْكُلُ مِنَ الْفَتَاتِ الَّتِي يَسْقُطُ مِنْ مَائِدَةِ أَرْبَابِهَا!». ٢٨ حِينَئِذٍ أَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهَا: «يَا امْرَأَةُ، عَظِيمُ إِيْمَانُكَ! لِيَكُنْ لَكَ كَمَا تُرِيدِينَ». فَشَفِيَتْ ابْنَتُهَا مِنْ تِلْكَ السَّاعَةِ.

٢١ عيسى آنجا را ترك گفت و در منطقه صور و صيدون كناره جست. ٢٢ روزی زنی كنعانی از اهالی آنجا، نزدش آمد و فریاد كنان گفت: «سرور من، ای پسر داوود، بر من رحم كن! دخترم سخت دیوزده شده است.» ٢٣ اما عيسى هیچ پاسخ نداد، تا اینکه شاگردان پیش آمدند و از او خواهش کرده، گفتند: «او را مرخص فرما، زیرا فریاد زنان از پی ما می آید.» ٢٤ در پاسخ گفت: «من تنها برای گوسفندان گم گشته بنی اسرائیل فرستاده شده ام.» ٢٥ اما آن زن آمد و در مقابل او زانو زد و گفت: «سرور من، مرا یاری كن!» ٢٦ او در جواب گفت: «نان فرزندان را گرفتن و پیش سگان انداختن روا نیست.» ٢٧ ولی زن گفت: «بله، سرورم، اما سگان نیز از خرده هایی كه از سفره صاحبشان می افند، می خورند!» ٢٨ آنگاه عيسى گفت: «ای زن، ایمان تو عظیم است! خواهش تو بر آورده شود!» در همان دم دختر او شفا یافت.

٢٩ ثُمَّ انْتَقَلَ يَسُوعُ مِنْ هُنَاكَ وَجَاءَ إِلَى جَانِبِ بَحْرِ الْجَلِيلِ، وَصَعِدَ إِلَى الْجَبَلِ وَجَلَسَ هُنَاكَ. ٣٠ فَجَاءَ إِلَيْهِ جُمُوعٌ كَثِيرَةٌ، مَعَهُمْ عَرُجٌ وَعُمَمِيٌّ وَخُرْسٌ وَشُلٌّ وَآخَرُونَ كَثِيرُونَ، وَطَرَحُوهُمْ عِنْدَ قَدَمَيْ يَسُوعَ. فَشَفَاهُمْ ٣١ حَتَّى تَجَبَّ الْجُمُوعُ إِذْ رَأَوْا الْخُرْسَ يَتَكَلَّمُونَ، وَالشَّلَّ يَصِحُّونَ، وَالْعَرُجَ يَمْشُونَ، وَالْعُمَمِيَّ يُبْصِرُونَ. وَمَجْدُّوا إِلَهَ إِسْرَائِيلَ. ٣٢ وَأَمَّا يَسُوعُ فَدَعَا تَلَامِيذَهُ وَقَالَ: «إِنِّي أَشْفِقُ عَلَى الْجَمْعِ، لِأَنَّ الْآنَ لَهُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ يَمْكُثُونَ مَعِيَ وَلَيْسَ لَهُمْ مَا يَأْكُلُونَ. وَلَسْتُ أُرِيدُ أَنْ أَصْرِفَهُمْ صَائِمِينَ لِئَلَّا يُخَوِّرُوا فِي الطَّرِيقِ» ٣٣ فَقَالَ لَهُ تَلَامِيذُهُ: «مِنْ أَيْنَ لَنَا فِي الْبَرِّيَّةِ خُبْرٌ بِهَذَا الْمِقْدَارِ، حَتَّى يُشْبِعَ جَمْعًا هَذَا عَدَدُهُ؟» ٣٤ فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: «كَمْ عِنْدَكُمْ مِنَ الْخُبْزِ؟» فَقَالُوا: «سَبْعَةٌ وَقَلِيلٌ مِنْ صِغَارِ السَّمَكِ». ٣٥ فَأَمَرَ الْجُمُوعُ أَنْ يَتَكِنُوا عَلَى الْأَرْضِ، ٣٦ وَأَخَذَ السَّبْعَ خُبْزَاتٍ وَالسَّمَكِ، وَشَكَرَ وَكَسَّرَ وَأَعْطَى تَلَامِيذَهُ، وَالتَّلَامِيذُ أَعْطَوْا الْجَمْعَ. ٣٧ فَأَكَلَ الْجَمِيعُ وَشَبِعُوا. ثُمَّ رَفَعُوا مَا فَضَلَ مِنَ الْكَسْرِ سَبْعَةَ سِلَالٍ مَمْلُوءَةٍ، ٣٨ وَالْأَكْلُونَ كَانُوا أَرْبَعَةَ آلَافٍ رَجُلٍ مَا عَدَا النِّسَاءَ وَالْأَوْلَادَ. ٣٩ ثُمَّ صَرَفَ الْجُمُوعَ وَصَعِدَ إِلَى السَّفِينَةِ وَجَاءَ إِلَى تَحُومِ مَجْدَلٍ.

٢٩ عيسى از آنجا عزیمت کرد و كناره دریاچه جلیل را پیموده، به كوهسار رسید و در آنجا بنشست. ٣٠ جماعتی بزرگ نزد او آمدند و با خود لنگان و كوران و مفلوجان و گنگان و بیماران دیگر را آورده، پیش پای عيسى گذاشتند و او ایشان را شفا بخشید. ٣١ مردم چون دیدند كه گنگان سخن می گویند، مفلوجان تندرست می شوند، لنگان راه می روند و كوران بینا می گردند، در شكفت شده، خدای اسرائیل را تمجید کردند. ٣٢ عيسى شاگردان خود را فرا خواند و گفت: «دلم بر حال این مردم می سوزد، زیرا اکنون

سه روز است که با منند و چیزی برای خوردن ندارند. نمی‌خواهم ایشان را گرسنه روانه کنم، بسا که در راه از پا درافتند.» ۳۳ شاگردانش گفتند: «در این بیابان از کجا می‌توانیم نان کافی برای سیر کردن چنین جمعیتی فراهم آوریم؟» ۳۴ پرسید: «چند نان دارید؟» گفتند: «هفت نان و چند ماهی کوچک.» ۳۵ عیسی به مردم فرمود تا بر زمین بنشینند. ۳۶ آنگاه هفت نان و چند ماهی را گرفت و پس از شکرگزاری، آنها را پاره کرده، به شاگردان خود داد و ایشان نیز به آن جماعت دادند. ۳۷ همه خوردند و سیر شدند و شاگردان هفت زنبیل نیز پر از خرده‌های باقی‌مانده برگرفتند. ۳۸ شمار کسانی که خوراک خوردند، غیر از زنان و کودکان، چهار هزار مرد بود. ۳۹ پس از آنکه عیسی مردم را مرخص کرد، سوار قایق شد و به ناحیه مجدان رفت.

انجیل متی: الأصحاح السادس عشر * ۱:۱۶-۲۸

۱ وَجَاءَ إِلَيْهِ الْفَرِيسِيُّونَ وَالصَّدُوقِيُّونَ لِيَجْزِبُوهُ، فَسَأَلُوهُ أَنْ يُرِيَهُمْ آيَةً مِنَ السَّمَاءِ. ۲ فَأَجَابَ وَقَالَ لَهُمْ: «إِذَا كَانَ الْمَسَاءُ قُلْتُمْ: صَحْوٌ لَأَنَّ السَّمَاءَ مُحْمَرَّةٌ. ۳ وَفِي الصَّبَاحِ: الْيَوْمَ شِتَاءٌ لَأَنَّ السَّمَاءَ مُحْمَرَّةٌ بِعُبُوسَةٍ. يَا مُرَاوُونَ! تَعْرِفُونَ أَنْ تُمَيِّزُوا وَجْهَ السَّمَاءِ، وَأَمَّا عَلَامَاتُ الْأَرْضِ فَلَا تَسْتَطِيعُونَ! ۴ جِيلٌ شَرِيرٌ فَاسِقٌ يَلْتَمِسُ آيَةً، وَلَا تُعْطَى لَهُ آيَةٌ إِلَّا آيَةُ يُونَانَ النَّبِيِّ». ثُمَّ تَرَكَهُمْ وَمَضَى.

۱ آنگاه فریسیان و صدوقیان نزد عیسی آمدند تا او را بیازمایند. بدین منظور از او خواستند تا آیتی آسمانی به آنان بنمایاند. ۲ در پاسخ فرمود: «هنگام غروب، می‌گویید "هوا خوب خواهد بود، زیرا آسمان سرخ‌فام است"، ۳ و بامدادان می‌گویید "امروز هوا بد خواهد شد، زیرا آسمان سرخ و گرفته است." شما نیک می‌دانید چگونه سیمای آسمان را تعبیر کنید، اما از تعبیر نشانه‌های زمانتان ناتوانید! ۴ نسل شرارت‌پیشه و زناکار آیتی می‌خواهند، اما آیتی به آنها داده نخواهد شد جز آیت یونس نبی.» پس آنها را ترک گفت و به راه خود رفت.

۵ وَلَمَّا جَاءَ تَلَامِيذُهُ إِلَى الْعَبْرِ نَسُوا أَنْ يَأْخُذُوا خُبْزًا. ۶ وَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: «انْظُرُوا، وَتَحَرَّزُوا مِنْ خَمِيرِ الْفَرِيسِيِّينَ وَالصَّدُوقِيِّينَ». ۷ فَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ قَائِلِينَ: «إِنَّا لَمْ نَأْخُذْ خُبْزًا». ۸ فَعَلِمَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: «لِمَادًا تَفَكَّرُونَ فِي أَنْفُسِكُمْ يَا قَلِيلِي الْإِيمَانِ أَنْكُمْ لَمْ تَأْخُذُوا خُبْزًا؟ ۹ أَحْتَى الْآنَ لَا تَفْهَمُونَ؟ وَلَا تَذْكُرُونَ خَمْسَ خُبْزَاتِ الْخَمْسَةِ الْأَلْفِ وَكَمْ قَفَّةً أَخَذْتُمْ؟ ۱۰ وَلَا سَبْعَ خُبْزَاتِ الْأَرْبَعَةِ الْأَلْفِ وَكَمْ سَلًا أَخَذْتُمْ؟ ۱۱ كَيْفَ لَا تَفْهَمُونَ أَنِّي لَيْسَ عَنِ الْخُبْزِ قُلْتُ لَكُمْ أَنْ تَتَحَرَّزُوا مِنْ خَمِيرِ الْفَرِيسِيِّينَ وَالصَّدُوقِيِّينَ؟» ۱۲ حِينَئِذٍ فَهَمُّوا أَنَّهُ لَمْ يَقُلْ أَنْ يَتَحَرَّزُوا مِنْ خَمِيرِ الْخُبْزِ، بَلْ مِنْ تَعْلِيمِ الْفَرِيسِيِّينَ وَالصَّدُوقِيِّينَ.

۵ چون به آن سوی دریا رفتند، شاگردان فراموش کردند با خود نان بردارند. ۶ عیسی به ایشان گفت: «آگاه باشید و از خمیرمایه فریسیان و صدوقیان دوری کنید.» ۷ پس ایشان در میان خود بحث کرده، می گفتند: «با خود نان نیاورده ایم.» ۸ عیسی این را دریافت و به ایشان گفت: «ای سست ایمانان، چرا درباره اینکه نان ندارید با هم بحث می کنید؟ ۹ آیا هنوز درک نمی کنید؟ آیا به یاد ندارید آن پنج نان و پنج هزار تن و چند سبد را که برگرفتید؟ ۱۰ یا آن هفت نان و چهار هزار تن و چند زنبیل را که برگرفتید؟ ۱۱ پس چرا درک نمی کنید که با شما درباره نان سخن نگفتم؟ بلکه گفتم که از خمیرمایه فریسیان و صدوقیان دوری کنید.» ۱۲ آنگاه درک کردند که بدیشان درباره تعلیم فریسیان و صدوقیان هشدار داده است، نه درباره خمیرمایه نان.

۱۳ وَلَمَّا جَاءَ يَسُوعُ إِلَى نَوَاحِي قَيْصَرِيَّةِ فِيلِبُّسَ سَأَلَ تَلَامِيذَهُ قَائِلًا: «مَنْ يَقُولُ النَّاسُ إِنِّي أَنَا ابْنُ الْإِنْسَانِ؟»
 ۱۴ فَقَالُوا: «قَوْمٌ: يُوحَنَّا الْمَعْمَدَانُ، وَآخَرُونَ: إِيلِيَّا، وَآخَرُونَ: إِزْمِيَا أَوْ وَاحِدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ». ۱۵ قَالَ لَهُمْ: «وَأَنْتُمْ، مَنْ تَقُولُونَ إِنِّي أَنَا؟» ۱۶ فَأَجَابَ سِمْعَانُ بَطْرُسُ وَقَالَ: «أَنْتَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ الْحَيِّ!». ۱۷ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُ: «طُوبَى لَكَ يَا سِمْعَانُ بْنُ يُونَا، إِنَّ لَحْمًا وَدَمًا لَمْ يُعْلِنْ لَكَ، لَكِنَّ أَبِي الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ. ۱۸ وَأَنَا أَقُولُ لَكَ أَيْضًا: أَنْتَ بَطْرُسُ، وَعَلَى هَذِهِ الصَّخْرَةِ أَبْنِي كَنِيسَتِي، وَأَبْوَابُ الْجَحِيمِ لَنْ تَقْوَى عَلَيْهَا. ۱۹ وَأَعْطَيْكَ مَفَاتِيحَ مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ، فَكُلُّ مَا تَرَبِّطُهُ عَلَى الْأَرْضِ يَكُونُ مَرْبُوطًا فِي السَّمَاوَاتِ. وَكُلُّ مَا تَحُلُّهُ عَلَى الْأَرْضِ يَكُونُ مَحْلُولًا فِي السَّمَاوَاتِ». ۲۰ حِينَئِذٍ أَوْصَى تَلَامِيذَهُ أَنْ لَا يَقُولُوا لِأَحَدٍ إِنَّهُ يَسُوعُ الْمَسِيحُ.

۱۳ چون عیسی به نواحی قیصریه فیلیپس رسید، از شاگردان خود پرسید: «به گفته مردم، پسر انسان کیست؟» ۱۴ آنان پاسخ دادند: «برخی می گویند یحیای تعمیددهنده است. بعضی دیگر می گویند ایلیا، و عده ای نیز می گویند ارمیا یا یکی از پیامبران است.» ۱۵ عیسی پرسید: «شما چه می گویند؟ به نظر شما من کیستم؟» ۱۶ شمعون پطرس پاسخ داد: «تویی مسیح، پسر خدای زنده!» ۱۷ عیسی گفت: «خوشا به حال

۵ پسر انسان یک لقب و صفت متشابه است که همچون سایر القاب و صفاتی که به انبیاء و ائمه (علیهم السلام) نسبت داده می شود، می تواند، در زمان ها و مکان های متفاوت اشخاص مختلفی را شامل شود، معروف و مشهور این است که پسر انسان همان حضرت عیسی (ع) است؛ آنچنان که سید احمد الحسن (ع) می فرماید: «أما قديم الأيام فهو الإمام المهدي (ع) وأما ابن الإنسان فهو عيسى (ع)»؛ (اما قديم الأيام همان امام مهدی (ع) و پسر انسان همان عیسی (ع) است). اما توجه به این نکته لازم است که این صفت مختص به حضرت عیسی (ع) نیست، حتی مفسران بزرگ مسیحی نیز به این امر اعتراف کرده اند، چنانچه مطابق نوشته مستر هاکس در کتاب "قاموس کتاب مقدس" این واژه هشتاد بار در انجیل آمده است که تنها سی مورد آن به حضرت عیسی (ع) قابل تطبیق است [ص ۲۱۹] اما پنجاه مورد دیگر آن از منجی سخن می گوید که در پایان روزگار یعنی آخرالزمان ظهور خواهد کرد و عیسی (ع) نیز با او خواهد آمد و او را جلال و عظمت خواهد داد. اما انسان کیست؟ مطابق فرمایش سید احمد الحسن (ع) انسان همان حضرت علی (ع) است که نسبت به رسول خدا (ص) در خسران بسر می برد: «أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِي (ع)، فَهُوَ الْإِنْسَانُ وَهُوَ فِي خَسْرٍ نَسْبَةً إِلَى مُحَمَّدٍ (ص)»؛ (امیرالمؤمنین علی (ع) همان انسان است و او در خسران و زیان است نسبت به محمد (ص)). با این تعبیر پسر

تو، ای شمعون، پسر یونا! زیرا این حقیقت را جسم و خون بر تو آشکار نکرد، بلکه پدر من که در آسمان است. ۱۸ من نیز می گویم که تویی پطرس، و بر این صخره، کنیسه خود را بنا می کنم و دروازه های هاویه بر آن استیلا نخواهد یافت. ۱۹ کلیدهای ملکوت آسمان ها را به تو می دهم. آنچه بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد و آنچه بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد. ۲۰ آنگاه شاگردان خود را منع کرد که به هیچ کس نگویند او مسیح است.

۲۱ مِنْ ذَلِكَ الْوَقْتِ ابْتَدَأَ يَسُوعُ يُظْهِرُ لِتَلَامِيذِهِ أَنَّهُ يَتَّبَعِي أَنْ يَذْهَبَ إِلَى أُورُشَلِيمَ وَيَتَّأَلَّمَ كَثِيرًا مِنَ الشُّيُوخِ وَرُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةِ، وَيُقْتَلَ، وَفِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ يَقُومُ. ۲۲ فَأَخَذَهُ پَطْرُسُ إِلَيْهِ وَابْتَدَأَ يَنْتَهَرُهُ قَائِلًا: «خَاشَاكَ يَا رَبِّ! لَا يَكُونُ لَكَ هَذَا!» ۲۳ فَالْتَفَتَ وَقَالَ لِپَطْرُسَ: «اَذْهَبْ عَنِّي يَا شَيْطَانُ! أَنْتَ مَعْتَرَةٌ لِي، لِأَنَّكَ لَا تَهْتَمُّ بِمَا لِلَّهِ لَكِنْ بِمَا لِلنَّاسِ». ۲۴ حِينَئِذٍ قَالَ يَسُوعُ لِتَلَامِيذِهِ: «إِنْ أَرَادَ أَحَدٌ أَنْ يَأْتِيَ وَرَائِي فَلْيُنْكَرْ نَفْسَهُ وَيَحْمِلْ صَلِيبَهُ وَيَتَّبَعْنِي، ۲۵ فَإِنْ مَنْ أَرَادَ أَنْ يُخَلِّصَ نَفْسَهُ يَهْلِكْهَا، وَمَنْ يُهْلِكْ نَفْسَهُ مِنْ أَجْلِي يَجِدْهَا. ۲۶ لِأَنَّهُ مَاذَا يَنْتَفِعُ الْإِنْسَانُ لَوْ رَجَعَ الْعَالَمَ كُلَّهُ وَخَسِرَ نَفْسَهُ؟ أَوْ مَاذَا يُعْطَى الْإِنْسَانُ فِدَاءً عَنْ نَفْسِهِ؟ ۲۷ فَإِنَّ ابْنَ الْإِنْسَانِ سَوْفَ يَأْتِي فِي مَجْدٍ أَبِيهِ مَعَ مَلَائِكَتِهِ، وَحِينَئِذٍ يُجْازِي كُلَّ وَاحِدٍ حَسَبَ عَمَلِهِ. ۲۸ الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ مِنَ الْقِيَامِ هَهُنَا قَوْمًا لَا يَذُوقُونَ الْمَوْتَ حَتَّى يَرَوْا ابْنَ الْإِنْسَانِ آتِيًا فِي مَلَكُوتِهِ».

۲۱ از آن پس عیسی به آگاه ساختن شاگردان خود از این حقیقت آغاز کرد که لازم است به اورشلیم برود و در آنجا از مشایخ و سران کاهنان و علمای دین آزار بسیار ببیند و کشته شود و در روز سوم برخیزد. ۲۲ اما پطرس او را به کناری برد و سرزنش کنان گفت: «دور از تو، سرورم! مباد که چنین چیزی هرگز بر تو واقع شود.» ۲۳ عیسی روی برگردانیده، به او گفت: «دور شو از من، ای شیطان! تو مانع راه منی، زیرا افکار تو انسانی است نه الهی.» ۲۴ سپس رو به شاگردان کرد و فرمود: «اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید. ۲۵ زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ اما هر که به خاطر من جان خود را از دست بدهد، آن را باز خواهد یافت. ۲۶ انسان را چه سود که تمامی دنیا را ببرد، اما جان خود را ببازد؟ انسان برای بازیافتن جان خود چه می تواند بدهد؟ ۲۷ «زیرا پسر انسان در جلال پدر خود به همراه فرشتگانش خواهد آمد و به هر کس برای اعمالش پاداش خواهد داد. ۲۸ به راستی به شما می گویم، برخی اینجا ایستاده اند که تا پسر انسان را نبینند که در پادشاهی خود می آید، طعم مرگ را نخواهند چشید.»

انجیل متى : الأصحاح السابع عشر * ۱۷:۱-۲۷

۱ وَبَعْدَ سِتَّةِ أَيَّامٍ أَخَذَ يَسُوعُ بُطْرُسَ وَيَعْقُوبَ وَيُوحَنَّا أَخَاهُ وَصَعِدَ بِهِمْ إِلَى جَبَلٍ غَالٍ مُتَفَرِّدِينَ. ۲ وَتَغَيَّرَتْ هَيْئَتُهُ قُدَّامَهُمْ، وَأَضَاءَ وَجْهُهُ كَالشَّمْسِ، وَصَارَتْ ثِيَابُهُ بَيَاضًا كَالنُّورِ. ۳ وَإِذَا مُوسَى وَإِيلِيَّا قَدْ ظَهَرَا لَهُمْ يَتَكَلَّمَانِ مَعَهُ. ۴ فَجَعَلَ بُطْرُسُ يَقُولُ لِيَسُوعَ: «يَا رَبِّ، جَيِّدٌ أَنْ نَكُونَ هَهُنَا! فَإِنْ شِئْتَ نَصْنَعُ هُنَا ثَلَاثَ مَظَالٍ: لَكَ وَاحِدَةً، وَلِمُوسَى وَاحِدَةً، وَلِإِيلِيَّا وَاحِدَةً». ۵ وَفِيمَا هُوَ يَتَكَلَّمُ إِذَا سَحَابَةٌ نِيرَّةٌ ظَلَّتْهُمْ، وَصَوْتُ مِنَ السَّحَابَةِ قَائِلًا: «هَذَا هُوَ ابْنِي الْحَبِيبُ الَّذِي بِهِ سُرَرْتُ. لَهُ اسْمَعُوا». ۶ وَلَمَّا سَمِعَ التَّلَامِيذُ سَقَطُوا عَلَى وُجُوهِهِمْ وَخَافُوا خَوْفًا جَدًّا. ۷ فَجَاءَ يَسُوعُ وَلَمَسَهُمْ وَقَالَ: «قُومُوا، وَلَا تَخَافُوا». ۸ فَرَفَعُوا أَصْوَاهُمْ وَلَمْ يَرَوْا أَحَدًا إِلَّا يَسُوعَ وَخَذَهُ. ۹ وَفِيمَا هُمْ نَازِلُونَ مِنَ الْجَبَلِ أَوْصَاهُمْ يَسُوعُ قَائِلًا: «لَا تُعَلِّمُوا أَحَدًا بِمَا رَأَيْتُمْ حَتَّى يَقُومَ ابْنُ الْإِنْسَانِ مِنَ الْأَمْوَاتِ». ۱۰ وَسَأَلَهُ تَلَامِيذُهُ قَائِلِينَ: «فَلِمَاذَا يَقُولُ الْكِتَبَةُ: إِنَّ إِيلِيَّا يَنْبَغِي أَنْ يَأْتِيَ أَوَّلًا؟» ۱۱ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: «إِنَّ إِيلِيَّا يَأْتِي أَوَّلًا وَيَرُدُّ كُلَّ شَيْءٍ. ۱۲ وَلَكِنِّي أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ إِيلِيَّا قَدْ جَاءَ وَلَمْ يَعْرِفُوهُ، بَلْ عَمِلُوا بِهِ كُلَّ مَا أَرَادُوا. كَذَلِكَ ابْنُ الْإِنْسَانِ أَيْضًا سَوْفَ يَتَأَلَّمُ مِنْهُمْ». ۱۳ حِينَئِذٍ فَهِمَ التَّلَامِيذُ أَنَّهُ قَالَ لَهُمْ عَنْ يُوحَنَّا الْمُعَمَّدَانَ.

۱ شش روز بعد، عیسی، پطرس و یعقوب و برادرش یوحنا را برگرفت و آنان را با خود بر فراز کوهی بلند، به خلوت برد. ۲ در آنجا، در حضور ایشان، سیمای او دگرگون شد: چهره‌اش چون خورشید می‌درخشید و جامه‌اش همچون نور، سفید شده بود. ۳ در این هنگام، موسی و ایلیا در برابر چشمان ایشان ظاهر شدند و با عیسی به گفتگو پرداختند. ۴ پطرس به عیسی گفت: «ای سرورم، بودن ما در اینجا نیکوست. اگر بخواهی، سه سرپناه می‌سازم، یکی برای تو، یکی برای موسی و یکی هم برای ایلیا.» ۵ هنوز این سخن بر زبان پطرس بود که ناگاه ابری درخشان ایشان را در بر گرفت و ندایی از ابر در رسید که: «این است پسر محبوبم که از او خشنودم؛ به او گوش فرا دهید!» ۶ با شنیدن این ندا، شاگردان سخت ترسیدند و به روی، بر خاک افتادند. ۷ اما عیسی نزدیک شد و دست بر آنان گذاشت و گفت: «برخیزید و مترسید!» ۸ چون چشمان خود را برافراشتند، هیچ کس دیگر را ندیدند جز عیسی و بس. ۹ هنگامی که از کوه فرود می‌آمدند، عیسی به آنان فرمود: «آنچه دیدید برای کسی بازگو نکنید، تا زمانی که پسر انسان از مردگان برخیزد.» ۱۰ شاگردان از او پرسیدند: «چرا علمای دین می‌گویند که نخست باید ایلیا بیاید؟» ۱۱ پاسخ داد: «البته که ایلیا می‌آید و همه چیز را اصلاح می‌کند. ۱۲ اما به شما می‌گویم که ایلیا آمده است، ولی او را نشناختند و هر آنچه خواستند با وی کردند. به همین سان پسر انسان نیز به دست آنان آزار خواهد دید.» ۱۳ آنگاه شاگردان دریافتند که درباره یحیای تعمیددهنده با آنها سخن می‌گوید.

۱۴ وَلَمَّا جَاءُوا إِلَى الْجَمْعِ تَقَدَّمَ إِلَيْهِ رَجُلٌ جَائِعًا لَهُ ۱۵ وَقَائِلًا: «يَا سَيِّدُ، ارْحَمِ ابْنِي فَإِنَّهُ يُصْرَعُ وَيَتَأَلَّمُ شَدِيدًا، وَيَقَعُ كَثِيرًا فِي النَّارِ وَكَثِيرًا فِي الْمَاءِ. ۱۶ وَأَخْضَرْتُهُ إِلَى تَلَامِيذِكَ فَلَمْ يَقْدِرُوا أَنْ يَشْفَوْهُ». ۱۷ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ: «أَيُّهَا الْجِيلُ غَيْرِ الْمُؤْمِنِ، الْمُلتَوِي، إِلَى مَتَى أَكُونُ مَعَكُمْ؟ إِلَى مَتَى أَحْتَمِلُكُمْ؟ قَدِّمُوهُ إِلَيَّ هَهُنَا!» ۱۸ فَأَنْتَهَرَهُ يَسُوعُ، فَخَرَجَ مِنْهُ الشَّيْطَانُ. فَشَفِيَ الْعَلَامُ مِنْ تِلْكَ السَّاعَةِ. ۱۹ ثُمَّ تَقَدَّمَ التَّلَامِيذُ إِلَى يَسُوعَ عَلَى انْفِرَادٍ وَقَالُوا: «لِمَاذَا لَمْ نَقْدِرْ نَحْنُ أَنْ نُخْرِجَهُ؟» ۲۰ فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: «لِعَدَمِ إِيْمَانِكُمْ. فَالْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: لَوْ كَانَ لَكُمْ إِيْمَانُ مِثْلُ حَبَّةِ خَرْدَلٍ لَكُنْتُمْ تَقُولُونَ لِهَذَا الْجَبَلِ: انْتَقِلْ مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ فَيَنْتَقِلُ، وَلَا يَكُونُ شَيْءٌ غَيْرُ مُمَكِّنٍ لَدَيْكُمْ. ۲۱ وَأَمَّا هَذَا الْجِنْسُ فَلَا يَخْرُجُ إِلَّا بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ».

۱۴ چون نزد جماعت باز گشتند، مردی به عیسی نزدیک شد و در برابر او زانو زد و گفت: «سرورم، بر پسر من رحم کن. او صرع دارد و سخت رنج می کشد. اغلب در آتش و در آب می افتد. ۱۶ او را نزد شاگردان آوردم، ولی نتوانستند شفایش دهند.» ۱۷ عیسی در پاسخ گفت: «ای نسل بی ایمان و منحرف، تا به کی با شما باشم و تحملتان کنم؟ او را نزد من آورید.» ۱۸ پس عیسی بر دیو نهیب زد و دیو از پسر بیرون شد و او در همان دم شفا یافت. ۱۹ آنگاه شاگردان نزد عیسی آمدند و در خلوت از او پرسیدند: «چرا ما نتوانستیم آن دیو را بیرون کنیم؟» ۲۰ پاسخ داد: «از آن رو که ایمانتان کم است. به راستی به شما می گویم، اگر ایمانی به کوچکی دانه خردل داشته باشید، می توانید به این کوه بگویید "از اینجا به آنجا منتقل شو" و منتقل خواهد شد و هیچ امری برای شما ناممکن نخواهد بود. [۲۱ اما این جنس جز به روزه و دعا بیرون نمی رود.]»

۲۲ وَفِيمَا هُمْ يَتَرَدَّدُونَ فِي الْجَلِيلِ قَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: «ابْنُ الْإِنْسَانِ سَوْفَ يُسَلَّمُ إِلَى أَيَّدِي النَّاسِ ۲۳ فَيَقْتُلُونَهُ، وَفِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ يَقُومُ». فَخَزَنُوا جِدًّا. ۲۴ وَلَمَّا جَاءُوا إِلَى كَفَرْنَاحُومَ تَقَدَّمَ الَّذِينَ يَأْخُذُونَ الدِّرْهَمَيْنِ إِلَى بُطْرُسَ وَقَالُوا: «أَمَّا يُوفِي مُعَلِّمُكُمُ الدِّرْهَمَيْنِ؟» ۲۵ قَالَ: «بَلَى». فَلَمَّا دَخَلَ الْبَيْتَ سَبَقَهُ يَسُوعُ قَائِلًا: «مَاذَا تَظُنُّ يَا سِمْعَانُ؟ مِمَّنْ يَأْخُذُ مَلُوكُ الْأَرْضِ الْجَبَايَةَ أَوْ الْجَزْيَةَ، أَمِنْ بَنِيهِمْ أَمْ مِنَ الْأَجَانِبِ؟» ۲۶ قَالَ لَهُ بُطْرُسُ: «مِنْ الْأَجَانِبِ». قَالَ لَهُ يَسُوعُ: «فَإِذَا الْبُنُونَ أَخْرَارُ. ۲۷ وَلَكِنْ لِيَلَّا نُغْثِرَهُمْ، اذْهَبْ إِلَى الْبَحْرِ وَأَلْقِ صِنَارَةً، وَالسَّمَكَةُ الَّتِي تَطْلُعُ أَوَّلًا خُذْهَا، وَمَتَى فَتَحْتَ فَاهَا تَجِدْ إِسْتَارًا، فَخُذْهُ وَأَعْطِهِمْ غَنِي وَعَنكَ».

۲۲ هنگامی که در جلیل گرد هم آمدند، عیسی به ایشان گفت: «پسر انسان به دست مردم تسلیم خواهد شد. ۲۳ آنها او را خواهند کشت و او در روز سوم بر خواهد خاست.» و شاگردان بسیار اندوهگین شدند. ۲۴ پس از آن که عیسی و شاگردانش به کفرناحوم رسیدند، مأموران اخذ مالیات دو درهم، نزد پطرس آمدند و گفتند: «آیا استاد شما مالیات معبد را نمی پردازد؟» ۲۵ او پاسخ داد: «البته که می پردازد!» چون پطرس به خانه درآمد، پیش از آنکه چیزی بگوید، عیسی به او گفت: «ای شمعون، پادشاهان جهان از چه

کسانی باج و خراج می گیرند؟ از فرزندان خود یا از بیگانگان؟ چه می گویی؟» ۲۶ پطرس جواب داد: «از بیگانگان.» عیسی به او گفت: «پس فرزندان معافند! ۲۷ اما برای اینکه ایشان را نرنجانیم، به کناره دریا برو و قلبی بینداز. نخستین ماهی را که گرفتی، دهانش را بگشا. سکه‌ای چهار درهمی خواهی یافت. با آن سهم من و خودت را به ایشان پرداز.»

انجيل متى: الأصحاح الثامن عشر * ۱۸:۱-۳۵

۱ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ تَقَدَّمَ التَّلَامِيذُ إِلَى يَسُوعَ قَائِلِينَ: «فَمَنْ هُوَ أَكْبَرُ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ؟» ۲ فَدَعَا يَسُوعُ إِلَيْهِ وَلَدًا وَأَقَامَهُ فِي وَسْطِهِمْ ۳ وَقَالَ: «الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنْ لَمْ تَرْجِعُوا وَتَصِيرُوا مِثْلَ الْأَوْلَادِ فَلَنْ تَدْخُلُوا مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ. ۴ فَمَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مِثْلَ هَذَا الْوَلَدِ فَهُوَ الْأَكْبَرُ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ. ۵ وَمَنْ قَبِلَ وَلَدًا وَاحِدًا مِثْلَ هَذَا بِاسْمِي فَقَدْ قَبِلَنِي. ۶ وَمَنْ أَغْثَرَ أَحَدَ هَؤُلَاءِ الصِّغَارِ الْمُؤْمِنِينَ بِي فَخَيْرٌ لَهُ أَنْ يُعْلَقَ فِي عُنُقِهِ حَبْرُ الرَّحَى وَيُغْرَقَ فِي لُجَّةِ الْبَحْرِ. ۷ وَيَلُ لِّلْعَالَمِ مِنَ الْعَثَرَاتِ! فَلَا بُدَّ أَنْ تَأْتِيَ الْعَثَرَاتُ، وَلَكِنْ وَيْلٌ لِّذَلِكَ الْإِنْسَانِ الَّذِي بِهِ تَأْتِي الْعَثَرَةُ! ۸ فَإِنْ أَغْثَرْتَ يَدَكَ أَوْ رِجْلَكَ فَاقْطَعْهَا وَأَلْقِهَا عَنْكَ. خَيْرٌ لَكَ أَنْ تَدْخُلَ الْحَيَاةَ أَغْرَجَ أَوْ أَقْطَعَ مِنْ أَنْ تُلْقَى فِي النَّارِ الْأَبَدِيَّةِ وَلَكَ يَدَانِ أَوْ رِجْلَانِ. ۹ وَإِنْ أَغْثَرْتَ عَيْنَكَ فَاقْلَعْهَا وَأَلْقِهَا عَنْكَ. خَيْرٌ لَكَ أَنْ تَدْخُلَ الْحَيَاةَ أَعْوَرَ مِنْ أَنْ تُلْقَى فِي جَهَنَّمَ النَّارِ وَلَكَ عَيْنَانِ.

۱ در آن هنگام، شاگردان نزد عیسی آمدند و پرسیدند: «چه کسی در ملکوت آسمان‌ها بزرگتر است؟» ۲ عیسی کودکی را فرا خواند و او را در میان ایشان قرار داد ۳ و گفت: «به‌راستی به شما می‌گویم، تا دگرگون نشوید و همچون کودکان نگرديد، هرگز به ملکوت آسمان‌ها راه نخواهید یافت. ۴ پس، هر که خود را همچون این کودک فروتن سازد، در ملکوت آسمان‌ها بزرگتر خواهد بود. ۵ و هر که چنین کودکی را به نام من بپذیرد، مرا پذیرفته است. ۶ «اما هر که سبب شود یکی از این کوچکان که به من ایمان دارند لغزش خورد، او را بهتر آن می‌بود که سنگ آسیابی بزرگ به گردنش بسته، در اعماق دریا غرق شود! ۷ وای بر این جهان به سبب لغزشها! زیرا هر چند لغزشها اجتناب‌ناپذیرند، اما وای بر آن که آنها را سبب گردد! ۸ «پس اگر دستت یا پایت تو را می‌لغزاند، آن را قطع کن و دور انداز، زیرا تو را بهتر آن است که لنگ یا شل به حیات راه یابی تا آنکه با دو دست یا دو پا در آتش ابدی افکنده شوی. ۹ و اگر چشمت تو را می‌لغزاند، آن را به در آر و دور انداز، زیرا تو را بهتر آن است که با یک چشم به حیات راه یابی تا آنکه با دو چشم در آتش دوزخ افکنده شوی.

۱۰ «انْظُرُوا، لَا تَحْتَقِرُوا أَحَدَ هَؤُلَاءِ الصِّغَارِ، لِأَنِّي أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ مَلَائِكَتَهُمْ فِي السَّمَاوَاتِ كُلِّ حِينٍ يَنْظُرُونَ وَجْهَ أَبِي الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ. ۱۱ لِأَنَّ ابْنَ الْإِنْسَانِ قَدْ جَاءَ لِكَيْ يُخَلِّصَ مَا قَدْ هَلَكَ. ۱۲ مَاذَا تَنْظُرُونَ؟ إِنْ

كَانَ لِنَاسٍ مِئَةُ خَرُوفٍ، وَضَلَّ وَاحِدٌ مِنْهَا، أَفَلَا يَتْرُكُ التَّسْعَةَ وَالتَّسْعِينَ عَلَى الْجِبَالِ وَيَذْهَبُ يَطْلُبُ الضَّالَّ؟
 ۱۳ وَإِنْ اتَّفَقَ أَنْ يَجِدَهُ، فَالْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّهُ يَفْرَحُ بِهِ أَكْثَرَ مِنَ التَّسْعَةِ وَالتَّسْعِينَ الَّتِي لَمْ تَضِلَّ. ۱۴ هَكَذَا
 لَيْسَتْ مَشِيئَةُ أَمَامَ أَبِيكُمْ الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ أَنْ يَهْلِكَ أَحَدٌ هَؤُلَاءِ الصِّغَارِ.

۱۰ «آگاه باشید که هیچ یک از این کوچکان را تحقیر نکنید، زیرا به شما می گویم که فرشتگان ایشان در آسمان همیشه روی پدر مرا که در آسمان است، می بینند. [۱۱ زیرا پسر انسان آمده است تا گمشده را نجات بخشد.] ۱۲ چه گمان می برید؟ اگر مردی صد گوسفند داشته باشد و یکی از آنها گم شود، آیا آن نود و نه گوسفند را در کوهسار نمی گذارد و به جستجوی آن گمشده نمی رود؟ ۱۳ به راستی به شما می گویم، که اگر آن را بیابد، برای آن یک گوسفند بیشتر شاد می شود تا برای نود و نه گوسفندی که گم نشده اند. ۱۴ به همین سان، اراده پدر شما که در آسمان است این نیست که حتی یکی از این کوچکان از دست برود.

۱۵ «وَإِنْ أَخْطَأَ إِلَيْكَ أَخُوكَ فَادْهَبْ وَغَاتِبْهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ وَخُذْكُمْ. إِنْ سَمِعَ مِنْكَ فَقَدْ رِبَحْتَ أَخَاكَ. ۱۶ وَإِنْ لَمْ يَسْمَعْ، فَخُذْ مَعَكَ أَيْضًا وَاحِدًا أَوْ اثْنَيْنِ، لِكَيْ تَقُومَ كُلُّ كَلِمَةٍ عَلَى فَمِ شَاهِدَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةٍ. ۱۷ وَإِنْ لَمْ يَسْمَعْ مِنْهُمْ فَقُلْ لِلْكَنِيسَةِ. وَإِنْ لَمْ يَسْمَعْ مِنَ الْكَنِيسَةِ فَلْيَكُنْ عِنْدَكَ كَالْوَتْنِيِّ وَالْعَشَّارِ. ۱۸ الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: كُلُّ مَا تَرَبِّطُونَهُ عَلَى الْأَرْضِ يَكُونُ مَرْبُوطًا فِي السَّمَاءِ، وَكُلُّ مَا تَحْلُونَهُ عَلَى الْأَرْضِ يَكُونُ مَحْلُولًا فِي السَّمَاءِ. ۱۹ وَأَقُولُ لَكُمْ أَيْضًا: إِنْ اتَّفَقَ اثْنَانِ مِنْكُمْ عَلَى الْأَرْضِ فِي شَيْءٍ يَطْلُبَانِهِ فَإِنَّهُ يَكُونُ لَهُمَا مِنْ قَبْلِ أَبِي الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ، ۲۰ لَأَنَّهُ حَيْثُمَا اجْتَمَعَ اثْنَانِ أَوْ ثَلَاثَةٌ بِاسْمِي فَهُنَاكَ أَكُونُ فِي وَسْطِهِمْ».

۱۵ «اگر برادرت به تو گناه ورزد، نزدش برو و میان خودت و او خطایش را به او گوشزد کن. اگر سخت را پذیرفت، برادرت را باز یافته ای؛ ۱۶ اما اگر نپذیرفت، یک یا دو نفر دیگر را با خود ببر تا "هر سخنی با گواهی دو یا سه شاهد ثابت شود." ۱۷ اگر نخواست به آنان نیز گوش دهد، به کنیسه بگو؛ و اگر کنیسه را نیز نپذیرفت، آنگاه او را اجنبی یا خراجگیر تلقی کن. ۱۸ به راستی به شما می گویم، هر آنچه بر زمین ببندید، در آسمان بسته خواهد شد؛ و هر آنچه بر زمین بگشایید، در آسمان گشوده خواهد شد. ۱۹ باز به شما می گویم که هر گاه دو نفر از شما بر روی زمین درباره هر مسئله ای که در خصوص آن سؤال می کنند با هم موافق باشند، همانا از جانب پدر من که در آسمان است برای ایشان به انجام خواهد رسید. ۲۰ زیرا جایی که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من آنجا در میان ایشان حاضرم.»

۲۱ حِينَئِذٍ تَقَدَّمَ إِلَيْهِ بُطْرُسُ وَقَالَ: «يَا رَبُّ، كَمْ مَرَّةً يُخْطِئُ إِلَيَّ أَخِي وَأَنَا أَغْفِرُ لَهُ؟ هَلْ إِلَى سَبْعِ مَرَّاتٍ؟» ۲۲ قَالَ لَهُ يَسُوعُ: «لَا أَقُولُ لَكَ إِلَى سَبْعِ مَرَّاتٍ، بَلْ إِلَى سَبْعِينَ مَرَّةً سَبْعَ مَرَّاتٍ. ۲۳ لِذَلِكَ يُشْبِهُ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ إِنْسَانًا مَلِكًا أَرَادَ أَنْ يُحَاسِبَ عَبِيدَهُ. ۲۴ فَلَمَّا ابْتَدَأَ فِي الْمُحَاسَبَةِ قَدِمَ إِلَيْهِ وَاحِدٌ مَدْيُونٌ بِعَشْرَةِ أَلْفٍ وَزَنَةِ. ۲۵

وَإِذْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَا يُوفِي أَمْرَ سَيِّدِهِ أَنْ يُبَاعَ هُوَ وَامْرَأَتُهُ وَأَوْلَادُهُ وَكُلُّ مَا لَهُ، وَيُوفِيَ الدَّيْنَ. ٢٦ فَخَرَّ الْعَبْدُ وَسَجَدَ لَهُ قَائِلًا: يَا سَيِّدُ، تَمَهَّلْ عَلَيَّ فَأُوفِيكَ الْجَمِيعَ. ٢٧ فَتَحَنَّنَ سَيِّدُ ذَلِكَ الْعَبْدِ وَأَطْلَقَهُ، وَتَرَكَ لَهُ الدَّيْنَ. ٢٨ وَلَمَّا خَرَجَ ذَلِكَ الْعَبْدُ وَجَدَ وَاحِدًا مِنَ الْعَبِيدِ رُفَقَائِهِ، كَانَ مَدْيُونًا لَهُ بِمِئَةِ دِينَارٍ، فَأَمْسَكَهُ وَأَخَذَ بَعُنْقِهِ قَائِلًا: أَوْفِنِي مَا لِي عَلَيْكَ. ٢٩ فَخَرَّ الْعَبْدُ رَفِيقَهُ عَلَى قَدَمَيْهِ وَطَلَبَ إِلَيْهِ قَائِلًا: تَمَهَّلْ عَلَيَّ فَأُوفِيكَ الْجَمِيعَ. ٣٠ فَلَمْ يُرِدْ بَلْ مَضَى وَالْقَاهُ فِي سِجْنٍ حَتَّى يُوفِيَ الدَّيْنَ. ٣١ فَلَمَّا رَأَى الْعَبْدُ رُفَقَاؤَهُ مَا كَانَ، حَزِنُوا جِدًّا. وَأَتَوْا وَقَصُّوا عَلَى سَيِّدِهِمْ كُلِّ مَا جَرَى. ٣٢ فَدَعَاهُ حِينَئِذٍ سَيِّدُهُ وَقَالَ لَهُ: أَيُّهَا الْعَبْدُ الشَّرِيرُ، كُلُّ ذَلِكَ الدَّيْنِ تَرَكَتَهُ لَكَ لِأَنَّكَ طَلَبْتَ إِلَيَّ. ٣٣ أَفَمَا كَانَ يَنْبَغِي أَنَّكَ أَنْتَ أَيْضًا تَرْحَمُ الْعَبْدَ رَفِيقَكَ كَمَا رَحِمْتُكَ أَنَا؟ ٣٤ وَغَضِبَ سَيِّدُهُ وَسَلَّمَهُ إِلَى الْمُعَذِّبِينَ حَتَّى يُوفِيَ كُلِّ مَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِ. ٣٥ فَهَكَذَا أَبِي السَّمَاوِيُّ يَفْعَلُ بِكُمْ إِنْ لَمْ تَتْرُكُوا مِنْ قُلُوبِكُمْ كُلِّ وَاحِدٍ لِأَخِيهِ زَلَّاتِهِ».

۲۱ سپس پطرس نزد عیسی آمد و پرسید: «سرور من، تا چند بار اگر برادرم به من گناه ورزد، باید او را ببخشم؟ آیا تا هفت بار؟» ۲۲ عیسی پاسخ داد: «به تو می گویم نه هفت بار، بلکه هفتاد و هفت بار. ۲۳ (از این رو، می توان ملکوت آسمان ها را به شاهی تشبیه کرد که تصمیم گرفت با خادمان خود تسویه حساب کند. ۲۴ پس چون شروع به حسابرسی کرد، شخصی را نزد او آوردند که ده هزار قطار به او بدهکار بود. ۲۵ چون او نمی توانست قرض خود را بپردازد، اربابش دستور داد او را با زن و فرزندان و تمامی دارایی اش بفروشند و طلب را وصول کنند. ۲۶ خادم پیش پای ارباب به زانو درافتاد و التماس کنان گفت: "مرا مهلت ده تا همه قرض خود را ادا کنم." ۲۷ پس دل ارباب به حال او سوخت و قرض او را بخشید و آزادش کرد. ۲۸ اما هنگامی که خادم بیرون می رفت، یکی از همکاران خود را دید که صد دینار به او بدهکار بود. پس او را گرفت و گلویش را فشرد و گفت: "قرضت را ادا کن!" ۲۹ همکارش پیش پای او به زانو درافتاد و التماس کنان گفت: "مرا مهلت ده تا همه قرض خود را بپردازم." ۳۰ اما او نپذیرفت، بلکه رفت و او را به زندان انداخت تا قرض خود را بپردازد. ۳۱ هنگامی که سایر خادمان این واقعه را دیدند، بسیار آزرده شدند و نزد ارباب خود رفتند و تمام ماجرا را بازگفتند. ۳۲ پس ارباب، آن خادم را نزد خود فرا خواند و گفت: "ای خادم شریر، مگر من محض خواهش تو تمام قرضت را نبخشیدم؟ ۳۳ آیا نمی بایست تو نیز بر همکار خود رحم می کردی، همان گونه که من بر تو رحم کردم؟" ۳۴ پس ارباب خشمگین شده، او را به زندان افکند تا شکنجه شود و همه قرض خود را ادا کند. ۳۵ به همین گونه پدر آسمانی من نیز با هر یک از شما رفتار خواهد کرد، اگر شما نیز برادر خود را از دل نبخشید.»

انجیل متى : الأصحاح التاسع عشر * ۱۹:۱-۳۰

۱ وَلَمَّا اكْمَلَ يَسُوعُ هَذَا الْكَلَامَ انْتَقَلَ مِنَ الْجَلِيلِ وَجَاءَ إِلَى تَحُومِ الْيَهُودِيَّةِ مِنْ عِبْرِ الْأَرْدُنِّ. ۲ وَتَبِعَتْهُ جُمُوعٌ كَثِيرَةٌ فَشَفَاهُمْ هُنَاكَ. ۳ وَجَاءَ إِلَيْهِ الْفَرِيسِيُّونَ لِيُجَرِّبُوهُ قَائِلِينَ لَهُ: «هَلْ يَجِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يُطَلِّقَ امْرَأَتَهُ لِكُلِّ سَبَبٍ؟» ۴ فَأَجَابَ وَقَالَ لَهُمْ: «أَمَّا قَرَأْتُمْ أَنَّ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْبَدْءِ خَلَقَهُمَا ذَكَرًا وَأُنْثَى؟ ۵ وَقَالَ: مِنْ أَجْلِ هَذَا يَتْرُكُ الرَّجُلُ أَبَاهُ وَأُمَّهُ وَيَلْتَصِقُ بِامْرَأَتِهِ، وَيَكُونُ الاثْنَانِ جَسَدًا وَاحِدًا. ۶ إِذَا لَيْسَا بَعْدُ اثْنَيْنِ بَلْ جَسَدٌ وَاحِدٌ. فَالَّذِي جَمَعَهُ اللَّهُ لَا يُفَرِّقُهُ إِنْسَانٌ». ۷ قَالُوا لَهُ: «فَلِمَاذَا أَوْصَى مُوسَى أَنْ يُعْطَى كِتَابُ طَلَاقٍ فَتُطَلَّقَ؟» ۸ قَالَ لَهُمْ: «إِنَّ مُوسَى مِنْ أَجْلِ قَسَاوَةِ قُلُوبِكُمْ أَذِنَ لَكُمْ أَنْ تُطَلِّقُوا نِسَاءَكُمْ. وَلَكِنْ مِنَ الْبَدْءِ لَمْ يَكُنْ هَكَذَا. ۹ وَأَقُولُ لَكُمْ: إِنْ مَنْ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ إِلَّا بِسَبَبِ الزَّنا وَتَزَوَّجَ بِأُخْرَى يَزْنِي، وَالَّذِي يَتَزَوَّجُ بِمُطَلَّاقَةِ يَزْنِي».

۱ هنگامی که عیسی این سخنان را به پایان رسانید، جلیل را ترک گفت و از آن سوی رود اردن به نواحی یهودیه آمد. ۲ جمعیت انبوهی در پی او روانه شدند و او ایشان را در آنجا شفا بخشید. ۳ فریسیان نزدش آمدند تا او را بیازمایند. آنان پرسیدند: «آیا جایز است که مرد زن خود را به هر علتی طلاق دهد؟» ۴ عیسی در پاسخ گفت: «مگر نخوانده‌اید که آفریننده جهان در آغاز "ایشان را مرد و زن آفرید"، ۵ و گفت "از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند شد؟" ۶ بنابراین، از آن پس دیگر دو نیستند بلکه یک تن می‌باشند. پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد.» ۷ به وی گفتند: «پس چرا موسی امر فرمود که مرد به زن خویش طلاقنامه بدهد و او را رها کند؟» ۸ ایشان را گفت: «موسی به سبب سختدلی شما اجازه داد که زن خود را طلاق دهید، اما در آغاز چنین نبود. ۹ به شما می‌گویم، هر که زن خود را به علتی غیر از خیانت در زناشویی طلاق دهد و زنی دیگر اختیار کند، زنا کرده است.»

۱۰ قَالَ لَهُ تَلَامِيذُهُ: «إِنْ كَانَ هَكَذَا أَمْرُ الرَّجُلِ مَعَ الْمَرْأَةِ، فَلَا يُوَافِقُ أَنْ يَتَزَوَّجَ!» ۱۱ فَقَالَ لَهُمْ: «لَيْسَ الْجَمِيعُ يَقْبَلُونَ هَذَا الْكَلَامَ بَلِ الَّذِينَ أُعْطِيَ لَهُمْ، ۱۲ لِأَنَّهُ يُوجَدُ خَصِيَانٌ وَلِدُوا هَكَذَا مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِهِمْ، وَيُوجَدُ خَصِيَانٌ خَصَاهُمُ النَّاسُ، وَيُوجَدُ خَصِيَانٌ خَصَوْا أَنْفُسَهُمْ لِأَجْلِ مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ. مَنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَقْبَلَ فَلْيَقْبَلْ». ۱۳ حِينَئِذٍ قَدِمَ إِلَيْهِ أَوْلَادٌ لِكَيَّ يَضَعَ يَدَيْهِ عَلَيْهِمْ وَيُصَلِّيَ، فَانْتَهَرَهُمُ التَّلَامِيذُ. ۱۴ أَمَّا يَسُوعُ فَقَالَ: «دَعُوا الْأَوْلَادَ يَأْتُونَ إِلَيَّ وَلَا تَمْنَعُوهُمْ لِأَنَّ لِمِثْلِ هَؤُلَاءِ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ». ۱۵ فَوَضَعَ يَدَيْهِ عَلَيْهِمْ، وَمَضَى مِنْ هُنَاكَ.

۱۰ شاگردان به او گفتند: «اگر وضع مرد در قبال زن خود چنین است، پس ازدواج نکردن بهتر است!» ۱۱ عیسی گفت: «همه نمی‌توانند این کلام را بپذیرند، مگر کسانی که به ایشان عطا شده باشد. ۱۲ زیرا بعضی خواهجند، از آن رو که از شکم مادر چنین متولد شده‌اند؛ بعضی دیگر به دست مردم مقطوع النسل

گشته‌اند؛ و برخی نیز به خاطر ملکوت آسمان‌ها از ازدواج چشم می‌پوشند. هر که می‌تواند این را بپذیرد، بگذار چنین کند.» ۱۳ آنگاه مردم کودکان را نزد عیسی آوردند تا بر آنان دست بگذارد و دعا کند. اما شاگردان مردم را سرزنش کردند. ۱۴ عیسی گفت: «بگذارید کودکان نزد من آیند و ایشان را بازمدارید، زیرا ملکوت آسمان‌ها از آن چنین کسان است.» ۱۵ پس بر آنان دست نهاد و از آنجا رفت.

۱۶ وَإِذَا وَاحِدٌ تَقَدَّمَ وَقَالَ لَهُ: «أَيُّهَا الْمُعَلِّمُ الصَّالِحُ، أَيُّ صَلاَحٍ أَعْمَلُ لِتَكُونَ لِي الْحَيَاةَ الْبَدِيَّةَ؟» ۱۷ فَقَالَ لَهُ: «لِمَاذَا تَدْعُونِي صَالِحًا؟ لَيْسَ أَحَدٌ صَالِحًا إِلَّا وَاحِدٌ وَهُوَ اللَّهُ. وَلَكِنْ إِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَدْخُلَ الْحَيَاةَ فَاحْفَظِ الْوَصَايَا.» ۱۸ قَالَ لَهُ: «آيَةُ الْوَصَايَا؟» فَقَالَ يَسُوعُ: «لَا تَقْتُلْ. لَا تَزْنِ. لَا تَسْرِقْ. لَا تَشْهَدْ بِالزُّورِ. ۱۹ أَكْرِمِ أَبَاكَ وَأُمَّكَ، وَاجِبَ قَرِيْبِكَ كَنَفْسِكَ.» ۲۰ قَالَ لَهُ الشَّابُّ: «هَذِهِ كُلُّهَا حَفِظْتُهَا مِنْذُ حَدَاتِي. فَمَاذَا يُعْزُونِي بَعْدُ؟» ۲۱ قَالَ لَهُ يَسُوعُ: «إِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَكُونَ كَامِلًا فَادْهَبْ وَبِعْ أَمْلاكَكَ وَأَعْطِ الْفُقَرَاءَ، فَيَكُونَ لَكَ كَنْزٌ فِي السَّمَاءِ، وَتَعَالَ اتَّبِعْنِي.» ۲۲ فَلَمَّا سَمِعَ الشَّابُّ الْكَلِمَةَ مَضَى خَزِينًا، لِأَنَّهُ كَانَ ذَا أَمْوَالٍ كَثِيرَةٍ.

۱۶ روزی مردی نزد عیسی آمد و پرسید: «استاد صالح، چه کار نیکویی انجام دهم تا حیات جاویدان داشته باشم؟» ۱۷ پاسخ داد: «چرا مرا صالح خطاب می‌کنی؟ هیچکس صالح نیست إلا یک نفر که آنهم خدای یگانه است. اما اگر می‌خواهی به حیات راه یابی، احکام را به جای آور.» ۱۸ آن مرد پرسید: «کدام احکام را؟» عیسی گفت: «قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده، ۱۹ پدر و مادر خود را گرامی دار،» و «نزدیکانت را همچون خویشان محبت نما.» ۲۰ آن جوان گفت: «همه این احکام را به جای آورده‌ام؛ دیگر چه کم دارم؟» ۲۱ عیسی پاسخ داد: «اگر می‌خواهی کامل شوی، برو و آنچه داری بفروش و به فقیران بده که در آسمان گنج خواهی داشت. آنگاه بیا و از من پیروی کن.» ۲۲ جوان چون این را شنید، اندوهگین شد و از آنجا رفت، زیرا ثروت بسیار داشت.

۲۳ فَقَالَ يَسُوعُ لِتَلَامِيذِهِ: «الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّهُ يَعْزُرُ أَنْ يَدْخُلَ غَنِيٌّ إِلَى مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ! ۲۴ وَأَقُولُ لَكُمْ أَيْضًا: إِنْ مُرَّورَ جَمَلٌ مِنْ ثَقَبِ إِبْرَةٍ أَيْسَرُ مِنْ أَنْ يَدْخُلَ غَنِيٌّ إِلَى مَلَكُوتِ اللَّهِ!» ۲۵ فَلَمَّا سَمِعَ تَلَامِيذُهُ بُهْتُوا جِدًّا قَائِلِينَ: «إِذَا مَنْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَخْلُصَ؟» ۲۶ فَنَظَرَ إِلَيْهِمْ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: «هَذَا عِنْدَ النَّاسِ غَيْرُ مُسْتَطَاعٍ، وَلَكِنْ عِنْدَ اللَّهِ كُلُّ شَيْءٍ مُسْتَطَاعٌ.» ۲۷ فَأَجَابَ بُطْرُسُ جِينِيذًا وَقَالَ لَهُ: «هَذَا نَحْنُ قَدْ تَرَكْنَا كُلَّ شَيْءٍ وَتَبِعْنَاكَ. فَمَاذَا يَكُونُ لَنَا؟» ۲۸ فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: «الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّكُمْ أَنْتُمْ الَّذِينَ تَبِعْتُمُونِي، فِي التَّجْدِيدِ، مَتَى جَلَسَ ابْنُ الْإِنْسَانِ عَلَى كُرْسِيِّ مَجْدِهِ، تَجْلِسُونَ أَنْتُمْ أَيْضًا عَلَى اثْنَيْ عَشَرَ كُرْسِيًّا تَدِينُونَ أَسْبَاطَ إِسْرَائِيلَ الْاِثْنَيْ عَشَرَ. ۲۹ وَكُلُّ مَنْ تَرَكَ بِيُوتًا أَوْ إِخْوَةً أَوْ أَخَوَاتٍ أَوْ أَبًا أَوْ أُمًّا أَوْ امْرَأَةً أَوْ أَوْلَادًا أَوْ حُقُولًا مِنْ أَجْلِ اسْمِي، يَأْخُذُ مِثْلَ ضِعْفٍ وَيَرِثُ الْحَيَاةَ الْبَدِيَّةَ. ۳۰ وَلَكِنْ كَثِيرُونَ أَوْلُونَ يَكُونُونَ آخِرِينَ، وَآخِرُونَ أَوَّلِينَ.

۲۳ آنگاه عیسی به شاگردان خود گفت: «به راستی به شما می گویم، راه یافتن ثروتمندان به ملکوت آسمان ها بس دشوار است. ۲۴ همچنین به شما می گویم که گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسانتر است از راهیابی شخص ثروتمند به ملکوت خدا.» ۲۵ شاگردان با شنیدن این مطلب بسیار شگفت زده شدند و پرسیدند: «پس چه کسی می تواند نجات یابد؟» ۲۶ عیسی بدیشان چشم دوخت و گفت: «این برای انسان ناممکن است، اما برای خدا همه چیز ممکن است.» ۲۷ پطرس گفت: «اینک ما همه چیز را ترک گفته ایم و از تو پیروی می کنیم. چه چیزی نصیب ما خواهد شد؟» ۲۸ عیسی به ایشان گفت: «به راستی به شما می گویم، در بازگشت، هنگامی که پسر انسان بر تخت شکوهمند خود بنشیند، شما نیز که از من پیروی کرده اید، بر دوازده تخت خواهید نشست و بر دوازده قبیله اسرائیل داوری خواهید کرد. ۲۹ و هر که به خاطر نام من خانه یا برادر یا خواهر یا پدر یا مادر یا فرزند یا املاک خود را ترک کرده باشد، صد برابر خواهد یافت و حیات جاویدان را به دست خواهد آورد. ۳۰ اما بسیاری که اولین هستند آخرین خواهند شد، و آخرینها اولین!

انجیل متی: الأصحاب العِشرون * ۱:۲۰-۳۴

۱ «فَإِنَّ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ يُشَبِّهُ رَجُلًا رَبَّ بَيْتٍ خَرَجَ مَعَ الصُّبْحِ لِيَسْتَأْجِرَ فَعَلَةً لِكَرْمِهِ، ۲ فَاتَّفَقَ مَعَ الْفَعَلَةِ عَلَى دِينَارٍ فِي الْيَوْمِ، وَأَرْسَلَهُمْ إِلَى كَرْمِهِ. ۳ ثُمَّ خَرَجَ نَحْوَ السَّاعَةِ الثَّالِثَةِ وَرَأَى آخِرِينَ قِيَامًا فِي السُّوقِ بَطَّالِينَ، ۴ فَقَالَ لَهُمْ: ادْهَبُوا أَنْتُمْ أَيْضًا إِلَى الْكَرَمِ فَأُعْطِيَكُمْ مَا يَحِقُّ لَكُمْ. فَمَضَوْا. ۵ وَخَرَجَ أَيْضًا نَحْوَ السَّاعَةِ السَّادِسَةِ وَالتَّاسِعَةِ وَفَعَلَ كَذَلِكَ. ۶ ثُمَّ نَحْوَ السَّاعَةِ الْحَادِيَةِ عَشْرَةَ خَرَجَ وَوَجَدَ آخِرِينَ قِيَامًا بَطَّالِينَ، فَقَالَ لَهُمْ: لِمَاذَا وَقَفْتُمْ هَهُنَا كُلَّ النَّهَارِ بَطَّالِينَ؟ ۷ قَالُوا لَهُ: لِأَنَّهُ لَمْ يَسْتَأْجِرْنَا أَحَدٌ. قَالَ لَهُمْ: ادْهَبُوا أَنْتُمْ أَيْضًا إِلَى الْكَرَمِ فَتَأْخُذُوا مَا يَحِقُّ لَكُمْ. ۸ فَلَمَّا كَانَ الْمَسَاءُ قَالَ صَاحِبُ الْكَرَمِ لَوَكِيلِهِ: ادْعُ الْفَعَلَةَ وَأَعْطِهِمْ الْأُجْرَةَ مُبْتَدِئًا مِنَ الْآخِرِينَ إِلَى الْأَوَّلِينَ. ۹ فَجَاءَ أَصْحَابُ السَّاعَةِ الْحَادِيَةِ عَشْرَةَ وَأَخَذُوا دِينَارًا دِينَارًا. ۱۰ فَلَمَّا جَاءَ الْأَوَّلُونَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ يَأْخُذُونَ أَكْثَرَ. فَأَخَذُوا هُمْ أَيْضًا دِينَارًا دِينَارًا. ۱۱ وَفِيمَا هُمْ يَأْخُذُونَ تَذَمَّرُوا عَلَى رَبِّ الْبَيْتِ ۱۲ قَائِلِينَ: هَؤُلَاءِ الْآخِرُونَ عَمِلُوا سَاعَةً وَاحِدَةً، وَقَدْ سَاوَيْتَهُمْ بِنَا نَحْنُ الَّذِينَ احْتَمَلْنَا ثِقَلَ النَّهَارِ وَالْحَرِّ! ۱۳ فَأَجَابَ وَقَالَ لِوَاحِدٍ مِنْهُمْ: يَا صَاحِبُ، مَا ظَلَمْتُكَ! أَمَا اتَّفَقْتَ مَعِيَ عَلَى دِينَارٍ؟ ۱۴ فَخَذِ الَّذِي لَكَ وَادْهَبْ، فَإِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُعْطِيَ هَذَا الْآخِرَ مِثْلَكَ. ۱۵ أَوْ مَا يَجِلُّ لِي أَنْ أَفْعَلَ مَا أُرِيدُ بِمَا لِي؟ أَمْ عَيْنُكَ شَرِيرَةٌ لِأَنِّي أَنَا صَالِحٌ؟ ۱۶ هَكَذَا يَكُونُ الْآخِرُونَ أَوَّلِينَ وَالْأَوَّلُونَ آخِرِينَ، لِأَنَّ كَثِيرِينَ يُدْعَوْنَ وَقَلِيلِينَ يُنْتَخَبُونَ».

۱ «زیرا ملکوت آسمان ها به صاحب باغی می ماند که صبح زود بیرون رفت تا برای تاکستان خود کارگرانی به مزد بگیرد. ۲ او با آنان توافق کرد که روزی یک دینار بابت کار در تاکستان به هر یک

پيردازد. سپس ايشان را به تاختستان خود فرستاد. ٣ نزديك ساعت سوم دوباره بيرون رفت و عده‌اي را در ميدان شهر بي كار ايستاده ديد. ٤ به آنان نيز گفت: "شما هم به تاختستان من برويد و آنچه حق شماست به شما خواهم داد." ٥ پس آنها نيز رفتند. باز نزديك ساعت ششم و نهم بيرون رفت و چنين كرد. ٦ در حدود ساعت يازدهم نيز بيرون رفت و باز چند تن ديگر را بي كار ايستاده ديد. از آنان پرسيد: "چرا تمام روز در اينجا بي كار ايستاده‌ايد؟" ٧ پاسخ دادند: "چون هيچ كس ما را به مزد نگرفت." به آنان گفت: "شما نيز به تاختستان من برويد و كار كنيد." ٨ هنگام غروب، صاحب تاختستان به مباشر خود گفت: "كارگران را فراخوان و از آخرين شروع كرده تا به اولين، مزدشان را بده." ٩ كارگراني كه در حدود ساعت يازدهم به سر كار آمده بودند، هر کدام يك دينار گرفتند. ١٠ چون نوبت به كساني رسيد كه پيش از همه آمده بودند، گمان كردند كه بيش از ديگران خواهند گرفت. اما هر يك از آنان نيز يك دينار دريافت كردند. ١١ چون مزد خود را گرفتند، لب به شكايست گشوده، به صاحب باغ گفتند: ١٢ "اينان كه آخر آمدند فقط يك ساعت كار كردند و تو آنان را با ما كه تمام روز زير آفتاب سوزان زحمت كشيديم، برابر ساختی!" ١٣ او رو به يكي از آنان كرد و گفت: "ای دوست، من به تو ظلمي نكرده‌ام. مگر قرار ما يك دينار نبود؟ ١٤ پس حق خود را بگير و برو! من می‌خواهم به اين آخري مانند تو مزد دهم. ١٥ آيا حق ندارم با پول خود آنچه می‌خواهم بكنم؟ آيا چشم ديدن سخاوت مرا نداري؟" ١٦ پس، آخرينها اولين خواهند شد و اولينها آخرين! زيرا دعوت شدگان بسيارند، اما برگزيدگان اندك.

١٧ وَفِيمَا كَانَ يَسُوعُ صَاعِدًا إِلَى أُورُشَلِيمَ أَخَذَ الْاِثْنَيْ عَشَرَ تَلْمِيزًا عَلَى انْفِرَادٍ فِي الطَّرِيقِ وَقَالَ لَهُمْ: ١٨ «هَذَا نَحْنُ صَاعِدُونَ إِلَى أُورُشَلِيمَ، وَابْنُ الْإِنْسَانِ يُسَلَّمُ إِلَى رُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةِ، فَيَحْكُمُونَ عَلَيْهِ بِالْمَوْتِ، ١٩ وَيُسَلِّمُونَهُ إِلَى الْأَمَمِ لِكَيْ يَهْزَأُوا بِهِ وَيَجْلِدُوهُ وَيَصْلُبُوهُ، وَفِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ يَقُومُ».

١٧ هنگامی كه عیسی به سوی اورشلیم می‌رفت، در راه، دوازده شاگرد خود را به كناری برد و به ايشان گفت: ١٨ «اينك به اورشلیم می‌رويم. در آنجا پسر انسان را به سران كاهنان و علمای دين تسليم خواهند كرد. آنها او را به مرگ محكوم خواهند نمود ١٩ و به اقوام بيگانه خواهند سپرد تا استهزا شود و تازیانه خورد و بر صليب شود. اما در روز سوم بر خواهد خاست.»

٢٠ حِينَئِذٍ تَقَدَّمتُ إِلَيْهِ أَمْ ابْنِي زَبْدِي مَعَ ابْنَيْهَا، وَسَجَدَتْ وَطَلَبَتْ مِنْهُ شَيْئًا. ٢١ فَقَالَ لَهَا: «مَاذَا تُرِيدِينَ؟» قَالَتْ لَهُ: «قُلْ أَنْ يَجْلِسَ ابْنَايَ هَذَا وَاحِدٌ عَنْ يَمِينِكَ وَالْآخَرُ عَنِ الْيَسَارِ فِي مَلَكُوتِكَ». ٢٢ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ: «لَسْتُ مَا تَطْلُبَانِ. أَتَسْتَطِيعَانِ أَنْ تَشْرَبَا الْكَأْسَ الَّتِي سَوْفَ أَشْرَبُهَا أَنَا، وَأَنْ تَصْطَبِغَا بِالصَّبْغَةِ الَّتِي أَصْطَبِغُ بِهَا أَنَا؟» قَالَا لَهُ: «نَسْتَطِيعُ». ٢٣ فَقَالَ لَهُمَا: «أَمَّا كَأْسِي فَتَشْرَبَانِيهَا، وَبِالصَّبْغَةِ الَّتِي أَصْطَبِغُ بِهَا أَنَا تَصْطَبِغَانِ. وَأَمَّا الْجُلُوسُ عَنْ يَمِينِي وَعَنْ يَسَارِي فَلَيْسَ لِي أَنْ أُعْطِيَهُ إِلَّا لِلَّذِينَ أَعَدَّ لَهُمْ مِنْ أَبِي». ٢٤

فَلَمَّا سَمِعَ الْعَشْرَةُ اغْتَاظُوا مِنْ أَجْلِ الْأَخَوَيْنِ. ٢٥ فَدَعَاهُمْ يَسُوعُ وَقَالَ: «أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رُؤَسَاءَ الْأُمَمِ يَسُودُونَهُمْ، وَالْعُظَمَاءُ يَتَسَلَّطُونَ عَلَيْهِمْ. ٢٦ فَلَا يَكُونُ هَكَذَا فِيكُمْ. بَلْ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِيكُمْ عَظِيمًا فَلْيَكُنْ لَكُمْ خَادِمًا، ٢٧ وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِيكُمْ أَوَّلًا فَلْيَكُنْ لَكُمْ عَبْدًا، ٢٨ كَمَا أَنَّ ابْنَ الْإِنْسَانِ لَمْ يَأْتْ لِيُخْدَمَ بَلْ لِيُخْدَمَ، وَلِيُنْزِلَ نَفْسَهُ فِدْيَةً عَنْ كَثِيرِينَ».

٢٠ آنگاه مادر پسران زبدي با دو پسرش نزد عیسی آمد و در برابر او زانو زد و از وی درخواست کرد که آرزویش را برآورده سازد. ٢١ عیسی پرسید: «آرزوی تو چیست؟» گفت: «عطا فرما که این دو پسر من در پادشاهی تو، یکی بر جانب راست و دیگری بر جانب چپ تو بنشینند.» ٢٢ عیسی در پاسخ گفت: «شما نمی دانید چه می خواهید! آیا می توانید از جامی که من به زودی می نوشم، بنوشید؟ و بدان رنگی که من به آن آراسته شدم آراسته گردید؟» پاسخ دادند: «آری، می توانیم.» ٢٣ عیسی گفت: «شکی نیست که از جام من خواهید نوشید و به رنگ من آراسته خواهید شد، اما بدانید که نشستن بر جانب راست و چپ من در اختیار من نیست تا آن را به کسی ببخشم. این جایگاه از آن کسانی است که پدرم برایشان فراهم کرده است.» ٢٤ چون ده شاگرد دیگر از این امر آگاه شدند، بر آن دو برادر خشم گرفتند. ٢٥ عیسی ایشان را فرا خواند و گفت: «شما می دانید که حاکمان دیگر قومها بر ایشان سروری می کنند و بزرگانشان بر ایشان فرمان می رانند. ٢٦ اما در میان شما چنین نباشد. هر که می خواهد در میان شما بزرگ باشد، باید خادم شما شود. ٢٧ و هر که می خواهد در میان شما اول باشد، باید غلام شما گردد. ٢٨ چنانکه پسر انسان نیز نیامد تا خدمتش کنند، بلکه آمد تا خدمت کند و جانش را چون بهای رهایی در راه بسیاری بنهد.»

٢٩ وَفِيمَا هُمْ خَارِجُونَ مِنْ أَرِيخَا تَبِعَهُ جَمْعٌ كَثِيرٌ، ٣٠ وَإِذَا أَعْمِيَانِ جَالِسَانِ عَلَى الطَّرِيقِ. فَلَمَّا سَمِعَا أَنَّ يَسُوعَ مُجْتَازٌ صَرَخَا قَائِلَيْنِ: «ارْحَمْنَا يَا سَيِّدُ، يَا ابْنَ دَاوُدَ!» ٣١ فَانْتَهَرَهُمَا الْجَمْعُ لَيْسَكُنَا، فَكَانَا يَصْرُخَانِ أَكْثَرَ قَائِلَيْنِ: «ارْحَمْنَا يَا سَيِّدُ، يَا ابْنَ دَاوُدَ!» ٣٢ فَوَقَفَ يَسُوعُ وَتَنَادَاهُمَا وَقَالَ: «مَاذَا تُرِيدَانِ أَنْ أَفْعَلَ بِكُمَا؟» ٣٣ قَالَا لَهُ: «يَا سَيِّدُ، أَنْ تَنْفَتِّحَ أَعْيُنَنَا!» ٣٤ فَتَحَنَّنَ يَسُوعُ وَلَمَسَ أَعْيُنَهُمَا، فَلِلْوَقْتِ ابْصَرَتَا أَعْيُنُهُمَا فَتَبِعَاهُ.

٢٩ هنگامی که عیسی و شاگردانش اریحا را ترک می کردند، عده زیادی از پی او روانه شدند. ٣٠ در کنار راه، دو مرد کور نشسته بودند. چون شنیدند عیسی از آنجا می گذرد، فریاد برآوردند: «سرور ما، ای پسر داوود، بر ما رحم کن!» ٣١ جمعیت آنان را عتاب کردند و خواستند که خاموش باشند؛ اما ایشان بیشتر فریاد برمی آوردند که: «سرور ما، ای پسر داوود، بر ما رحم کن!» ٣٢ عیسی ایستاد و آن دو را فرا خواند و پرسید: «چه می خواهید برای شما بکنم؟» ٣٣ پاسخ دادند: «سرور ما، می خواهیم چشمانمان باز شود.» ٣٤ عیسی دلسوزانه چشمان آنها را لمس کرد و در دم بینایی خود را باز یافتند و از پی او روانه شدند.

انجيل متى : الأصحاح الحادى والعشرون * ٢١:١-٤٦

١ وَلَمَّا قَرَّبُوا مِنْ أُورُشَلِيمَ وَجَاءُوا إِلَى بَيْتِ فَاجِي عِنْدَ جَبَلِ الزَيْتُونِ، حِينَئِذٍ أَرْسَلَ يَسُوعُ تَلْمِيزَيْنِ ٢ قَائِلًا لَهُمَا: «إِذْهَبَا إِلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمَامَكُمَا، فَلِلْوَقْتِ تَجِدَانِ أَتَانًا مَرْبُوطَةً وَجَحْشًا مَعَهَا، فَخَلَاهُمَا وَأَتِيَانِي بِهِمَا. ٣ وَإِنْ قَالَ لَكُمَا أَحَدٌ شَيْئًا، فَقُولَا: الرَّبُّ مُخْتِاجٌ إِلَيْهِمَا. فَلِلْوَقْتِ يُرْسِلُهُمَا». ٤ فَكَانَ هَذَا كُلُّهُ لِكَيْ يَتِمَّ مَا قِيلَ بِالنَّبِيِّ الْقَائِلِ: ٥ «قُولُوا لابْنَةِ صِهْيُون: هُوَذَا مَلِكُكَ يَأْتِيكَ وَدِيْعًا، رَاكِبًا عَلَى أَتَانٍ وَجَحْشٍ ابْنِ أَتَانٍ». ٦ فَذَهَبَ التَّلْمِيزَانِ وَفَعَلَا كَمَا أَمَرَهُمَا يَسُوعُ، ٧ وَأَتِيَا بِالْأَتَانِ وَالْجَحْشِ، وَوَضَعَا عَلَيْهِمَا ثِيَابَهُمَا فَجَلَسَ عَلَيْهِمَا. ٨ وَالْجُمُوعُ الْأَكْثَرُ فَرَشُوا ثِيَابَهُمْ فِي الطَّرِيقِ. وَآخَرُونَ قَطَعُوا أَغْصَانًا مِنَ الشَّجَرِ وَفَرَشُوهَا فِي الطَّرِيقِ. ٩ وَالْجُمُوعُ الَّذِينَ تَقَدَّمُوا وَالَّذِينَ تَبِعُوا كَانُوا يَصْرُخُونَ قَائِلِينَ: «أَوْصِنَا لابْنَ دَاوُدَ! مُبَارَكُ الْآتِي بِاسْمِ الرَّبِّ! أَوْصِنَا فِي الْأَعَالِي!». ١٠ وَلَمَّا دَخَلَ أُورُشَلِيمَ ارْتَجَّتِ الْمَدِينَةُ كُلُّهَا قَائِلَةً: «مَنْ هَذَا؟» ١١ فَقَالَتِ الْجُمُوعُ: «هَذَا يَسُوعُ النَّبِيُّ الَّذِي مِنْ نَاصِرَةِ الْجَلِيلِ».

١ چون به اورشليم نزديك شدند و به بيت فاجى در دامنه كوه زيتون رسيدند، عيسى دو تن از شاگردان خود را فرستاده، ٢ به آنان فرمود: «به دهكده اى كه پيش روى شماست، برويد. به محض ورود، الاغى را با گرّه اش بسته خواهيد يافت. آنها را باز كنيد و نزد من آوريد. ٣ اگر كسى سخنى به شما گفت، بگويد: "خداوند بدانها نياز دارد،" و او بى درنگ آنها را خواهد فرستاد.» ٤ اين امر واقع شد تا آنچه نبى گفته بود تحقق يابد كه: ٥ «به دختر صهيون گويد، "هان پادشاهت نزد تو مى آيد، فروتن و سوار بر الاغ، بر گرّه الاغ."» ٦ آن دو شاگرد رفتند و طبق فرمان عيسى عمل كردند. ٧ آنان الاغ و گرّه اش را آوردند و رداهاى خود را بر آنها افكندند و او بر رداها نشست. ٨ جمعيت انبوهى نيز رداهاى خود را بر سر راه گسترده و عده اى نيز شاخه هاى درختان را بريده، در راه مى گسترده. ٩ جمعيتى كه پيشاپيش او مى رفتند و گروهى كه از پس او مى آمدند، فرياد كنان مى گفتند: «هوشيانا بر پسر داوود!» «مبارك است آن كه به نام خداوند مى آيد!» «هوشيانا در عرش برين!» ١٠ چون او وارد اورشليم شد، شور و شوق همه شهر را فرا گرفت. مردم مى پرسيدند: «اين كيست؟» ١١ و آن جماعت پاسخ مى دادند: «اين است عيساى پيامبر، از ناصره جليل!»

١٢ وَدَخَلَ يَسُوعُ إِلَى هَيْكَلِ اللَّهِ وَأَخْرَجَ جَمِيعَ الَّذِينَ كَانُوا يَبِيعُونَ وَيَشْتَرُونَ فِي الْهَيْكَلِ، وَقَلَبَ مَوَائِدَ الصِّارِفَةِ وَكَرَاسِيَّ بَاعَةِ الْحَمَامِ ١٣ وَقَالَ لَهُمْ: «مَكْتُوبٌ: بَيْتُ الصَّلَاةِ يُدْعَى. وَأَنْتُمْ جَعَلْتُمُوهُ مَعَارَةً لُصُوصٍ!» ١٤ وَتَقَدَّمَ إِلَيْهِ عُمِّيٌّ وَعُرْجٌ فِي الْهَيْكَلِ فَسَفَاهُمُ. ١٥ فَلَمَّا رَأَى رُؤْسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةِ الْعَجَائِبَ الَّتِي صَنَعَ، وَالْأَوْلَادَ يَصْرُخُونَ فِي الْهَيْكَلِ وَيَقُولُونَ: «أَوْصِنَا لابْنَ دَاوُدَ!»، غَضِبُوا ١٦ وَقَالُوا لَهُ: «أَتَسْمَعُ مَا يَقُولُ هَؤُلَاءِ؟» فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: «نَعَمْ! أَمَّا قَرَأْتُمْ قَطُّ: مِنْ أَفْوَاهِ الْأَطْفَالِ وَالرُّضْعِ هَيَّاتَ تَسْبِيحًا؟» ١٧ ثُمَّ تَرَكَهُمْ وَخَرَجَ خَارِجَ الْمَدِينَةِ إِلَى بَيْتِ غَنِيَا وَتَابَ هُنَاكَ.

۱۲ آنگاه عیسی به معبد خدا درآمد و کسانی را که در آنجا داد و ستد می کردند، بیرون راند و تختهای صرافان و بساط کبوترفروشان را واژگون ساخت ۱۳ و به آنان فرمود: «نوشته شده است که، "خانه من خانه دعا خوانده خواهد شد،" اما شما آن را 'لانه راهزنان' ساخته اید.» ۱۴ در معبد، نابینایان و لنگان نزدش آمدند و او ایشان را شفا بخشید. ۱۵ اما چون سران کاهنان و علمای دین اعمال خارق العاده او را مشاهده کردند و نیز دیدند که کودکان در معبد فریاد می زنند: «هوشیاعانا بر پسر داوود»، خشمناک شدند. ۱۶ پس به او گفتند: «آیا می شنوی اینها چه می گویند؟» پاسخ داد: «بله. مگر نخوانده اید که، "از زبان کودکان و شیرخوارگان ستایش را مهیا ساختی؟"» ۱۷ پس عیسی ایشان را ترک گفت و از شهر خارج شده، به بیت عنیا رفت و شب را در آنجا به سر برد.

۱۸ وَفِي الصُّبْحِ إِذْ كَانَ رَاجِعًا إِلَى الْمَدِينَةِ جَاعٌ، ۱۹ فَنَظَرَ شَجَرَةً تَيْنٍ عَلَى الطَّرِيقِ، وَجَاءَ إِلَيْهَا فَلَمْ يَجِدْ فِيهَا شَيْئًا إِلَّا وَرَقًا فَقَطُّ. فَقَالَ لَهَا: «لَا يَكُنْ مِنْكَ ثَمَرٌ بَعْدُ إِلَى الْأَبَدِ!». فَيَبَسَتِ التَّيْنَةُ فِي الْحَالِ. ۲۰ فَلَمَّا رَأَى التَّلَامِيذُ ذَلِكَ تَعَجَّبُوا قَائِلِينَ: «كَيْفَ يَبَسَتِ التَّيْنَةُ فِي الْحَالِ؟» ۲۱ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: «الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنْ كَانَ لَكُمْ إِيمَانٌ وَلَا تَشْكُونَ، فَلَا تَفْعَلُونَ أَمْرَ التَّيْنَةِ فَقَطُّ، بَلْ إِنْ قُلْتُمْ أَيْضًا لِهَذَا الْجَبَلِ: انْقَلِبْ وَانْطَرِحْ فِي الْبَحْرِ فَيَكُونُ. ۲۲ وَكُلُّ مَا تَطْلُبُونَهُ فِي الصَّلَاةِ مُؤْمِنِينَ تَنَالُونَهُ».

۱۸ بامدادان عیسی در راه بازگشت به شهر، گرسنه شد. ۱۹ در کنار راه، درخت انجیری دید و به سوی آن رفت، اما جز برگ چیزی بر آن نیافت. پس خطاب به درخت گفت: «مباد که دیگر هرگز میوه ای از تو به بار آید!» در همان دم درخت خشک شد. ۲۰ شاگردان که از دیدن این واقعه حیرت کرده بودند، از او پرسیدند: «چگونه درخت انجیر چنین زود خشک شد؟» ۲۱ عیسی در پاسخ به آنان گفت: «به راستی به شما می گویم، اگر ایمان داشته باشید و شک نکنید، نه تنها می توانید آنچه بر درخت انجیر گذشت انجام دهید، بلکه هر گاه به این کوه بگویید "از جا کنده شده، به دریا افکنده شو،" چنین خواهد شد. ۲۲ اگر ایمان داشته باشید، هر آنچه در دعا درخواست کنید، خواهید یافت.»

۲۳ وَلَمَّا جَاءَ إِلَى الْهَيْكَلِ تَقَدَّمَ إِلَيْهِ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَشُيُوخُ الشَّعْبِ وَهُوَ يُعَلِّمُ، قَائِلِينَ: «بِأَيِّ سُلْطَانٍ تَفْعَلُ هَذَا؟ وَمَنْ أَعْطَاكَ هَذَا السُّلْطَانَ؟» ۲۴ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: «وَأَنَا أَيْضًا أَسْأَلُكُمْ كَلِمَةً وَاحِدَةً، فَإِنْ قُلْتُمْ لِي عَنْهَا أَقُولُ لَكُمْ أَنَا أَيْضًا بِأَيِّ سُلْطَانٍ أَفْعَلُ هَذَا: ۲۵ مَعْمُودِيَّةُ يُوَحْنَا: مِنْ أَيْنَ كَانَتْ؟ مِنَ السَّمَاءِ أَمْ مِنَ النَّاسِ؟» فَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ قَائِلِينَ: «إِنْ قُلْنَا: مِنَ السَّمَاءِ، يَقُولُ لَنَا: فَلِمَذَا لَمْ تُؤْمِنُوا بِهِ؟ ۲۶ وَإِنْ قُلْنَا: مِنَ النَّاسِ، نَخَافُ مِنَ الشَّعْبِ، لِأَنَّ يُوَحْنَا عِنْدَ الْجَمِيعِ مِثْلَ نَبِيِّ». ۲۷ فَأَجَابُوا يَسُوعَ وَقَالُوا: «لَا نَعْلَمُ». فَقَالَ لَهُمْ هُوَ أَيْضًا: «وَلَا أَنَا أَقُولُ لَكُمْ بِأَيِّ سُلْطَانٍ أَفْعَلُ هَذَا. ۲۸ «مَاذَا تَطْنُونُ؟ كَانَ لِإِنْسَانٍ ابْنَانِ، فَجَاءَ إِلَى الْأَوَّلِ وَقَالَ: يَا ابْنِي، اذْهَبِ الْيَوْمَ اْعْمَلْ فِي كَرْمِي. ۲۹ فَأَجَابَ وَقَالَ: مَا أُرِيدُ. وَلَكِنَّهُ نَدِمَ أَخِيرًا وَمَضَى. ۳۰ وَجَاءَ

إِلَى الثَّانِي وَقَالَ كَذَلِكَ. فَأَجَابَ وَقَالَ: هَا أَنَا يَا سَيِّدُ. وَلَمْ يَمُضِ. ٣١ فَأَيُّ الْاِثْنَيْنِ عَمِلَ إِرَادَةَ الْآبِ؟» قَالُوا لَهُ: «الْأَوَّلُ». قَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: «الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ الْعَشَارِينَ وَالزَّوَانِي يَسْبِقُونَكُمْ إِلَى مَلَكُوتِ اللَّهِ، ٣٢ لِأَنَّ يُوْحَنَّا جَاءَكُمْ فِي طَرِيقِ الْحَقِّ فَلَمْ تُؤْمِنُوا بِهِ، وَأَمَّا الْعَشَارُونَ وَالزَّوَانِي فَأَمَّنُوا بِهِ. وَأَنْتُمْ إِذْ رَأَيْتُمْ لَمْ تَنْدَمُوا آخِيرًا لِتُؤْمِنُوا بِهِ.

۲۳ آنگاه عیسی وارد معبد شد و به تعلیم مردم پرداخت. در این هنگام، سران کاهنان و مشایخ قوم نزد او آمدند و گفتند: «به چه اجازه‌ای این کارها را می‌کنی؟ چه کسی این اقتدار را به تو داده است؟» ۲۴ عیسی در پاسخ گفت: «من نیز از شما پرسشی دارم. اگر پاسخ گفتید، من نیز به شما می‌گویم با چه اقتداری این کارها را می‌کنم. ۲۵ تعمید یحیی از کجا بود؟ از آسمان یا از انسان؟» آنها بین خود بحث کردند و گفتند: «اگر بگوییم از آسمان بود، به ما خواهد گفت، "پس چرا به او ایمان نیاوردید؟"» ۲۶ و اگر بگوییم از انسان بود، از مردم بیم داریم، زیرا همه یحیی را پیامبر می‌دانند. ۲۷ پس به عیسی پاسخ دادند: «نمی‌دانیم.» عیسی گفت: «من نیز به شما نمی‌گویم با چه اقتداری این کارها را می‌کنم. ۲۸» نظر شما چیست؟ مردی دو پسر داشت. نزد پسر نخست خود رفت و گفت: «پسرم، امروز به تاکستان من برو و به کار مشغول شو.» ۲۹ پاسخ داد: «نمی‌روم.» اما بعد تغییر عقیده داد و رفت. ۳۰ پدر نزد پسر دیگر رفت و همان را به او گفت. پسر پاسخ داد: «می‌روم، آقا،» اما نرفت. ۳۱ کدام یک از آن دو پسر خواست پدر خود را به جا آورد؟» پاسخ دادند: «اولی.» عیسی به ایشان گفت: «به راستی به شما می‌گویم، خراجگیران و فاحشه‌ها پیش از شما به ملکوت خدا راه می‌یابند. ۳۲ زیرا یحیی در طریق پارسایی نزد شما آمد اما به او ایمان نیاوردید، ولی خراجگیران و فاحشه‌ها ایمان آوردند. و شما با اینکه این را دیدید، تغییر عقیده ندادید و به او ایمان نیاوردید.

۳۳ «اسْمَعُوا مَثَلًا آخَرَ: كَانَ إِنْسَانٌ رَبُّ بَيْتٍ غَرَسَ كَرْمًا، وَأَخَاطَهُ بِسِيَاجٍ، وَحَفَرَ فِيهِ مَعْصَرَةً، وَبَنَى بُرْجًا، وَسَلَّمَهُ إِلَى كَرَّامِينَ وَسَافَرَ. ۳۴ وَلَمَّا قَرُبَ وَقْتُ الْاِثْمَارِ أَرْسَلَ عَبِيدَهُ إِلَى الْكَرَّامِينَ لِيَأْخُذُوا أَثْمَارَهُ. ۳۵ فَأَخَذَ الْكَرَّامُونَ عَبِيدَهُ وَجَلَدُوا بَعْضًا وَقَتَلُوا بَعْضًا وَرَجَمُوا بَعْضًا. ۳۶ ثُمَّ أَرْسَلَ أَيْضًا عَبِيدًا آخَرِينَ أَكْثَرَ مِنَ الْأَوَّلِينَ، فَفَعَلُوا بِهِمْ كَذَلِكَ. ۳۷ فَأَخِيرًا أَرْسَلَ إِلَيْهِمْ ابْنَهُ قَائِلًا: يَهَابُونَ ابْنِي! ۳۸ وَأَمَّا الْكَرَّامُونَ فَلَمَّا رَأَوْا ابْنَ الْاِثْمَارِ قَالُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ: هَذَا هُوَ الْوَارِثُ! هَلُمُّوا نَقْتُلْهُ وَنَأْخُذْ مِيرَاثَهُ! ۳۹ فَأَخَذُوهُ وَأَخْرَجُوهُ خَارِجَ الْكَرْمِ وَقَتَلُوهُ. ۴۰ فَمَتَى جَاءَ صَاحِبُ الْكَرْمِ، مَاذَا يَفْعَلُ بِأُولَئِكَ الْكَرَّامِينَ؟» ۴۱ قَالُوا لَهُ: «أُولَئِكَ الْأَرْدِيَاءُ يُهْلِكُهُمْ هَلَاكًا رَدِيًّا، وَيُسَلِّمُ الْكَرْمَ إِلَى كَرَّامِينَ آخَرِينَ يُعْطُونَهُ الْاِثْمَارَ فِي أَوْقَاتِهَا».

۳۳ «به مثل دیگری گوش فرا دهید. صاحب ملکی تاکستانی غرس کرد و گرد آن دیوار کشید و چرخشتی در آن کند و برجی بنا نهاد. سپس تاکستان را به چند باغبان اجاره داد و خود به سفر رفت. ۳۴

چون موسم برداشت محصول فرا رسید، غلامان خود را نزد باغبانان فرستاد تا میوه او را تحویل بگیرند. ۳۵
اما باغبانان غلامان او را گرفته، یکی را زدند و دیگری را کشتند و سومی را سنگسار کردند. ۳۶ دیگر بار،
غلامانی بیشتر نزد آنها فرستاد، اما باغبانان با آنها نیز همان گونه رفتار کردند. ۳۷ سرانجام پسر خود را نزد
باغبانان فرستاد و با خود گفت: «پسرم را حرمت خواهند داشت.» ۳۸ اما هنگامی که باغبانان پسر را دیدند،
به یکدیگر گفتند: «این وارث است. بیاید او را بکشیم و میراثش را تصاحب کنیم.» ۳۹ پس او را گرفتند
و از تاختستان بیرون افکنده، کشتند. ۴۰ با این اوصاف، وقتی صاحب تاختستان بیاید با این باغبانان چه
خواهد کرد؟» ۴۱ پاسخ دادند: «آن افراد بی رحم را با بی رحمی تمام نابود خواهد ساخت و تاختستان را به
باغبانان دیگر اجاره خواهد داد تا میوه آن را در فصلش به او بدهند.»

۴۲ قَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: «أَمَا قَرَأْتُمْ قَطُّ فِي الْكُتُبِ: الْحَجَرُ الَّذِي رَفَضَهُ الْبَنَّاؤُونَ هُوَ قَدْ صَارَ رَأْسَ الزَّوَايَةِ؟ مِنْ
قَبْلِ الرَّبِّ كَانَ هَذَا وَهُوَ عَجِيبٌ فِي أَعْيُنِنَا! ۴۳ لِذَلِكَ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ مَلَكُوتَ اللَّهِ يُنَزَعُ مِنْكُمْ وَيُعْطَى لِأُمَّةٍ
تَعْمَلُ أَثْمَارَهُ. ۴۴ وَمَنْ سَقَطَ عَلَى هَذَا الْحَجَرِ يَتَرَضَّضُ، وَمَنْ سَقَطَ هُوَ عَلَيْهِ يَسْحَقُهُ! ۴۵ وَلَمَّا سَمِعَ رُؤَسَاءُ
الْكَهَنَةِ وَالْفَرِيسِيُّونَ أَمْثَالَهُ، عَرَفُوا أَنَّهُ تَكَلَّمَ عَلَيْهِمْ. ۴۶ وَإِذْ كَانُوا يَطْلُبُونَ أَنْ يُمْسِكُوهُ، خَافُوا مِنَ الْجُمُوعِ،
لَأَنَّهُ كَانَ عِنْدَهُمْ مِثْلَ نَبِيِّ.

۴۲ آنگاه عیسی به آنان گفت: «آیا تا به حال در کتب مقدس نخوانده‌اید که، «سنگی که معماران رد
کردند، مهمترین سنگ بنا شده است. خداوند چنین کرده و در نظر ما شگفت می‌نماید؟» ۴۳ پس شما را
می‌گویم که ملکوت خدا از شما گرفته و به قومی داده خواهد شد که میوه آن را بدهند. [۴۴ هر که بر
آن سنگ افتد، خرد خواهد شد، و هر گاه آن سنگ بر کسی افتد، او را در هم خواهد شکست.] ۴۵ چون
سران کاهنان و فریسیان مثل‌های عیسی را شنیدند، دریافتند که درباره آن‌ها سخن می‌گوید. ۴۶ پس بر آن
شدند که او را گرفتار کنند، اما از مردم بیم داشتند زیرا آن‌ها عیسی را پیامبر می‌دانستند.^۶

^۶ سید احمد الحسن (رحمه الله): «کُل دین، عهد و میثاقی است که از بندگان نسبت به پایبند بودن و اطاعت از خلفاء خداوند، گرفته شده
است. خداوند این عهد و میثاق را به صورت امانت به سنگ اساس سپرد، همان سنگی که به سنگ زاویه یا سنگی که از حضرت
محمد (ص) برای نابودی حاکمیت شیطان و طاغوت جدا شده، معروف است. نام این سنگ در روایات و کتب آسمانی ذکر شده
است. ...، سنگی که عیسی (ع) در مورد آن سخن گفت در واقع در قومی دیگر به غیر از قومی بود که مخاطب وی بودند، زیرا
ملکوت از بنی اسرائیل و کسانی که به او ایمان آورده بودند از جمله شاگردان و دیگر مردم گرفته شده و به قوم دیگری که مرتبط
به این سنگ هستند عطاء خواهد شد، همان سنگی که سهم خداوند را به ثمر رسانیده و به ارمغان می‌آورد. سخن عیسی (ع) واضح و
آشکار است که این سنگ زاویه فضل و برتریتی خاصی داشته و در نهایت ملکوت از پیروان عیسی (ع) گرفته شده و به قوم این حجر
داده می‌شود و این قوم امت محمد (ص) است، عیسی (ع) بین حجر و بین امتی که در نهایت ملکوت به آن‌ها عطاء خواهد شد را با
حکمت و آگاهی کامل ربط داده است و این قوم را جایگزین بنی اسرائیل و کسانی نمود که ادعا می‌کردند پیروان او هستند، و برای

انجيل متى : الأصحاح الثاني والعشرون * ۲۲:۱-۴۶

۱ وَجَعَلَ يَسُوعُ يُكَلِّمُهُمْ أَيْضًا بِأَمْثَالٍ قَائِلًا: ۲ «يُشْبِهُ مَلَكُوتُ السَّمَاوَاتِ إِنْسَانًا مَلِكًا صَنَعَ عُرْسًا لِابْنِهِ، ۳ وَأَرْسَلَ عَبِيدَهُ لِيَدْعُوا الْمَدْعُودِينَ إِلَى الْعُرْسِ، فَلَمْ يُرِيدُوا أَنْ يَأْتُوا. ۴ فَأَرْسَلَ أَيْضًا عَبِيدًا آخَرِينَ قَائِلًا: قُولُوا لِلْمَدْعُودِينَ: هُوَذَا غَدَائِي أَغْدَدْتُهُ، ثِيرَانِي وَمُسَمَّنَاتِي قَدْ ذُبَحَتْ، وَكُلُّ شَيْءٍ مُعَدٌّ. تَعَالَوْا إِلَى الْعُرْسِ! ۵ وَلَكِنَّهُمْ تَهَاوَنُوا وَمَضَوْا، وَاحِدٌ إِلَى حَقْلِهِ، وَآخَرٌ إِلَى تِجَارَتِهِ، ۶ وَالْبَاقُونَ أَمْسَكُوا عَبِيدَهُ وَشَتَمُوهُمْ وَقَتَلُوهُمْ. ۷ فَلَمَّا سَمِعَ الْمَلِكُ غَضِبَ، وَأَرْسَلَ جُنُودَهُ وَأَهْلَكَ أُولَئِكَ الْقَاتِلِينَ وَأَحْرَقَ مَدِينَتَهُمْ. ۸ ثُمَّ قَالَ لِعَبِيدِهِ: أَمَّا الْعُرْسُ فَمُسْتَعْدَّةٌ، وَأَمَّا الْمَدْعُودُونَ فَلَمْ يَكُونُوا مُسْتَجِيبِينَ. ۹ فَادْهَبُوا إِلَى مَفَارِقِ الطَّرِيقِ، وَكُلُّ مَنْ وَجَدْتُمُوهُ فَادْعُوهُ إِلَى الْعُرْسِ. ۱۰ فَخَرَجَ أُولَئِكَ الْعَبِيدُ إِلَى الطَّرِيقِ، وَجَمَعُوا كُلَّ الَّذِينَ وَجَدُوهُمْ أَشْرَارًا وَصَالِحِينَ. فَامْتَلَأَ الْعُرْسُ مِنَ الْمُتَكَيِّينَ. ۱۱ فَلَمَّا دَخَلَ الْمَلِكُ لِيَنْظُرَ الْمُتَكَيِّينَ، رَأَى هُنَاكَ إِنْسَانًا لَمْ يَكُنْ لَابِسًا لِبَاسَ الْعُرْسِ. ۱۲ فَقَالَ لَهُ: يَا صَاحِبُ، كَيْفَ دَخَلْتَ إِلَى هُنَا وَلَيْسَ عَلَيْكَ لِبَاسُ الْعُرْسِ؟ فَسَكَتَ. ۱۳ حِينَئِذٍ قَالَ الْمَلِكُ لِلْخُدَّامِ: ارْثَبُوا رِجْلَيْهِ وَيَدَيْهِ، وَخَذُوهُ وَاطْرَحُوهُ فِي الظُّلْمَةِ الْخَارِجِيَّةِ. هُنَاكَ يَكُونُ الْبُكَاءُ وَصَرِيرُ الْأَسْنَانِ. ۱۴ لِأَنَّ كَثِيرِينَ يُدْعَوْنَ وَقَلِيلِينَ يُنْتَخَبُونَ».

۱ عیسی باز به مثلها با ایشان سخن گفته، فرمود: ۲ «پادشاهی آسمان را می توان به شاهى تشبیه کرد که برای پسر خود جشن عروسی به پا داشت. ۳ او خادمان خود را فرستاد تا دعوت شدگان را به جشن فرا خوانند، اما آنها نخواهند بیایند. ۴ پس خادماني دیگر فرستاد و گفت: "دعوت شدگان را بگوئید اینک سفره جشن را آماده کرده ام، گاو و گوساله های پرواری ام را سر بریده ام و همه چیز آماده است. پس به جشن عروسی بیایید." ۵ اما آنها اعتنا نکردند و هر یک به راه خود رفتند، یکی به مزرعه و دیگری به تجارت خود. ۶ دیگران نیز خادمان او را گرفتند و آزار دادند و کشتند. ۷ شاه چون این را شنید، خشمگین شده، سپاهیان خود را فرستاد و قاتلان را کشت و شهر آنها را به آتش کشید. ۸ سپس خادمان خود را گفت: "جشن عروسی آماده است، اما دعوت شدگان شایستگی حضور در آن را نداشتند. ۹ پس به میدان شهر بروید و هر که را یافتید به جشن عروسی دعوت کنید." ۱۰ غلامان به کوچه ها رفتند و هر که را

آنها مشخص کرد که در آخر به ملکوت دست نخواهند یافت. عیسی (ع) حجر را نشانه ای برای اعطاء ملکوت به قومی دیگر قرارداد، قومی به غیر از کسانی که ادعا می کردند پیروان موسی و عیسی ع هستند، یا به عبارتی قومی که این سنگ بر آنها شهادت دهد که عهد و میثاق را اداء کرده اند، کسانی هم که او را یاری دهند ملکوت را به ارث خواهند برد. حال می خواهد در این زمین با برقراری حاکمیت خداوند باشد یا در آسمان ها هنگامی که خداوند در ملکوت را بر روی آنها بگشاید و ایشان نظر کنند، یا در نهایت هنگامی که خداوند آنها را در فردوس ملکوت خود جای دهد». جواب المنیر، جلد ۴، سوال: ۳۲۷

یافتند، چه نیک و چه بد، با خود آوردند و تالار عروسی از میهمانان پر شد. ۱۱ «اما هنگامی که شاه برای دیدار با میهمانان وارد مجلس شد، مردی را دید که جامه عروسی بر تن نداشت. ۱۲ از او پرسید: "ای دوست، چگونه بدون جامه عروسی به اینجا آمدی؟" آن مرد پاسخی نداشت. ۱۳ آنگاه پادشاه خادمان خود را گفت: "دست و پایش را ببندید و او را به تاریکی بیرون بیندازید، جایی که گریه و دندان به دندان ساییدن خواهد بود." ۱۴ زیرا دعوت شدگان بسیارند، اما برگزیدگان اندک.»

۱۵ حِينَئِذٍ ذَهَبَ الْفَرِيسِيُّونَ وَتَشَاوَرُوا لِكَيْ يَصْطَادُوهُ بِكَلِمَةٍ. ۱۶ فَأَرْسَلُوا إِلَيْهِ تَلَامِيذَهُمْ مَعَ الْهِيروُدَسِيِّينَ قَائِلِينَ: «يَا مُعَلِّمُ، نَعْلَمُ أَنَّكَ صَادِقٌ وَتَعْلَمُ طَرِيقَ اللَّهِ بِالْحَقِّ، وَلَا تُبَالِي بِأَحَدٍ، لَأَنَّكَ لَا تَنْظُرُ إِلَى وُجُوهِ النَّاسِ. ۱۷ فَقُلْ لَنَا: مَاذَا تَنْظُرُ؟ أَيْجُوزُ أَنْ تُعْطَى جِزْيَةٌ لِقَيْصَرَ أَمْ لَا؟» ۱۸ فَعَلِمَ يَسُوعُ خُبْرَهُمْ وَقَالَ: «لِمَاذَا تُجَرِّبُونَنِي يَا مُرَاوُنَ؟ ۱۹ أَرُونِي مُعَامَلَةَ الْجِزْيَةِ». فَقَدَّمُوا لَهُ دِينَارًا. ۲۰ فَقَالَ لَهُمْ: «لِمَنْ هَذِهِ الصُّورَةُ وَالْكِتَابَةُ؟» ۲۱ قَالُوا لَهُ: «لِقَيْصَرَ». فَقَالَ لَهُمْ: «أَعْطُوا إِذَا مَا لِقَيْصَرَ لِقَيْصَرَ وَمَا لِلَّهِ لِلَّهِ». ۲۲ فَلَمَّا سَمِعُوا تَعَجَّبُوا وَتَرَكَوْهُ وَمَضُوا.

۱۵ سپس فریسیان بیرون رفتند و شور کردند تا ببینند چگونه می توانند او را با سخنان خودش به دام اندازند. ۱۶ آنها شاگردان خود را به همراه هیرودیان نزد او فرستادند و گفتند: «استاد، می دانیم مردی صادق هستی و راه خدا را به درستی می آموزانی و از کسی باک نداری، زیرا بر صورت ظاهر نظر نمی کنی. ۱۷ پس رأی خود را به ما بگو؛ آیا پرداخت خراج به قیصر رواست یا نه؟» ۱۸ عیسی به بداندیشی آنان پی برد و گفت: «ای ریاکاران، چرا مرا می آزمایید؟ ۱۹ سکه ای را که با آن خراج می پردازید، به من نشان دهید.» آنها سکه ای یک دیناری به وی دادند. ۲۰ از ایشان پرسید: «نقش و نام روی این سکه از آن کیست؟» ۲۱ پاسخ دادند: «از آن قیصر.» به آنها گفت: «پس مال قیصر را به قیصر بدهید و مال خدا را به خدا.» ۲۲ چون این را شنیدند، در شگفت شدند و او را وا گذاشته، رفتند.

۲۳ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ جَاءَ إِلَيْهِ صَدُوقِيُّونَ، الَّذِينَ يَقُولُونَ لَيْسَ قِيَامَةٌ، فَسَأَلُوهُ ۲۴ قَائِلِينَ: «يَا مُعَلِّمُ، قَالَ مُوسَى: إِنْ مَاتَ أَحَدٌ وَلَيْسَ لَهُ أَوْلَادٌ، يَتَزَوَّجُ أَخُوهُ بِامْرَأَتِهِ وَيُقِيمُ نَسْلًا لِأَخِيهِ. ۲۵ فَكَانَ عِنْدَنَا سَبْعَةُ إِخْوَةٍ، وَتَزَوَّجَ الْأَوَّلُ وَمَاتَ. وَإِذْ لَمْ يَكُنْ لَهُ نَسْلٌ تَرَكَ امْرَأَتَهُ لِأَخِيهِ. ۲۶ وَكَذَلِكَ الثَّانِي وَالثَّالِثُ إِلَى السَّبْعَةِ. ۲۷ وَآخِرَ الْكُلِّ مَاتَتِ الْمَرْأَةُ أَيْضًا. ۲۸ فَفِي الْقِيَامَةِ لِمَنْ مِنَ السَّبْعَةِ تَكُونُ زَوْجَةً؟ فَإِنَّهَا كَانَتْ لِلْجَمِيعِ!» ۲۹ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: «تَضِلُّونَ إِذْ لَا تَعْرِفُونَ الْكِتَابَ وَلَا قُوَّةَ اللَّهِ. ۳۰ لِأَنَّهُمْ فِي الْقِيَامَةِ لَا يُزَوِّجُونَ وَلَا يَتَزَوَّجُونَ، بَلْ يَكُونُونَ كَمَلَائِكَةِ اللَّهِ فِي السَّمَاءِ. ۳۱ وَأَمَّا مِنْ جِهَةِ قِيَامَةِ الْأَمْوَاتِ، أَفَمَا قَرَأْتُمْ مَا قِيلَ لَكُمْ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ الْقَائِلِ: ۳۲ أَنَا إِلَهُ إِبْرَاهِيمَ وَإِلَهُ إِسْحَاقَ وَإِلَهُ يَعْقُوبَ؟ لَيْسَ اللَّهُ إِلَهُ أَمْوَاتٍ بَلْ إِلَهُ أَحْيَاءٍ». ۳۳ فَلَمَّا سَمِعَ الْجُمُوعُ بُهْتُوا مِنْ تَعْلِيمِهِ.

۲۳ در همان روز، صدوقیان که منکر قیامتند، نزدش آمدند و سؤالی از او کرده، ۲۴ گفتند: «استاد، موسی به ما فرموده است که اگر مردی بی‌اولاد بمیرد، برادرش باید آن بیوه را به زنی بگیرد تا از او برای برادر خود نسلی باقی بگذارد. ۲۵ باری، در میان ما هفت برادر بودند. برادر نخستین زنی گرفت و مُرد و چون فرزندی نداشت، زن بیوه‌اش را برای برادر خود باقی گذاشت. ۲۶ همچنین دومین و سومین، تا هفتمین. ۲۷ سرانجام، زن نیز مرد. ۲۸ حال، در قیامت، آن زن همسر کدام یک از هفت برادر خواهد بود، زیرا همه او را به زنی گرفته بودند؟» ۲۹ عیسی پاسخ داد: «شما گمراه هستید، زیرا نه از کُتب مقدس آگاهید و نه از قدرت خدا! ۳۰ در قیامت کسی نه زن می‌گیرد و نه شوهر می‌کند، بلکه همه همچون فرشتگان آسمان خواهند بود. ۳۱ اما درباره قیامت مردگان، آیا نخوانده‌اید که خدا به شما چه گفته است؟ ۳۲ او فرموده که، "من هستم خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب". او نه خدای مردگان، بلکه خدای زندگان است.» ۳۳ مردم با شنیدن این سخنان، از تعلیم او در شگفت شدند.

۳۴ اَمَّا الْفَرِیْسِیُّونَ فَلَمَّا سَمِعُوا اَنَّهُ اَبْکَمَ الصَّدُوقِیِّیْنَ اجْتَمَعُوا مَعًا، ۳۵ وَسَالَّهٗ وَاحِدٌ مِنْهُمْ، وَهُوَ نَامُوسِیُّ، لِیُجَرِّبَهُ قَائِلًا: ۳۶ «يَا مُعَلِّمُ، اَيَّةُ وَصِيَّةٍ هِيَ الْعُظْمَى فِي النَّامُوسِ؟» ۳۷ فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: «تُحِبُّ الرَّبَّ اِلَهَكَ مِنْ كُلِّ قَلْبِكَ، وَمِنْ كُلِّ نَفْسِكَ، وَمِنْ كُلِّ فِكْرِكَ. ۳۸ هَذِهِ هِيَ الْوَصِيَّةُ الْاُولَى وَالْعُظْمَى. ۳۹ وَالثَّانِيَةُ مِثْلُهَا: تُحِبُّ قَرِيْبَكَ كَنَفْسِكَ. ۴۰ بِهَاتَيْنِ الْوَصِيَّتَيْنِ يَتَعَلَّقُ النَّامُوسُ كُلُّهُ وَالْاَنْبِيَاءُ». ۴۱ وَفِيْمَا كَانَ الْفَرِیْسِیُّونَ مُجْتَمِعِيْنَ سَالَّهُمْ يَسُوعُ ۴۲ قَائِلًا: «مَاذَا تَظُنُّونَ فِي الْمَسِيْحِ؟ اِبْنُ مَنْ هُوَ؟» قَالُوا لَهُ: «اِبْنُ دَاوُدَ». ۴۳ قَالَ لَهُمْ: «فَكَيْفَ يَدْعُوهُ دَاوُدُ بِالرُّوحِ رَبًّا؟ قَائِلًا: ۴۴ قَالَ الرَّبُّ لِرَبِّي: اجْلِسْ عَنْ يَمِيْنِي حَتَّى اَضَعَ اَعْدَاءَكَ مَوْطِنًا لِقَدَمَيْكَ. ۴۵ فَاِنْ كَانَ دَاوُدُ يَدْعُوهُ رَبًّا، فَكَيْفَ يَكُوْنُ اِبْنُهُ؟» ۴۶ فَلَمْ يَسْتَطِعْ اَحَدٌ اَنْ يُجِيبَهُ بِكَلِمَةٍ. وَمِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ لَمْ يَجْسُرْ اَحَدٌ اَنْ يَسْأَلَهُ بَتَّةً.

۳۴ اما چون فریسیان شنیدند که عیسی چگونه با جواب خود دهان صدوقیان را بسته است، گرد هم آمدند. ۳۵ یکی از آنها که فقیه بود، با این قصد که عیسی را به دام اندازد، از او پرسید: ۳۶ «ای استاد، بزرگترین حکم در شریعت کدام است؟» ۳۷ عیسی پاسخ داد: «خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما.» ۳۸ این نخستین و بزرگترین حکم است. ۳۹ دومین حکم نیز همچون حکم نخستین است: «همسایه‌ات را همچون خوشتن محبت نما.» ۴۰ تمامی شریعت موسی و نوشته‌های پیامبران بر این دو حکم استوار است.» ۴۱ هنگامی که فریسیان گرد هم جمع بودند، عیسی از آنها پرسید: ۴۲ «نظر شما درباره مسیح چیست؟ او پسر کیست؟» پاسخ دادند: «پسر داوود.» ۴۳ عیسی گفت: «پس چگونه داوود به روح، او را خداوند می‌خواند؟ زیرا می‌گوید: ۴۴ "خداوند به خداوند من گفت: به دست راست من بنشین تا آن هنگام که دشمنان را کرسی زیر پایت سازم." ۴۵ اگر داوود او را

خداوند می خواند، چگونه او می تواند پسر داوود باشد؟» ۴۶ بدین سان، هیچ کس را یارای پاسخگویی او نبود و از آن پس دیگر کسی جرأت نکرد پرسشی از او بکند.

انجیل متی: الأصاح الثالث والعشرون * ۱:۲۳-۳۹

۱ حِينَئِذٍ خَاطَبَ يَسُوعُ الْجُمُوعَ وَتَلَامِيذَهُ ۲ قَائِلًا: «عَلَى كُرْسِيِّ مُوسَى جَلَسَ الْكَتَبَةُ وَالْفَرِيسِيُّونَ، ۳ فَكُلُّ مَا قَالُوا لَكُمْ أَنْ تَحْفَظُوهُ فَاحْفَظُوهُ وَأَفْعَلُوهُ، وَلَكِنْ حَسَبَ أَعْمَالِهِمْ لَا تَعْمَلُوا، لِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ وَلَا يَفْعَلُونَ. ۴ فَإِنَّهُمْ يَخْزَمُونَ أَحْمَالًا ثَقِيلَةً عَسِيرَةَ الْحَمْلِ وَيَضَعُونَهَا عَلَى أَكْتَافِ النَّاسِ، وَهُمْ لَا يُرِيدُونَ أَنْ يُحَرِّكُوهَا بِإِصْبَعِهِمْ، ۵ وَكُلَّ أَعْمَالِهِمْ يَعْمَلُونَهَا لِكَيْ تَنْظُرَهُمُ النَّاسُ: فَيَعْرِضُونَ عَصَائِبَهُمْ وَيُعْظَمُونَ أَهْدَابَ ثِيَابِهِمْ، ۶ وَيُجِئُونَ الْمَتَكَ الْأَوَّلَ فِي الْوَلَائِمِ، وَالْمَجَالِسَ الْأُولَى فِي الْمَجَامِعِ، ۷ وَالتَّحِيَّاتِ فِي الْأَسْوَاقِ، وَأَنْ يَدْعُوَهُمُ النَّاسُ: سَيِّدِي سَيِّدِي! ۸ وَأَمَّا أَنْتُمْ فَلَا تَدْعُوا سَيِّدِي، لِأَنَّ مُعَلِّمَكُمْ وَاحِدَ الْمَسِيحِ، وَأَنْتُمْ جَمِيعًا إِخْوَةٌ. ۹ وَلَا تَدْعُوا لَكُمْ أَبَا عَلَى الْأَرْضِ، لِأَنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدَ الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ. ۱۰ وَلَا تَدْعُوا مُعَلِّمِينَ، لِأَنَّ مُعَلِّمَكُمْ وَاحِدَ الْمَسِيحِ. ۱۱ وَأَكْبَرُكُمْ يَكُونُ خَادِمًا لَكُمْ. ۱۲ فَمَنْ يَرْفَعُ نَفْسَهُ يَتَضَعُ، وَمَنْ يَضَعُ نَفْسَهُ يَرْتَفِعُ.

۱ آنگاه عیسی خطاب به مردم و شاگردان خود چنین گفت: ۲ «علمای دین و فریسیان بر مسند موسی نشسته اند. ۳ پس آنچه به شما می گویند، نگاه دارید و به جا آورید؛ اما همچون آنان عمل نکنید! زیرا آنچه تعلیم می دهند، خود به جا نمی آورند. ۴ بارهای توانفرسا را می بندند و بر دوش مردم می گذارند، اما خود حاضر نیستند برای حرکت دادن آن حتی انگشتی تکان دهند. ۵ هر چه می کنند برای آن است که مردم آنها را ببینند: سربندهای خود را بزرگتر و دامن ردای خویش را بهتر می سازند. ۶ دوست دارند در ضیافتها بر صدر مجلس بنشینند و در کنیسه ها بهترین جای را داشته باشند، ۷ و مردم در کوچه و بازار آنها را سلام گویند و 'استاد' خطاب کنند. ۸ اما شما 'استاد' خوانده مشوید، زیرا مسیح تنها استاد شماست، و همه شما برادرید. ۹ هیچ کس را نیز بر روی زمین 'پدر' مخوانید، زیرا تنها یک پدر دارید که در آسمان است. ۱۰ و نیز 'معلم' خوانده مشوید، زیرا فقط یک معلم دارید که مسیح است. ۱۱ آن که در میان شما از همه بزرگتر است، خدمتگزار شما خواهد بود. ۱۲ زیرا هر که خود را بزرگ سازد، پست خواهد شد و هر که خویشتن را فروتن سازد، سرافراز خواهد گردید.

۱۳ «لَكِنْ وَبِئْسَ لَكُمْ أَيُّهَا الْكَتَبَةُ وَالْفَرِيسِيُّونَ الْمُرَاؤُونَ! لِأَنَّكُمْ تُغْلِقُونَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ قُدَّامَ النَّاسِ، فَلَا تَدْخُلُونَ أَنْتُمْ وَلَا تَدْعُونَ الدَّاحِلِينَ يَدْخُلُونَ. ۱۴ وَبِئْسَ لَكُمْ أَيُّهَا الْكَتَبَةُ وَالْفَرِيسِيُّونَ الْمُرَاؤُونَ! لِأَنَّكُمْ تَأْكُلُونَ بُيُوتَ الْأَرَامِلِ، وَلِغَلَّةٍ تُطِيلُونَ صَلَوَاتِكُمْ. لِذَلِكَ تَأْخُذُونَ دَيْنُونَةَ أَعْظَمَ. ۱۵ وَبِئْسَ لَكُمْ أَيُّهَا الْكَتَبَةُ وَالْفَرِيسِيُّونَ

الْمُرَاوُونَ! لَأَنْتُمْ تَطُوفُونَ الْبَحْرَ وَالْبَرَّ لِتَكْسِبُوا دَخِيلًا وَاحِدًا، وَمَتَى حَصَلَ تَصْنَعُونَهُ إِنَّا لَجَهَنَّمَ أَكْثَرَ مِنْكُمْ مُضَاعَفًا.

۱۳ «وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما در ملکوت آسمان‌ها را به روی مردم می‌بندید؛ نه خود داخل می‌شوید و نه می‌گذارید کسانی که در راهند، داخل شوند. [۱۴] «وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما از سویی خانه بیوه‌زنان را غارت می‌کنید و از دیگر سو، برای تظاهر، دعای خود را طول می‌دهید. از همین رو، مکافاتان بسی سخت‌تر خواهد بود. [۱۵] «وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما دریا و خشکی را درمی‌نوردید تا یک نفر را به دین خود بیاورید و وقتی چنین کردید، او را دو چندان بدتر از خود، فرزند جهنم می‌سازید.

۱۶ وَيُلْ لَكُمْ أَيُّهَا الْقَادَةُ الْعُمَيَانُ! الْقَائِلُونَ: مَنْ حَلَفَ بِالْهَيْكَلِ فَلَيْسَ بِشَيْءٍ، وَلَكِنْ مَنْ حَلَفَ بِذَهَبِ الْهَيْكَلِ يَلْتَزِمُ. ۱۷ أَيُّهَا الْجُهَّالُ وَالْعُمَيَانُ! أَيُّمَا أَغْظَمُ: الذَّهَبُ أَمْ الْهَيْكَلُ الَّذِي يُقَدَّسُ الذَّهَبُ؟ ۱۸ وَمَنْ حَلَفَ بِالْمَذْبَحِ فَلَيْسَ بِشَيْءٍ، وَلَكِنْ مَنْ حَلَفَ بِالْقُرْبَانِ الَّذِي عَلَيْهِ يَلْتَزِمُ. ۱۹ أَيُّهَا الْجُهَّالُ وَالْعُمَيَانُ! أَيُّمَا أَغْظَمُ: الْقُرْبَانُ أَمْ الْمَذْبَحُ الَّذِي يُقَدَّسُ الْقُرْبَانُ؟ ۲۰ فَإِنَّ مَنْ حَلَفَ بِالْمَذْبَحِ فَقَدْ حَلَفَ بِهِ وَبِكُلِّ مَا عَلَيْهِ! ۲۱ وَمَنْ حَلَفَ بِالْهَيْكَلِ فَقَدْ حَلَفَ بِهِ وَبِالسَّاكِنِ فِيهِ، ۲۲ وَمَنْ حَلَفَ بِالسَّمَاءِ فَقَدْ حَلَفَ بِعَرْشِ اللَّهِ وَبِالْجَالِسِ عَلَيْهِ.

۱۶ «وای بر شما ای راهنمایان کور که می‌گویید: "اگر کسی به معبد سوگند خورد باکی نیست، اما اگر به طلای معبد سوگند خورد، باید به سوگند خود وفا کند." ۱۷ ای نابخردان کور! کدام برتر است؟ طلا یا معبدی که طلا را تقدیس می‌کند؟ ۱۸ و نیز می‌گویید: "اگر کسی به مذبح سوگند خورد، باکی نیست، اما اگر به هدیه‌ای که بر آن گذاشته می‌شود سوگند خورد، باید به سوگند خود وفا کند." ۱۹ ای کوران! کدام برتر است؟ هدیه یا مذبحی که هدیه را تقدیس می‌کند؟ ۲۰ پس، کسی که به مذبح سوگند می‌خورد، همانا به مذبح و هر آنچه بر آن است سوگند خورده است. ۲۱ و هر که به معبد سوگند می‌خورد، به معبد و به آن که در آن ساکن است سوگند خورده است. ۲۲ و هر که به آسمان سوگند می‌خورد، به تخت خدا و به آن که بر آن نشسته است سوگند خورده است.

۲۳ وَيُلْ لَكُمْ أَيُّهَا الْكَتَبَةُ وَالْفَرِيسِيُّونَ الْمُرَاوُونَ! لَأَنْتُمْ تُعَشِّرُونَ النَّعْنَعَ وَالشَّبِثَ وَالْكُمُونَ، وَتَرَكْتُمْ أَثْقَلَ النَّامُوسِ: الْحَقَّ وَالرَّحْمَةَ وَالْإِيمَانَ. كَانَ يَنْبَغِي أَنْ تَعْمَلُوا هَذِهِ وَلَا تَتْرَكُوا تِلْكَ. ۲۴ أَيُّهَا الْقَادَةُ الْعُمَيَانُ! الَّذِينَ يُصَفُّونَ عَنِ الْبُعُوضَةِ وَيَبْلَعُونَ الْجَمَلَ. ۲۵ وَيُلْ لَكُمْ أَيُّهَا الْكَتَبَةُ وَالْفَرِيسِيُّونَ الْمُرَاوُونَ! لَأَنْتُمْ تُنْقَوْنَ خَارِجَ الْكَاسِ وَالصَّحْفَةِ، وَهُمَا مِنْ دَاخِلِ مَمْلُوءَانِ اخْتِطَافًا وَدَعَارَةً. ۲۶ أَيُّهَا الْفَرِيسِيُّ الْأَعْمَى! نَقْ أَوَّلًا دَاخِلَ الْكَاسِ وَالصَّحْفَةِ لِكَيْ يَكُونَ خَارِجَهُمَا أَيْضًا نَقِيًّا. ۲۷ وَيُلْ لَكُمْ أَيُّهَا الْكَتَبَةُ وَالْفَرِيسِيُّونَ الْمُرَاوُونَ! لَأَنْتُمْ تُشْبِهُونَ

قُبُورًا مُبَيَّنَّةً تَظْهَرُ مِنْ خَارِجٍ جَمِيلَةٍ، وَهِيَ مِنْ دَاخِلِ مَمْلُوءَةٍ عِظَامٍ أَمْوَاتٍ وَكُلِّ نَجَاسَةٍ. ۲۸ هَكَذَا أَنْتُمْ أَيْضًا: مِنْ خَارِجٍ تَظْهَرُونَ لِلنَّاسِ أَبْرَارًا، وَلَكِنَّكُمْ مِنْ دَاخِلٍ مَشْحُونُونَ رِيَاءً وَإِثْمًا.

۲۳ «وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما از نعناع و شوید و زیره ده یک می دهید، اما احکام مهمتر شریعت را که همانا عدالت و رحمت و امانت است، نادیده می گیرید. اینها را می بایست به جای می آوردید و آنها را نیز فراموش نمی کردید. ۲۴ ای راهنمایان کور! شما پشه را صافی می کنید، اما شتر را فرو می بلعید! ۲۵ «وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما بیرون پیاله و بشقاب را پاک می کنید، اما درون آن مملو از طمع و ناپرهیزی است. ۲۶ ای فریسی کور، نخست درون پیاله و بشقاب را پاک کن که بیرونش نیز پاک خواهد شد. ۲۷ «وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما همچون گورهای هستید سفیدکاری شده که از بیرون زیبا به نظر می رسند، اما درون آنها پر است از استخوانهای مردگان و انواع نجاسات! ۲۸ به همین سان، شما نیز خود را به مردم پارسا می نمایید، اما در باطن مملو از ریاکاری و شرارتید.

۲۹ وَيَلُ لَكُمْ أَيُّهَا الْكَتَبَةُ وَالْفَرِيسِيُّونَ الْمُرَاؤُونَ! لَا تَكُمُ تَبْنُونَ قُبُورَ الْأَنْبِيَاءِ وَتُزَيِّنُونَ مَدَافِنَ الصِّدِّيقِينَ، ۳۰ وَتَقُولُونَ: لَوْ كُنَّا فِي أَيَّامِ آبَائِنَا لَمَا شَارَكْنَاهُمْ فِي دَمِ الْأَنْبِيَاءِ. ۳۱ فَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنَّكُمْ أَبْنَاءُ قَتْلَةِ الْأَنْبِيَاءِ. ۳۲ فَاْمَلَأُوا أَنْتُمْ مِكْيَالَ آبَائِكُمْ. ۳۳ أَيُّهَا الْحَيَّاتُ أَوْلَادَ الْأَفَاعِي! كَيْفَ تَهْرَبُونَ مِنْ دَيْنُونَةِ جَهَنَّمَ؟ ۳۴ لِذَلِكَ هَا أَنَا أُرْسِلُ إِلَيْكُمْ أَنْبِيَاءَ وَحُكَمَاءَ وَكُتَبَةً، فَمِنْهُمْ تَقْتُلُونَ وَتَصَلِبُونَ، وَمِنْهُمْ تَجْلِدُونَ فِي مَجَامِعِكُمْ، وَتَطْرُدُونَ مِنْ مَدِينَةٍ إِلَى مَدِينَةٍ، ۳۵ لِكَيْ يَأْتِيَ عَلَيْكُمْ كُلُّ دَمٍ زَكِيٍّ سَفِكَ عَلَى الْأَرْضِ، مِنْ دَمِ هَابِيلَ الصِّدِّيقِ إِلَى دَمِ زَكَرِيَّا بْنِ بَرَخِيَّا الَّذِي قَتَلْتُمُوهُ بَيْنَ الْهَيْكَلِ وَالْمَذْبَحِ. ۳۶ الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ هَذَا كُلَّهُ يَأْتِي عَلَى هَذَا الْجِيلِ!

۲۹ «وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما برای پیامبران مقبره می سازید و آرامگاه پارسایان را می آرایید ۳۰ و می گوید: "اگر در روزگار پدران خود بودیم، هرگز در کشتن پیامبران با ایشان شریک نمی شدیم." ۳۱ اما، بر ضد خود شهادت می دهید که فرزندان قاتلان پیامبرانید. ۳۲ حال که چنین است، پس آنچه را پدرانتان آغاز کردند، شما به کمال رسانید! ۳۳ ای ماران! ای افعی زادگان! چگونه از مجازات جهنم خواهید گریخت؟ ۳۴ چرا که من انبیا و حکیمان و علما نزد شما می فرستم و شما برخی را خواهید کشت و بر صلیب خواهید کشید، و برخی را در کنیسه های خود تازیانه خواهید زد و شهر به شهر تعقیب خواهید کرد. ۳۵ پس، همه خون پارسایان که بر زمین ریخته شده است، از خون هابیل پارسا گرفته تا خون زکریا بن برخیا، که او را بین محرابگاه و مذبح کشتید، بر گردن شما خواهد بود. ۳۶ به راستی به شما می گویم، همه اینها دامنگیر این نسل خواهد شد.

۳۷ «يا اورشليم، يا اورشليم! يا قاتلة الانبياء وراحمة المرسلين اليها، كم مرّة اردت ان اجمع اولادك كما تجتمع الدجاجة فراخها تحت جناحيها، ولم تريدوا! ۳۸ هودا يبتكم يترك لكم خرابا. ۳۹ لاني اقول لكم: انكم لا ترونني من الان حتى تقولوا: مبارك الاتي باسم الرب!».

۳۷ «ای اورشلیم، ای اورشلیم، ای قاتل پیامبران و سنگسار کننده رسولانی که نزد تو فرستاده می شوند! چند بار خواستم همچون مرغی که جوجه هایش را زیر بالهای خویش جمع می کند، فرزندان تو را گرد آورم، اما نخواستی! ۳۸ اینک خانه شما به خودتان ویران وا گذاشته می شود. ۳۹ زیرا به شما می گویم که از این پس مرا نخواهید دید تا روزی که بگویید: "مبارک است آن که به نام خداوند می آید."»

انجيل متى : الأصحاح الرابع والعشرون * ۱:۲۴-۵۱

۱ ثم خرج يسوع ومضى من الهيكل، فتقدم تلاميذه لكي يروه ابنية الهيكل. ۲ فقال لهم يسوع: «اما تنظرون جميع هذه؟ الحق اقول لكم: إنه لا يترك ههنا حجر على حجر لا ينفص!».

۱ هنگامی که عیسی معبد را ترک گفته، به راه خود می رفت، شاگردانش نزدش آمدند تا نظر او را به بناهای معبد جلب کنند. ۲ عیسی به آنان گفت: «همه اینها را می بینید؟ به راستی به شما می گویم، سنگی بر سنگ دیگر باقی نخواهد ماند، بلکه همه فرو خواهد ریخت.»

۳ وفيما هو جالس على جبل الزيتون، تقدم اليه التلاميذ على انفراد قائلين: «قل لنا متى يكون هذا؟ وما هي علامة مجيئك وانقضاء الدهر؟» ۴ فأجاب يسوع وقال لهم: «انظروا! لا يضلکم أحد. ۵ فإن كثيرين سيأتون باسمي قائلين: أنا هو المسيح! ويضلون كثيرين. ۶ وسوف سمعون بحروب وأخبار حروب. انظروا، لا ترتاعوا. لأنه لا بد أن تكون هذه كلها، ولكن ليس المنتهى بعد. ۷ لأنه تقوم أمة على أمة ومملكة على مملكة، وتكون مجاعات وأوبئة وزلازل في أماكن. ۸ ولكن هذه كلها مبتدأ الأوجاع. ۹ حينئذ يسلمونكم إلى ضيق ويقتلونكم، وتكونون مبغضين من جميع الأمم لأجل اسمي. ۱۰ وحينئذ يعثر كثيرون ويسلمون بعضهم بعضاً ويبغضون بعضهم بعضاً. ۱۱ ويقوم أنبياء كذبة كثيرون ويضلون كثيرين. ۱۲ ولكثرة الإنم تبرؤ محبة الكثيرين. ۱۳ ولكن الذي يصبر إلى المنتهى فهذا يخلص. ۱۴ ويكرز ببشارة هذه في كل المسكونة شهادة لجميع الأمم. ثم يأتي المنتهى».

۳ وقتی عیسی بر کوه زیتون نشسته بود، شاگردانش در خلوت نزد او آمده، گفتند: «به ما بگو این وقایع کی روی خواهد داد و نشانه آمدن تو و پایان این عصر چیست؟» ۴ عیسی پاسخ داد: «به هوش باشید تا کسی گمراهتان نکند. ۵ زیرا بسیاری به نام من خواهند آمد و خواهند گفت، "من مسیح هستم"، و بسیاری

را گمراه خواهند کرد. ۶ همچنین درباره جنگها خواهید شنید و خبر جنگها به گوشتان خواهد رسید. اما مشوش مشوید، زیرا چنین وقایعی می‌باید رخ دهد، ولی هنوز پایان فرا نرسیده. ۷ نیز قومی بر قوم دیگر و حکومتی بر حکومت دیگر بر خواهند خاست. و قحطیها و زلزله‌ها در جایهای گوناگون خواهد آمد. ۸ اما همه آنها تنها آغاز درد زایمان است. ۹ «در آن زمان شما را تسلیم خواهند کرد تا آزار بسیار بینید، و شما را خواهند کشت. همه قومیها به خاطر نام من از شما نفرت خواهند داشت. ۱۰ در آن روزها بسیاری از ایمان خود بازگشته، به یکدیگر خیانت خواهند کرد و از یکدیگر متنفر خواهند شد. ۱۱ پیامبران دروغین زیادی برخاسته، بسیاری را گمراه خواهند کرد. ۱۲ در نتیجه افزونی شرارت، محبت بسیاری به سردی خواهد گرایید. ۱۳ اما هر که تا به پایان پایدار بماند، نجات خواهد یافت. ۱۴ و این بشارت ملکوتی در سرتاسر جهان اعلام خواهد شد تا شهادتی برای همه قومیها باشد. آنگاه پایان فرا خواهد رسید.

۱۵ «فَمَتَى نَظَرُتُمْ «رِجْسَةَ الْخَرَابِ» الَّتِي قَالَتْ عَنْهَا دَانِيَالُ النَّبِيُّ قَائِمَةً فِي الْمَكَانِ الْمُقَدَّسِ (لِيَفْهَمِ الْقَارِئُ) ۱۶ فَحِينَئِذٍ لِيَهْرُبَ الَّذِينَ فِي الْيَهُودِيَّةِ إِلَى الْجِبَالِ، ۱۷ وَالَّذِي عَلَى السَّطْحِ فَلَا يَنْزِلْ لِيَأْخُذَ مِنْ بَيْتِهِ شَيْئًا، ۱۸ وَالَّذِي فِي الْحَقْلِ فَلَا يَرْجِعْ إِلَى وَرَائِهِ لِيَأْخُذَ ثِيَابَهُ. ۱۹ وَوَيْلٌ لِلْحَبَّالِ وَالْمُرْضِعَاتِ فِي تِلْكَ الْأَيَّامِ! ۲۰ وَصَلُّوا لَكُمْ لَا يَكُونَ هَرَبُكُمْ فِي شِتَاءٍ وَلَا فِي سَبْتٍ، ۲۱ لَأَنَّهُ يَكُونُ حِينَئِذٍ ضَيْقٌ عَظِيمٌ لَمْ يَكُنْ مِثْلُهُ مُنْذُ ابْتِدَاءِ الْعَالَمِ إِلَى الْآنَ وَلَنْ يَكُونَ. ۲۲ وَلَوْ لَمْ تُقْصَرْ تِلْكَ الْأَيَّامُ لَمْ يَخْلُصْ جَسَدٌ. وَلَكِنْ لِأَجْلِ الْمُخْتَارِينَ تُقْصَرُ تِلْكَ الْأَيَّامُ.

۱۵ «پس چون آنچه را که دانیال نبی 'مکروه ویرانگر' نامیده در مکان مقدس بر پا بینید.^۷ (خواننده دقت کند) ۱۶ آنگاه هر که در یهودیه باشد، به کوهها بگریزد؛ ۱۷ و هر که بر بام خانه باشد، برای برداشتن

^۷ اشاره عیسی (ع) به رویاهای صادقه‌ای است که از دانیال نبی (ع) درباره علائم ظهور بیان شده است، قسمت عمده این پیشگویی‌ها در مورد فساد دجال و خرابکاری‌های او در جهان بوجود می‌آید، چنان ایام مصیبتی خواهد بود که نظیر آن از زمانی که قومی به وجود آمد تا آن روز نبوده است. مخصوصا در ۷۰ هفته پایانی پس از زمان صدور فرمان مرمت و بازسازی اورشلیم. در کتاب دانیال، اصحاح ۹ آمده است: (۲۰) همچنان که من هنوز سخن می‌گفتم و دعا کرده، به گناه خود و به گناه قوم خویش اسرائیل اعتراف می‌کردم و التماس خود را برای کوه مقدس خدایم به درگاه بیهوش خدایم بیان می‌داشتم؛ ۲۱ آری، همچنان که هنوز در دعا سخن می‌گفتم، آن مرد، جبرائیل، که در آغاز در رؤیا دیده بودم، با پروازی تند به هنگام هدیه شامگاهی نزد من رسید. ۲۲ او مرا فهم بخشیده، با من سخن گفت و فرمود: «ای دانیال، اکنون بیرون آمده‌ام تا تو را بصیرت و فهم بخشم. ۲۳ در آغاز تمناهایت امر صادر گردید و من آمده‌ام تا تو را خبر دهم، زیرا که تو بسیار محبوبی. پس در این پیام تأمل کن و رؤیا را درک نما. ۲۴ «هفتاد هفته بر قوم و شهر مقدس تو مقرر گشته تا معصیت تکمیل و خطاها پایان پذیرد و کفاره گناه پرداخت گردد، تا اینکه عدالت ابدی آورده شود و رؤیا و نبوت مهر گردد و قدوس مقدسین مسح شود. ۲۵ بدان و آگاه باش که از زمان صدور فرمان مرمت و بازسازی اورشلیم تا آمدن مسیح رهبر، هفت «هفته» و شصت و دو «هفته» خواهد بود. و با وجود اوضاع بحرانی، اورشلیم با کوچه‌ها و حصارهایش بازسازی خواهد شد. ۲۶ پس از آن شصت و دو هفته، مسیح منقطع خواهد شد و لکن نه بجهت خویش بلکه رئیس آن قوم که

چیزی، فرود نیاید؛ ۱۸ و هر که در مزرعه باشد، برای برگرفتن قبای خود به خانه بازنگردد. ۱۹ وای بر زنان آبستن و مادران شیرده در آن روزها! ۲۰ دعا کنید که فرار شما در زمستان یا در روز شبات نباشد. ۲۱ زیرا در آن زمان چنان مصیبت عظیمی روی خواهد داد که ماندنش از آغاز جهان تا کنون روی نداده، و هرگز نیز روی نخواهد داد. ۲۲ اگر آن روزها کوتاه نمی‌شد، هیچ بشری جان سالم به در نمی‌برد. اما به خاطر برگزیدگان کوتاه خواهد شد.

۲۳ حِينَئِذٍ إِنْ قَالَ لَكُمْ أَحَدٌ: هُوَذَا الْمَسِيحُ هُنَا! أَوْ: هُنَاكَ! فَلَا تُصَدِّقُوا. ۲۴ لَأَنَّهُ سَيَقُومُ مُسَخَّاءُ كَذِبَةً وَأَنْبِيَاءُ كَذِبَةً وَيُعْطُونَ آيَاتٍ عَظِيمَةً وَعَجَائِبَ، حَتَّى يُضِلُّوا لَوْ أَمَكْنَ الْمُخْتَارِينَ أَيْضًا. ۲۵ هَا أَنَا قَدْ سَبَقْتُ وَأَخْبَرْتُكُمْ. ۲۶ فَإِنْ قَالُوا لَكُمْ: هَا هُوَ فِي الْبَرِّيَّةِ! فَلَا تَخْرُجُوا. هَا هُوَ فِي الْمَخَادِعِ! فَلَا تُصَدِّقُوا. ۲۷ لَأَنَّهُ كَمَا أَنَّ الْبَرْقَ يَخْرُجُ مِنَ الْمَشَارِقِ وَيَظْهَرُ إِلَى الْمَغَارِبِ، هَكَذَا يَكُونُ أَيْضًا مَجِيءُ ابْنِ الْإِنْسَانِ. ۲۸ لَأَنَّهُ حَيْثُمَا تَكُنِ الْجُبَّةُ، فَهُنَاكَ تَجْتَمِعُ النُّسُورُ. ۲۹ «وَلَوْلَوْتِ بَعْدَ ضَيْقٍ تِلْكَ الْأَيَّامِ تَظْلِمُ الشَّمْسُ، وَالْقَمَرُ لَا يُعْطِي ضَوْءَهُ، وَالنُّجُومُ تَسْقُطُ مِنَ السَّمَاءِ، وَقَوَاتُ السَّمَاوَاتِ تَتَزَعْزَعُ. ۳۰ وَحِينَئِذٍ تَظْهَرُ عَلَامَةُ ابْنِ الْإِنْسَانِ فِي السَّمَاءِ. وَحِينَئِذٍ تَنُوحُ جَمِيعُ قَبَائِلِ الْأَرْضِ، وَيُبْصِرُونَ ابْنَ الْإِنْسَانِ آتِيًا عَلَى سَحَابٍ بِقُوَّةٍ وَمَجْدٍ كَثِيرٍ. ۳۱ فَيُرْسِلُ مَلَائِكَتَهُ بِبُوقٍ عَظِيمٍ الصَّوْتِ، فَيَجْمَعُونَ مُخْتَارِيهِ مِنَ الْأَرْبَعِ الرِّيَاحِ، مِنْ أَقْصَاءِ السَّمَاوَاتِ إِلَى أَقْصَائِهَا.

۲۳ «در آن زمان، اگر کسی به شما گوید، "بینید، مسیح اینجا است!" یا "مسیح آنجاست!" باور نکنید. ۲۴ زیرا مسیحان کاذب و پیامبران دروغین برخاسته، آیات و معجزات عظیم به ظهور خواهند آورد تا اگر ممکن باشد، حتی برگزیدگان را گمراه کنند. ۲۵ بینید، پیشاپیش به شما گفتم. ۲۶ بنابراین اگر به شما بگویند، "او در بیابان است"، به آنجا نروید؛ و اگر بگویند، "در اندرونی خانه است"، باور نکنید. ۲۷ زیرا همچنانکه صاعقه در شرق آسمان پدید می‌آید و نورش تا به غرب می‌رسد، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود. ۲۸ هر جا لاشه‌ای باشد، لاشخوران در آنجا گرد می‌آیند. ۲۹ «بلافاصله، پس از مصیبت آن روزها» خورشید تاریک خواهد شد و ماه دیگر نور نخواهد افشاند؛ ستارگان از آسمان فرو خواهند ریخت، و نیروهای آسمان به لرزه در خواهند آمد. ۳۰ آنگاه نشانه پسر انسان در آسمان ظاهر خواهد شد و همه طوایف جهان بر سینه خود خواهند زد، و پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم بر ابرهای آسمان می‌آید. ۳۱ او فرشتگان خود را با نفیر بلند شیور خواهد فرستاد و آنها برگزیدگان او را از چهار گوشه جهان، از یک کران آسمان تا به کران دیگر، گرد هم خواهند آورد.

می‌آید، اورشلیم و قدس را خراب خواهد کرد. آخر الزمان مانند طوفان فرا خواهد رسید و جنگ و خرابیهای که مقرر شده، با خود خواهد آورد. ۲۷ آن رئیس با اشخاص بسیاری پیمان یک "هفته‌ای" خواهد بست، اما آنگاه که نصف این مدت بگذرد، مانع تقدیم قربانیها و هدایا خواهد شد. خرابکار بر بالهایی نجس می‌آید، ولی سرانجام آنچه برای او مقرر شده بر سرش خواهد آمد.» (دانیال ۹)

۳۲ فَمِنْ شَجَرَةِ التَّيْنِ تَعَلَّمُوا الْمَثَل: مَتَى صَارَ غُصْنُهَا رَخْصًا وَأُخْرِجَتْ أَوْرَاقُهَا، تَعْلَمُونَ أَنَّ الصَّيْفَ قَرِيبٌ.
 ۳۳ هَكَذَا أَنْتُمْ أَيْضًا، مَتَى رَأَيْتُمْ هَذَا كُلَّهُ فَاعْلَمُوا أَنَّهُ قَرِيبٌ عَلَى الْأَبْوَابِ. ۳۴ الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: لَا يَمْضِي
 هَذَا الْجِيلُ حَتَّى يَكُونَ هَذَا كُلُّهُ. ۳۵ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ تُزُولَانِ وَلَكِنَّ كَلَامِي لَا يَزُولُ. ۳۶ «وَأَمَّا ذَلِكَ الْيَوْمُ
 وَتِلْكَ السَّاعَةُ فَلَا يَعْلَمُ بِهِمَا أَحَدٌ، وَلَا مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ، إِلَّا أَبِي وَحْدَهُ. ۳۷ وَكَمَا كَانَتْ أَيَّامُ نُوحٍ كَذَلِكَ
 يَكُونُ أَيْضًا مَجِيءُ ابْنِ الْإِنْسَانِ. ۳۸ لَأَنَّهُ كَمَا كَانُوا فِي الْأَيَّامِ الَّتِي قَبْلَ الطُّوفَانِ يَأْكُلُونَ وَيَشْرَبُونَ وَيَتَزَوَّجُونَ
 وَيُزَوَّجُونَ، إِلَى الْيَوْمِ الَّذِي دَخَلَ فِيهِ نُوحٌ الْفُلَّكُ، وَلَمْ يَعْلَمُوا حَتَّى جَاءَ الطُّوفَانُ وَأَخَذَ الْجَمِيعَ، كَذَلِكَ
 يَكُونُ أَيْضًا مَجِيءُ ابْنِ الْإِنْسَانِ. ۴۰ حِينَئِذٍ يَكُونُ اثْنَانِ فِي الْحَقْلِ، يُؤْخَذُ الْوَاحِدُ وَيُتْرَكُ الْآخَرُ. ۴۱ اِثْنَانِ
 تَطْحَنَانِ عَلَى الرَّحَى، تُؤْخَذُ الْوَاحِدَةُ وَتُتْرَكُ الْآخَرَى. ۴۲ «إِسْهَرُوا إِذَا لَأَنْكُمْ لَا تَعْلَمُونَ فِي أَيَّةِ سَاعَةٍ يَأْتِي
 رَبُّكُمْ. ۴۳ وَاعْلَمُوا هَذَا: أَنَّهُ لَوْ عَرَفَ رَبُّ الْبَيْتِ فِي أَيِّ هَزِيعٍ يَأْتِي السَّارِقُ، لَسَهَرَ وَلَمْ يَدَعْ بَيْتَهُ يُنْقَبُ. ۴۴
 لِذَلِكَ كُونُوا أَنْتُمْ أَيْضًا مُسْتَعِدِّينَ، لَأَنَّهُ فِي سَاعَةٍ لَا تَطُنُّونَ يَأْتِي ابْنُ الْإِنْسَانِ.

۳۲ «حال، از درخت انجیر این درس را فرا گیرید: به محض اینکه شاخه‌های آن جوانه زده برگ
 می‌دهد، درمی‌یابید که تابستان نزدیک است. ۳۳ به همین سان، هر گاه این چیزها را ببینید، درمی‌یابید که
 او نزدیک، بلکه بر در است. ۳۴ به راستی به شما می‌گویم، تا این همه روی ندهد، این نسل از میان نخواهد
 رفت. ۳۵ آسمان و زمین زایل خواهد شد، اما سخنان من هرگز زوال نخواهد پذیرفت. ۳۶ «هیچ کس آن
 روز و ساعت را نمی‌داند جز پدر؛ حتی فرشتگان آسمان و پسر نیز از آن آگاه نیستند. ۳۷ زمان ظهور پسر
 انسان مانند روزگار نوح خواهد بود. ۳۸ در روزهای پیش از توفان، قبل از اینکه نوح به کشتی درآید،
 مردم می‌خوردند و می‌نوشیدند و زن می‌گرفتند و شوهر می‌کردند ۳۹ و نمی‌دانستند چه در پیش است. تا
 اینکه توفان آمد و همه را با خود برد. ظهور پسر انسان نیز همین گونه خواهد بود. ۴۰ از دو مرد که در
 مزرعه هستند، یکی برگرفته و دیگری واگذاشته خواهد شد. ۴۱ و از دو زن که با هم دستاس می‌کنند،
 یکی برگرفته و دیگری واگذاشته خواهد شد. ۴۲ پس بیدار باشید، زیرا نمی‌دانید سرور شما چه روزی
 خواهد آمد. ۴۳ این را بدانید که اگر صاحبخانه می‌دانست دزد در چه پاسی از شب می‌آید، بیدار می‌ماند
 و نمی‌گذاشت به خانه‌اش دستبرد زنند. ۴۴ پس شما نیز آماده باشید، زیرا پسر انسان در ساعتی خواهد آمد
 که انتظارش را ندارید.

۴۵ فَمَنْ هُوَ الْعَبْدُ الْأَمِينُ الَّذِي أَقَامَهُ سَيِّدُهُ عَلَى خَدَمِهِ لِيُعْطِيَهُمُ الطَّعَامَ فِي حِينِهِ؟ ۴۶ طُوبَى لِذَلِكَ
 الْعَبْدِ الَّذِي إِذَا جَاءَ سَيِّدُهُ يَجِدُهُ يَفْعَلُ هَكَذَا! ۴۷ الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّهُ يُقِيمُهُ عَلَى جَمِيعِ أَمْوَالِهِ. ۴۸ وَلَكِنْ إِنْ
 قَالَ ذَلِكَ الْعَبْدُ الرَّدِيُّ فِي قَلْبِهِ: سَيِّدِي يُبْطِئُ قُدُومَهُ. ۴۹ فَيَبْتَدِئُ يَضْرِبُ الْعَبِيدَ رُقَقَاءَ وَيَأْكُلُ وَيَشْرَبُ مَعَ

السَّكَارَى. ۵۰ يَأْتِي سَيِّدُ ذَلِكَ الْعَبْدِ فِي يَوْمٍ لَا يَنْتَظِرُهُ وَفِي سَاعَةٍ لَا يَعْرِفُهَا، ۵۱ فَيَقْطَعُهَا وَيَجْعَلُ نَصِيبَهُ مَعَ الْمُرَائِينَ. هُنَاكَ يَكُونُ الْبُكَاءُ وَصَرِيرُ الْأَسْنَانِ.

۴۵ «پس آن غلام امین و دانا کیست که اربابش او را به سرپرستی خانواده خود گماشته باشد تا خوراک آنان را به موقع بدهد؟ ۴۶ خوشا به حال آن غلام که چون اربابش بازگردد، او را مشغول این کار ببیند. ۴۷ به راستی به شما می گویم، که او را بر همه مایملک خود خواهد گماشت. ۴۸ اما اگر آن غلام، شریر باشد و با خود بیندیشد که "اربام تأخیر کرده است"، ۴۹ و به آزار همکاران خود پردازد و با میگساران مشغول خوردن و نوشیدن شود، ۵۰ آنگاه اربابش در روزی که انتظار ندارد و در ساعتی که از آن آگاه نیست خواهد آمد ۵۱ و او را از میان دو پاره کرده، در جایگاه ریاکاران خواهد افکند، جایی که گریه و دندان به دندان ساییدن خواهد بود.

انجیل متی: الأصْحاحُ الْخَامِسُ وَالْعِشْرُونَ * ۲۵:۱-۴۶

۱ «جَينِيزُ يُشْبِهُ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ عَشْرَ عَذَارَى، أَخَذْنَ مَصَابِيحَهُنَّ وَخَرَجْنَ لِلِقَاءِ الْعَرِيسِ. ۲ وَكَانَ خَمْسٌ مِنْهُنَّ حَكِيمَاتٍ، وَخَمْسٌ جَاهِلَاتٍ. ۳ أَمَّا الْجَاهِلَاتُ فَأَخَذْنَ مَصَابِيحَهُنَّ وَلَمْ يَأْخُذْنَ مَعَهُنَّ زَيْتًا، ۴ وَأَمَّا الْحَكِيمَاتُ فَأَخَذْنَ زَيْتًا فِي أَنْبِئِهِنَّ مَعَ مَصَابِيحِهِنَّ. ۵ وَفِيمَا أَبْطَأَ الْعَرِيسُ نَعَسْنَ جَمِيعُهُنَّ وَتَمَنَّ. ۶ فَفِي نِصْفِ اللَّيْلِ صَارَ صُرَاخٌ: هُوَذَا الْعَرِيسُ مُقْبِلٌ، فَأَخْرُجْنَ لِلِقَائِهِ! ۷ فَقَامَتُ جَمِيعُ أَوْلِيكَ الْعَذَارَى وَأَصْلَحْنَ مَصَابِيحَهُنَّ. ۸ فَقَالَتِ الْجَاهِلَاتُ لِلْحَكِيمَاتِ: أَعْطِينَا مِنْ زَيْتِكُنَّ فَإِنَّ مَصَابِيحَنَا تَنْطَفِئُ. ۹ فَأَجَابَتِ الْحَكِيمَاتُ قَائِلَاتٍ: لَعَلَّهُ لَا يَكْفِي لَنَا وَلَكُنَّ، بَلِ ادْهَبْنَ إِلَى الْبَاعَةِ وَابْتَغْنَ لَكُنَّ. ۱۰ وَفِيمَا هُنَّ ذَاهِبَاتٌ لِيَبْتَغْنَ جَاءَ الْعَرِيسُ، وَالْمُسْتَعِدَّاتُ دَخَلْنَ مَعَهُ إِلَى الْعُرْسِ، وَأَغْلَقَ الْبَابُ. ۱۱ أَخِيرًا جَاءَتْ بَقِيَّةُ الْعَذَارَى أَيْضًا قَائِلَاتٍ: يَا سَيِّدُ، يَا سَيِّدُ، افْتَحْ لَنَا! ۱۲ فَأَجَابَ وَقَالَ: الْحَقُّ أَقُولُ لَكُنَّ: إِنِّي مَا أَعْرِفُكُمْ. ۱۳ فَاسْهَرُوا إِذَا لَا نَأْتِيكُمْ لَا تَعْرِفُونَ الْيَوْمَ وَلَا السَّاعَةَ الَّتِي يَأْتِي فِيهَا ابْنُ الْإِنْسَانِ.

۱ «در آن روز، پادشاهی آسمان همچون ده باکره خواهد بود که چراغهای خود را برداشته، به استقبال داماد بیرون رفتند. ۲ پنج تن از آنان دانا و پنج تن دیگر نادان بودند. ۳ باکره های نادان چراغهای خود را برداشتند، اما روغن با خود نبردند. ۴ ولی دانایان، با چراغهای خود ظرفهای پر از روغن نیز بردند. ۵ چون آمدن داماد به درازا کشید، چشمان همه سنگین شده، به خواب رفتند. ۶ در نیمه های شب، صدای بلندی به گوش رسید که می گفت: "داماد می آید! به پیشواز او بروید!" ۷ آنگاه همه باکره ها بیدار شدند و چراغهای خود را آماده کردند. ۸ نادانان به دانایان گفتند: "قدری از روغن خود به ما بدهید، چون

چراغهای ما رو به خاموشی است.“ ۹ اما دانایان پاسخ دادند: ”نخواهیم داد، زیرا روغن برای همه ما کافی نخواهد بود. بروید و از فروشندگان برای خود بخرید.“ ۱۰ اما هنگامی که آنان برای خرید روغن رفته بودند، داماد سر رسید و باکره‌هایی که آماده بودند، با او به ضیافت عروسی درآمدند و در بسته شد. ۱۱ پس از آن، باکره‌های دیگر نیز رسیدند و گفتند: ”سرور ما، سرور ما، در بر ما بگشا!“ ۱۲ اما او به آنها گفت: ”به‌راستی به شما می‌گویم، من شما را نمی‌شناسم.“ ۱۳ پس بیدار باشید، چون از آن روز و ساعت خبر ندارید.

۱۴ «وَكَاثِمًا إِنْسَانُ مُسَافِرٌ دَعَا عَبِيدَهُ وَسَلَّمَهُمْ أَمْوَالَهُ، ۱۵ فَأَعْطَى وَاحِدًا خَمْسَ وَزَنَاتٍ، وَآخَرَ وَزَنَتَيْنِ، وَآخَرَ وَزَنَةً. كُلٌّ وَاحِدٍ عَلَى قَدْرِ طَاقَتِهِ. وَسَافَرُ لِلْوَقْتِ. ۱۶ فَمَضَى الَّذِي أَخَذَ الْخَمْسَ وَزَنَاتٍ وَتَاجَرَ بِهَا، فَرَبِحَ خَمْسَ وَزَنَاتٍ أُخَرَ. ۱۷ وَهَكَذَا الَّذِي أَخَذَ الْوَزَنَتَيْنِ، رَبِحَ أَيْضًا وَزَنَتَيْنِ أُخَرَيْنِ. ۱۸ وَأَمَّا الَّذِي أَخَذَ الْوَزَنَةَ فَمَضَى وَخَفَرَ فِي الْأَرْضِ وَأَخْفَى فَضَّةَ سَيِّدِهِ. ۱۹ وَبَعْدَ زَمَانٍ طَوِيلٍ أَتَى سَيِّدُ أُولَئِكَ الْعَبِيدِ وَخَاسِبَهُمْ. ۲۰ فَجَاءَ الَّذِي أَخَذَ الْخَمْسَ وَزَنَاتٍ وَقَدَّمَ خَمْسَ وَزَنَاتٍ أُخَرَ قَائِلًا: يَا سَيِّدُ، خَمْسَ وَزَنَاتٍ سَلَّمْتَنِي. هُوَذَا خَمْسُ وَزَنَاتٍ أُخَرَ رِبْحْتُهَا فَوْقَهَا. ۲۱ فَقَالَ لَهُ سَيِّدُهُ: نِعْمًا أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ وَالْأَمِينُ! كُنْتَ أَمِينًا فِي الْقَلِيلِ فَأُقِيمُكَ عَلَى الْكَثِيرِ. أُدْخِلْ إِلَى فَرْحِ سَيِّدِكَ. ۲۲ ثُمَّ جَاءَ الَّذِي أَخَذَ الْوَزَنَتَيْنِ وَقَالَ: يَا سَيِّدُ، وَزَنَتَيْنِ سَلَّمْتَنِي. هُوَذَا وَزَنَتَانِ أُخَرَتَانِ رِبْحْتُهُمَا فَوْقَهُمَا. ۲۳ قَالَ لَهُ سَيِّدُهُ: نِعْمًا أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْأَمِينُ! كُنْتَ أَمِينًا فِي الْقَلِيلِ فَأُقِيمُكَ عَلَى الْكَثِيرِ. أُدْخِلْ إِلَى فَرْحِ سَيِّدِكَ. ۲۴ ثُمَّ جَاءَ أَيْضًا الَّذِي أَخَذَ الْوَزَنَةَ الْوَاحِدَةَ وَقَالَ: يَا سَيِّدُ، عَرَفْتُ أَنَّكَ إِنْسَانٌ قَاسٍ، تَحْصُدُ حَيْثُ لَمْ تَزْرَعْ، وَتَجْمَعُ مِنْ حَيْثُ لَمْ تَبْذُرْ. ۲۵ فَخِفْتُ وَمَضَيْتُ وَأَخْفَيْتُ وَزَنَتَكَ فِي الْأَرْضِ. هُوَذَا الَّذِي لَكَ. ۲۶ فَاجَابَ سَيِّدُهُ وَقَالَ لَهُ: أَيُّهَا الْعَبْدُ الشَّرِيرُ وَالْكَسَلَانُ، عَرَفْتُ أَنِّي أَحْصُدُ حَيْثُ لَمْ أَزْرَعْ، وَأَجْمَعُ مِنْ حَيْثُ لَمْ أَبْذُرْ، ۲۷ فَكَانَ يَنْبَغِي أَنْ تَضَعَ فِضَّتِي عِنْدَ الصَّيَّارِفَةِ، فَعِنْدَ مَجِيئِي كُنْتُ أَخْذُ الَّذِي لِي مَعَ رَبًّا. ۲۸ فَخُذُوا مِنْهُ الْوَزَنَةَ وَأَعْطُوهَا لِلَّذِي لَهُ الْعَشْرُ وَزَنَاتٍ. ۲۹ لِأَنَّ كُلَّ مَنْ لَهُ يُعْطَى فَيَزِدُّهُ، وَمَنْ لَيْسَ لَهُ فَالَّذِي عِنْدَهُ يُؤْخَذُ مِنْهُ. ۳۰ وَالْعَبْدُ الْبَطَالُ اطْرَحُوهُ إِلَى الظُّلْمَةِ الْخَارِجِيَّةِ، هُنَاكَ يَكُونُ الْبُكَاءُ وَصَرِيرُ الْأَسْنَانِ.

۱۴ «همچنین پادشاهی آسمان مانند مردی خواهد بود که قصد سفر داشت. او خادمان خود را فرا خواند و اموال خویش به آنان سپرد؛ ۱۵ به فراخور قابلیت هر خادم، به یکی پنج قنطار داد، به یکی دو و به دیگری یک قنطار. آنگاه راهی سفر شد. ۱۶ مردی که پنج قنطار گرفته بود، بی‌درنگ با آن به تجارت پرداخت و پنج قنطار دیگر سود کرد. ۱۷ بر همین منوال، آن که دو قنطار داشت، دو قنطار دیگر نیز به دست آورد. ۱۸ اما آن که یک قنطار گرفته بود، رفت و زمین را کند و پول ارباب خود را پنهان کرد. ۱۹ «پس از زمانی دراز، ارباب آن خادمان بازگشت و از آنان حساب خواست. ۲۰ مردی که پنج قنطار دریافت کرده بود، پنج قنطار دیگر را نیز با خود آورد و گفت: ”سرور، به من پنج قنطار سپردی، این هم پنج قنطار

ديگر که سود کرده‌ام. ۲۱ سرورش پاسخ داد: "آفرین، ای خادم نیکو و امین! در چیزهای کم امین بودی، پس تو را بر چیزهای بسیار خواهم گماشت. بیا و در شادی ارباب خود شریک شو!" ۲۲ خادمی که دو قطار گرفته بود نیز پیش آمد و گفت: "به من دو قطار سپردی، این هم دو قطار دیگر که سود کرده‌ام." ۲۳ سرورش پاسخ داد: "آفرین، ای خادم نیکو و امین! در چیزهای کم امین بودی، پس تو را بر چیزهای بسیار خواهم گماشت. بیا و در شادی ارباب خود شریک شو!" ۲۴ آنگاه خادمی که یک قطار گرفته بود، نزدیک آمد و گفت: "چون می‌دانستم مردی تندخو هستی، از جایی که نکاشته‌ای می‌دروی و از جایی که نپاشیده‌ای جمع می‌کنی، ۲۵ پس ترسیدم و پول تو را در زمین پنهان کردم. این هم پول تو!" ۲۶ اما سرورش پاسخ داد: "ای خادم بدکاره و تنبل! تو که می‌دانستی از جایی که نکاشته‌ام، می‌دروم و از جایی که نپاشیده‌ام، جمع می‌کنم، ۲۷ پس چرا پول مرا به صرافان ندادی تا چون از سفر بازگردم آن را با سود پس گیرم؟ ۲۸ آن قطار را از او بگیرد و به آن که ده قطار دارد بدهید. ۲۹ زیرا به هر که دارد، بیشتر داده خواهد شد تا به فراوانی داشته باشد؛ اما آن که ندارد، همان که دارد نیز از او گرفته خواهد شد. ۳۰ این خادم بی‌فایده را به تاریکی بیرون افکنید، جایی که گریه و دندان بر هم ساییدن خواهد بود."

۳۱ «وَمَتَى جَاءَ ابْنُ الْإِنْسَانِ فِي مَجْدِهِ وَجَمِيعُ الْمَلَائِكَةِ الْقُدِّيسِينَ مَعَهُ، فَحِينَئِذٍ يَجْلِسُ عَلَى كُرْسِيِّ مَجْدِهِ. ۳۲ وَيَجْتَمِعُ أَمَامَهُ جَمِيعُ الشُّعُوبِ، فَيُمَيِّزُ بَعْضَهُمْ مِنْ بَعْضٍ كَمَا يُمَيِّزُ الرَّاعِي الْخِرَافَ مِنَ الْجِدَاءِ، ۳۳ فَيَقِيمُ الْخِرَافَ عَنْ يَمِينِهِ وَالْجِدَاءَ عَنْ الْيَسَارِ. ۳۴ ثُمَّ يَقُولُ الْمَلِكُ لِلَّذِينَ عَنْ يَمِينِهِ: تَعَالَوْا يَا مُبَارَكِي أَبِي، رَثُوا الْمُلْكُوتَ الْمَعَدَّ لَكُمْ مُنْذُ تَأْسِيسِ الْعَالَمِ. ۳۵ لِأَنِّي جُعْتُ فَاطْعَمْتُ مُوْنِي. عَطِشْتُ فَسَقَيْتُمُونِي. كُنْتُ غَرِيبًا فَأَوْثَقْتُمُونِي. ۳۶ غُرِيانًا فَكَسَوْتُمُونِي. مَرِيضًا فَزَرْتُمُونِي. مَحْبُوسًا فَأَتَيْتُمُ إِلَيَّ. ۳۷ فَيَجِيبُهُ الْأَبْرَارُ حِينَئِذٍ قَائِلِينَ: يَا رَبُّ، مَتَى رَأَيْنَاكَ جَائِعًا فَأَطْعَمْنَاكَ، أَوْ عَطِشْنَا فَسَقَيْنَاكَ؟ ۳۸ وَمَتَى رَأَيْنَاكَ غَرِيبًا فَأَوْثَقْنَاكَ، أَوْ غُرِيانًا فَكَسَوْنَاكَ؟ ۳۹ وَمَتَى رَأَيْنَاكَ مَرِيضًا أَوْ مَحْبُوسًا فَأَتَيْنَا إِلَيْكَ؟ ۴۰ فَيَجِيبُ الْمَلِكُ وَيَقُولُ لَهُمْ: الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: بِمَا أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ بِأَخِي هَؤُلَاءِ الْأَصَاغِرِ، فَبِي فَعَلْتُمْ. ۴۱ «ثُمَّ يَقُولُ أَيْضًا لِلَّذِينَ عَنْ الْيَسَارِ: اذْهَبُوا عَنِّي يَا مَلَاعِينُ إِلَى النَّارِ الْأَبَدِيَّةِ الْمَعْدَّةِ لِلْإِثْلِسِ وَمَلَائِكَتِهِ، ۴۲ لِأَنِّي جُعْتُ فَلَمْ تُطْعِمُونِي. عَطِشْتُ فَلَمْ تَسْقُونِي. ۴۳ كُنْتُ غَرِيبًا فَلَمْ تَأْوُونِي. غُرِيانًا فَلَمْ تَكْسُونِي. مَرِيضًا وَمَحْبُوسًا فَلَمْ تَزُرُونِي. ۴۴ حِينَئِذٍ يُجِيبُونَهُ هُمْ أَيْضًا قَائِلِينَ: يَا رَبُّ، مَتَى رَأَيْنَاكَ جَائِعًا أَوْ عَطِشْنَا أَوْ غَرِيبًا أَوْ غُرِيانًا أَوْ مَرِيضًا أَوْ مَحْبُوسًا وَلَمْ نَخْدِمَكَ؟ ۴۵ فَيَجِيبُهُمْ قَائِلًا: الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: بِمَا أَنْتُمْ لَمْ تَفْعَلُوهُ بِأَخِي هَؤُلَاءِ الْأَصَاغِرِ، فَبِي لَمْ تَفْعَلُوا. ۴۶ فَيَمْضِي هَؤُلَاءِ إِلَى عَذَابٍ أَبَدِيٍّ وَالْأَبْرَارُ إِلَى حَيَاةٍ أَبَدِيَّةٍ».

۳۱ «هنگامی که پسر انسان با شکوه و جلال خود به همراه همه فرشتگان بیاید، بر تخت پرشکوه خود خواهد نشست ۳۲ و همه قومها در برابر او حاضر خواهند شد و او همچون شبانی که گوسفندها را از بزها

جدا می‌کند، مردمان را به دو گروه تقسیم خواهد کرد؛ ۳۳ گوسفندان را در سمت راست و بزها را در سمت چپ خود قرار خواهد داد. ۳۴ سپس به آنان که در سمت راست او هستند خواهد گفت: "بیایید، ای برکت یافتگان از پدر من، و پادشاهی‌ای را به میراث یابید که از آغاز جهان برای شما آماده شده بود. ۳۵ زیرا گرسنه بودم، به من خوراک دادید؛ تشنه بودم، به من آب دادید؛ غریب بودم، به من جا دادید. ۳۶ عریان بودم، مرا پوشانیدید؛ مریض بودم، عیادتم کردید؛ در زندان بودم، به دیدارم آمدید." ۳۷ آنگاه پارسایان پاسخ خواهند داد: "سرور ما، کی تو را گرسنه دیدیم و به تو خوراک دادیم، یا تشنه دیدیم و به تو آب دادیم؟ ۳۸ کی تو را غریب دیدیم و به تو جا دادیم و یا عریان، و تو را پوشانیدیم؟ ۳۹ کی تو را مریض و یا در زندان دیدیم و به دیدارت آمدیم؟" ۴۰ پادشاه در پاسخ خواهد گفت: "به‌راستی به شما می‌گویم، آنچه برای یکی از کوچکترین برادران من کردید، در واقع برای من کردید." ۴۱ آنگاه به آنان که در سمت چپ او هستند خواهد گفت: "ای ملعونان، از من دور شوید و به آتش جاودانی روید که برای ابلیس و فرشتگان او آماده شده است، ۴۲ زیرا گرسنه بودم، خوراکم ندادید؛ تشنه بودم، آبم ندادید؛ ۴۳ غریب بودم، جایم ندادید؛ عریان بودم، مرا نپوشانیدید؛ مریض و زندانی بودم، به دیدارم نیامدید." ۴۴ آنان پاسخ خواهند داد: "سرور ما، کی تو را گرسنه و تشنه و غریب و عریان و مریض و در زندان دیدیم و خدمت نکردیم؟" ۴۵ در جواب خواهد گفت: "به‌راستی به شما می‌گویم، آنچه برای یکی از این کوچکترینها نکردید، در واقع برای من نکردید." ۴۶ پس آنان به مجازات جاودان داخل خواهند شد، اما پارسایان به حیات جاودان.»

انجیل متی: الأصحاح السادس والعشرون * ۲۶:۱-۷۵

۱ وَلَمَّا اكْمَلَ يَسُوعُ هَذِهِ الْأَقْوَالَ كُلَّهَا قَالَ لِتَلَامِيذِهِ: ۲ «تَعَلَّمُونَ أَنَّهُ بَعْدَ يَوْمَيْنِ يَكُونُ الْفِصْحُ، وَابْنُ الْإِنْسَانِ يُسَلَّمُ لِيُصَلَّبَ». ۳ حِينَئِذٍ اجْتَمَعَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةُ وَشُيُوخُ الشَّعْبِ إِلَى دَارِ رَئِيسِ الْكَهَنَةِ الَّذِي يُدْعَى قَيْافَا، ۴ وَتَشَاوَرُوا لِكَيْ يُمَسِكُوا يَسُوعَ بِمَكْرٍ وَيَقْتُلُوهُ. ۵ وَلَكِنَّهُمْ قَالُوا: «لَيْسَ فِي الْعِيدِ لِئَلَّا يَكُونَ شَعْبٌ فِي الشَّعْبِ». ۶ وَفِيمَا كَانَ يَسُوعُ فِي بَيْتٍ عَنِيَا فِي بَيْتِ سَمْعَانَ الْأَبْرَصِ، ۷ تَقَدَّمتْ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ مَعَهَا قَارُورَةٌ طِيبٍ كَثِيرٍ الثَّمَنِ، فَسَكَبَتْهُ عَلَى رَأْسِهِ وَهُوَ مُتَّكِئٌ. ۸ فَلَمَّا رَأَى تَلَامِيذُهُ ذَلِكَ اغْتَاظُوا قَائِلِينَ: «لِمَاذَا هَذَا الْإِتْلَافُ؟ ۹ لَأَنَّهُ كَانَ يُمَكِّنُ أَنْ يُبَاعَ هَذَا الطِّيبُ بِكَثِيرٍ وَيُعْطَى لِلْفُقَرَاءِ». ۱۰ فَعَلِمَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهُمْ: «لِمَاذَا تُزْعِجُونَ الْمَرْأَةَ؟ فَإِنَّهَا قَدْ عَمَلَتْ بِي عَمَلًا حَسَنًا! ۱۱ لِأَنَّ الْفُقَرَاءَ مَعَكُمْ فِي كُلِّ حِينٍ، وَأَمَّا أَنَا فَلَسْتُ مَعَكُمْ فِي كُلِّ حِينٍ. ۱۲ فَإِنَّهَا إِذْ سَكَبَتْ هَذَا الطِّيبَ عَلَى جَسَدِي إِنَّمَا فَعَلَتْ ذَلِكَ لِأَجْلِ تَكْفِينِي. ۱۳ الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: حَيْثُمَا يُكْرَزُ بِهَذَا الْإِنْجِيلِ فِي كُلِّ الْعَالَمِ، يُخْبَرُ أَيْضًا بِمَا فَعَلْتُمْ هَذِهِ تَذْكَارًا لَهَا».

۱ چون عیسی همه این سخنان را به پایان رسانید، به شاگردان خود گفت: ۲ «می دانید که دو روز دیگر، عید پَسَح فرا می رسد و پسر انسان را تسلیم خواهند کرد تا بر صلیب شود.»^۸ ۳ پس سران کاهنان و مشایخ

^۸ پَسَح (به عبری: פסח) (به عربی: عيد الفصح) هم چنین معروف به فطیر: یکی از سه عید بزرگ یهودیان که در نیمه ماه نisan در تقویم عبری که در نیمکره شمالی در بهار است، آغاز شده و به مدت یک هفته یا هشت روز ادامه می یابد. ۱۴ نisan - روزه نخست زاده - و ۱۵ تا ۲۱ نisan - عید پَسَح - که از جمله مهمترین آئین های آن قربانی است.

واژه «پَسَح» از کلمه ای به معنی «عبور» در زبان عبری گرفته شده است. در عهد قدیم سفر خروج اصحاب ۱۲ چنین آمده است: (۲۱) آنگاه موسی همه مشایخ اسرائیل را گرد آورد و گفت: «بروید و برهه ای برای خود، بر حسب خانواده های خود بگیرید و پَسَح را ذبح نمایید. ۲۲ دسته ای از گیاه زوفا گرفته، در خونی که در تشت است فرو برید و بر سر در و دو تیر عمودی در خانه های خود بمالید. هیچ یک از شما تا صبح از در خانه خود بیرون نرود. ۲۳ هنگامی که خداوند می گذرد تا مصریان را هلاک کند، خونی را که بر سر در و دو تیر عمودی در است خواهد دید و از در آن خانه خواهد گذشت، و اجازه نخواهد داد که هلاک کننده به خانه هایتان در آید و شما را بزند. ۲۴ بر شماست که این آیین را به عنوان فریضه ای برای خود و فرزندانان تا به ابد نگاه دارید. ۲۵ چون وارد سرزمینی شدید که خداوند آن را به شما وعده داده است، این عبادت را به جا آورید. ۲۶ اگر فرزندانان از شما پرسند که، «معنای این عبادت شما چیست؟» ۲۷ بگویید: «این قربانی پَسَح برای خداوند است که در مصر از خانه های بنی اسرائیل حفاظت کرد، آنگاه که مصریان را زد ولی خانه های ما را رهایی بخشید.» آنگاه قوم خم شده، سجده کردند. ۲۸ بنی اسرائیل هر آنچه را خداوند به موسی و هارون فرمان داده بود، به تمامی به جا آوردند.)

با تفکر در عهد جدید (انجیل) متوجه می شویم که رابطه ای بین مصلوب و این عید باستانی و قربانی آن وجود دارد؛ برای روشن تر شدن این رابطه بیان چند گزاره و ارتباط آن با آنکه به صلیب کشیده شد لازم است:

- ۱- بره شما باید بی عیب باشد و نرینه یک ساله. از گوسفندان یا بزها آن را بگیرید: (خروج ۱۲:۵)
- مصلوب نیز یک مرد بود که بی گناه، ساکت و آرام، همچون گوسفند قربانی شد.
- ۲- تا روز چهاردهم از آن نگهداری کنید، و هنگام عصر تمام جماعت اسرائیل بره های خود را ذبح کنند: (خروج ۱۲:۶)
- مصلوب نیز در عصر روز جمعه حزن و اندوه که با ۱۳ مصادف بود، قربانی شد.
- ۳- آنگاه مقداری از خون را گرفته، آن را بر دو تیر عمودی و بر سر در خانه هایی که در آن به خوردن آنها مشغولند، بمالند: (خروج ۱۲:۷) آن خون نشانه ای خواهد بود برای شما بر خانه هایی که در آن به سر می برید: خون را که ببینم از شما خواهم گذشت، و آنگاه که مصر را بزنم، کوچکترین بلایی بر شما نخواهد آمد: (خروج ۱۲:۱۳)
- مصلوب نیز بر چوب قربانی شد و هنگامی که مردم بخواهند خود را از شر حسد دور کنند به چوب می زنند.
- ۴- قربانی پَسَح برای رهایی بنی اسرائیل مخصوصا نخست زادگان شان از هلاکت بود: (خروج ۱۲:۲۹)
- مصلوب نیز مهدی اول و اولین مومنان در وصیت رسول خدا (ص) بود که قربانی شد، تا همواره کفاره گناهان و آشکار کننده امر امام مهدی (ع) باشد.

۵- حتی یک استخوان از قربانی پَسَح نیز نباید شکسته می شود: (خروج ۱۲:۴۶)

مصلوب نیز قربانی شد در حالی که هیچ استخوانی از او شکسته نشد.

۶- در بین بنی اسرائیل رسم بود وقتی که کاهن اعظم بره پَسَح را قربانی می کرد، می گفت: "تمام شد".

مصلوب نیز وقتی که زندگی اش را بر صلیب داد، گفت: "تمام شد".

قوم در کاخ کاهن اعظم که قیافا نام داشت، گرد آمدند ۴ و شور کردند که چگونه با حيله، عیسی را دستگیر کنند و به قتل رسانند. ۵ ولی می گفتند: «نه در ایام عید، مبادا مردم شورش کنند.» ۶ در آن هنگام که عیسی در بیت عنیا در خانه شمعون جذامی بود، ۷ زنی با ظرفی مرمرین از عطر بسیار گرانها نزد او آمد و هنگامی که عیسی بر سر سفره نشسته بود، عطر را بر سر او ریخت. ۸ شاگردان چون این را دیدند به خشم آمده، گفتند: ۹ «این اسراف برای چیست؟ این عطر را می شد به بهایی گران فروخت و بهایش را به فقرا داد.» ۱۰ عیسی متوجه شده، گفت: «چرا این زن را می رنجانید؟ او کاری نیکو در حق من کرده است. ۱۱ فقیران را همیشه با خود دارید، اما مرا همیشه نخواهید داشت. ۱۲ این زن با ریختن این عطر بر بدن من، در واقع مرا برای تدفین آماده کرده است. ۱۳ براستی به شما می گویم، در تمام جهان، هر جا که این انجیل موعظه شود، کار این زن نیز به یاد او بازگو خواهد شد.»

۱۴ جِينِيذْ ذَهَبَ وَاحِدٌ مِنَ الْاِثْنَيْ عَشَرَ، الَّذِي يُدْعَى يَهُودَا الْإِسْخَرْيُوطِيَّ، إِلَى رُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ ۱۵ وَقَالَ: «مَاذَا تُرِيدُونَ أَنْ تُعْطُونِي وَأَنَا أَسْلَمْتُهِ إِلَيْكُمْ؟» فَجَعَلُوا لَهُ ثَلَاثِينَ مِنَ الْفُضَّةِ. ۱۶ وَمِنْ ذَلِكَ الْوَقْتِ كَانَ يَطْلُبُ فُرْصَةً لِيُسَلِّمَهُ.

۱۴ آنگاه یهودای آسخریوطی که یکی از دوازه شاگرد بود، نزد سران کاهنان رفت ۱۵ و گفت: «به من چه خواهید داد اگر عیسی را به شما تسلیم کنم؟» پس آنان سی سکه نقره به وی پرداخت کردند. ۱۶ از آن هنگام، یهودا در پی فرصت بود تا عیسی را تسلیم کند.

۱۷ وَفِي أَوَّلِ أَيَّامِ الْفَطِيرِ تَقَدَّمَ التَّلَامِيذُ إِلَى يَسُوعَ قَائِلِينَ لَهُ: «أَيْنَ تُرِيدُ أَنْ نَعِدَّ لَكَ لِنَتَأَكَلَ الْفِصْحَ؟» ۱۸ فَقَالَ: «ادْهَبُوا إِلَى الْمَدِينَةِ، إِلَى فَلَانٍ وَقُولُوا لَهُ: الْمَعْلَمُ يَقُولُ: إِنَّ وَقْتِي قَرِيبٌ. عِنْدَكَ أَصْنَعُ الْفِصْحَ مَعَ تَلَامِيذِي.» ۱۹ فَفَعَلَ التَّلَامِيذُ كَمَا أَمَرَهُمْ يَسُوعَ وَأَعَدُّوا الْفِصْحَ. ۲۰ وَلَمَّا كَانَ الْمَسَاءُ اتَّكَأَ مَعَ الْاِثْنَيْ عَشَرَ. ۲۱ وَفِيمَا هُمْ يَأْكُلُونَ قَالَ: «الْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ وَاحِدًا مِنْكُمْ يُسَلِّمُنِي.» ۲۲ فَحَزَنُوا جِدًّا، وَابْتَدَأَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ يَقُولُ لَهُ: «هَلْ أَنَا هُوَ يَا رَبُّ؟» ۲۳ فَأَجَابَ وَقَالَ: «الَّذِي يَغْمِسُ يَدَهُ مَعِيَ فِي الصَّحْفَةِ هُوَ يُسَلِّمُنِي! ۲۴ إِنَّ ابْنَ الْإِنْسَانِ مَاضٍ كَمَا هُوَ مَكْتُوبٌ عَنْهُ، وَلَكِنْ وَيْلٌ لِدَٰلِكَ الرَّجُلِ الَّذِي بِهِ يُسَلِّمُ ابْنَ الْإِنْسَانِ. كَانَ خَيْرًا لِدَٰلِكَ الرَّجُلِ لَوْ لَمْ يُولَدْ!» ۲۵ فَأَجَابَ يَهُودَا مُسَلِّمُهُ وَقَالَ: «هَلْ أَنَا هُوَ يَا سَيِّدِي؟» قَالَ لَهُ: «أَنْتَ قُلْتَ.» ۲۶ وَفِيمَا هُمْ يَأْكُلُونَ أَخَذَ يَسُوعُ الْخُبْزَ، وَبَارَكَ وَكَسَّرَ وَأَعْطَى التَّلَامِيذَ وَقَالَ: «خُذُوا كُلُّوا. هَذَا هُوَ جَسَدِي.» ۲۷ وَأَخَذَ الْكَاسَ وَشَكَرَ وَأَعْطَاهُمْ قَائِلًا: «اشْرَبُوا مِنْهَا كُلُّكُمْ، ۲۸ لِأَنَّ هَذَا هُوَ دَمِي الَّذِي لِلْعَهْدِ

با این گذاره‌ها مشخص می‌شود که مصلوب، همان بره حقیقی خداوند است که در عید پسخ قربانی شد تا اینکه جلال دهنده امر خداوند و کفار گناهان برای مومنان باشد؛ تا اینکه در زمان بازگشت، ما را از دست ستمگران و فرعونیان نجات دهد. آری مصلوب همان بره پسخ حقیقی است، که در [مکاشفات یوحنا](#) بتفصیل درموردش سخن گفته شده است. (گردآورنده)

الْجَدِيدِ الَّذِي يُسْفِكُ مِنْ أَجْلِ كَثِيرِينَ لِمَغْفِرَةِ الْخَطَايَا. ۲۹ وَأَقُولُ لَكُمْ: إِنِّي مِنَ الْآنَ لَا أَشْرَبُ مِنْ نِتَاجِ الْكَرْمَةِ هَذَا إِلَى ذَلِكَ الْيَوْمِ حِينَمَا أَشْرَبُهُ مَعَكُمْ جَدِيدًا فِي مَلَكُوتِ أَبِي.» ۳۰ ثُمَّ سَبَّحُوا وَخَرَجُوا إِلَى جَبَلِ الزَّيْتُونِ.

۱۷ در نخستین روز عید فطیر (پسح)، شاگردان نزد عیسی آمدند و پرسیدند: «کجا می‌خواهی برای تدارک بینیم تا شامِ پسح را بخوری؟» ۱۸ او به آنان گفت که به شهر، نزد فلان شخص بروند و به او بگویند: «استاد می‌گوید: "وقت من نزدیک شده است. می‌خواهم پسح را در خانه تو با شاگردانم نگاه دارم."» ۱۹ شاگردان همان‌گونه که عیسی گفته بود، کردند و پسح را تدارک دیدند. ۲۰ شب فرا رسید و عیسی با دوازده شاگرد خود بر سر سفره نشست. ۲۱ در حین صرف شام، عیسی گفت: «به‌راستی به شما می‌گویم، یکی از شما مرا تسلیم دشمن خواهد کرد.» ۲۲ شاگردان بسیار غمگین شدند و یکی پس از دیگری از او پرسیدند: «من که آن کس نیستم، سرورم؟» ۲۳ عیسی پاسخ داد: «آن که دست خود را با من در کاسه فرو می‌برد، همان مرا تسلیم خواهد کرد. ۲۴ پسر انسان همان‌گونه که درباره او نوشته شده، خواهد رفت، اما وای بر آن کس که پسر انسان را تسلیم دشمن می‌کند. بهتر آن می‌بود که هرگز زاده نمی‌شد.» ۲۵ آنگاه یهودا، تسلیم‌کننده وی، در پاسخ گفت: «استاد، آیا من آنم؟» عیسی پاسخ داد: «تو خود گفتی!» ۲۶ چون هنوز مشغول خوردن بودند، عیسی نان را برگرفت و پس از شکرگزاری، پاره کرد و به شاگردان داد و فرمود: «بگیرید، بخورید؛ این است بدن من.» ۲۷ سپس جام را برگرفت و پس از شکرگزاری آن را به شاگردان داد و گفت: «همه شما از این بنوشید. ۲۸ این است خون من برای عهدی [جدید] که به‌خاطر بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود. ۲۹ به شما می‌گویم که از این محصول مو دیگر نخواهم نوشید تا روزی که آن را با شما در پادشاهی پدر خود، تازه بنوشم.» ۳۰ آنگاه پس از خواندن سرودی، به سمت کوه زیتون به راه افتادند.

۳۱ حِينَئِذٍ قَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: «كُلُّكُمْ تَشْكُونُ فِيَّ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، لِأَنَّهُ مَكْتُوبٌ: أَنِّي أَضْرِبُ الرَّاعِي فَتَتَبَدَّدُ خِرَافُ الرَّعِيَّةِ. ۳۲ وَلَكِنْ بَعْدَ قِيَامِي أَسْبِقُكُمْ إِلَى الْجَلِيلِ.» ۳۳ فَأَجَابَ بُطْرُسُ وَقَالَ لَهُ: «وَأِنْ شَكَّ فِيكَ الْجَمِيعُ فَأَنَا لَا أَشُكُّ أَبَدًا.» ۳۴ قَالَ لَهُ يَسُوعُ: «الْحَقُّ أَقُولُ لَكَ: إِنَّكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ قَبْلَ أَنْ يَصِيحَ دِيكَ تُنْكِرُنِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.» ۳۵ قَالَ لَهُ بُطْرُسُ: «وَلَوْ اضْطَرَرْتُ أَنْ أَمُوتَ مَعَكَ لَا أَنْكِرُكَ!» هَكَذَا قَالَ أَيْضًا جَمِيعُ التَّلَامِيذِ.

۳۱ آنگاه عیسی به آنان گفت: «امشب همه شما به من شک خواهید کرد. زیرا نوشته شده، "شبان را خواهم زد و گوسفندان گله پراکنده خواهند شد."» ۳۲ اما پس از آنکه زنده شدم، پیش از شما به جلیل خواهم رفت.» ۳۳ بطرس در پاسخ گفت: «حتی اگر همه به تو شک کنند، من هرگز شک نخواهم کرد.» ۳۴ عیسی به وی گفت: «به‌راستی به تو می‌گویم که همین امشب، پیش از بانگ خروس، سه بار مرا انکار

خواهی کرد!» ۳۵ اما پطرس گفت: «حتی اگر لازم باشد با تو بمیرم، انکارت نخواهم کرد.» سایر شاگردان نیز چنین گفتند.

۳۶ حِينَئِذٍ جَاءَ مَعَهُمْ يَسُوعُ إِلَى ضَيْعَةٍ يُقَالُ لَهَا جُتْسِيمَانِي، فَقَالَ لِلتَّلَامِيذِ: «اجْلِسُوا هَهُنَا حَتَّى أَمْضِيَ وَأُصَلِّيَ هُنَاكَ». ۳۷ ثُمَّ أَخَذَ مَعَهُ بُطْرُسَ وَابْنَيْ زَبْدِي، وَابْتَدَأَ يَحْزَنُ وَيَكْتَنِبُ. ۳۸ فَقَالَ لَهُمْ: «نَفْسِي خَزِينَةٌ جِدًّا حَتَّى الْمَوْتِ. اُمْكُثُوا هَهُنَا وَاسْهَرُوا مَعِيَ». ۳۹ ثُمَّ تَقَدَّمَ قَلِيلًا وَخَرَّ عَلَى وَجْهِهِ، وَكَانَ يُصَلِّي قَائِلًا: «يَا أَبَتَاهُ، إِنْ أُمَكِّنْ فَلْتَعْبُرْ عَنِّي هَذِهِ الْكَأْسُ، وَلَكِنْ لَيْسَ كَمَا أُرِيدُ أَنَا بَلْ كَمَا تُرِيدُ أَنْتَ». ۴۰ ثُمَّ جَاءَ إِلَى التَّلَامِيذِ فَوَجَدَهُمْ نِيَامًا، فَقَالَ لِبُطْرُسَ: «أَهَكَذَا مَا قَدَرْتُمْ أَنْ تَسْهَرُوا مَعِيَ سَاعَةً وَاحِدَةً؟» ۴۱ اسْهَرُوا وَصَلُّوا لئَلَّا تَدْخُلُوا فِي تَجْرِبَةٍ. أَمَّا الرُّوحُ فَتَشِيطُ وَأَمَّا الْجَسَدُ فَضَعِيفٌ». ۴۲ فَمَضَى أَيْضًا ثَانِيَةً وَصَلَّى قَائِلًا: «يَا أَبَتَاهُ، إِنْ لَمْ يُمَكِّنْ أَنْ تَعْبُرَ عَنِّي هَذِهِ الْكَأْسُ إِلَّا أَنْ أَشْرَبَهَا، فَلْتَكُنْ مَشِيئَتُكَ». ۴۳ ثُمَّ جَاءَ فَوَجَدَهُمْ أَيْضًا نِيَامًا، إِذْ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ ثَقِيلَةً. ۴۴ فَفَرَّكَهُمْ وَمَضَى أَيْضًا وَصَلَّى ثَالِثَةً قَائِلًا ذَلِكَ الْكَلَامَ بِعَيْنِهِ. ۴۵ ثُمَّ جَاءَ إِلَى تَلَامِيذِهِ وَقَالَ لَهُمْ: «نَامُوا الْآنَ وَاسْتَرِيحُوا! هُوَذَا السَّاعَةُ قَدْ اقْتَرَبَتْ، وَابْنُ الْإِنْسَانِ يُسَلِّمُ إِلَى أَيْدِي الْخُطَاةِ. ۴۶ قُومُوا نَنْطَلِقْ! هُوَذَا الَّذِي يُسَلِّمُنِي قَدْ اقْتَرَبَ!».

۳۶ آنگاه عیسی با شاگردان خود به مکانی به نام جتسیمانی رفت و به ایشان گفت: «در اینجا بنشینید تا من به آنجا رفته، دعا کنم.» ۳۷ سپس پطرس و دو پسر زبیدی را با خود برد و اندوهگین و مضطرب شده، ۳۸ بدیشان گفت: «از فرط اندوه، به حال مرگ افتاده‌ام. در اینجا بمانید و با من بیدار باشید.» ۳۹ سپس قدری پیش رفته به روی بر خاک افتاد و دعا کرد: «ای پدر من، اگر ممکن است این جام از من بگذرد، اما نه به خواست من، بلکه به اراده تو.» ۴۰ آنگاه نزد شاگردان خود باز گشت و آنها را خفته یافت. پس به پطرس گفت: «آیا نمی‌توانستید ساعتی با من بیدار بمانید؟» ۴۱ بیدار باشید و دعا کنید تا در آزمایش نیفتید. روح مشتاق است، اما جسم ناتوان.» ۴۲ پس بار دیگر رفت و دعا کرد: «ای پدر من، اگر ممکن نیست این جام نیاشامیده از من بگذرد، پس آنچه اراده توست انجام شود.» ۴۳ چون باز گشت، ایشان را همچنان در خواب یافت، زیرا چشمانشان سنگین شده بود. ۴۴ پس یک بار دیگر ایشان را به حال خود گذاشت و رفت و برای سومین بار همان دعا را تکرار کرد. ۴۵ سپس نزد شاگردان آمد و بدیشان گفت: «آیا هنوز در خوابید و استراحت می‌کنید؟ اکنون ساعت مقرر نزدیک شده است و پسر انسان به دست گناهکاران تسلیم می‌شود. ۴۶ برخیزید، برویم. اینک تسلیم‌کننده من از راه می‌رسد.»

۴۷ وَفِيمَا هُوَ يَتَكَلَّمُ، إِذَا يَهُوذَا أَحَدُ الْاِثْنَيْ عَشَرَ قَدْ جَاءَ وَمَعَهُ جَمْعٌ كَثِيرٌ بِسُيُوفٍ وَعِصِيٍّ مِنْ عِنْدِ رُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ وَشُيُوخِ الشَّعْبِ. ۴۸ وَالَّذِي أَسْلَمَهُ أَعْطَاهُمْ عَلَامَةً قَائِلًا: «الَّذِي أَقْبَلَهُ هُوَ هُوَ. اُمْسِكُوهُ». ۴۹ فَلِلْوَقْتِ تَقَدَّمَ إِلَى يَسُوعَ وَقَالَ: «السَّلَامُ يَا سَيِّدِي!» وَقَبَّلَهُ. ۵۰ فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: «يَا صَاحِبُ، لِمَاذَا جِئْتَ؟» حِينَئِذٍ

تَقَدَّمُوا وَأَلْقُوا الْأَيْدِيَ عَلَى يَسُوعَ وَأَمْسِكُوهُ. ٥١ وَإِذَا وَاحِدٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَ يَسُوعَ مَدَّ يَدَهُ وَاسْتَلَّ سَيْفَهُ وَضَرَبَ عَبْدَ رَئِيسِ الْكَهَنَةِ، فَقَطَعَ أُذُنَهُ. ٥٢ فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: «رُدَّ سَيْفَكَ إِلَى مَكَانِهِ. لَأَنَّ كُلَّ الَّذِينَ يَأْخُذُونَ السَّيْفَ بِالسَّيْفِ يَهْلِكُونَ! ٥٣ أَتَظُنُّ أَنِّي لَا أَسْتَطِيعُ الْآنَ أَنْ أَطْلُبَ إِلَى أَبِي فَيَقْدَمَ لِي أَكْثَرَ مِنْ اثْنَيْ عَشَرَ جَيْشًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ؟ ٥٤ فَكَيْفَ تُكَمِّلُ الْكُتُبُ؛ أَنَّهُ هَكَذَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ؟». ٥٥ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ قَالَ يَسُوعُ لِلْجُمُوعِ: «كَأَنَّهُ عَلَى لَصٍّ خَرَجْتُمْ بِسُيُوفٍ وَعِصِيٍّ لِتَأْخُذُونِي! كُلَّ يَوْمٍ كُنْتُ أَجْلِسُ مَعَكُمْ أَعْلَمُ فِي الْهَيْكَلِ وَلَمْ تُمْسِكُونِي. ٥٦ وَأَمَّا هَذَا كُلُّهُ فَقَدْ كَانَ لِكِي تُكَمِّلَ كُتُبَ الْأَنْبِيَاءِ». حِينَئِذٍ تَرَكَهُ التَّلَامِيذُ كُلُّهُمْ وَهَرَبُوا.

٤٧ عيسى هنوز سخن می گفت که یهودا، یکی از آن دوازده تن، همراه با گروه بزرگی مسلح به چماق و شمشیر، از سوی سران کاهنان و مشایخ قوم، از راه رسیدند. ٤٨ تسلیم کننده او به همراهان خود علامتی داده و گفته بود: «آن کس را که ببوسم، همان است؛ او را بگیرید.» ٤٩ پس بی درنگ به عیسی نزدیک شد و گفت: «سلام، استاد!» و او را بوسید. ٥٠ عیسی به وی گفت: «ای رفیق، برای چه آمدی؟» آنگاه آن افراد پیش آمده، بر سر عیسی ریختند و او را گرفتار کردند. ٥١ در این هنگام، یکی از همراهان عیسی دست به شمشیر برده، آن را برکشید و ضربه ای به خدمتکار کاهن اعظم زد و گوشش را برید. ٥٢ اما عیسی به او فرمود: «شمشیر خود در نیام کن؛ زیرا هر که شمشیر کشد، به شمشیر نیز کشته شود. ٥٣ آیا گمان می کنی نمی توانم هم اکنون از پدر خود بخواهم که بیش از دوازده فوج فرشته به یاری ام فرستد؟ ٥٤ اما در آن صورت پیشگوییهای کُتب مقدس چگونه تحقق خواهد یافت که می گوید این وقایع باید رخ دهد؟» ٥٥ در آن وقت، خطاب به آن جماعت گفت: «مگر من راهزنم که با چماق و شمشیر به گرفتنم آمده اید؟ من هر روز در معبد می نشستم و تعلیم می دادم و مرا نگرفتید. ٥٦ اما این همه رخ داد تا پیشگوییهای پیامبران تحقق یابد.» آنگاه همه شاگردان ترکش کرده، گریختند.

٥٧ وَالَّذِينَ أَمْسَكُوا يَسُوعَ مَضَوْا بِهِ إِلَى قَيَافَا رَئِيسِ الْكَهَنَةِ، حَيْثُ اجْتَمَعَ الْكَتَبَةُ وَالشُّيُوخُ. ٥٨ وَأَمَّا بُطْرُسُ فَتَبِعَهُ مِنْ بَعِيدٍ إِلَى دَارِ رَئِيسِ الْكَهَنَةِ، فَدَخَلَ إِلَى دَاخِلٍ وَجَلَسَ بَيْنَ الْخُدَّامِ لِيَنْظُرَ النِّهَايَةَ. ٥٩ وَكَانَ رُؤْسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالشُّيُوخُ وَالْمَجْمَعُ كُلُّهُمْ يَطْلُبُونَ شَهَادَةَ زُورٍ عَلَى يَسُوعَ لِكَيْ يَقْتُلُوهُ، ٦٠ فَلَمْ يَجِدُوا. وَمَعَ أَنَّهُ جَاءَ شُهُودٌ زُورٌ كَثِيرُونَ، لَمْ يَجِدُوا. وَلَكِنْ أَحْيَرًا تَقَدَّمَ شَاهِدًا زُورٍ. ٦١ وَقَالَا: «هَذَا قَالَ: إِنِّي أَقْدِرُ أَنْ أَنْقُضَ هَيْكَلَ اللَّهِ، وَفِي ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ أُبْنِيهِ». ٦٢ فَقَامَ رَئِيسُ الْكَهَنَةِ وَقَالَ لَهُ: «أَمَّا تُجِيبُ بِشَيْءٍ؟ مَاذَا يَشْهَدُ بِهِ هَذَا عَلَىكَ؟» ٦٣ وَأَمَّا يَسُوعُ فَكَانَ سَاكِئًا. فَأَجَابَ رَئِيسُ الْكَهَنَةِ وَقَالَ لَهُ: «أَسْتَخْلِفُكَ بِاللَّهِ الْحَيِّ أَنْ تَقُولَ لَنَا: هَلْ أَنْتَ الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ؟» ٦٤ قَالَ لَهُ يَسُوعُ: «أَنْتَ قُلْتَ! وَأَيْضًا أَقُولُ لَكُمْ: مِنَ الْآنَ تُبْصِرُونَ ابْنَ الْإِنْسَانِ جَالِسًا عَنْ يَمِينِ الْقُوَّةِ، وَآتِيًا عَلَى سَحَابِ السَّمَاءِ». ٦٥ فَمَزَقَ رَئِيسُ الْكَهَنَةِ حِينَئِذٍ ثِيَابَهُ قَائِلًا: «قَدْ جَدَفْتُ! مَا حَاجَتُنَا

بَعْدُ إِلَى شُهُودٍ؟ هَا قَدْ سَمِعْتُمْ تَجْدِيفَهُ! ٦٦ مَاذَا تَرَوْنَ؟» فَأَجَابُوا وَقَالُوا: «إِنَّهُ مُسْتَوْجِبُ الْمَوْتِ». ٦٧ حِينَئِذٍ بَصَقُوا فِي وَجْهِهِ وَلَكَمُّوهُ، وَآخَرُونَ لَطَمُوهُ ٦٨ قَائِلِينَ: «تَتَّبِعْنَا لَنَا أَيُّهَا الْمَسِيحُ، مَنْ ضَرَبَكَ؟».

۵۷ آنها که عیسی را گرفتار کرده بودند، او را نزد قیافا، کاهن اعظم بردند. در آنجا علمای دین و مشایخ جمع بودند. ۵۸ اما پطرس دورادور از پی عیسی رفت تا به حیاط خانه کاهن اعظم رسید. پس داخل شد و با نگهبانان بنشست تا سرانجام کار را ببیند. ۵۹ سران کاهنان و تمامی اهل شورا در پی یافتن شهادت دروغ علیه عیسی بودند تا او را بکشند؛ ۶۰ اما هرچند شاهدان دروغین بسیاری پیش آمدند، چنین چیزی یافت نشد. سرانجام دو نفر پیش آمده ۶۱ گفتند: «این مرد گفته است، "من می‌توانم معبد خدا را ویران کنم و ظرف سه روز آن را از نو بسازم."» ۶۲ آنگاه کاهن اعظم برخاست و خطاب به عیسی گفت: «هیچ پاسخ نمی‌گویی؟ این چیست که علیه تو شهادت می‌دهند؟» ۶۳ اما عیسی همچنان خاموش ماند. کاهن اعظم به او گفت: «به خدای زنده سوگندت می‌دهم که به ما بگویی آیا تو مسیح، پسر خدا هستی؟» ۶۴ عیسی پاسخ داد: «تو خود چنین می‌گویی! و به شما می‌گویم که از این پس پسر انسان را خواهید دید که به دست راست قدرت نشسته، بر ابرهای آسمان می‌آید.» ۶۵ آنگاه کاهن اعظم گریبان خود را چاک زد و گفت: «کفر گفت! دیگر چه نیاز به شاهد است؟ حال که کفر او را شنیدید، ۶۶ حکم شما چیست؟» در پاسخ گفتند: «سزایش مرگ است!» ۶۷ آنگاه بر صورت عیسی آب دهان انداخته، او را زدند. بعضی نیز به او سیلی زده، ۶۸ می‌گفتند: «ای مسیح، نبوت کن و بگو چه کسی تو را زد؟»

٦٩ أَمَّا بُطْرُسُ فَكَانَ جَالِسًا خَارِجًا فِي الدَّارِ، فَجَاءَتْ إِلَيْهِ جَارِيَةٌ قَائِلَةً: «وَأَنْتَ كُنْتَ مَعَ يَسُوعَ الْجَلِيلِيِّ!». ٧٠ فَأَنْكَرَ قَدْامَ الْجَمِيعِ قَائِلًا: «لَسْتُ أَذْرِي مَا تَقُولِينَ!». ٧١ ثُمَّ إِذْ خَرَجَ إِلَى الدَّهْلِيزِ رَأَتْهُ أُخْرَى، فَقَالَتْ لِلَّذِينَ هُنَاكَ: «وَهَذَا كَانَ مَعَ يَسُوعَ النَّاصِرِيِّ!». ٧٢ فَأَنْكَرَ أَيْضًا بِقَسَمٍ: «إِنِّي لَسْتُ أَغْرِفُ الرَّجُلَ!». ٧٣ وَبَعْدَ قَلِيلٍ جَاءَ الْقِيَامُ وَقَالُوا لِبُطْرُسَ: «حَقًّا أَنْتَ أَيْضًا مِنْهُمْ، فَإِنَّ لُغَتَكَ تُظْهِرُكَ!». ٧٤ فَأَبْتَدَأَ حِينَئِذٍ يَلْعَنُ وَيَخْلِفُ: «إِنِّي لَا أَغْرِفُ الرَّجُلَ!». وَلِلْوَقْتِ صَاحَ الدَّيْكَ. ٧٥ فَتَذَكَّرَ بُطْرُسُ كَلَامَ يَسُوعَ الَّذِي قَالَ لَهُ: «إِنَّكَ قَبْلَ أَنْ يَصِيحَ الدَّيْكَ تُنْكِرُنِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ». فَخَرَجَ إِلَى خَارِجٍ وَبَكَى بُكَاءً مُرًّا.

۶۹ و اما پطرس بیرون خانه، در حیاط نشسته بود که خادمه‌ای نزد او آمد و گفت: «تو هم با عیسی جلیلی بودی!» ۷۰ اما او در حضور همه انکار کرد و گفت: «نمی‌دانم چه می‌گویی!» ۷۱ سپس به سوی سرسرای خانه رفت. در آنجا خادمه‌ای دیگر او را دید و به حاضرین گفت: «این مرد نیز با عیسی ناصری بود!» ۷۲ پطرس این بار نیز انکار کرده، قسم خورد که «من این مرد را نمی‌شناسم.» ۷۳ اندکی بعد، جمعی که آنجا ایستاده بودند، پیش آمدند و به پطرس گفتند: «شکی نیست که تو هم یکی از آنها هستی! از لهجه‌ات پیداست!» ۷۴ آنگاه پطرس لعن کردن آغاز کرد و قسم خورده، گفت: «این مرد را نمی‌شناسم!»

همان دم خروس بانگ زد. ۷۵ آنگاه پطرس سخنان عیسی را به یاد آورد که گفته بود: «پیش از بانگ خروس، سه بار مرا انکار خواهی کرد!» پس بیرون رفت و به تلخی بگریست.

انجيل متى: الأصْحاحُ السَّابِعُ وَالْعِشْرُونَ * ۱:۲۷-۶۶

۱ وَلَمَّا كَانَ الصَّبَاحُ تَشَاوَرَ جَمِيعُ رُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ وَشُيُوخِ الشَّعْبِ عَلَى يَسُوعَ حَتَّى يَقْتُلُوهُ، ۲ فَأَوْثَقُوهُ وَمَضَوْا بِهِ وَدَفَعُوهُ إِلَى بِيلاطُسَ الْبُنْطِيِّ الْوَالِي. ۳ حِينَئِذٍ لَمَّا رَأَى يَهُودًا الَّذِي أَسْلَمَهُ أَنَّهُ قَدْ دِينَ، نَدِمَ وَرَدَّ الثَّلَاثِينَ مِنَ الْفِضَّةِ إِلَى رُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ وَالشُّيُوخِ ۴ قَائِلًا: «قَدْ أَخْطَأْتُ إِذْ سَلَّمْتُ دَمًا بَرِيئًا». فَقَالُوا: «مَاذَا عَلَيْنَا؟ أَنْتَ أَبْصِرُ!» ۵ فَطَرَحَ الْفِضَّةَ فِي الْهَيْكَلِ وَأَنْصَرَفَ، ثُمَّ مَضَى وَخَنَقَ نَفْسَهُ. ۶ فَأَخَذَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ الْفِضَّةَ وَقَالُوا: «لَا يَجِلُّ أَنْ نُلْقِيَهَا فِي الْخِزَانَةِ لِأَنَّهَا ثَمَنٌ دَمٍ». ۷ فَتَشَاوَرُوا وَاشْتَرَوْا بِهَا حَقْلَ الْفَخَّارِيِّ مَقْبَرَةً لِلْغُرَبَاءِ. ۸ لِهَذَا سُمِّيَ ذَلِكَ الْحَقْلُ «حَقْلَ الدَّمِ» إِلَى هَذَا الْيَوْمِ. ۹ حِينَئِذٍ تَمَّ مَا قِيلَ بِإِرْمِيَا النَّبِيِّ الْقَائِلِ: «وَأَخْذُوا الثَّلَاثِينَ مِنَ الْفِضَّةِ، ثَمَنَ الْمُثْمَنِ الَّذِي ثَمَنُوهُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ، ۱۰ وَأَعْطَوْهَا عَنْ حَقْلِ الْفَخَّارِيِّ، كَمَا أَمَرَنِي الرَّبُّ».

۱ صبح زود، همه سران کاهنان و مشایخ گرد آمده، با هم شور کردند که عیسی را بکشند. ۲ پس او را دست بسته بردند و به پیلاتس والی تحویل دادند. ۳ چون یهودا، تسلیم کننده او، دید که عیسی را محکوم کرده اند، از کرده خود پشیمان شد و سی سکه نقره را به سران کاهنان و مشایخ باز گردانید و گفت: ۴ «گناه کردم و باعث ریختن خون بی گناهی شدم.» اما آنان پاسخ دادند: «ما را چه؟ خود دانی!» ۵ آنگاه یهودا سکه ها را در معبد بر زمین ریخت و بیرون رفته، خود را حلق آویز کرد. ۶ سران کاهنان سکه ها را از زمین جمع کرده، گفتند: «ریختن این سکه ها در خزانه معبد جایز نیست، زیرا خونبهاست.» ۷ پس از مشورت، با آن پول مزرعه کوزه گر را خریدند تا آن را گورستان غریبان سازند. ۸ از این رو آن مکان تا به امروز به 'مزرعه خون' معروف است. ۹ بدین سان، پیشگویی ارمیای نبی به حقیقت پیوست که گفته بود: «آنان سی سکه نقره را برداشتند، یعنی قیمتی را که بنی اسرائیل بر او نهادند، ۱۰ و آن را به جهت مزرعه کوزه گر دادند، چنانکه خداوند به من امر فرموده بود.»

۱۱ فَوَقَفَ يَسُوعُ أَمَامَ الْوَالِي. فَسَأَلَهُ الْوَالِي قَائِلًا: «أَنْتَ مَلِكُ الْيَهُودِ؟» فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: «أَنْتَ تَقُولُ». ۱۲ وَبَيْنَمَا كَانَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالشُّيُوخُ يَسْتَكُونُ عَلَيْهِ لَمْ يُجِبْ بِشَيْءٍ. ۱۳ فَقَالَ لَهُ بِيلاطُسُ: «أَمَا تَسْمَعُ كَمْ يَشْهَدُونَ عَلَيْكَ؟» ۱۴ فَلَمْ يُجِبْهُ وَلَا عَنْ كَلِمَةٍ وَاحِدَةٍ، حَتَّى تَعَجَّبَ الْوَالِي جِدًّا.

۱۱ اما عیسی در حضور والی ایستاد. والی از او پرسید: «آیا تو پادشاه یهودی؟» عیسی پاسخ داد: «تو می گویی!» ۱۲ همچنین هنگامی که سران کاهنان و مشایخ اتهاماتی بر او وارد کردند، هیچ پاسخ نگفت.

۱۳ پس پیلاتس از او پرسید: «نمی‌شنوی چقدر چیزها علیه تو شهادت می‌دهند؟» ۱۴ اما عیسی حتی به یک اتهام هم پاسخ نداد، آن گونه که والی بسیار متعجب شد.

۱۵ وَكَانَ الْوَالِي مُعْتَادًا فِي الْعِيدِ أَنْ يُطْلَقَ لِلْجَمْعِ أَسِيرًا وَاحِدًا، مِنْ أَرَادُوهُ. ۱۶ وَكَانَ لَهُمْ حِينَئِذٍ أَسِيرٌ مَشْهُورٌ يُسَمَّى بَارَابَاسَ. ۱۷ فَفِيمَا هُمْ مُجْتَمِعُونَ قَالَ لَهُمْ بِيَلَاطُسُ: «مَنْ تُرِيدُونَ أَنْ أُطْلِقَ لَكُمْ؟ بَارَابَاسَ أَمْ يَسُوعَ الَّذِي يُدْعَى الْمَسِيحَ؟» ۱۸ لِأَنَّهُ عَلِمَ أَنَّهُمْ أَسَلَمُوهُ حَسَدًا. ۱۹ وَإِذْ كَانَ جَالِسًا عَلَى كُرْسِيِّ الْوَلَايَةِ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِ امْرَأَتُهُ قَائِلَةً: «إِنَّكَ وَذَلِكَ الْبَارَى، لِأَنِّي تَأَلَّمْتُ الْيَوْمَ كَثِيرًا فِي خُلْمٍ مِنْ أَجْلِهِ». ۲۰ وَلَكِنْ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالشُّيُوخَ حَرَضُوا الْجُمُوعَ عَلَى أَنْ يَطْلُبُوا بَارَابَاسَ وَيُهْلِكُوا يَسُوعَ. ۲۱ فَأَجَابَ الْوَالِي وَقَالَ لَهُمْ: «مَنْ مِنَ الْاِثْنَيْنِ تُرِيدُونَ أَنْ أُطْلِقَ لَكُمْ؟» فَقَالُوا: «بَارَابَاسُ!». ۲۲ قَالَ لَهُمْ بِيَلَاطُسُ: «فَمَاذَا أَفْعَلُ بِيَسُوعَ الَّذِي يُدْعَى الْمَسِيحَ؟» قَالَ لَهُ الْجَمِيعُ: «لِيُصَلَّبَ!». ۲۳ فَقَالَ الْوَالِي: «وَأَيَّ شَرِّ عَمَلٍ؟» فَكَانُوا يَزْدَادُونَ صُرَاخًا قَائِلِينَ: «لِيُصَلَّبَ!». ۲۴ فَلَمَّا رَأَى بِيَلَاطُسُ أَنَّهُ لَا يَنْفَعُ شَيْئًا، بَلَ بِالْحَرِيِّ يَخْذُلُ شَعْبًا، أَخَذَ مَاءً وَغَسَلَ يَدَيْهِ قُدَّامَ الْجَمْعِ قَائِلًا: «إِنِّي بَرِيءٌ مِنْ دَمِ هَذَا الْبَارَى! أَبْصِرُوا أَنْتُمْ!». ۲۵ فَأَجَابَ جَمِيعُ الشَّعْبِ وَقَالُوا: «دَمُهُ عَلَيْنَا وَعَلَى أَوْلَادِنَا». ۲۶ حِينَئِذٍ أَطْلَقَ لَهُمْ بَارَابَاسَ، وَأَمَّا يَسُوعُ فَجَلَدَهُ وَأَسَلَمَهُ لِيُصَلَّبَ.

۱۵ والی را رسم بر این بود که هنگام عید یک زندانی را به انتخاب مردم آزاد سازد. ۱۶ در آن زمان زندانی معروفی به نام باراباس در حبس بود. ۱۷ پس هنگامی که مردم گرد آمدند، پیلاتس از آنها پرسید: «چه کسی را می‌خواهید برایتان آزاد کنم، باراباس را یا عیسی معروف به مسیح را؟» ۱۸ این را از آن رو گفت که می‌دانست عیسی را از حسد به او تسلیم کرده‌اند. ۱۹ هنگامی که پیلاتس بر مسند داوری نشسته بود، همسرش پیغامی برای او فرستاد، بدین مضمون که: «تو را با این مرد بی‌گناه کاری نباشد، زیرا امروز خوابی درباره او دیدم که مرا بسیار رنج داد.» ۲۰ اما سران کاهنان و مشایخ، قوم را ترغیب کردند تا آزادی باراباس و مرگ عیسی را بخواهند. ۲۱ پس چون والی پرسید: «کدام یک از این دو را برایتان آزاد کنم؟» پاسخ دادند: «باراباس را.» ۲۲ پیلاتس پرسید: «پس با عیسی معروف به مسیح چه کنم؟» همگی گفتند: «بر صلیبش کن!» ۲۳ پیلاتس پرسید: «چرا؟ چه بدی کرده است؟» اما آنها بلندتر فریاد برآوردند: «بر صلیبش کن!» ۲۴ چون پیلاتس دید که کوشش بیهوده است و حتی بیم شورش می‌رود، آب خواست و دستهای خود را در برابر مردم شست و گفت: «من از خون این مرد بری هستم. خود دانید!» ۲۵ مردم همه در پاسخ گفتند: «خون او بر گردن ما و فرزندان ما باد!» ۲۶ آنگاه پیلاتس، باراباس را برایشان آزاد کرد و عیسی را تازیانه زده، سپرد تا بر صلیبش کشند.

۲۷ فَأَخَذَ عَسْكَرُ الْوَالِي يَسُوعَ إِلَى دَارِ الْوَلَايَةِ وَجَمَعُوا عَلَيْهِ كُلَّ الْكَتِيبَةِ، ۲۸ فَعَرَوْهُ وَالْبَسُوهُ رِدَاءً قَرْمِزِيًّا، ۲۹ وَضَفَرُوا إِكْلِيلًا مِنْ شَوْكٍ وَوَضَعُوهُ عَلَى رَأْسِهِ، وَقَصَبَةً فِي يَمِينِهِ. وَكَانُوا يَجْثُونَ قُدَّامَهُ وَيَسْتَهْزِئُونَ بِهِ قَائِلِينَ:

«السَّلامُ يَا مَلِكَ الْيَهُودِ!» ۳۰ وَبَصَقُوا عَلَيْهِ، وَأَخَذُوا الْقَصَبَةَ وَضَرَبُوهُ عَلَى رَأْسِهِ. ۳۱ وَبَعْدَ مَا اسْتَهْزَأُوا بِهِ، نَزَعُوا عَنْهُ الرِّدَاءَ وَالْبَسُوهُ ثِيَابَهُ، وَمَضَوْا بِهِ لِلصَّلْبِ.

۲۷ سربازان پیلاتس، عیسی را به صحن کاخ والی بردند و همه گروه سربازان گرد او جمع شدند. ۲۸ آنان عیسی را عریان کرده، خرقة‌ای ارغوانی بر او پوشاندند ۲۹ و تاجی از خار بافتند و بر سرش نهادند و چوبی به دست راست او دادند. آنگاه در برابرش زانو زده، استهزاکنان می‌گفتند: «درود بر پادشاه یهود!» ۳۰ و بر او آب دهان انداخته، چوب را از دستش می‌گرفتند و بر سرش می‌زدند. ۳۱ پس از آنکه او را استهزا کردند، خرقة از تنش به در آورده، جامه خودش را بر او پوشاندند. سپس وی را بیرون بردند تا بر صلیب کشند.

۳۲ وَفِيمَا هُمْ خَارِجُونَ وَجَدُوا إِنْسَانًا قَيْرَوَانِيًّا اسْمُهُ سِمْعَانُ، فَسَخَّرُوهُ لِيَحْمِلَ صَلِيْبَهُ. ۳۳ وَلَمَّا أَتَوْا إِلَى مَوْضِعٍ يُقَالُ لَهُ جُلْجَتُهُ، وَهُوَ الْمُسَمَّى «مَوْضِعَ الْجُمُجْمَةِ» ۳۴ أَعْطَوْهُ خَلًّا مَمْرُوجًا بِمَرَارَةٍ لِيَشْرَبَ. وَلَمَّا ذَاقَ لَمْ يُرِدْ أَنْ يَشْرَبَ. ۳۵ وَلَمَّا صَلَبُوهُ اقْتَسَمُوا ثِيَابَهُ مُقْتَرِعِينَ عَلَيْهِا، لِكَيْ يَتِمَّ مَا قِيلَ بِالنَّبِيِّ: «اقْتَسَمُوا ثِيَابِي بَيْنَهُمْ، وَعَلَى لِبَاسِي اَلْقُوا قُرْعَةً!». ۳۶ ثُمَّ جَلَسُوا يَحْرُسُونَهُ هُنَاكَ. ۳۷ وَجَعَلُوا فَوْقَ رَأْسِهِ عِلَّتَهُ مَكْتُوبَةً: «هَذَا هُوَ يَسُوعُ مَلِكُ الْيَهُودِ!». ۳۸ حِينَئِذٍ صَلَبَ مَعَهُ لِصَّانٍ، وَاحِدٌ عَنِ الْيَمِينِ وَوَاحِدٌ عَنِ الْيَسَارِ. ۳۹ وَكَانَ الْمُجْتَازُونَ يُجَدِّقُونَ عَلَيْهِ وَهُمْ يَهْزُونَ رُؤُوسَهُمْ ۴۰ قَائِلِينَ: «يَا نَاقِضَ الْهَيْكَلِ وَبَانِيَهُ فِي ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، خَلِّصْ نَفْسَكَ! إِنْ كُنْتَ ابْنُ اللَّهِ فَانْزِلْ عَنِ الصَّلِيبِ!». ۴۱ وَكَذَلِكَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ أَيْضًا وَهُمْ يَسْتَهْزِئُونَ مَعَ الْكُتَّابَةِ وَالشُّيُوخِ قَالُوا: ۴۲ «خَلِّصَ آخَرِينَ وَأَمَّا نَفْسُهُ فَمَا يَقْدِرُ أَنْ يُخَلِّصَهَا! إِنْ كَانَ هُوَ مَلِكُ إِسْرَائِيلَ فَلْيَنْزِلِ الْآنَ عَنِ الصَّلِيبِ فَنُؤْمِنَ بِهِ! ۴۳ قَدْ اتَّكَلَ عَلَى اللَّهِ، فَلْيَنْقِذْهُ الْآنَ إِنْ أَرَادَهُ! لِأَنَّهُ قَالَ: أَنَا ابْنُ اللَّهِ!». ۴۴ وَبِذَلِكَ أَيْضًا كَانَ اللَّصَّانُ اللَّذَانِ صَلَبًا مَعَهُ يُعَيِّرَانِهِ.

۳۲ هنگامی که بیرون می‌رفتند، به مردی از اهالی قیروان به نام شمعون برخوردند و او را واداشتند صلیب عیسی را حمل کند. ۳۳ چون به مکانی به نام جُلجُتَا، که به معنی مکان جمجمه است، رسیدند، ۳۴ به عیسی شراب آمیخته به زرداب دادند. چون آن را چشید، نخواست بنوشد. ۳۵ هنگامی که او را بر صلیب کشیدند، برای تقسیم جامه‌هایش، میان خود قرعه انداختند بدین سان گفته کُتب مقدس به حقیقت پیوست که: «جامه‌هایم را میان خود تقسیم کردند و بر تن پوش من قرعه افکندند.» ۳۶ سپس در آنجا به نگهبانی او نشستند. ۳۷ همچنین، تقصیرنامه‌ای بدین عبارت بر لوحی نوشتند و آن را بر بالای سر او نصب کردند: «این است عیسی، پادشاه یهود.» ۳۸ دو راهزن نیز با وی بر صلیب شدند، یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ او. ۳۹ رهگذران سرهای خود را تکان داده، ناسزاگویان ۴۰ می‌گفتند: «ای تو که می‌خواستی معبد را ویران کنی و سه روزه آن را بازسازی، خود را نجات ده! اگر پسر خدایی از صلیب

فرود بیا! ۴۱ سران کاهنان و علمای دین و مشایخ نیز استهزایش کرده، می گفتند: ۴۲ «دیگران را نجات داد، اما خود را نمی تواند نجات دهد! اگر پادشاه اسرائیل است، اکنون از صلیب پایین بیاید تا به او ایمان آوریم. ۴۳ او به خدا توکل دارد؛ پس اگر خدا دوستش می دارد، اکنون او را نجات دهد، زیرا ادعا می کرد پسر خداست!» ۴۴ آن دو راهزن نیز که با وی بر صلیب شده بودند، به همین سان به او اهانت می کردند.

۴۵ وَمِنْ السَّاعَةِ السَّادِسَةِ كَانَتْ ظُلْمَةٌ عَلَى كُلِّ الْأَرْضِ إِلَى السَّاعَةِ التَّاسِعَةِ. ۴۶ وَتَحَوُّ السَّاعَةِ التَّاسِعَةِ صَرَخَ يَسُوعُ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ قَائِلًا: «إِيلِي، إِيلِي، لِمَا سَبَقْتَنِي؟» أَيُّ: إِلَهِي، إِلَهِي، لِمَاذَا تَرَكْتَنِي؟ ۴۷ فَقَوْمٌ مِنَ الْوَاقِفِينَ هُنَاكَ لَمَّا سَمِعُوا قَالُوا: «إِنَّهُ يُنَادِي إِيلِيًّا!». ۴۸ وَلِلْوَقْتِ رَكُضَ وَاحِدٌ مِنْهُمْ وَأَخَذَ إِسْفِنْجَةً وَمَلَأَهَا خَلًّا وَجَعَلَهَا عَلَى قَصَبَةٍ وَسَقَاهُ. ۴۹ وَأَمَّا الْبَاقُونَ فَقَالُوا: «اتْرُكْ. لِنَرَى هَلْ يَأْتِي إِيلِيًّا يُخَلِّصُهُ!». ۵۰ فَصَرَخَ يَسُوعُ أَيْضًا بِصَوْتٍ عَظِيمٍ، وَأَسْلَمَ الرُّوحَ. ۵۱ وَإِذَا حِجَابُ الْهَيْكَلِ قَدْ انشَقَّ إِلَى اثْنَيْنِ، مِنْ فَوْقِ إِلَى أَسْفَلِ. وَالْأَرْضُ تَزَلْزَلَتْ، وَالصُّخُورُ تَشَقَّقَتْ، ۵۲ وَالْقُبُورُ تَفْتَحُ، وَقَامَ كَثِيرٌ مِنْ أَجْسَادِ الْقَدِيسِينَ الرَّاقِدِينَ ۵۳ وَخَرَجُوا مِنَ الْقُبُورِ بَعْدَ قِيَامَتِهِ، وَدَخَلُوا الْمَدِينَةَ الْمُقَدَّسَةَ، وَظَهَرُوا لِكَثِيرِينَ. ۵۴ وَأَمَّا قَائِدُ الْمِئَةِ وَالَّذِينَ مَعَهُ يَحْرُسُونَ يَسُوعَ فَلَمَّا رَأَوْا الزَّلْزَلَةَ وَمَا كَانَ، خَافُوا جَدًّا وَقَالُوا: «حَقًّا كَانَ هَذَا ابْنُ اللَّهِ!». ۵۵ وَكَانَتْ هُنَاكَ نِسَاءٌ كَثِيرَاتٌ يَنْظُرْنَ مِنْ بَعِيدٍ، وَهُنَّ كُنَّ قَدْ تَبِعْنَ يَسُوعَ مِنَ الْجَلِيلِ يَخْدُمْنَهُ، ۵۶ وَبَيْنَهُنَّ مَرْيَمُ الْمَجْدَلِيَّةُ، وَمَرْيَمُ أُمُّ يَعْقُوبَ وَيُوسَى، وَأُمُّ ابْنَيْ زَبْدِي.

۴۵ از ساعت ششم تا نهم، تاریکی تمامی آن سرزمین را فرا گرفت. ۴۶ نزدیک ساعت نهم، عیسی با صدای بلند فریاد برآورد: «ایلی، ایلی، لَمَا سَبَقْتَنِي؟» یعنی «ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا واگذاشتی؟» ۴۷ برخی از حاضران چون این را شنیدند، گفتند: «ایلیا را می خواند.» ۴۸ یکی از آنان بی درنگ دوید و اسفنجی آورده، آن را از شراب ترشیده پر کرد و بر سر چوبی نهاد و پیش دهان عیسی برد تا بنوشد. ۴۹ اما بقیه گفتند: «او را به حال خود واگذار تا ببینیم آیا ایلیا به نجاتش می آید؟» ۵۰ عیسی بار دیگر به بانگ بلند فریادی برآورد و روح خود را تسلیم نمود. ۵۱ در همان دم، پرده معبد از بالا تا پایین دو پاره شد. زمین لرزید و سنگها شکافته گردید. ۵۲ قبرها گشوده شد و بدنهای بسیاری از مقدسین که آرمیده بودند، برخاستند. ۵۳ آنها از قبرها به در آمدند و پس از رستاخیز عیسی، به شهر مقدس رفتند و خود را به شمار بسیاری از مردم نمایان ساختند. ۵۴ چون فرمانده سربازان و نفراتش که مأمور نگهبانی از عیسی بودند، زمین لرزه و همه این رویدادها را مشاهده کردند، سخت هراسان شده، گفتند: «براستی او پسر خدا بود.» ۵۵ بسیاری از زنان نیز در آنجا حضور داشتند و از دور نظاره می کردند. آنان از جلیل از پی عیسی روانه شده بودند تا او را خدمت کنند. ۵۶ در میان آنها مریم مجدلیه و مریم مادر یعقوب و یوسف، و نیز مادر پسران زبدي بودند.

٥٧ وَلَمَّا كَانَ الْمَسَاءُ، جَاءَ رَجُلٌ غَنِيٌّ مِنَ الرَّامَةِ اسْمُهُ يُوسُفُ، وَكَانَ هُوَ أَيْضًا تَلْمِيزًا لِيَسُوعَ. ٥٨ فَهَذَا تَقَدَّمَ إِلَى بِيلاطُسَ وَطَلَبَ جَسَدَ يَسُوعَ. فَأَمَرَ بِيلاطُسُ حِينَئِذٍ أَنْ يُعْطَى الْجَسَدُ. ٥٩ فَأَخَذَ يُوسُفُ الْجَسَدَ وَلَفَّهُ بِكَتَّانِ نَقِيٍّ، ٦٠ وَوَضَعَهُ فِي قَبْرِهِ الْجَدِيدِ الَّذِي كَانَ قَدْ نَحَتَهُ فِي الصَّخْرَةِ، ثُمَّ دَخَرَ حَجَرًا كَبِيرًا عَلَى بَابِ الْقَبْرِ وَمَضَى. ٦١ وَكَانَتْ هُنَاكَ مَرْيَمُ الْمَجْدَلِيَّةُ وَمَرْيَمُ الْأُخْرَى جَالِسَتَيْنِ تُجَاهَ الْقَبْرِ. ٦٢ وَفِي الْعَدِّ الَّذِي بَعْدَ الْاسْتِعْدَادِ اجْتَمَعَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالْفَرِيسِيُّونَ إِلَى بِيلاطُسَ ٦٣ قَائِلِينَ: «يَا سَيِّدُ، قَدْ تَذَكَّرْنَا أَنَّ ذَلِكَ الْمُضِلَّ قَالَ وَهُوَ حَيٌّ: إِنِّي بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ أَقُومُ. ٦٤ فَمُرْ بِضَبْطِ الْقَبْرِ إِلَى الْيَوْمِ الثَّالِثِ، لِئَلَّا يَأْتِيَ تَلَامِيذُهُ لَيْلًا وَيَسْرِقُوهُ، وَيَقُولُوا لِلشَّعْبِ: إِنَّهُ قَامَ مِنَ الْأَمْوَاتِ، فَتَكُونَ الضَّلَالَةُ الْأَخِيرَةُ أَشَرَّ مِنَ الْأُولَى!» ٦٥ فَقَالَ لَهُمْ بِيلاطُسُ: «عِنْدَكُمْ حُرَّاسٌ. إِذْهَبُوا وَاضْبُطُوهُ كَمَا تَعْلَمُونَ». ٦٦ فَمَضَوْا وَضَبَطُوا الْقَبْرَ بِالْحُرَّاسِ وَخَتَمُوا الْحَجَرَ.

٥٧ هنگام غروب، مردی ثروتمند از اهالی رامه، یوسف نام، که خود شاگرد عیسی شده بود، ٥٨ نزد پیلاتس رفت و جسد عیسی را طلب کرد. پیلاتس دستور داد به وی بدهند. ٥٩ یوسف جسد را برداشته، در کتانی پاک پیچید ٦٠ و در مقبره‌ای تازه که برای خود در صخره تراشیده بود، نهاد و سنگی بزرگ جلو دهانه مقبره غلتانید و رفت. ٦١ مریم مجدلیه و آن مریم دیگر در آنجا مقابل مقبره نشسته بودند. ٦٢ روز بعد، که پس از 'روز تهیه' بود، سران کاهنان و فریسیان نزد پیلاتس گرد آمده، گفتند: ٦٣ «سرور! به یاد داریم که آن گمراه کننده وقتی زنده بود، می گفت، "پس از سه روز بر خواهم خاست." ٦٤ پس فرمان بده مقبره را تا روز سوم نگهبانی کنند، مبادا شاگردان او آمده، جسد را بدزدند و به مردم بگویند که او از مردگان برخاسته است، که در آن صورت، این فریب آخر از فریب اول بدتر خواهد بود.» ٦٥ پیلاتس پاسخ داد: «شما خود نگهبانان دارید. بروید و آن را چنانکه صلاح می دانید، حفاظت کنید.» ٦٦ پس رفتند و سنگ مقبره را مهر و موم کردند و نگهبانانی در آنجا گماشتند تا از مقبره حفاظت کنند.^٩

^٩ سفر إشعیا: الأصْحَاحُ الثَّالِثُ وَالْخَمْسُونَ * ٥٣: ١-١٢: ١ «مَنْ صَدَقَ خَبَرْنَا، وَلَمَنْ اسْتَعْلَنْتَ ذِرَاعَ الرَّبِّ؟ ٢ نَبَتْ قَدَامَهُ كَفَرْخٌ وَكَعَبْرَقُ مِنْ أَرْضِ يَابَسَةٍ، لَا صُورَةٌ لَهُ وَلَا جَمَالٌ فَتَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَلَا مَنَظَرَ فَنَشْتَهِيهِ. ٣ مُحْتَقَرٌ وَمَخْذُولٌ مِنَ النَّاسِ، رَجُلٌ أَوْجَاعٌ وَمُخْتَبِرُ الْحَزْنِ، وَكُمُسْتَرٍ عَنْهُ وَجُوهُنَا، مُحْتَقَرٌ فَلَمْ نَعْتَدْ بِهِ. ٤ لَكِنْ أَحْزَانُنَا حَمَلَهَا، وَأَوْجَاعُنَا تَحْمَلَهَا. وَنَحْنُ حَسِينَاهُ مُصَابَا مَضْرُوبًا مِنَ اللَّهِ وَمَذْلُولًا. ٥ وَهُوَ مَجْرُوحٌ لِأَجْلِ مَعَاصِينَا، مَسْحُوقٌ لِأَجْلِ آثَامِنَا. تَأْدِيبٌ سَلَامِنَا عَلَيْهِ، وَبَحْبْرُهُ سَفِينَا. ٦ كُلَّنَا كَغَنَمٍ ضَلَلْنَا. لَمَّا كُلُّ وَاحِدٍ إِلَى طَرِيقِهِ، وَالرَّبُّ وَضَعَ عَلَيْهِ إِثْمَ جَمِيعِنَا. ٧ ظَلِمَ أَمَّا هُوَ فَتَذَلَّلَ وَلَمْ يَفْتَحْ فَاةً. كِشَاةٌ تُسَاقُ إِلَى الذَّبْحِ، وَكَنَعَجَةٍ صَامِتَةٍ أَمَامَ جَارِيهَا فَلَمْ يَفْتَحْ فَاةً. ٨ مِنَ الضَّغْطَةِ وَمِنَ الدِّينُونَةِ أَخَذَ. وَفِي جِيلِهِ مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنَّهُ قُطِعَ مِنَ أَرْضِ الْأَحْيَاءِ، أَنَّهُ ضُرِبَ مِنْ أَجْلِ ذَنْبِ شَعْبِي؟ ٩ وَجَعَلَ مَعَ الْأَشْرَارِ قَبْرَهُ، وَمَعَ غَنِيِّ عِنْدَ مَوْتِهِ. عَلَى أَنَّهُ لَمْ يَعْمَلْ ظُلْمًا، وَلَمْ يَكُنْ فِي فَمِهِ غَشٌّ. ١٠ أَمَّا الرَّبُّ فَسَرَّ بِأَنْ يَسْحَقَهُ بِالْحَزْنِ. إِنْ جَعَلَ نَفْسَهُ ذَبِيحَةً إِثْمٌ يَرَى نَسْلًا تَطُولُ أَيَّامُهُ، وَمَسَرَّةَ الرَّبِّ بِيَدِهِ تَنْجَحُ. ١١ مِنْ تَعَبِ نَفْسِهِ يَرَى وَيَشْبَعُ، وَعَبْدِي الْبَارُّ بِمَعْرِفَتِهِ يُبَرِّرُ كَثِيرِينَ، وَأَنَامُهُمْ هُوَ يَحْمِلُهَا. ١٢ لِذَلِكَ أَقْسِمُ لَهُ بَيْنَ الْأَعْزَاءِ وَمَعَ الْعُظَمَاءِ يَقْسِمُ غَنِيمَةً، مِنْ أَجْلِ أَنَّهُ سَكَبَ لِلْمَوْتِ نَفْسَهُ وَأُخْصِيَ مَعَ أَثْمَةٍ، وَهُوَ حَمَلَ خَطِيئَةَ كَثِيرِينَ وَشَفَعَ فِي الْمَذْنِبِينَ.» (١) چه کسی پیام ما را باور کرده، و بازوی خداوند بر که مکشوف گشته است؟ ٢ در حضور او چون نهالی، و همچون ریشه‌ای در زمین خشک خواهد روید. او را نه شکل و شمایل است که بر او بنگریم، و نه ظاهری که

انجیل متی : الأصحاح الثامن والعشرون * ۲۸:۱-۲۰

۱ وَبَعْدَ السَّبْتِ، عِنْدَ فَجْرِ أَوَّلِ الْأُسْبُوعِ، جَاءَتْ مَرْيَمُ الْمَجْدَلِيَّةُ وَمَرْيَمُ الْأُخْرَى لِنَتَنَظُرَ الْقَبْرَ. ۲ وَإِذَا زَلْزَلَةٌ عَظِيمَةٌ حَدَثَتْ، لِأَنَّ مَلَكَ الرَّبِّ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ وَجَاءَ وَدَخَرَجَ الْحَجَرَ عَنِ الْبَابِ، وَجَلَسَ عَلَيْهِ. ۳ وَكَانَ مَنْظَرُهُ كَالْبَرْقِ، وَلِبَاسُهُ أَبْيَضَ كَالثَلْجِ. ۴ فَمِنْ خَوْفِهِ ارْتَعَدَ الْحُرَّاسُ وَصَارُوا كَأَمْوَاتٍ. ۵ فَأَجَابَ الْمَلَكَ وَقَالَ لِلْمَرْأَتَيْنِ: «لَا تَخَافَا أَنْتُمَا، فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّكُمَا تَطْلُبَانِ يَسُوعَ الْمَصْلُوبَ. ۶ لَيْسَ هُوَ هَهُنَا، لَأَنَّهُ قَامَ كَمَا قَالَ! هَلُمَّا انظُرَا الْمَوْضِعَ الَّذِي كَانَ الرَّبُّ مُضْطَجِعًا فِيهِ. ۷ وَادْهَبَا سَرِيعًا قُولَا لِتَلَامِيذِهِ: إِنَّهُ قَدْ قَامَ مِنَ الْأَمْوَاتِ. هَا هُوَ يَسْبِقُكُمْ إِلَى الْجَلِيلِ. هُنَاكَ تَرَوْنَهُ. هَا أَنَا قَدْ قُلْتُ لَكُمْ». ۸ فَخَرَجَتَا سَرِيعًا مِنَ الْقَبْرِ بِخَوْفٍ وَفَرَحٍ عَظِيمٍ، رَاكِضَتَيْنِ لِيُخْبِرَا تَلَامِيذَهُ. ۹ وَفِيمَا هُمَا مُنْطَلِقَتَانِ لِيُخْبِرَا تَلَامِيذَهُ إِذَا يَسُوعُ لاقَاهُمَا وَقَالَ: «سَلَامٌ لَكُمْ». فَتَقَدَّمَتَا وَأَمْسَكَتَا بِقَدَمَيْهِ وَسَجَدَتَا لَهُ. ۱۰ فَقَالَ لَهُمَا يَسُوعُ: «لَا تَخَافَا. اذْهَبَا قُولَا لِاخْوَتِي أَنْ يَذْهَبُوا إِلَى الْجَلِيلِ، وَهُنَاكَ يَرَوْنَنِي».

۱ بعد از شبّات، در سپیده دم (یکشنبه) نخستین روز هفته، مریم مجدلیّه و آن مریم دیگر به دیدن مقبره رفتند. ۲ ناگاه زمین لرزه ای شدید رخ داد، زیرا فرشته خداوند از آسمان نازل شد و به سوی مقبره رفت و سنگ را از برابر آن به کناری غلتانید و بر آن بنشست. ۳ چهره آن فرشته همچون برق آسمان می درخشید و جامه اش چون برف، سفید بود. ۴ نگهبانان از هراس دیدن او به لرزه افتاده، چون مردگان شدند! ۵ آنگاه فرشته به زنان گفت: «هراسان مباشید! می دانم که در جستجوی عیسی مصلوب هستید. ۶ او اینجا نیست،

مشتاقش باشیم. ۳ خوار و مردود نزد آدمیان، مرد درد آشنا و رنج دیده. چون کسی که روی از او بگردانند، خوار گشت و به حسابش نیاوردیم. ۴ حال آنکه رنجهای ما بود که او بر خود گرفت و دردهای ما بود که او حمل کرد، اما ما او را از جانب خدا مضروب، و از دست او مصدوم و مبتلا پنداشتیم. ۵ حال آنکه به سبب نافرمانیهای ما بدش سوراخ شد، و به جهت تقصیرهای ما له گشت؛ تأدیبی که ما را سلامتی بخشید بر او آمد، و به زخمهای او ما شفا می یابیم. ۶ همه ما چون گوسفندان، گمراه شده بودیم، و هر یک از ما به راه خود رفته بود، اما خداوند تقصیر جمیع ما را بر وی نهاد. ۷ آزار و ستم دید، اما دهان نگشود؛ همچون بره ای که برای ذبح می برند، و چون گوسفندی که نزد پشم برنده اش خاموش است، همچنان دهان نگشود. ۸ با محاکمه ای ظالمانه برده شد؛ چه کسی از نسل او سخن تواند گفت، زیرا او از زمین زندگان منقطع شد، و به سبب نافرمانی قوم من مضروب گردید؟ ۹ گرچه هیچ ظلمی نورزید، و فریبی در دهانش نبود، قبرش را با شریران و مرگش را با اغیا تعیین کردند. ۱۰ اما خواست خداوند این بود که او را له کرده، به دردها مبتلا سازد. چون جان خود را قربانی گناه ساخت، نسل خود را خواهد دید و عمرش دراز خواهد شد، و اراده خداوند به دست وی به انجام خواهد رسید. ۱۱ ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد. بنده پارسای من به معرفت خود سبب پارسای بسیاری خواهد گردید، زیرا گناهان ایشان را بر خویشان حمل خواهد کرد. ۱۲ بنابراین من نیز او را در میان بزرگان نصیب خواهم داد، و غنیمت را با زور آوران تقسیم خواهد کرد. زیرا جان خویش را به کام مرگ ریخت، و از خطاکاران شمرده شد؛ او گناهان بسیاری را بر دوش کشید، و برای خطاکاران شفاعت می کند. کتاب اشعیا، اصحاح ۵۳.

زیرا همان گونه که فرموده بود، برخاسته است! بیایید و جایی را که او خوابیده بود، ببینید، ۷ سپس بی درنگ بروید و به شاگردان او بگویید که "او از مردگان برخاسته است و پیش از شما به جلیل می رود و در آنجا او را خواهید دید." اینک به شما گفتم! ۸ پس زنان با هراسی آمیخته به شادی عظیم، بی درنگ از مقبره روانه شدند و به سوی شاگردان شتافتند تا این واقعه را به آنان خبر دهند. ۹ ناگاه عیسی با ایشان روبه رو شد و گفت: «سلام بر شما باد!» زنان پیش آمدند و بر پایهای وی افتاده، او را سجده کردند. ۱۰ آنگاه عیسی به ایشان فرمود: «مترسید! بروید و به برادرانم بگویید که به جلیل بروند. در آنجا مرا خواهند دید.»

۱۱ وَفِيمَا هُمَا ذَاهِبَتَانِ إِذَا قَوْمٌ مِنَ الْخُرَّاسِ جَاءُوا إِلَى الْمَدِينَةِ وَأَخْبَرُوا رُؤَسَاءَ الْكَهَنَةِ بِكُلِّ مَا كَانَ. ۱۲ فَاجْتَمَعُوا مَعَ الشُّيُوعِ، وَشَاوَرُوا، وَأَغْطُوا الْعَسْكَرَ فِضَّةً كَثِيرَةً ۱۳ قَائِلِينَ: «قُولُوا إِنَّ تَلَامِيذَهُ أَتَوْا لَيْلًا وَسَرَقُوهُ وَتَحْنُ نِيَامٌ. ۱۴ وَإِذَا سَمِعَ ذَلِكَ عِنْدَ الْوَالِي فَنَحْنُ نَسْتَغْطِفُهُ، وَنَجْعَلُكُمْ مُطْمَئِنِّينَ». ۱۵ فَأَخَذُوا الْفِضَّةَ وَفَعَلُوا كَمَا عَلَّمُوهُمْ، فَشَاعَ هَذَا الْقَوْلُ عِنْدَ الْيَهُودِ إِلَى هَذَا الْيَوْمِ.

۱۱ هنگامی که زنان در راه بودند، عده ای از نگهبانان به شهر رفته، همه وقایع را به سران کاهنان گزارش دادند. ۱۲ آنها نیز پس از دیدار و مشورت با مشایخ، به سربازان پول زیادی داده، ۱۳ گفتند: «بگویید، "شاگردان او شبانه آمدند و هنگامی که ما در خواب بودیم، جسد او را دزدیدند." ۱۴ و اگر این خبر به گوش والی برسد، ما خود او را راضی خواهیم کرد تا برای شما مشکلی ایجاد نشود.» ۱۵ پس آنها پول را گرفتند و طبق آنچه به آنها گفته شده بود عمل کردند. و این داستان تا به امروز در میان یهودیان شایع است.

۱۶ وَأَمَّا الْأَخَذَ عَشَرَ تَلْمِيزًا فَانْطَلَقُوا إِلَى الْجَلِيلِ إِلَى الْجَبَلِ، حَيْثُ أَمَرَهُمْ يَسُوعُ. ۱۷ وَلَمَّا رَأَوْهُ سَجَدُوا لَهُ، وَلَكِنْ بَعْضُهُمْ شَكَّوْا. ۱۸ فَتَقَدَّمَ يَسُوعُ وَكَلَّمَهُمْ قَائِلًا: «دْفِعْ إِلَيَّ كُلُّ سُلْطَانٍ فِي السَّمَاءِ وَعَلَى الْأَرْضِ، ۱۹ فَادْهَبُوا وَتَلْمِزُوا جَمِيعَ الْأُمَمِ وَعَمِّدُوهُمْ بِاسْمِ الْآبِ وَالابْنِ وَالرُّوحِ الْقُدُسِ. ۲۰ وَعَلَّمُوهُمْ أَنْ يَحْفَظُوا جَمِيعَ مَا أَوْصَيْتُكُمْ بِهِ. وَهَا أَنَا مَعَكُمْ كُلَّ الْيَامِ إِلَى انْقِضَاءِ الدَّهْرِ». آمِينَ.

۱۶ آنگاه آن یازده شاگرد به جلیل، بر کوهی که عیسی به ایشان فرموده بود، رفتند. ۱۷ چون در آنجا عیسی را دیدند، او را سجده کردند. اما بعضی شک کردند. ۱۸ آنگاه عیسی نزدیک آمد و به ایشان فرمود: «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من سپرده شده است. ۱۹ پس بروید و همه قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید ۲۰ و به آنان تعلیم دهید که هر آنچه به شما فرمان داده ام، به جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این عصر با شما خواهم بود!». ان شاء الله

پیوست کتاب: حقیقت داستان عیسی (علیه السلام)

سؤال / ۱۷۹ متشابهاً: حقیقت داستان عیسی (علیه السلام) چیست و چگونه بر آنان مشتبه شد؟ خداوند متعال می‌فرماید: (وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا) (النساء ۱۵۷) (و سخن آنان این بود که ما عیسی ابن مریم، پیامبر خدا را کشتیم در حالی که او را نکشتند و بر صلیب نبردند بلکه بر آنان این قضیه مشتبه شد. و آنان که در او اختلاف کردند در تردید نسبت او هستند، هرگز برای آنان علمی نسبت به آن نیست جز تبعیت از گمان و او را یقیناً نکشتند)؟

جواب :

عیسی (علیه السلام) در شبی که در آن به سوی خدا می‌رفت، حواریون را جمع کرد و همه به جز یهودا که برای لو دادن عیسی (علیه السلام) به نزد علمای یهود رفته بود، به نزد او حاضر شدند. یهودا به سمت مرجع اعلای یهود رفت و خواست عیسی (علیه السلام) را به آنان تسلیم نماید. و بعد از نیمه شب که حواریون خوابیدند، خدا عیسی (علیه السلام) را بالا برد و شبیه او را فرو فرستاد و او بر صلیب رفت و در حقیقت محافظ عیسی (علیه السلام) و فدای او شد و این شبیه از اوصیای آل محمد (صلی الله علیه و آله) بود. آری او بر صلیب کشیده شد و کشته شد و عذاب سختی را تحمل نمود و همه اینها برای قضیه امام مهدی (علیه السلام) بود. عیسی (علیه السلام) بر صلیب نرفت و کشته نشد بلکه بالا برده شد و خدا او را از دست یهود و علمای گمراه و گمراه کننده آنها که لعنت خدا بر آنان باد، رها نمود. خدای متعال فرمود: «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ»؛ (و سخن آنان این بود که ما عیسی ابن مریم، پیامبر خدا را کشتیم در حالی که او را نکشتند و بر صلیب نبردند بلکه بر آنان این قضیه مشتبه شد).^{۱۰}

و در روایتی از تفسیر علی بن ابراهیم از امام باقر (علیه السلام) آمده است: «إن عيسى (ع) وعد أصحابه ليلة رفعه الله إليه فاجتمعوا عند المساء، وهم اثنا عشر رجلاً فأدخلهم بيتاً ثم خرج عليهم من عين في زاوية البيت وهو ينفذ رأسه من الماء، فقال إن الله رافعي إليه الساعة ومطهري من اليهود فأيكم يلقي عليه شبحي فيقتل ويصلب ويكون معي في درجتي قال شاب منهم أنا يا روح الله قال فأنت هو ذا ... ثم قال (ع) : إن اليهود جاءت في طلب عيسى (ع) من ليلتهم ... وأخذوا الشاب الذي ألقى عليه شبح عيسى (ع) فقتل و صلب»؛ (همانا عیسی (علیه السلام) در شب صعودش حواریون را جمع کرد پس در هنگام عصر، به نزد او آمدند و آنان دوازده تن بودند پس

^{۱۰} عیسی (ع) في الليلة التي رفع فيها واعد حواريه، فحضروا عنده إلا يهوذا الذي دل علماء اليهود على عيسى (ع)، فقد ذهب إلى المرجع الأعلى لليهود، وقايعه على تسليم عيسى (ع) لهم. وكان بعد منتصف الليل أن نام الحواريون، وبقي عيسى (ع)، فرفعه الله، وأنزل (شبيهه الذي صلب وقتل)، فكان درعاً له وفداءً، وهذا الشبيه هو من الأوصياء من آل محمد (ع)، صلب وقتل وتحمل العذاب لأجل قضية الإمام المهدي (ع). وعيسى (ع) لم يصلب ولم يقتل، بل رُفِعَ فنجاه الله من أيدي اليهود وعلمائهم الضالين المضلين (لعنهم الله).

آنان را وارد خانه‌ای کرد سپس از گوشه خانه بر آنان وارد شد، در حالی که سرش خیس آب بود. و گفت: همانا خدا مرا در این ساعت به سوی خودش بالا می‌برد و از یهود پاکیزه می‌سازد. پس کدامتان حاضر است که شبیه من شود و کشته شود و بر صلیب رود و هم درجه من باشد. جوانی از آنان گفت من ای روح الله! عیسی علیه السلام گفت: پس تو همانی ... سپس گفت: همانا یهود همان شب، در طلب عیسی علیه السلام آمدند و آن جوان که شبیح عیسی در او بود را گرفتند و او کشته شد و بر صلیب رفت).^{۱۱}

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: (اجتمع اثنا عشر) دوازده تن جمع شدند در حالی که آنان که از حواریون آمدند یازده تن بیشتر نبودند. آری یهودا نیامده بود و به نزد علمای یهود رفته بود تا عیسی علیه السلام را تسلیم کند. و این از متواتراتی است که قابل انکار نیست پس دوازدهمی که آمد یا از آسمان نازل شد، وصیی از اوصیای آل محمد صلی الله علیه و آله بود؛ و او بود که پس از آن که شبیه عیسی علیه السلام گردید، کشته شد و بر صلیب رفت. و آخرین کلمات این وصی در هنگام بر صلیب کشیدنش این بود: «ایلیا، ایلیا لما شبقتنی»؛ (ایلیا ایلیا چرا مرا فرستادی؟) و در انجیل متی آمده است:

«... عیسی با صدای بلند فریاد کرد ای ایلیا! ای ایلیا! چرا مرا فرستادی؟ یعنی خدایا! خدایا! چرا مرا رها کردی؟ پس عده‌ای از آنان که در آنجا ایستاده بودند گفتند: ایلیا را صدا می‌کند... و بقیه گفتند: صبر کنید ببینیم آیا ایلیا برای کمکش خواهد آمد؟ پس عیسی فریادی بلند کشید و جان به جان آفرین بخشید. و در آن هنگام پرده هیکل از بالا به پایین دو قسمت شد و زمین به لرزه افتاد و صخره‌ها شکافت...».^{۱۲}

در حقیقت ترجمه این کلمات این است: «یا علی یا علی لماذا أنزلتني»؛ (ای علی! ای علی! چرا مرا فرستادی؟) و مسیحیان آن را ترجمه می‌کنند: «إلهی، إلهی لماذا ترکتنی»؛ (الهی! الهی چرا مرا فرستادی؟) همانگونه که از نص سابق انجیل فهمیدی. و فرو آمدن از آسمان بر زمین نزدیک است که به پایان رسد. و این وصی این کلمات را به دلیل جهلش از علت فرو فرستاده شدنش یا برای اعتراض بر خواست خدای سبحان و متعال نگفت. بلکه این سوالی بود که جوابش در درونش پنهان است و آن را به مردم عرضه کرد تا بفهمند و بشناسند که چرا فرود آمدم و چرا بر صلیب شدم و چرا کشته شدم تا دوباره در امتحانی دیگر شکست نخورند؛ آنگاه که نفس این سوال دوباره پرسیده می‌شود. پس آن هنگام که رومیان یا مانند آنان زمین را اشغال کردند و علمای یهود یا مانند آنان در برابر اشغالگران سستی نمودند، من در

^{۱۱} قصص الأنبياء للجزائري: ص ۴۷۳ - تفسیر القمی: ج ۱ ص ۱۰۳، بحار الأنوار: ج ۱۴ ص ۳۳۶-۳۳۷

^{۱۲} انجیل متی: إصحاح / ۲۷

آن زمین خواهم بود و این سنت الهی تکرار می‌شود. پس عبرت بگیرید و آن گاه که از شما خواستم، یاریم کنید، و بار دیگر در بر صلیب کردن و کشتنم، یاری نرسانید!

او می‌خواست که با این سوال روشن که برای هر عاقل پاک سرشتی جواب آن معلوم است، بگوید: بر صلیب شدم و رنج اهانت‌های یهود را پذیرفتم و کشته شدم و همه اینها برای قیامت صغری یا قیام امام مهدی علیه السلام و دولت حق و عدل الهی بر این زمین، بود.^{۱۳}

و این وصی آنگاه که علمای یهود و حاکم روم از او می‌پرسدند آیا تو پادشاه یهودی؟ پاسخ می‌دهد: تو می‌گویی یا شما می‌گویید یا آنان می‌گویند که من پادشاه یهودم. دقت کنید چرا جواب نداد بلکه من پادشاه یهودم؟ و جوابی که ذکر شد برای آنکه حقیقت را نداند بسیار غریب است و اکنون این حقیقت آشکار شد. چرا نگفت من پادشاه یهودم؟ زیرا او پادشاه حقیقی یهود نبود بلکه پادشاه حقیقی یهود، عیسی علیه السلام بود که به سمت خدا بالا رفت و او فقط شبیهی بود که به جای عیسی علیه السلام آمد تا بر صلیب رود و کشته شود. و این عین نص جواب اوست آنگاه که گرفتار شد:

(پس رئیس کاهنان به او گفت: تو را به خدا سوگند می‌دهم آیا تویی مسیح؟ عیسی جواب داد: تو می‌گویی...) (انجیل متی: اِصحاح ۲۶) (پس عیسی رو در روی والی ایستاد و والی به او گفت آیا تو پادشاه یهودی؟ و عیسی جواب داد: تو می‌گویی...) (انجیل متی: اِصحاح ۲۷) (بیلاطس از او پرسید آیا تو پادشاه یهودی؟ پس پاسخ داد که تو می‌گویی..) (انجیل مرقس: اِصحاح ۱۵) (جماعت به او گفت آیا تو مسیحی؟ و او پاسخ داد شما می‌گویید که من او هستم...) (انجیل لوقا: اِصحاح ۲۲)

(سپس بیلاطس نیز وارد کاخ شد و عیسی را خواند و به او گفت آیا تو پادشاه یهودی؟ * عیسی جواب داد آیا تو خودت این سوال را می‌پرسی یا دیگران درباره من به تو اینگونه گفته‌اند * بیلاطس جواب داد مگر من یهودی هستم. امت و رؤسایت تو را به من تحویل داده‌اند، اکنون چه می‌کنی؟ * عیسی جواب داد مملکت من در این دنیا نیست که اگر مملکت من در این دنیا بود، یارانم مجاهدت می‌کردند تا تسلیم یهود نشوم ولی مملکت من اینجا نیست * بیلاطس به او گفت آیا واقعا

^{۱۳} أي افهموا واعرفوا لماذا نزلت ولماذا صلبتُ، ولماذا قُتلتُ، لكي لا تفشلوا في الامتحان مرة أخرى، إذا أعيد نفس السؤال، فإذا رأيتم الرومان (أو أشباههم) يحتلون الأرض، وعلماء اليهود (أو أشباههم) يداهنونهم، فسأكون في تلك الأرض فهذه سنة الله التي تتكرر، فخذوا عبرتكم وانصروني إذا جئت ولا تشاركوا مرة أخرى في صليبي وقتلي. كان يريد أن يقول في جواب السؤال البين لكل عاقل نقى الفطرة: صُلبتُ وتحملتُ العذاب وإهانات علماء اليهود، وقُتلتُ لأجل القيامة الصغرى، قيامة الإمام المهدي (ع)، ودولة الحق والعدل الإلهي على هذه الأرض

تو پادشاهی؟ عیسی جواب داد تو می گویی من پادشاه یهودم. برای این متولد شدم و به سوی عالم آمدم که برای حق شهادت دهم...» (انجيل یوحنا: إصحاح / ۱۸)

و در این نص آخر آن وصی مشخص می کند که از اهل زمین در آن زمان نیست و برای امر مهمی فرود آمده است و آن فدا شدن به جای عیسی عليه السلام است. همان گونه که می بینی این وصی می گوید: (مملکت من در این دنیا نیست)، (ولی مملکت من اینجا نیست)، (بدین خاطر به این عالم آمدم که به حق شهادت دهم).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «قال ينزل عيسى ابن مريم (ع) عند انفجار الصبح مابين مهرودين وهما ثوبان أصفران من الزعفران، أبيض الجسم، أصهب الرأس، أفرق الشعر، كأن رأسه يقطر دهنًا، بیده حربة، يكسر الصليب ويقتل الخنزير ويهلك الدجال ويقبض أموال القائم ويمشي خلفه أهل الكهف، وهو الوزير الأيمن للقائم وحاجبه ونائبه، ويبسط في المغرب والمشرق الأمن من كرامة الحجة بن الحسن (ع)؛» (عیسی عليه السلام در هنگام صبح فرود می آید در حالی که بین دو لباس زرد رنگ از زعفران است بدنش سفید، سرش شانه شده و فرق وسط آن باز شده است و بر سرش روغن زده است. وسیله جنگی بر دست دارد در این حال صلیب را می شکند و خوگ را می کشد و دجال را به قتل می رساند و اموال قائم را از ستمگران می ستاند. در پشت عیسی عليه السلام اصحاب کهف قرار دارند و او وزیر قائم است و حاجب و وصی اوست و از کرامت حجت بن الحسن عليه السلام در شرق و غرب عالم امنیت را برقرار می کند.^{۱۴}

و از أمير المؤمنين علی بن ابی طالب عليه السلام روایت شده: «... ويعود دار الملك إلى الزوراء وتصير الأمور شوری من غلب على شيء فعله، فعند ذلك خروج السفیانی فیركب في الأرض تسعة أشهر يسومهم سوء العذاب فویل لمصر وویل للزوراء وویل للكوفة والویل لواسط کأنی انظر إلى واسط وما فیها مخبر یخبر وعند ذلك خروج السفیانی ویقل الطعام ویقحط الناس ویقل المطر فلا أرض تنبت ولا سماء تنزل، ثم یرج المهدی الهادی المهتدی الذی یأخذ الراية من ید عیسی بن مریم ۰۰۰»؛ (... و مقرر حکومت (بنی عباسیان) به زوراء برخواهد گشت، و کارها بوسیله شورا انجام خواهد شد، هرکسی بر چیزی غالب شود آن را انجام می دهد. در آن هنگام سفیانی خروج می کند، و به مدت نه ماه در زمین گردش می کند، و مردم را به بدترین عذابها معذب می کند، وای بر مردم مصر و بغداد و کوفه و واسط کأن من بواسط و اتفاقات آن نظر می کنم، در آن هنگام که سفیانی خروج کند طعام و غذا کمیاب و مردم دچار قحط خواهند شد و باران کم می شود

نه زمینی خواهد بود که گیاهی برویاند و نه آسمانی است که بارانی فرو ریزد، بعد از آن، مهدی هدایت کننده و هدایت شده خروج می کند و پرچم را از دست عیسی بن مریم علیه السلام می گیرد،^{۱۵}.

و احادیث بسیاری است که نشان می دهند عیسی علیه السلام بر صلیب نرفت و کشته نشد بلکه شبیه عیسی علیه السلام بر صلیب رفت و کشته شد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «رفع عیسی ابن مریم (ع) بمدرعة من صوف من غزل مریم (ع) ومن خیاطة مریم، فلما انتهى إلى السماء نودي يا عیسی بن مریم ألق عنك زينة الدنيا»؛ (عیسی علیه السلام با لباسی از پشم و لطیف که مریم علیها السلام دوخته بود، صعود کرد پس آنگاه که به آسمان رفت و به انتهای مسیرش رسید، ندا آمد که ای عیسی! زینت دنیا را از تن به در کن).^{۱۶}

امام رضا علیه السلام فرمود: «ما شُبِّهَ أمر أحد من أنبياء الله وحججه (ع) للناس إلا أمر عیسی بن مریم (ع) وحده، لأنه رفع من الأرض حياً وقُبض روحه بين السماء والأرض ثم رفع إلى السماء و رُدَّ إليه روحه وذلك قوله عزوجل: (إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِي مَتُوفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ)»؛ (امر هیچکدام از انبیا و اوصیا مانند عیسی علیه السلام شبیه آور نبود؛ زیرا او زنده از زمین رفع شد و روحش بین آسمان و زمین گرفته شد، سپس به آسمان (ی دیگر) بالا برده شد و روحش مجدد به او بازگشت و این سخن خدای عزیز و جلیل است: «ای عیسی همانا من تو را به طور کامل باز می گیرم و تو را به سوی خود بالا می برم»^{۱۷}).

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «عیسی (ع) لم يمِتْ وإنه راجعٌ إليكم قبل يوم القيامة»؛ (عیسی علیه السلام نمرده است و پیش از قیامت به سوی شما باز می گردد).^{۱۸}

توجه کنید که عیسی علیه السلام نبی مرسل بود و از خدای سبحان و متعال خواست که از بر صلیب شدن و عذاب و کشته شدن، معاف گردد و خدای سبحان و متعال دعای نبی مرسل را هرگز رد نمی کند پس خدا اجابتش کرد و او را بالا برد و وصیی فرستاده شد و به جای عیسی علیه السلام بر صلیب رفت و کشته شد و در انجیل متنهای بسیاری است که در آن عیسی علیه السلام دعا می کند که بر صلیب نشود و کشته نگردد.

(سپس کمی جلو رفت و به سجده افتاد و در حال نماز گفت ای پدرم! اگر ممکن است این رنج را از من برگیر...) (متی: ۲۶) (سپس کمی جلو رفت و به سجده افتاد و در حال نماز دعا کرد که اگر ممکن است سرنوشتش تغییر کند و گفت ای پدر پدران! همه چیز مطیع توست. پس این رنج بر

^{۱۵} الملاحم و الفتن - السيد ابن طاووس حسنی ص ۱۳۴

^{۱۶} بحار الانوار جلد ۱۴ ص ۳۳۸

^{۱۷} قصص الانبیا للجزایری ص ۴۷۴

^{۱۸} بحار الانوار جلد ۱۴ ص ۳۴۴

صليب شدن را از من برگیر... (مرقس: ١٤) (پس از سنگ پراکنی يهود از آنان جدا شد و بر پا و سر به سجده افتاد و نماز خواند * و گفت ای پدر! اگر بخواهی می توانی رنج بر صليب شدن را از من بگیری) (لوقا: ٢٢)

در تورات سفر إشعيا و در انجيل اعمال الرسل اصحاب هشتم این نص آمده است: « ... مثل شاة سيق إلى الذبح، ومثل خروف صامت أمام الذي يجزره هكذا لم يفتح فاه... »؛ (مانند گوسفندی مطیع به سمت ذبح رفت و مانند گوسفند در برابر آن که او را می کشید، ساکت بود و دهان باز نکرد).

و این در حالی است که همه انبیا و اوصیا و مرسلین تکلم کردند و هیچکدام ساکت به سمت ذبح شدن نرفت. بلکه آنان فرستاده شدند تا با مردم تکلم کنند و به آنان هشدار و پند دهند و عیسی ﷺ چه بسیار به مردم و علما هشدار داد و پندشان داد و درست نیست که او ساکت و صامت به سمت کشته شدن برود. آری آن که ساکت و صامت به سمت ذبح شدن رفت، وصیی شبیه عیسی ﷺ بود که بر صليب رفت و کشته شد بدون آن که سخنی بگوید یا بدون آنکه از خدا بخواهد تا عذاب و صليب و کشته شدن را از او برگیرد بلکه وقتی مردم اصرار کردند که خودش را معرفی کند و به او گفتند آیا تو مسیحی؟ جز یک عبارت پاسخ آنان را نداد که: (شما می گوید...!).

و به این ترتیب ساکت و راضی به خواست خدا به سمت عذاب و صليب و قتل رفت تا دستوری که از خدا رسیده بود را به انجام برساند و او بود که به جای عیسی ﷺ بر صليب رفت و کشته شد. و این برای آن بود که در آن زمان اصلاً وقت او نبود و اصلاً موقعی نبود که او بیاید و با مردم سخن بگوید و برای آنان پیام آوری کند. آری مانند گوسفندی ساکت و صامت به سمت ذبح رفت بدون آن که دهانش را بگشاید. امیدوارم که هر مومنی از این مطلب استفاده لازم را برده باشد و ببیند که این انسان به سمت زمین آمد، بر صليب رفت و کشته شد و کسی نبود که شناخته شود و نخواست که از او یاد شود یا شناخته گردد. آرام و ساکت آمد و آرام و ساکت بر صليب شد و آرام و ساکت کشته شد و آرام و ساکت به سمت پروردگارش بالا رفت. پس اگر شما هم می توانید اینگونه باشید، اینگونه عمل کنید.^{١٩}

^{١٩} أرجو أن يستفيد كل مؤمن يريد معرفة الحقيقة من هذا الموقف، فهذا الإنسان نزل إلى الأرض، وصلب وقُتل ولا أحد يعرف، لم يطلب أن يُذكر أو أن يُعرف، نزل صامتاً، وصلب صامتاً، وقُتل صامتاً، وصعد إلى ربه صامتاً، هكذا إن أردتم أن تكونوا فكونوا.



گردآوری و تنظیم:

صادق شکاری

رجب ۱۴۴۱ ه.ق

<http://sadeghshekari.com>

جهت آشنایی با دعوت سید احمد الحسن عليه السلام به تارنمای زیر مراجعه نمایید:

<https://www.almahdyoon.co>

مطالب مرتبط :

دانلود کتاب مقدس: تورات و انجیل (عهد قدیم و جدید)

ادله دعوت امام احمد الحسن برای مسیحیان

کتاب سیزدهمین حواری

کتاب وصی در تورات، انجیل و قرآن

کتاب نامه هدایت